برآورد استراتژیک پاکستان

جلد اول

سرزمینی - سیاسی



مفاهیم اساسی در روابط بین‌الملل

نوواقع‌گرایی، نظریهٔ انتقادی و مکتب برسازی

ویراستهٔ
اَندرو لینکلیتر

ترجمهٔ
علیرضا طیّب

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
تهران - بهار ۱۳۸۹

فهرستنویسی پیش از انتشار

سرشناسه: لینکلیتر، اندرو، ۱۹۴۹ ـ م. Linklater, Andrew

عنوان و پدیدآور: نوواقع‌گرایی، نظریهٔ انتقادی و مکتب برسازی / اندرو لینکلیتر؛ ترجمه علیرضا طیب؛ [برای] دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (وزارت امور خارجه)

مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: هفت، ۶۱۱ ص

فروست: مفاهیم اساسی در روابط بین‌الملل / دبیر مجموعه و ویراستار علمی: غلامرضا علی‌بابایی

شابک: 978-964-361-352-5

بها: ۷۲۰۰۰ ریال

یادداشت: فیپا.

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: Neo-realism, Critical Theory and Constructivism

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه فصلی از کتاب International Relations: Critical Concepts in Political Science

یادداشت: نمایه ـ واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: روابط بین‌المللی ـ فلسفه.

شناسه افزوده: لینکلیتر، اندرو، ۱۹۴۹ ـ م. Linklater, Andrew

شناسه افزوده: طیب، علیرضا، ۱۳۳۹ ـ مترجم.

شناسه افزوده: علی‌بابایی، غلامرضا، ۱۳۲۹ ـ ویراستار.

شناسه افزوده: ایران. وزارت امور خارجه. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

شناسه افزوده: ایران. وزارت امور خارجه. مرکز چاپ و انتشارات.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۵ ۹ن ۹ل / JZ ۱۳۰۵

رده‌بندی دیویی: ۳۲۷/۱۰۱

شماره کتابخانه ملی: ۵۰۷۲۵-۸۵م

مفاهیم اساسی در روابط بین‌الملل (۲-۴)

دبیر مجموعه و ویراستار علمی: *غلامرضا علی‌بابایی*

عنوان: نوواقع‌گرایی، نظریهٔ انتقادی و مکتب برسازی

ویراستهٔ آندرو لینکلیتر

ترجمهٔ علیرضا طیب

چاپ اول: بهار ۱۳۸۶، چاپ دوم: بهار ۱۳۸۹

تعداد: ۵۰۰ جلد

طرح روی جلد: فرنوش دولتی

صفحه‌آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: مینی سیتی، میدان شهید محلاتی، خیابان نخل، خیابان وزارت امور خارجه

تلفن: ۵-۲۲۴۷۲۷۳۲، دورنگار: ۲۲۴۷۲۷۳۶

فروشگاه مرکزی: میدان انقلاب، اول کارگر شمالی، پاساژ البرز، شماره ۱۱

تلفن: ۲۹-۶۶۴۲۹۰۲۸

فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان شهید باهنر، خیابان شهید آقایی

صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۷۴۶، تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲

فروشگاه شماره ۳: تهران، انتهای خیابان شهید باهنر، میدان شهید باهنر، تلفن: ۷۱-۲۲۲۹۲۲۷۰

فروشگاه اینترنتی: www.mofa.ir

دیباچه

مجموعهٔ حاضر متضمن مقالات بسیار مهمّی در پهنهٔ ادبیات روابط بین‌الملل در قرن بیستم است که در طول پنجاه سال در این زمینه نگاشته شده و توسط اَندرو لینکلیتر که خود ید طولائی در این رشته دارد، تدوین و ویرایش شده است. انجام این مهمّ توسط انتشارات معروف راتلج صورت گرفته است. ویراستار متن اصلی با وسواس مثال‌زدنی از میان هزاران مقالهٔ موجود در این زمینه اقدام به پالایش مطالب نموده و معتبرترین آنها را برای مجموعهٔ حاضر برگزیده است.

در ترجمهٔ فارسی تلاش فراوانی صورت گرفته است تا ضمن هماهنگی مترجمان با یکدیگر و رعایت امانت، مجموعه‌ای در خور اساتید، کارشناسان و صاحبنظران فنّ فراهم آید و در اختیار آنان قرار گیرد. امید که مقبول افتد.

غلامرضا علی‌بابایی

دبیر مجموعه و ویراستار علمی

سخن ناشر

انتشار مجموعه مفاهیم اساسی در روابط بین الملل مرهون حمایت و کوشش گروهی است. جا دارد تا به سهم خود از آقای دکتر جواد منصوری مشاور وزیر و مدیرکل مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، آقای سید اصغر قریشی معاون مدیرکل و رئیس کتابخانه تخصصی؛ اعضاء محترم شورای کتاب؛ مسئولان ارجمند دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی؛ رئیس و همکاران مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه بخصوص سرکار خانم مریم افروخته که امر خطیر صفحه آرایی را برعهده داشته اند؛ همچنین از سرکار خانم دکتر حمیرا مشیرزاده عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و آقای غلامرضا علی بابایی دبیر مجموعه و ویراستار علمی آن تشکر و سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

پیوست‌ها:

نوواقع گرایی، نظریهٔ انتقادی

و

مکتب برسازی

درآمد

نوواقع‌گرایی روایتی قدرتمند از واقع‌گرایی است که می‌گوید تا وقتی نظام بین‌الملل اقتدارگریز باشد کشمکش بر سر قدرت و امنیت ادامه خواهد داشت. نوواقع‌گرایی ریشه‌نگرانه‌ترین نقدها را بر پروژه‌های اصلاح‌طلبانه در سیاست بین‌الملل وارد ساخته است. از همین رو شگفت‌آور نیست که این مکتب آماج اصلی حملهٔ کسانی قرار گرفته است که چارچوب ذهنی‌شان اصلاح‌طلبانه یا انتقادی است.

ادعای رابرت کاکس دایر بر اینکه «دانش و آگاهی همواره برای کسی و برای مقصودی است» مرحلهٔ تازه‌ای را در نظریهٔ روابط بین‌الملل مشخص می‌سازد. کاکس نوواقع‌گرایی را رویکردی محافظه‌کارانه و مشکل‌گشا می‌دانست که می‌خواهد بفهمد دولتها چگونه می‌توانند نظم و ثبات را تأمین نمایند. ولی به گفتهٔ او این خواست نمایانگر اولویتهای قدرتمندترین دولتها و نیروهای اجتماعی در نظام جهانی است. کاکس از رویکردی انتقادی دفاع می‌کرد که به امکان برقراری نظم جهانی تازه‌ای علاقه‌مند باشد که خود بتواند منافع گروههای تهیدست و به حاشیه رانده شده را به ویژه ولی نه فقط در جهان سوم برآورده سازد.

این احساسات تا اندازهٔ زیادی بازتاب ملاحظات مارکسیستی بود و محققان را به کندوکاو عمیق‌تری دربارهٔ شرایط اجتماعی تولید آگاهی و منافع بخشهایی که مورد پشتیبانی قرار می‌داد تشویق کرد؛ به شک کردن دربارهٔ همهٔ تلاشهایی راه می‌برد که برای به دست دادن تفسیری راستین از جهان «خارج» صورت می‌گرفت. در چالش جدید با نوواقع‌گرایی و در بحث پرسابقه بر سر یافت‌باوری یکی از مسائل بسیار مهم، امکان‌پذیری یا امکان‌ناپذیری جدا ساختن فاعل شناسایی از جهان «خارج» است.

آنچه مباحثهٔ سوم نام گرفته است در آغاز، مجادله‌ای بین واقع‌گرایی و منتقدانش بود ولی دامنهٔ این بحث خیلی زود گسترش یافت و اختلافات میان دیدگاههای مختلف

انتقادی را نیز دربرگرفت. از میان این دیدگاهها پسانوگرایی و زن‌باوری در گشودن مسیرهای تحقیقاتی جدیدی برای بررسی روابط بین‌الملل از نفوذ خاصی برخوردار بوده‌اند.

محرک اولیه و اصلی پیدایش نظریهٔ انتقادی روابط بین‌الملل، نوشته‌های مارکسیستی بودند ولی با رشد جنبش انتقادی، نفوذهای تازه‌ای سربرآورده‌اند. نظریهٔ اجتماعی فرانسوی، بر این اساس که همهٔ روایتهای تاریخی کلان، بذر شکلهای تازه‌ای از سلطهٔ سیاسی را در دل خود دارند پروژهٔ مارکسیستی رهایی همگانی را مردود می‌شمرد. نظریهٔ انتقادی پساساختارگرایی هم سودای برانداختن کلیهٔ دعاوی حقیقت را داشته است که متضمن این گونه استعدادها برای برده‌سازی «دیگران» باشند.

رشد گونه‌های زن باورانهٔ نظریهٔ انتقادی روابط بین‌الملل نیز اهمیت قابل ملاحظه‌ای داشته است. برخی از این گونه‌ها با پسانوگرایی همپوشیهایی دارند و برخی دیگر به سنّت مارکسیستی نزدیک‌ترند ولی همهٔ آنها معتقدند که در تفسیرهای سنّتی روابط بین‌الملل جای زنان خالی است. زن‌باوران مدعی‌اند که رویکردهای سنّتی، جنسیت‌زده و بیانگر تجربیات مردان هستند و نمی‌توان آنها را دیدگاهی قابل انتساب به تمامی اعضای نژاد بشر دانست. زن باوری معاصر وظیفهٔ اصلی خود را به نقد کشیدن انواع شناخت، مفاهیم ذهنیت و عقلانیت و ساختارهایی اجتماعی می‌داند که بر بسیاری از زنان غلبه دارند یا موجب به حاشیه رانده شدن آنها می‌گردند.

طرفداران مکتب برسازی هم نقد متفاوتی را از نوواقع‌گرایی و نولیبرالیسم پی ریخته‌اند، مانند ونت که گفته است «اقتدارگریزی همان چیزی است که دولتها مراد می‌کنند» (نک جلد *جامعه و همکاری در روابط بین‌الملل*). رابطهٔ‌میان رویکردهای برسازی اجتماعی به سیاست جهان و دیدگاههای انتقادی به صورت یکی از موضوعات مهم مباحثهٔ جاری درآمده است.

۱

اندیشهٔ واقع‌گرایی و نظریهٔ نوواقع‌گرایی[۱]

کنت والتس

از: *Journal of International Affairs* 44 (1990):pp .21-38

یکی از علاقه‌مندیهای فراوان ویلیام فاکس، جست و جوی راههای گوناگون برای پیشبرد بررسی سیاست بین‌الملل بود. وی در ۱۹۵۷ ترتیب برگزاری یک رشته میزگردها را داد که برخی از پژوهشگران جا افتاده مانند پاول نیتسه، هانس مورگنتاو و چارلز کیندل‌برگر را در کنار پژوهندگان جوان‌تری چون رابرت تاکر، مورتون کاپلان و مارتین وایت گرد هم می‌آورد تا به بحث دربارهٔ مشکلات بررسی نظریهٔ سیاست بین‌الملل و رابطهٔ آن با رفتار دولتها بنشینند. نتیجهٔ ملموس این نشست علمی، کتابی یک جلدی بود که فاکس جدای از ویراستار، یکی از نویسندگان آن نیز بود[۲]. من به عنوان یکی از دانشجویان و همقطاران پرشمار فاکس که از اندیشه‌ها، تشویقها و پشتیبانیهای او بسیار سود برده‌ام این مقاله را به عنوان گامی در جهت روشن ساختن برخی مشکلات موجود در راه تدوین و کاربست نظریهٔ سیاست بین‌الملل به او پیشکش می‌کنم.

در مقالهٔ حاضر نخست نگاه خود را متوجه پیشرفت نظری به دست آمده درعلم اقتصاد به عنوان یکی از رشته‌های مرتبط با سیاست بین‌الملل می‌سازم. واقع‌گرایان و نوواقع‌گرایان نمایندهٔ دو رویکرد نظری عمده‌ای هستند که طی حدود نیم سدهٔ گذشته محققان سیاست بین‌الملل در پیش گرفته‌اند.آنان با مشکلاتی شبیه همانها رو به رو شدند

که فیزیوکراتهای فرانسه در میانهٔ سدهٔ هیجدهم شروع به حل شان کرده بودند. محققان سیاست بین‌الملل از لحاظ قالب‌بندی نظری موضوع مطالعهٔ خودشان دوران فوق‌العاده دشواری را سپری کرده‌اند. شاید آموزنده باشد که نخست به نمونه‌ای از پشت سر گذاشتن دشواریهای مشابه در رشته‌ای خویشاوند با رشتهٔ خودمان نگاهی بیندازیم.

چگونه پرداختن نظریهٔ اقتصادی امکان‌پذیر شد

با بررسی ***یک گفتمان تازه*** اثر سرجوسایا چایلد که عمدتاً در سالهای ۱۶۶۸ تا ۱۶۷۰ روی کاغذ آمده است دشواریهایی که هم اقتصاددانان اولیه و هم دانشمندان علوم سیاسی سدهٔ بیستم دچارش بوده‌اند آشکار می‌شود[۳].چایلد به یک پرسش درخور توجه می‌پردازد. او از خود می‌پرسد چرا شکوفایی اقتصادی هلند بیش از انگلستان است؟ چایلد در جریان گشتن به دنبال پاسخی برای این پرسش، به نکته‌ای پی‌برد که ظاهراً واقعیتی قانع‌کننده بود یعنی اینکه نرخ بهره درهلند پایین‌تر از انگلستان بود. استدلالی که چایلد برای اثبات نقش علّی نرخ بهره ارائه می‌کند بر پایهٔ همبستگی آماری و پدیده‌های متوالی استوار است. چایلد کوشید نشان دهد که شکوفایی اقتصادی کشورهای گوناگون با نرخ بهرهٔ حاکم در آن کشورها نسبت عکس دارد. سپس با طرح این استدلال که تغییرات مورد انتظار در سطح شکوفایی اقتصادی هر کشور، تابع تغییرات نرخ بهرهٔ آن است علت و معلول را از هم مشخص ساخت.

کتاب چایلد نمونهٔ تلاشی پیشانظری است که انگیزه و دستمایهٔ لازم را برای نظریه‌های پس از خود فراهم می‌سازد. ارزشمندی این اثر در همین است. اما در عین حال نمونهٔ آثاری است که نه می‌توانند تبیینی رضایت‌بخش به دست دهند و نه به نظریه‌پردازی راه برند. اگر توجه کنیم که چرا چنین است می‌تواند برای ما سودمند باشد. چایلد کوشش داشت رابطه‌ای ضروری میان نرخ بهره و سطح شکوفایی اقتصادی برقرار سازد. سایر اقتصاددانان عوامل متفاوتی ــ انباشتن شمشهای طلا و نقره، باروری

مـردم یـا زمیـنها، فعالیـت مردم، سطح اجاره‌ها ، یاعوامل دیگری ـــ را علت گرفتند. ولی هـیچ یـک از آنـان نتوانسـت نشان دهد که چرا رابطهٔ میان عامل یا عوامل مورد نظرش و شـرایطی کـه قصد داشت تبیین کند رابطه‌ای ضروری است . برای نمونه، چایلد نتوانست بـه ایـن پرسـش کـه اکـنون بـرای مـا بدیهی است پاسخ دهد: چرا افزایش نرخهای بهره موجـب جلـب سـرمایه‌ها و در نهایت، کاهش ارزش سرمایه مانند دیگر کالاها نمی‌شود؟ او نمـی‌توانـد بگویـد آیـا رابطـه‌ای را کـه مدعـی اسـت یافته‌است رابطه‌ای علّی است یا تصـادفی. نمـی‌توانسـت بگویـد آیـا عوامـل دیگری سبب تغییر نرخهای بهره وشکوفایی اقتصـادی کشـور در جهـت خـلاف هـم نشـده‌انـد. بـرای رابطـهٔ مشاهده شده ،تبیینهای بـی‌شـماری دردسـت بـود. اقتصاددانانی که پیش از فیزیوکراتها وجود داشتند تنها قادر به جسـت و جـوی پدیـده‌هـای متوالـی و همبسـتگیهایی بودنـد که ظاهراً در داخل یا میان کشـورها وجـود داشـت.آنهـا حداکثر می‌توانستند به صورت‌بندی تبیینهای پذیرفتنی برای نـتایج خـاص امـیدوار باشـند. آنان راهی برای مرتبط ساختن اجزای یک اقتصاد به هم و به کلیت اقتصاد نمی‌شناختند.

گـام نخسـت چـنان که باید، ابداع مفهوم اقتصاد به عنوان چیزی جدای از اجتماع و جامعـه‌ای سیاسی بود که بستر آن را تشکیل می‌داد. برخی همواره از این گله دارند که جـدا انگاشـتن اقتصـاد از اجتماع و جامعهٔ سیاسی بستر آن ، ساختگی و از حقیقت به‌دور اسـت. ایـن دسته از منتقدان درست می‌گویند ولی انتقادشان بجا نیست. اصولاً نظریه یک امـر سـاختگی اسـت؛ نظریه، ساخته‌ای فکری است که به کمک آن واقعیتها را انتخاب و تفسـیر مـی‌کنیم. مشـکل اینجاسـت که نظریه باید به گونه ای با واقعیات مرتبط باشد که امکـان تبییـن و پـیش‌بینـی را فـراهم سـازد . این مهم تنها با تمایز گذاشتن میان نظریه و واقعیـت امکـان‌پذیـر اسـت. تـنها در صـورتی مـی‌توانـیم از نظریه برای بررسی و تفسیر واقعیتها بهره جوییم که چنین تمایزی را قائل شده باشیم.

در دوران پیشـانظـری علـم اقتصـاد، اطلاعات هر چه بیشتر و بیشتری به صورت

واقعیات گزارش شده یا ادعایی دردسترس قرار گرفت و تلاشهای هر چه بیشتر و بیشتری برای تفسیر آنها به عمل آمد. ولی تبیینهای ارائه شده با هم اختلافاتی آشتی‌ناپذیر داشتند و تبیینهایی که برای فرایندها و نتایج خاص ارائه می‌گشت برهم افزوده نمی‌شد تا شناختی از چگونگی عملکرد اقتصاد ملی حاصل آید. جوزف شومپیتر در بررسی شایان‌توجهی که تحول تاریخی، شرایط جامعه شناختی، و ویژگیهای علمی اندیشهٔ اقتصادی را یکجا در خود داشت بهترین نوشته‌های اقتصادی دوران اولیه را واجد «تازگی و ثمربخشی کامل مشاهدهٔ مستقیم» می‌دانست ولی اضافه می‌کرد که در عین حال این نوشته‌ها « نمایانگر درماندگی کامل مشاهدهٔ صرف بودند» [۴] . اطلاعات بر هم انباشته می‌شد ولی استدلالها حتی استدلالهای هوشمندانه دربارهٔ گزاره‌هایی که می‌توانستند به نظریه‌هایی مبدل شوند برهم افزوده نمی‌شدند تا چیزی فراتر از اندیشه‌هایی ناظر بر اموری خاص که مناقشاتی را برمی‌انگیخت حاصل گردد.

چایلد اگر چه بهترین نبود ولی از بیشتر اقتصاددانان زمانهٔ خودش بهتر بود. شرایطی که شومپیتر تشریح کرد خلّاق‌ترین اقتصاددانان را هم ناکام می‌گذاشت. برای نمونه، سِر ویلیام پتی، اقتصاددان سدهٔ هفدهم دچار همین ناکامی بود. به گفتهٔ شومپیتر وی« برای خودش ابزارهایی نظری ابداع کرده بود که به کمک آنها می‌کوشید راهی به سمت شناخت واقعیتها بگشاید.» [۵].حذف «واقعیتهای » بی‌فایده و گمراه‌کننده کار مهمی بود ولی کافی نبود. آنچه راه پیشرفت شناخت اقتصادی را سد کرده بود اندک بودن یا زیاد بودن بیش از حد دانسته‌ها نبود بلکه فقدان نوع خاصی از دانش بود.

پاسخهای ارائه شده برای پرسشهای ناظر بر واقعیات ، معمّاهایی را مطرح می‌سازد که امید حل آنها را می‌توان از نظریه داشت و در عین حال، دستمایهٔ لازم را برای کار نظریه‌پردازان فراهم می‌آورد. ولی کار نظریه‌پرداز تنها زمانی آغاز می‌شود که پرسشهای نظری مطرح می‌گردد. نمی‌توان نظریه را از پاسخهایی ساخت که به پرسشهای ناظر بر واقعیات، چون اینها داده می‌شود: چه چیز از پی چه چیز می‌آید یا با

آن همبسته است ؟..بلکه باید درصدد پاسخگویی به پرسشهایی نظری چون اینها باشیم: این امر چگونه عمل می‌کند؟ اینها همه چگونه با هم مرتبط‌اند؟ مطرح ساختن این پرسشها نمی‌تواند فایده‌ای در برداشته باشد مگر آنکه دربارهٔ اینکه آن «امر» چه می‌تواند باشد اندیشه‌ای در سرداشته باشیم. نظریه تنها در صورتی امکان‌پذیر می‌گردد که فرض کنیم امور و فرایندها، جنبشها و رویدادها، تنشها و تعاملات مختلف حوزه‌ای را تشکیل می‌دهند که می‌توان آن رابه طور مستقل به مطالعه گذاشت. کنار گذاشتن واقیعتهای بی‌فایده کافی نبود؛ باید چیز تازه‌ای خلق می‌شد. به ابداعی نیاز بود که اجازه دهد پدیده‌های اقتصادی را فرایندهایی جداگانه بینگاریم. اجازه دهید اقتصاد را حوزه‌ای از امور قلمداد کنیم که از زندگی اجتماعی وسیاسی جداست.

این چیزی بود که نخستین بار فیزیوکراتها[1] به آن دست یافتند. جدول اقتصادی مشهور فرانسوا کِنه تصویری است که گردش ثروت را میان طبقات مولد و نامولد جامعه نشان می‌دهد، ولی تصویری است از نادیده‌ها ونادیدنیها [۶] .برخی چرخه‌ها از واقعیتهای شناخته شدهٔ زندگی اقتصادی هستند ــ چرخهٔ کاشت و برداشت ؛ چرخهٔ معدن کاوی، تصفیه، آهنگری و تولید کالا. ولی جدول کِنه چنین ساده‌سازی مستقیمی از فرایندهای قابل مشاهده را به دست نمی‌دهد بلکه کیفیات گوهری اقتصاد را به تصویر می‌کشد. فیزیوکراتها نخستین کسانی بودند که اقتصاد را همچون کلیتی خودبقا پنداشتند که از اجزای متعامل و فعالیتهای تکراری تشکیل می‌یافت. آنان برای رسیدن به چنین برداشتی باید دست به ساده‌سازیهای ریشه‌ای می زدند ــ برای نمونه با مبنا قرار دادن نوعی روان‌شناسی که می‌گفت مردم صرفاً در پی آنند که با کمترین تلاش به بیشترین رضایت خاطر دست یابند. آنها مفاهیم مورد نیاز خودشان را ابداع کردند. مفهوم «محصول اجتماعی[2]» آنان را می‌توان آفرینش یک امر مشاهده ناپذیر و ناموجود، در عالم

1.physiocrats
2.social product

اندیشه خواند. هیچ کس نمی‌تواند یک محصول اجتماعی را به ما نشان دهد. محصول اجتماعی کمیت مشخصی از کالا نیست بلکه مفهومی است که اعتبارش تنها از طریق نقش آن در نظریه‌ای قابل احراز است که شناخت بهتری از اقتصاد به دست‌می دهد.

فیزیوکراتها مفاهیمی را بسط دادند که ویژگیها و امکانهای بی‌شماری را در بر می‌گرفت بدون اینکه آنها را بررسی کنند. از جملهٔ این مفاهیم، دو مفهوم ماندگار توزیع و گردش بود. ظاهر غریب و خام برخی از اندیشه‌های فیزیوکراتها نباید پیشرفتی ریشه‌ای را که نظریهٔ آنان امکانش را فراهم ساخت از نظر پنهان سازد. اقتصاددانان برخوردنظری با موضوع مطالعهٔ خود را دشوار یافته بودند. به گفتهٔ شومپیتر، در دانش اقتصاد پیش از فیزیوکراتها «جای حلقهٔ پیونددهندهٔ علیت اقتصادی و ژرف‌نگری در ضرورتهای درونی وسرشت کلی اقتصاد خالی بود. امکان آن وجود داشت که کنشهای منفرد مبادله، پدیدهٔ پول، و مسئلهٔ تعرفه‌های حمایتی را مسائلی اقتصادی بینگاریم ولی دیدن کل فرایندی که خود را در دورهٔ اقتصادی خاصی آشکار می‌ساخت ناممکن بود. پیش از پیدا شدن سر و کلهٔ فیزیوکراتها تنها عارضه‌های محلی پیکر اقتصاد شناخته شده بود.» تنها به اجزای اقتصاد می‌شد پرداخت. بنابراین باز هم به گفتهٔ شومپیتر، ضروری بود که «از مجموعهٔ پیچیده و جداگانه‌ای از واقعیات ــ طی کشمکشی بزرگ با آنها ــ یک اصل تبیین کننده استنتاج شود و حداکثر، امکان آن فراهم بود که صرفاً چارچوبهای کلی بزرگ را دریابیم.» [۷].

سیاست بین‌الملل: آن سوی پرچین نظری

کاری که فیزیوکراتها برای اقتصاد کردند دقیقاً همان چیزی است که رمون آرون و هانس مورگنتاو ــ دو تن از واقع‌گرایان سنتی که از بیشترین درجهٔ خودآگاهی نظری برخوردار بودند ــ انجام آن را برای محققان سیاست بین‌الملل ناممکن می‌دانستند. آرون میان بررسی اقتصاد و بررسی سیاست بین‌الملل تفاوتی ژرف قائل بود. از نظر او

سیاست بین‌الملل متعلق به مقولهٔ تاریخ ــ که با رویدادها و موقعیتهای بی‌همتا سروکار دارد ــ و جامعه‌شناسی ــ که با کنشهای غیرمنطقی سر و کار دارد و به دنبال روابط کلی میان آنهاست ــ بود. به گفتهٔ آرون، سیاست بین‌الملل بر خلاف اقتصاد دچار مشکلات ذیل است:

- عوامل بی‌شماری بر نظام بین‌الملل تأثیر می‌گذارند و نمی‌توان عوامل درون نظام را از عوامل بیرون آن متمایز ساخت.
- دولتها، این بازیگران اصلی صحنهٔ بین‌الملل را نمی‌توان دارای هدف واحدی دانست.
- بین متغیرهای مستقل و تابع نمی‌توان فرق گذاشت.
- نمی‌توان برابریهای محاسباتی – مانند سرمایه گذاری با پس انداز برابر است – برقرار کرد.
- برای اعادهٔ تعادلی که بر هم خورده است هیچ ساز و کاری وجود ندارد.
- امکان پیش بینی و دست ورزی با وسایل مشخصی که منجر به اهداف مشخصی شوند وجود ندارد[۸] .

آیا دلایل برشمرده شده در بالا می‌تواند امکان پرداختن نظریهٔ سیاست بین‌الملل را منتفی می‌سازد؟اگربله، در این صورت اقتصاددانان هم دچار همین مشکلات هستند. از لحاظ شرایط لازم برای نظریه‌پردازی،آرون تفاوتهای آشکاری میان اقتصاد و سیاست نمی‌گذارد. او تنها تفاوتهایی را مشخص می‌سازد و ایمان دارد که به دلیل همین تفاوتها نظریهٔ سیاست بین‌الملل امکان ناپذیر است.

مورگنتاو هم از لحاظ نظری، موضعی مشابه آرون داشت. او با مشکلات بزرگ و مسائلی که اهمیتی دیرپا داشتند برخوردی متقاعد کننده داشت. این مهارت را داشت که واقعیتهای برجسته را جدا، و پیرامون آنها تحلیلهای علّی بنا کند. درصدد بود« تصویری

از سیاست خارجی ترسیم کند» که ضمن نشان دادن «گوهر عقلانی» آن، سیاست خارجی را از شخصیت و پیشداوری وبه ویژه در مردم سالاریها از سماجتهای افکار عمومی که «عقلانیت سیاست خارجی را مخدوش می‌سازد» جدا کند[۹]. او « در کشمکشی بزرگ با واقعیتها» بود و می‌کوشید از آنها« یک اصل تبیین کننده استنتاج کند.» مانند پتی مفاهیمی ابداع کرد که می‌توانست به او کمک کند تا « راه خود را ازدل واقعیتهایی که به اندازهٔ کافی رشد نکرده‌اند باز کند» ؛ با مفاهیمی چون «منافع ملی» و « منافع تعریف شده برحسب قدرت» . مورگنتاو و دیگر واقع‌گرایان هم مانند چایلد نتوانستند آن گام سرنوشت ساز را بردارند و از بسط مفاهیم فراتر روند و به پرداختن نظریه‌ای مشخص برسند.

مورگنتاو هدف خودش را «ارائهٔ نظریه‌ای دربارهٔ سیاست بین‌الملل» اعلام می‌کرد[۱۰]. او عناصر یک نظریه را به دست می‌دهد ولی هرگز نظریه‌ای ارائه نمی‌کند. مورگنتاو در آن واحد هم به « امکان بسط نظریه‌ای عقلانی» باور داشت و هم عمیقاً نسبت به این امکان بدگمان بود.بدون داشتن برداشتی از کلیت سیاست بین‌الملل او تنها قادر بود به اجزا بپردازد. همان گونه که معمولاً پیش می‌آید مورگنتاو هم مسئلهٔ تبیین سیاست خارجی را با مسئلهٔ بسط نظریهٔ سیاست بین‌الملل اشتباه گرفت. سپس به این نتیجه رسید که پرداختن نظریهٔ سیاست بین‌الملل اگر نه ناممکن، دست کم دشوار است [۱۱]. او خوش داشت این سخن بلز پاسکال را تکرار کند که اگر بینی کلئوپاترا اندکی کوچکتر بود جهان غیر از اینی بود که می‌بینیم و سپس می‌پرسید« چگونه این حقیقت را به اسلوب می‌کشید؟» [۱۲]. درک او از نقش امور تصادفی و وقوع امور غیرمنتظره در سیاست، آب سردی بود که بر آرزوهای نظریش می‌ریخت.

پاسخ نوواقع‌گرایان این است که هر چند دشواریهای فراوانی وجود دارد ولی ظاهراً هولناک‌ترین آنها، برداشت نادرست از نظریه است. روشن است که نظریه نمی‌تواند امور تصادفی را تبیین کند یا علت رویدادهای غیرمنتظره را بیان نماید.

نظریه‌ها با قاعده‌مندیها و امور تکرار شونده سر وکار دارند و تنها درصورتی امکان نظریه‌پردازی وجود دارد که این گونه قاعده‌مندیها و امور تکراری را بتوان مشخص ساخت. مورگنتاو در مقام یک واقع‌گرا به «استقلال سیاست» باور داشت ولی نتوانست این برداشت را بپروراند و آن را در مورد سیاست بین‌الملل به کار بندد [۱۳]. نظریه ، تصویری است از سازمان یک حوزه و ارتباطات میان اجزای آن [۱۴]. نظریه نشان می‌دهد که برخی عوامل مهم‌تر از عوامل دیگرند و روابطی را در میان آنها مشخص می‌سازد. در واقعیت ، هر چیز با هر چیز دیگر ارتباط دارد و نمی‌توان یک حوزه را از دیگر حوزه‌ها جدا کرد. نظریه برای آنکه با یک حوزه برخورد فکری کند آن را از سایر حوزه‌ها مجزا می‌سازد. مجزا ساختن یک حوزه، پیش شرط بسط نظریه‌ای است که بتواند به ما بگوید در داخل آن حوزه چه می گذرد. سوداهای نظری مورگنتاو را ، مانند آرون این باور او بر باد داد که حوزهٔ سیاست بین‌الملل را نمی‌توان به قصد نظریه‌پردازی از سایر حوزه ها جدا کرد.

هنگام بیان فشردهٔ استدلال آرون سه نکتهٔ نخست را از آن رو پشت سر هم بازگو کردم که ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. واژهٔ « پیچیدگی» به تنهایی بیانگر مشکل اوست اگر چنان که مطمئناً می‌دانیم« متغیرهای اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی» [۱۵]. در نظام بین‌الملل دخیلند، اگر دولتها نه یک هدف بلکه اهداف بسیاری دارند، اگر جدا کردن متغیرهای تابع از مستقل و متمایز ساختن معلولها و علتها کاری غیر منطقی و نامعین است پس هرگز نمی توان امید به پرداختن نظریه‌ای داشت.

اما پیچیدگی مانعی بر سرراه نظریه‌پردازی نیست . بلکه نظریه ابزاری است برای برخورد با پیچیدگی. اقتصاددانان چون مدتها پیش نخستین مشکل آرون را حل کرده اند می‌توانند با پیچیدگی دست و پنجه نرم کنند. آنان با توجه به مفهوم بازار – یک حوزهٔ اقتصادی محدود و محصور – توانسته اند مفاهیم بیشتری را بسط دهند و میان آنها ارتباطاتی برقرار سازند. واقع گرایان چون مشکل نخست را حل نکردند نتوانستند با دو

مشکل بعدی نیز برخورد رضایت بخشی نمایند.انسانها انگیزه های فراوانی دارند. اگر قرار بود همه یا تعداد زیادی از این انگیزه ها را مد نظر داشته باشیم نظریهٔ اقتصادی ناممکن می شد.به همین دلیل بود که «انسان اقتصادی[1]» ابداع شد. فرض را براین گذاشتند که انسانها موجوداتی تک اندیشند که در پی بیشینه سازی سود اقتصادی خود هستند. آنچه ضرورت دارد یک فرض یا دسته ای از فرضهاست . هنگام پرداختن فرضهایی دربارهٔ انگیزه های انسانها (یا دولتها) باید جهان را به طرز چشمگیری ساده کنیم؛ باید ظرایف را بدون رودربایستی کنار بگذاریم و واقعیت را به شکل فاحشی دگرگون جلوه دهیم. توصیف باید درست و دقیق باشد ولی فرضها به شکل بی شرمانه ای نادرستند. فرضهایی که شالودهٔ نظریه ها قرار می گیرند چیزی جز ساده سازی آشکار و ریشه ای جهان نیستند و تنها چون چنین‌اند به کار می آیند. هرگونه ساده سازی ریشه ای ، برداشت نادرستی از جهان را به ذهن متبادر می سازد.

دومین و سومین نکتهٔ مورد نظر آرون را باید اصلاح کنیم. اگر واقع بین باشیم نمی توانیم بازیگران را دارای هدف واحدی بدانیم ولی تنها راه کسب آگاهی این است که ببینیم آیا می توانیم به خاطر نظریه پردازی آنها را چنین فرض کنیم یا نه. بررسیهای سیاسی با سایر بررسیها در حوزهٔ امور بشری تفاوت ندارند. می‌توانیم فرضهای جسورانه ای دربارهٔ انگیزه‌ها کنیم. می توانیم حدس بزنیم که از انبوه عوامل کدام عاملهای انگشت شمار برجسته اند، می‌توانیم به شکل دلخواه میان متغیرها رابطهٔ بستگی و استقلال قائل شویم. حتی می‌توان انتظار داشت که هر چه امور موضوع مطالعهٔ ما از پیچیدگی و ظرافت بیشتری برخوردار باشد «ساده اندیشی» لزوم بیشتری داشته باشد[۱۶].

اگر سیاست بین الملل حوزه‌ای نافرمان برای نظریه‌پردازی است دشواریهای

1.economic man

خاص آن را باید درجای دیگری غیر از سه نکتهٔ نخست مورد اشارهٔ آرون جست. آیا ممکن است در سه نکتهٔ آخری باشد؟ به عنوان چهارمین مانعی که آرون سد راه نظریه پردازی می داند به نبود «برابریهای محاسباتی » یا به گفتهٔ دیگران، نبود واحد سنجش و میانجی مبادله‌ای اشاره کردم که به کمک آن بتوان اهداف را ارزشیابی کرد وابزارهای تحصیل اهداف را با هم مقایسه و درجه بندی نمود. توانایی سیاسی و تأثیر سیاسی را چه صرفاً برحسب قدرت تصور شان کنیم یا نکنیم نمی‌توانیم برحسب واحدهایی چون دلار که معنای روشنی داشته باشد و در مورد وسیله ها و هدفهای گوناگون کاربست پذیر باشد بیان نماییم. ولی برای نمونه در نظریهٔ آدام اسمیت هیچ عددی نقش گوهری ندارد. در واقع ، اصلاً درنظریهٔ او هیچ عددی و بنابراین هیچ گونه «برابری محاسباتی» وجود ندارد. برابری عرضه با تقاضا یا سرمایه گذاری با پس انداز قضایایی کلی یا قوانینی ادعایی هستند که نظریه می خواهد آنها را تبیین کند. بازگو کردن قوانین، بستگی به شمارش، سبک وسنگین کردن ، یا اندازه گیری چیزی ندارد.همان گونه که فرانک نایت به خوبی و درستی بیان کرده است:

> چه دراقتصاد و چه در حوزه های دیگر، نظریهٔ ناب یک امر انتزاعی است؛ تنها با قالبهایی سروکار دارد که به کلی از محتوا عاری ومنتزع اند. در سطح فردی، نظریهٔ اقتصادی انسانها را با (الف)هر خواسته ای، (ب) هر گونه منابعی، و (پ) هر گونه نظام فناوری فرض می کند و سپس اصول رفتار اقتصادی رابسط می دهد. اعتبار «قوانین» آن در گرو شرایط یا داده‌های واقعی ناظر بر هر یک از این سه گام مقدماتی کنش اقتصادی نیست[۱۷].

در سیاست همه چیز را نمی توان شمرد یا اندازه گرفت ولی برخی چیزها را می‌توان.

شمارش یا سنجش پذیر بودن این برخی چیزها می تواند به کاربست نظریه کمک کند ولی هیچ دخلی به نظریه پردازی ندارد.

پنجمین و ششمین دشواری که آرون کشف کرده است ظاهراً بیانگر برخی حقایق اساسی دربارهٔ سیاست است ولی ربطی به قابلیت نظریه‌پردازی آن و موقعیت آن به عنوان یک علم ندارد. در نظریهٔ اقتصادی اصیل، هیچ ساز و کاری – یعنی هیچ عامل یا نهادی – وجود نداشت که تعادل از دست رفته را به حالت اولیه بازگرداند. اقتصاد دانان اصیل و نو اصیل، نظریه‌خرد می پرداختند – روابط بازار و مبادله زادهٔ انتخاب فردی است. اقتصاد حاصل تعامل افراد و شرکتهاست ؛ نمی توان گفت اقتصاد دارای اهداف یا مقاصدی خاص خود است[۱۸] . به یقین ممکن است حکومتها برای اعادهٔ تعادلی که از دست رفته است وارد عمل شوند. همان طور که افراد یا شرکتهای قدرتمند درون اقتصاد نیز ممکن است چنین کنند. ولی اینجاد دیگر از حوزهٔ نظریه خارج، و وارد قلمر و عمل– یا به قول آرون «جامعه شناسی» ــ می شویم. او با اطمینان می گوید که « هر گونه بررسی انضمامی روابط بین الملل، سرشتی جامعه‌شناختی دارد» [۱۹]. این ویژگی تمامی بررسیهای انضمامی است و خاص بررسی سیاست بین الملل نیست.

آرون علم را با توانایی پیش بینی و کنترل یکی می داند[۲۰]. ولی نظریه‌های تکامل هیچ چیز خاصی را پیش بینی نمی کنند. ستاره شناسان به راستی چیزهایی را پیش بینی می کنند (هر چند از توانایی کنترل بی‌بهره‌اند) ولی آنچه ستاره‌شناسی را شایستهٔ لقب علم می سازد نه توانایی پیش بینی بلکه توانایی مشخص ساختن علتها، بیان کردن نظریه ها و قوانینی است که مبنای پیش بینیها قرار می گیرند. نظریهٔ اقتصادی حتی زمانی که اقتصاد دانان از لحاظ قدرت پیش‌بینی و تجویز غیرقابل اعتماد جلوه می‌کنند نظریه ای گیراست. چون نظریه ، انتزاعی از جهان پیچیده با هدف تبیین آن است کاربست نظریه در هر حوزه ای دشوار و نامعین است.

سه مشکل نخست آرون را می توان برطرف کرد، هر چند در قلمرو نظریه همهٔ راه‌حلها آزمایشی و موقت هستند. سه مشکل بعدی که آرون بر می شمارد مانعی بر سر راه نظریه پردازی نیست بلکه کاربست و آزمون آن را با مشکل رو به رو می کند.

سیاست بین‌الملل: این سوی پرچین نظری

واقع‌گرایی نو برخلاف واقع‌گرایی کهن، کار خود را با پیشنهاد راه حلی برای مشکل متمایز ساختن عوامل درونی نظام سیاسی بین المللی از عوامل بیرون از آن آغاز می کند. نظریه، یک حوزه را از دیگر حوزه ها جدا می سازد تا با آن برخورد فکری کند. نوواقع‌گرایی با ترسیم تصویری کل نگر از نظام سیاسی بین‌المللی که بر اساس آن سطح ساختاری و سطح واحدهای آن همزمان مجزا از هم و مرتبط با هم هستند استقلال سیاست بین الملل را محرز و بدین ترتیب، نظریه پردازی دربارهٔ آن را امکان پذیر می سازد[۲۱] .نوواقع‌گرایی مفهوم ساختار نظام را بسط می دهد که در آن واحد هم حوزهٔ موضوع مطالعهٔ محققان سیاست بین الملل را مرزبندی می کندو هم آنان را قادر به درک چگونگی تأثیر گذاری ساختار نظام و انواع آن بر واحدهای متعامل و نتایج حاصل از تعامل آنها می سازد. ساختار نظام، برخاسته از تعامل دولتهاست و در گام بعد آنها را از اتخاذ برخی اقدامات باز می دارد و به سوی برخی دیگر سوق می دهد.

مفهوم ساختار براین واقعیت پایه می گیرد که واحدهایی که به نحو متفاوتی کنار هم چیده وبا هم تلفیق شده باشند رفتار متفاوتی خواهند داشت و با تعامل با هم نتایج متفاوتی به بار خواهند آورند. ساختارهای بین‌المللی نخست براساس اصل سازمان دهندهٔ نظام که درمورد نظام بین المللی، اقتدار گریزی است و دوم بر پایهٔ توزیع تواناییها میان واحدها تعریف می شوند. در یک حوزهٔ اقتدار گریز، ساختارها بر حسب واحدهای اصلی شان تعریف می شوند. ساختارهای بین المللی با تغییر چشمگیر شمار قدرتهای بزرگ تغییر می یابند. قدرتهای بزرگ نیز به واسطهٔ مجموع تواناییهایی(یا

قدرتی) که در اختیار دارند از دیگران متمایز می شوند وقتی تعداد قدرتهای بزرگ به طرز چشمگیری تغییر یابد محاسبات و رفتار دولتها و نتایج حاصل از تعاملات آنها نیز دگرگون می شود.

تلقی سیاست بین الملل چونان نظامی با ساختاری دقیقاً معین، نقطهٔ جدایی اساسی نوواقع‌گرایی از واقع‌گرایی سنتی است. ضعف تعریف ساختار بین المللی مورد انتقاداتی قرار گرفته است. رابرت کیئن مدعی است که نظریهٔ نو واقع گرایی را «می‌توان درجهت پیشرفت اصلاح کرد تا با واقعیت تطابق بیشتری پیدا کند» [۲۲]. بری بوزان در دلسوزانه‌ترین و ژرف‌نگرترین مقاله ای که تاکنون دربارهٔ نوواقع گرایی خوانده ام می پرسد آیا منطق نوواقع گرایی «ویژگیهای اصلی نظام سیاسی بین المللی» را به طور کامل دریافته است. پاسخ خود او چنین است:

> انتقادات روگی، کیئن و دیگران حکایت ازآن دارد که در نیافته است زیرا توجه آنها به عواملی چون فشردگی پویا، غنای اطلاعاتی ، تسهیلات ارتباطی و مانند آن آشکار با نظریهٔ ظاهراً «سیستمی» و التس جور در نمی‌آید[۲۳].

باید از خود پرسید آیا عواملی چون اینها را می توان مفاهیمی دانست که شاید به عناصر یک نظریه مبدل شوند؟ ظاهراً نویدبخش ترین نامزد، «فشردگی پویا[1]» باشد. ولی فشردگی پویا جزئی از یک نظریه دربارهٔ این یا آن نوع جامعه نیست. بلکه شرایطی است که کمابیش در درون و میان جوامع پدید می آید. اگر حجم تعاملات به اندازهٔ کافی افزایش یابد یک جامعهٔ ساده را دچار اختلال و آن را به جامعه ای پیچیده مبدل میکند. فشردگی پویا جزئی از نظریه ای دربارهٔ هیچ جامعه ای نیست. بلکه نیرویی

1.dynamic density

اجتماعـی اسـت کـه در شـرایطی خاص در جامعه توسعه می یابد و نخست آن را دچار اخـتلال و سـپس دگـرگون مـی کـند[۲۴]. «عواملـی چـون ایـنها» کـه بوزان خاطرنشان مـی‌سـازد بـا هـیچ نظـریه ای جور در نمی‌آیند. آیا می توان تصور کرد چگونه روندهای جمعیتـی، غـنای اطلاعاتـی، و نهادهـای بیـن المللی را در دل یک نظریه جای داد؟ هیچ نظـریه ای نمـی تواند حاوی« عواملی چون اینها» باشد ولی اگر نظریهٔ خوبی داشته باشیم بـه شـناخت و تبییـن آنهـا ، بـرآورد اهمیـت آنهـا و سـنجش اثرات شان کمک می کند. وانگهـی ، هـر نظـریه ای برخـی چیزها را تبیین نشده می گذارد و هیچ نظریه ای ، ما را قـادر نمـی سـازد از عـالم نظـر مسـتقیماً و بـه سـهولت وارد حوزهٔ کاربست شویم. باید اضـافه کنـیم کـه نظـریه‌ها تنها از آن جهت سودمند نیستند که به شناخت، تبیین وگاه نیز پـیش بینـی رونـد رویدادهـا کمـک می کنند. نکته ای که به همان اندازه اهمیت دارد این است که به شناخت چگونگی کارکرد یک نظام مشخص هم کمک می کنند.

حصـول شرایطی که درآن، نظریه آن اندازه به واقعیت نزدیک باشد که با واقعیت جـور درآیـد موجـب منتفـی شـدن نظـریه مـی‌گـردد. نظـریه نمـی تواند با واقعیتها یا با رویدادهایـی که سر تبیین شان را دارد جور باشد. نهایت نزدیکی وجور بودن را می توان بـا نوشـتن توضـیحی مشروح از جهان مورد علاقه‌مان به دست آوریم . با این حال، از نو واقـع گرایی همچنان به خاطر از قلم انداختن برخی چیزها انتقاد می شود .نظریه پردازی تـنهابا کـنار گذاشـتن بیشـتر چیزهایـی کـه اهمیت عملی دارند امکان پذیر می شود. این اعـتقاد کـه بـر شـمردن چیزهایـی که نظریه از قلم انداخته است نقد معتبری بر آن نظریه است نشان دهندهٔ بد فهمیدن کار نظریه پردازی است.

مسئلهٔ‌حذفیات از آن رو بـروز مـی کـند که دومین معیار تعریف کنندهٔ ساختار را بـه توزیـع قدرت میان کشورها محدود می‌سازم. منتقدان دیروز و امروز گوشزد می کنند کـه جـز قـدرت می توان ازتوزیع عوامل بسیاری چون شکل حکومت یا ایدئولوژی ملی هـم سـخن گفـت. روشن است که چنین است ولی نظریه ها تنها به حکم منطق پرداخته

نمی شوند. مسئله این نیست که منطق چه چیزی را مجاز می دارد بلکه این است که این نظریه چه چیزی را ایجاب می کند؟ ملاحظات قدرت بر ملاحظاتِ ایدئولوژی غلبه دارد. در یک نظریهٔ ساختاری، دولتها بسته به قدرت شان جایگاههای متفاوتی دارند و جایگاه آنها به تبیین رفتار و سرنوشت شان هر دو کمک می کند. در هر نظام سیاسی، توزیع تواناییهای واحدها کلید تبیین است. توزیع قدرت در نظامهای سیاسی مبتنی برخودیاری اهمیت ویژه ای از نظر تبیین دارد زیرا واحدهای این نظام برخلاف اجزای نظمهای سلسله مراتبی به واسطهٔ کار ویژه های متفاوتی که به اجرا می‌گذارند رسماً از هم متمایز نیستند.

بری بوزان پرسشهایی را دربارهٔ کافی بدون« تعریف ساختار در چارچوب نسبتاً محدود بخش سیاست» مطرح می سازد.[۲۵]. ممکن است بتوان با ترسیم مرزهای متفاوتی برای حوزه ای که قرار است نظریهٔ ما در مورد آن به کار بسته شود، با افزودن چیزهایی به نظریه، با کاستن چیزهایی از آن، یا با تغییردادن فرضها و آرایش دادن دوبارهٔ روابط میان مفاهیم نظریه، به نظریهٔ بهتری دست یافت. ولی انجام هر یک از این کارها یا همهٔ آنها مستلزم عملیاتی است که با برشمردن صرف حذفیات کاملاً تفاوت دارد. آنچه را حذف شده است جز با بازسازی کامل نظریه و تبدیل آن به نظریه ای متفاوت نمی توان افزود. آیا باید چشم انداز نظریهٔ سیاست بین الملل را چنان فراخ ساخت که شامل اقتصاد هم بشود؟ از قرار معلوم نظریهٔ سیاست – اقتصاد بین‌الملل دو برابر بهتر از یک نظریهٔ سیاست بین الملل تنهاست. برای پرداختن چنین نظریه ای باید نشان دهیم چگونه می توان حوزهٔ سیاست – اقتصاد بین‌الملل را از سایر حوزه ها مجزا ساخت. باید نخست ساختارهای آن را تعریف کنیم و سپس برای تبیین کنشها و نتایج درون این حوزه نظریه ای بپردازیم. پرداختن یک نظریهٔ سیاسی- اقتصادی گام بلندی است به سمت نظریهٔ عمومی روابط بین الملل ولی هیچ کس نشان نداده است که چگونه باید این گام را برداشت.

برآورد استراتژیک

پاکستان

انتشارات مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

نظیف‌کار، غزاله، ۱۳۴۸ ـ
برآورد استراتژیک پاکستان/ گردآورندگان غزاله نظیف‌کار، حسین نوروزی. ــ تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، انتشارات، ۱۳۸۲ ــ .
ج. مصور، نمودار. ـ (انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۴۷)
ISBN 964-5910-48-x (دوره). - ISBN 964-5910-471 (ج. ۱) ۱۹۰۰۰ ریال:
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه.
۱. پاکستان -- تاریخ -- قرن ۲۰م. ۲. پاکستان -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۰م. ۳. پاکستان -- جنبه‌های استراتژیکی. ٤. حزب‌های سیاسی -- پاکستان. ۵. سیاستمداران -- پاکستان -- سرگذشتنامه.
الف. نوروزی، حسین، ۱۳۵۲ ـ . ب. عنوان.
DS۳۸٤/ن٦ب٤ ۹٥٤/۹۱۰۵
کتابخانه ملی ایران ۱۳٤٤٥ـ۸۲م



انتشارات مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

تهران: صندوق پستی ۳۸٤۹ ـ ۱۵۸۷۵، تلفن: ۸۷۱۲۱۵۳ نمابر: ۸۷۱۲۵۲۹

برآورد استراتژیک پاکستان

گردآورندگان: بخش سرزمینی: غزاله نظیف‌کار، حسین نوروزی؛ بخش سیاسی: غزاله نظیف‌کار
ویراستاران: علیرضا ایمانی، شکوه‌السادات حسینی
شمارگان: ۲۵۰۰نسخه
چاپ: شریعت
صحافی: صدف
چاپ اول: تابستان ۱۳۸۲
فروست ناشر؛
قیمت: ۱۹۰۰ تومان

یاداشت ناشر

با ورود به قرن بیست و یکم، دولت، ملت یا نظام‌های ملی با وجود به چالش کشیده شدن نقش بی‌بدیلشان در نظام بین‌المللی، هنوز مهم‌ترین بازیگران این عرصه هستند و رویدادهای مهم جهان را نظام‌های ملی رقم می‌زند و به رغم ایجاد و گسترش نهادها و سازمان‌های غیردولتی در سطح ملی، منطقه‌ای و خصوصاً بین‌المللی و تقویت نفوذ و قدرت آنان، هنوز میان قدرت و نفوذ چنین سازمان‌هایی، با وجود قدرت و نفوذ دولت، فاصلهٔ قابل توجهی وجود دارد.

اگرچه در حال حاضر، با توجه به انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی، آشنایی با پدیده‌ها و مسائل مختلف از جمله مسائل مرتبط با امنیت (ملی و بین‌المللی) نسبت به گذشته آسان‌تر شده است؛ اما شناخت دقیق که مستلزم تصمیم‌گیری صحیح و به موقع بوده و ضرورت اجتناب‌ناپذیر دولت‌ها و کشورها در جهان کنونی است، مشکل‌تر و پیچیده‌تر شده‌است. در این خصوص، شناخت دولت‌ها و کشورها و آشنایی مستمر با اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های آنان به همراه توانمندی‌های و آسیب‌پذیری‌هایشان، از ابزار ضروری تصمیم‌گیری و تبیین برنامه‌های آتی هر کشور نسبت به دیگر کشورها یا مناطق مختلف جهان است.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل آن‌که در یکی از مناطق پنج‌گانهٔ استراتژیک جهان واقع شده و هم‌چنین به لحاظ اهداف، علائق و منافع جهانی و نیز چالش‌ها و تهدیدات موجود، جزو کشورهایی است که به شدت نیازمند شناخت کشورهای پیرامونی خویش و دیگر کشورهای مهم بازیگر صحنهٔ نظامی بین‌المللی هستند. در این راستا و برای تأمین این نیاز ضروری، تاکنون برخی سازمان‌ها و مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی، کارهای بسیاری (تحت عنوان‌های مختلف) انجام داده‌اند که هر کدام در جای خود قابل تقدیر است.

مؤسسهٔ تهران با توجه به اهمیت روزافزون تعمیق شناخت سیاستمداران، کارگزاران نظام سیاسی و هم‌چنین محققان و علاقه‌مندان، به منظور ایجاد زمینهٔ مناسب برای تدوین استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی در برابر کشورهای هدف، پروژهٔ **برآورد استراتژیک کشورهای هدف** را در دستور کار خود قرار داده است.

برای اجرای این پروژه، ابتدا به کمک جمعی از متخصصان مسائل جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورمان، الگوی برآورد استراتژیک کشورهای هدف، در هشت بخش و بیش از ۱۲۰۰ محور طراحی و تنظیم شد. این الگو، مبنای گردآوری اطلاعات و تحقیق پیرامون کشور هدف قرار داده شده است و بر این اساس، برخی از مهم‌ترین کشورهای مرتبط با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ مانند: آمریکا، روسیه، پاکستان، ترکیه، عراق، عربستان، امارات، آذربایجان، ترکمنستان، مصر و اسرائیل در دستور کار مؤسسه قرار گرفت.

کتاب برآورد استراتژیک ایالات متحده آمریکا (جلد اول) که شامل بخش‌های سرزمینی و سیاسی آن کشور بود، در بهار ۱۳۸۱ منتشر گردید به‌دنبال آن، برآورد استراتژیک مصر (جلد اول) و برآورد استراتژیک اسرائیل (جلد اول) به‌عنوان دومین و سومین کار از این مجموعه انتشار یافت و هم‌اکنون چهارمین کتاب این مجموعه تحت عنوان **برآورد استراتژیک پاکستان** (جلد اول) که شامل بخش‌های سرزمینی و سیاسی این کشور است، به کارشناسان و محققان این عرصه تقدیم می‌گردد.

کتاب برآورد استراتژیک پاکستان محصول کار گروهی متشکل از مدیران اجرایی و فنی پروژه، کارشناسان گردآوری اطلاعات، کارشناسان تدوین و تألیف و کارشناسان فنی و اجرایی به شرح ذیل است:

۱. آقای دکتر علیرضا محرابی مشاور و ناظر فنی پروژه؛
۲. خانم غزاله نظیف‌کار و آقای حسین نوروزی گردآوری اطلاعات؛
۳. آقای محمودرضا گلشن‌پژوه هماهنگی؛
۴. آقای بهزاد احمدی گردآوری منابع و داده‌های اینترنتی؛
۵. خانم شکوه‌السادات حسینی و علیرضا ایمانی ویراستاری؛
۶. خانم‌ها حمیله نام‌آور و لیلا افشارنجفی حروف‌چینی؛
۷. آقای علی‌اکبر فراهانی صفحه‌آرایی؛
۸. خانم مریم جعفری نائینی طراحی جلد؛
۹. خانم آرزو سلطانی نمایه‌نویسی.

انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

فهرست

بخش دوم: برآورد سیاسی

بخش نخست

برآورد سرزمینی

موقعیت جغرافیایی

موقعیت سرزمینی

پاکستان واقع در جنوب آسیا و هم‌مرز با دریای عمان، هندوستان، ایران، افغانستان و چین است. آمار متفاوتی دربارهٔ میزان مرزهای مشترک این کشور با همسایگانش وجود دارد ولیکن برحسب کیلومتر، طول مرزها عبارت است از:

افغانستان	۲٤۳۰
چین	۵۲۳
هند	۲۹۱۲
ایران	۹۰۹

مساحت کل پاکستان برحسب آمارهای متفاوت به ترتیب ۸۰۳/۹٤۳ و ۷۷۸/۷۲۰[1] کیلومترمربع

۱. در منابع مختلف طول مرزها با افغانستان ۲٤٦٦ و ۲٤۰۰، هند ۲۰۲۸ و ۱٦۷۷ و با ایران ۸۹۱ و ۸۵۰ کیلومتر ذکر گردیده‌است.

معادل ۳۱۰/۵۲۷ و ۳۰۰/٦٦٤ مایل مربع است. این مساحت تقریباً چهار برابر بریتانیا می‌باشد.[1]

مساحت آبی (بحری) ۲۵/۲۲۰ کیلومترمربع می‌باشد که خط ساحلی در حدود ۱۰٤٦ کیلومتر را شامل می‌شود. منطقهٔ مجاور ۲٤ مایل و فلات قاره ۲۰۰ مایل در نظر گرفته می‌شود.



پاکستان به سه منطقهٔ جغرافیایی شامل سرزمین‌های مرتفع شمالی، جلگهٔ رود ایندوس (که خود به دو بخش سند و پنجاب تقسیم می‌شود) و فلات بلوچستان تقسیم می‌شود.(۱)

اگرچه در بسیاری از منابع، مناطق جغرافیایی پاکستان به تقسیمات کوچکتری بیان شده است، ولی سه منطقهٔ طبیعی یاد شده به راحتی می‌تواند سیستم ارتباطی این کشور را بیان کند. این کشور از سمت جنوب، شرق و غرب، می‌تواند سیستم ارتباطی بسیار سریعی را با کشورهای دیگر برقرار کند. وجود بندر بزرگ کراچی در جنوب پاکستان باعث شده تا پاکستان

---

۱. در جایی دیگر مساحت خشکی پاکستان ۷۹٦/۰۹۵ آورده شده است.

امکانات لازم جهت دسترسی به آب‌های آزاد را داشته باشد. در نگاه نخست وجود صحرای خشک و منطقهٔ سوزان بلوچستان این تصور را فراهم می‌آورد که پاکستان در سمت غرب خود با مشکل ارتباطی همراه است اما ایالت بلوچستان پاکستان از سیستم ارتباطی خوبی مانند راه‌آهن و جاده شوسه با همسایگان خود برخوردار است. شبکهٔ راه‌آهن پاکستان با یک خط به افغانستان و یک خط به مرز ایران (زاهدان) متصل شده است.[(۲)] تنها در مناطق شمالی پاکستان به دلیل وجود سرزمین‌های مرتفع و کوهستانی این سیستم بسته و دسترسی کمتر است. در مجموع می‌توان اذعان داشت، این کشور با برخورداری از موقعیت طبیعی‌اش از سیستم باز و سریع با دیگر کشورها برخوردار است.[(۳)] تأثیر اقیانوس هند بر ارتباطات این کشور در خور توجه خاصی است.

کشاورزی بزرگترین بخش اقتصاد پاکستان را تشکیل می‌دهد و بیشترین ارزآوری را برای پاکستان دارد. نزدیک به یک چهارم GDP پاکستان را تولیدات کشاورزی تشکیل می‌دهد.[(۴)]

تنها حوزهٔ رود ایندوس در پنجاب و سند شمالی دارای خاک حاصلخیز است. این مناطق، پاکستان را در موقعیت خوب آب و هوایی قرار داده است و این کشور را قادر می‌سازد تا بتواند جمعیت خود را تغذیه نماید. کمتر از یک پنجم زمین‌های پاکستان استعداد و توانایی *کشاورزی علمی* را دارند.[۱] می‌توان گفت تقریباً تمام زمین‌های قابل کشت در پاکستان مورد استفاده قرار گرفته است، گرچه داده‌ها و محصولات آن‌ها از استانداردهای جهانی کمتر است.[(۵)]

پاکستان با به کارگیری سیستم آبیاری جدید و استفادهٔ بهینه از رودخانه ایندوس توانسته است سطح کشت بعضی از محصولات خود همچون کتان، پنبه، نیشکر، برنج، سبزیجات و میوه‌جات را افزایش دهد و آن‌ها را صادر کند ولی از آن‌جایی که کمتر از ۲۷٪ از اراضی این کشور قابل کشت می‌باشند، نتوانسته به شکوفایی کشاورزی برسد.

---

۱. مشخصه‌های اصلی کشاورزی علمی عبارت است از توجه، کار زیاد و سرمایه‌گذاری مناسب.

اگرچه با توجه به برنامه‌های حمایتی، اعطای اعتبارات و آموزش علمی کشاورزی توانسته است از کشاورزی نسبتاً فعالی برخوردار باشد، لیکن هنوز بعضی از محصولات مصرفی نیازمند واردات می‌باشد.(۶)

منابع طبیعی غنی که بتواند نقش حیاتی در اقتصاد این کشور داشته باشد در پاکستان وجود ندارد و به همین علت، اقتصاد پاکستان به طور عمده مبتنی بر کشاورزی است. از این رو چند برنامه اقتصادی از اوایل دهه ۱۹۵۰ تاکنون (هشت برنامهٔ پنج ساله) ارائه شده است. هشتمین برنامهٔ پنج ساله برای سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ ارائه شد. پاکستان برای اصلاح ضعف اقتصادی خود درصدد است با خصوصی‌سازی هر چه بیشتر و استفاده از سرمایه‌های خارجی (هنوز سرمایه‌گذاری اکثراً بر روی بخش‌های کشاورزی، شیمیایی و داروسازی صورت می‌گیرد.)، مشکلات خود را برطرف سازد. اقتصاد پاکستان به شدت به وام‌های خارجی وابسته است و از آن‌جایی که در پاکستان گروه‌های مختلف قومی ـ عقیدتی وجود دارند، کشمکش میان آن‌ها گاهی اوقات موجب کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌شود. وضعیت طبیعی پاکستان، منابع غنی‌ای را در اختیار این کشور قرار نداده‌است و تنها با وجود آب ایندوس، توسعهٔ کشاورزی در پاکستان، توانسته‌است نقش اصلی را در اقتصاد این کشور ایفا نماید.(۷) صاحبنظران اقتصادی معتقدند، گرچه اقتصاد پاکستان از لحاظ طبیعی پایه‌های قوی ندارد، اما به سبب هشت برنامهٔ توسعهٔ اقتصادی که تا به حال اعمال کرده، توانسته‌است به بیشترین اهداف اقتصادی خود دست یابد که مهم‌ترین این اهداف عبارتند از: خصوصی‌سازی، سرمایه‌گذاری خارجی، رشد کشاورزی، توسعهٔ منابع هسته‌ای و توسعهٔ سریع مناطق محروم مانند بلوچستان.(۸)

تاریخ سرزمینی

تاریخ پاکستان دست کم به دو هزار و پانصد سال قبل از میلاد مسیح (هنگامی که تمدن چشمگیری در ناحیهٔ دره سند وجود داشت،) برمی‌گردد. حدود یکهزار و پانصد سال پیش از میلاد، آریایی‌ها بر این منطقه مسلط شدند و تمدن هند را تحت تأثیر خود قرار دادند و سپس به

سمت درهٔ گنگ (به سمت شرق) پیشروی کردند. بعدها ایرانیان (حدود قرن ششم قبل از میلاد) شمال منطقه را تصرف کرده و تا قرن دوم بعد از میلاد آن جا را در اختیار خود داشتند. پس از آن یونانیان در سال ۳۲۷ م، توسط الکساندر مقدونی (اسکندر) همانند یک شهاب از آن‌جا گذشتند. در سال ۷۱۲م اعراب به رهبری محمد بن قاسم در جایی نزدیک به کراچی امروز پیاده شدند و بر حدود نیمی از پاکستان به مدت دویست سال حکومت کردند. در طول این مدت، اسلام در این منطقه ریشه گرفت و بر فرهنگ، زندگی و سنت‌های مردم این منطقه تأثیر گذاشت. از قرن دهم میلادی تا قرن هجدهم نیز مسلمانان آسیای مرکزی بر این منطقه تسلط یافتند. تا این‌که در قرن هجدهم حکومت دویست ساله انگلستان بر این منطقه آغاز گردید. در سال ۱۹۳۰، فیلسوف و شاعر مشهور، دکتر محمد اقبال اندیشهٔ ایجاد دولت و حکومت مستقلی برای مسلمانان در این منطقه را اشاعه داد؛ تا این که در چهاردهم اوت ۱۹٤۷ با هدایت و رهبری قائد اعظم محمدعلی جناح، این کشور پا به نقشه جهان گذاشت.(۹)

در سال ۱۹٤۳، یکی از رهبران حزب کنگرهٔ هند به نام راجا گوپال‌آچاریا[1] طرحی را مبنی بر تجزیهٔ شبه قارهٔ هند اعلام کرد. قبل از آن نیز مسلمانان شبه قاره در ۱۹٤۰، طی نشست تاریخی خود (با حزب «مسلم لیگ» در لاهور خواهان استقلال مناطقی که بیشترین جمعیت مسلمان را داشت) شدند. اما انگلیسی‌ها همواره در مقابل این مسئله، بر وحدت هند تأکید می‌کردند. در سال ۱۹٤۷ کشمکش میان هندوان و مسلمانان افزایش یافت و در پی آن (مارس ۱۹٤۷) نایب‌السلطنهٔ جدید هند، لردمونت باتن وارد هند شد. وی طرحی را ارائه کرد که مورد قبول حزب مسلم لیگ و حزب کنگره قرار گرفت. بر اساس این طرح، ایالت پنجاب و بنگال به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شدند و با رأی مردم، ایالت‌های سند، بلوچستان و سرحد شمال غربی (که در آن زمان منطقهٔ افغان) نامیده می‌شد، نیز به پاکستان پیوستند. در ژوئیهٔ ۱۹٤۷ جمهوری‌های هند و پاکستان به وجود آمدند و محمدعلی جناح به عنوان نخستین فرماندار کل انتصابی پاکستان در هفتم اوت ۱۹٤۷ از هند وارد پاکستان گردید و متعاقب آن در

1. Raja gopalacharia

یازدهم اوت همان سال، مجلس مؤسسان پاکستان تشکیل شد و رسماً در چهاردهم اوت ۱۹۴۷ کشور پاکستان رسمیت یافت.

کشور پاکستان در آن زمان شامل پاکستان امروزی و کشور بنگلادش می‌شد که سال‌ها بعد از هم جدا شدند و هر یک کشور مستقلی گردیدند.(۱۰)

پاکستان هنگام تأسیس شامل دو بخش شرقی و غربی بود که حدود هزار و ششصد کیلومتر با هم فاصله داشتند. کشور هند حایل میان دو قسمت کشور بود. تنها نکته‌ی مشترک میان این دو پاره کشور، مذهب مشترکشان بود. نژاد و زبان نیمه‌ی شرقی با زبان و نژاد نیمه‌ی غربی کاملاً متفاوت بود. این موارد مانند آتشی زیر خاکستر عمل می‌کرد و از آن‌جایی که مرکز حکومت نیز در نیمه‌ی غربی قرار داشت، رسیدگی بسیار کمتری (از لحاظ اقتصادی) به نیمه‌ی شرقی صورت می‌گرفت؛ تا این که در سال ۱۹۶۹ طوفانی بسیار شدید پاکستان شرقی را در هم کوبید و در پی آن دویست هزار تن کشته و صدها هزار نفر بی‌خانمان شدند. کندی عملیات نجات به این اختلاف و احساس بیگانگی دامن زد. تا این که در نخستین انتخابات عمومی سال ۱۹۷۰ جهت تشکیل مجلس ملی؛ حزب عوام لیگ (Awami League) به رهبری شیخ مجیب‌الرحمن (که مدافع خودمختاری پاکستان شرقی بود) تمامی کرسی‌های مجلس در پاکستان شرقی را بدست آورد، در حالی‌که «حزب مردم پاکستان»[1] به رهبری ذوالفقار علی بوتو بیشترین کرسی‌های مجلس را در پاکستان غربی به دست آورد و در پی همین موضوع بود که مجیب الرحمن خواستار خودمختاری منطقه شرقی شد، ولی بوتو به این خواسته توجهی نکرد و در نتیجه مجیب الرحمن اعلام اعتصاب نمود و متعاقب آن بود که عوامل حزب عوام لیگ حکومت پاکستان شرقی را در دست گرفتند. ژنرال یحیی خان، رئیس حکومت وقت پاکستان برای گفتگو و مذاکره با مجیب الرحمن به داکا رفت، ولی این گفتگوها به نتیجه نرسید. در نتیجه ژنرال یحیی خان فرمان دستگیری و زندانی شدن مجیب الرحمن و هواخواهان وی را اعلام کرد و او را با خود به پاکستان غربی برد. درست روز بعد از این واقعه، پاکستان شرقی اعلام استقلال کرد و خود را بنگلادش معرفی نمود. در پی اعلام استقلال، جنگ داخلی پاکستان به سرعت آغاز شد و سربازان پاکستانی با نیروهای بنگالی درگیر شدند. این جنگ

1 Pakistan People Party

چند ماه به طول انجامید و طی آن پاکستان ارتش عظیمی را به بنگلادش اعزام نمود که در پی این لشکرکشی میلیون‌ها تن از مردم به هند فرار کردند. هند نیز بنا به ادله‌ای از بنگلادش جانبداری می‌کرد، به طوری‌که در سال ۱۹۷۱ ارتش هند رسماً در حمایت از نیروهای بنگلادشی در جنگ دخالت نمود و در نتیجه وضعیت جنگ تغییر نمود و از آن‌جایی که ارتش هند، ارتشی به مراتب کارآمدتر و مجهزتر بود در پاکستان شرقی و حتی در امتداد مرز پاکستان غربی و کشمیر نیز پیشروی کرد. بوتو به‌عنوان وزیر امور خارجهٔ وقت پاکستان جهت فیصله دادن به جنگ و دفاع از این کشور به سازمان ملل رفت. در شورای امنیت، آمریکا و چین از پاکستان دفاع کرده، ولی شوروی از هند جانبداری نمود و رأی وتوی این کشور باعث شد تا از توقف جنگ ممانعت به عمل آید. در نتیجه ارتش پاکستان مجبور به عقب‌نشینی شد و در پی آن، کشور بنگلادش پا به عرصه‌ی جهان گذارد. بر اثر این جنگ، یک میلیون نفر کشته شده و عده‌ی زیادی که در بنگلادش بر علیه بنگالی‌ها جنگیده بودند به پاکستان بازگشتند و بدین ترتیب، پاکستان، نیمه‌ی شرقی خود را از دست داد و تنها منحصر به نیمه غربی گردید.[۱]

استقرارگاه‌های انسانی

تقسیمات کشوری

پاکستان دارای چهار ایالت است. جدول زیر ایالات و بخش‌های آن را نشان می‌دهد.(۱۱)

ایالت	مرکز ایالت	مساحت ایالت‌ها (کیلومترمربع)	بخش‌ها (تقسیمات ایالت)
سند	کراچی	۱۴۰/۹۱۴	کراچی ـ حیدرآباد ـ سکور
پنجاب	لاهور	۲۰۵/۳۴۴	لاهور ـ مولتان ـ فیصل‌آباد ـ راولپندی ـ گجران والا ـ دیرغازی‌خان ـ بهاوالپور ـ سارگودا
ایالت سرحد شمالی	پیشاور	۷۴/۵۲۱	پیشاور ـ کوهات ـ دیر اسماعیل‌خان ـ ملکاند ـ هزاره ـ مناطق قبیله‌ای (خودمختار)
بلوچستان	کویته	۳۴۷/۱۹۰	کویته ـ سیبهی ـ کلات ـ مکران

مناطق شمالی پاکستان و کشمیر آزاد جزء بخش‌های ایالتی محسوب نمی‌شوند اما تحت کنترل دولت فدرال قرار دارند.

	بخش مرکزی	بخش‌ها
مناطق شمالی	گیلگیت	گیلگیت ـ اسکاردو ـ چیذار ـ دیامار ـ قنچه
کشمیر آزاد	مظفرآباد	مظفرآباد ـ میرپور ـ کوتلی ـ باغ ـ پونچ

ایالات و شهرها

ایالت سند: مرکز این ایالت شهر کراچی است که بیش از ۱۱ میلیون نفر جمعیت دارد. مهم‌ترین شهرهای این ایالت عبارت‌اند از: حیدرآباد، سکور، لارکانا، نواب‌شاه، شکارپور، دادو.[1]

ایالت سند میان ایالت پنجاب و دریای عربی (دریای عمان) واقع است. رودخانه ایندوس به‌عنوان تنها رودخانه این ایالت محسوب می‌شود. ایالت سند ۱٤۰/۹۱٤ کیلومترمربع مساحت دارد که حدود ٪۱۷/۷۰ خاک این کشور را دربر می‌گیرد. مشخصات جغرافیایی کراچی عبارت است از: 24°52′N 67°03′E

ایالت پنجاب: این ایالت ۲۰۵/۳٤٤ کیلومترمربع مساحت دارد یعنی ٪۲۵/۷۹ قلمرو پاکستان را شامل می‌شود. مرکز این ایالت شهر لاهور می‌باشد که ۲/۹۲ میلیون نفر جمعیت دارد. شهرهای مهم ایالت پنجاب عبارت‌اند از فیصل‌آباد، سیالکوت، گجرات، گجران والا، مولتان و وزیرآباد.

ایالت پنجاب هدیه رودخانه ایندوس و پنج آبریز شرقی آن یعنی: Jhelum، Chenab، Ravi، Sutlej و Beas می‌باشد. مشخصات جغرافیایی لاهور عبارت است از: 31°35′N 74°18′E.

ایالت سرحد شمال غربی[2]: ایالت مرزی شمال غربی که به (ایالت سرحد) هم شناخته می‌شود،

1. Dadu.

2. North West Frontier Province (NWFP).

مرکزش شهر پیشاور می‌باشد. از مهم ترین شهرهای ایـن ایالـت، شـهرهای بـانو[۱] و کوهـات[۲] است. گذرگاه معروف خیبر در ایالت سرحد قرار دارد. این ایالت ۷٤/٥۲۱ کیلومترمربـع خـاک پاکستان یا ۹/۳٦٪ آن کشور را تشکیل می‌دهد. مشخصات جغرافیایی شهر پیشاور عبارت است از: $34°1'N71°35'E$.

ایالـت بلوچسـتان: مرکـز ایـن ایالـت شـهر کویتـه اسـت و مهـم‌تـرین شـهرهای آن خـوزدر[۳]، گـوادار[٤]، پیشـین[٥]، نوشـکی[٦]، سـیبهی[۷]، دیرغـازی خـان[۸] مـی‌باشـند. در سرتاسـر این ایالت و در جهات مختلف، کوه‌هـا گسـترده‌تـر شـده‌انـد. بـزرگ‌تـرین بیابـان پاکسـتان در بلوچسـتان اسـت. امـا نکتـه مهـم در مـورد ایـن ایالـت ذخـایر غنـی گـاز ایـن ایالـت است. ذخـایر گـاز طبیعـی در سـو[۹] جـزء بـزرگ‌تـرین منـابع گـاز طبیعـی جهـان شـمرده مـی‌شـوند. ایـن ایالـت ۳٤۷/۱۹۰ کیلومترمربـع مسـاحت دارد کـه ٤۳/٦۱٪ خـاک پاکسـتان را شـامل مـی‌شـود. مشخصـــات جغـــرافیایـــی کویتـــه عبـارت اســـت از: $30°12'N\,67°00'E$.

روستاها

بیشترین جمعیت روستایی پاکستان در ایالت‌های بلوچستان، پنجاب، سند و مناطق شـمالی بـه ترتیب با ٤۳/٦ درصد، ۲٥/۸ درصد، ۱۷/۷ درصد و ۱۲/۸ درصد قرار دارد.[(۱۲)]

آمارهای گوناگونی در مورد الگوی پراکندگی روستاها در دست است. اگر مناطق عشـایری را جزو مناطق روستانشین بدانیم، ایالت سرحد[۱۰] به یکی از مهم‌ترین منـاطق روسـتایی تبـدیل می‌شود. زیرا نیمی از جمعیت این ایالت عشایر هستند.[(۱۳)]

---

1. Bannu.
2. Kohat.
3. Khuzdar.
4. Gawadaz.
5. Peshin.
6. Nushki.
7. Sibhi.
8. Dera Gazi Khan.
9. Sui.
10. NWFP

پایتخت

اسلام‌آباد در سال ۱۹۵۹ به جای کراچی به عنوان پایتخت پاکستان انتخاب شد. در زمان حکومت نظامی ژنرال ایوب‌خان، وی تصمیم گرفت پایتخت کشور را از کراچی به محل دیگری منتقل نماید. کراچی برای رژیم نظامی موقعیت مناسبی نداشت. این شهر هزاران کیلومتر از راولپندی (یعنی از ستاد فرماندهی ارتش) فاصله داشت و از سوی دیگر این بندر به شدت تحت تأثیر مسائل تجاری و ارتباطات صنعتی بود. در سال ۱۹۵۸ بیشترین جمعیت کراچی، افرادی بودند که در ایالت‌های اردو زبان هند متولد شده بودند. سطح سواد و تحصیلات این افراد که به مهاجر[1] معروف بودند، به مراتب از مردم شمال پنجاب و ایالت سرحد شمال‌غربی[2] بیشتر بود. مهاجران به طور آشکار حرفه‌های شهری و ارزش‌های دمکراسی را دنبال می‌نمودند و ایوب‌خان این ویژگی و صفات مردم کراچی را به چشم می‌دید. سرزمین مادری نظامیان پاکستان عمدتاً مناطق روستایی، قبیله‌ای و کلونی‌های خانوادگی بوده و ایوب‌خان و بسیاری دیگر از همکاران نظامیش نیز تربیت‌یافتهٔ چنین فرهنگی بودند. از این رو وی احساس نمود در صورت ادامه یافتن کراچی به عنوان پایتخت، این موضوع منجر به تغییر مرکزیت سیاسی می‌شود، لذا کمیسیونی را به ریاست ژنرال یحیی‌خان جهت پیشنهاد یک شهر جدید تشکیل داد. در نهایت کمیسیون یاد شده به این نتیجه رسید که پایتخت جدید در شمال راولپندی تأسیس شود. اسامی گوناگونی جهت پایتخت پیشنهاد شد، از جمله «جناح‌آباد». اما در نهایت ایوب‌خان نام «اسلام‌آباد» را برای پایتخت در نظر گرفت.(۱۴) نقشه این شهر مدرن در سال ۱۹۶۰ توسط کنستانتینوس دوگزیادس[3] که یک آرشیتکت یونانی بود تهیه شد.

---

1. Mohajirs
2. NWFP
3. Constantinos Doxiades

ساخت شهر در اکتبر ۱۹۶۱ آغاز و در سال ۱۹٦٦ همزمان با آغاز کار نخستین ساختمان اداری اسلام‌آباد، زندگی حقیقی در این شهر نیز شروع گردید. در سال ۱۹٦٤ اسلام‌آباد رسماً به عنوان پایتخت، فعالیت را در تمامی خیابان‌ها و ساختمان‌های خود می‌دید. تکمیل دیگر ابنیهٔ اسلام‌آباد تا اواسط دههٔ ۱۹۷۰ به طول انجامید. از آن جایی که ساخت این شهر طبق نقشهٔ بسیار دقیق و مهندسی صحیح صورت گرفته است، امکانات یک پایتخت واقعی از قبیل خیابان‌های عریض، خانه‌های بزرگ، پارک‌های بسیار و امکانات تفریحی را داراست. در اسلام‌آباد به ندرت می‌توان ترافیک و یا شلوغی مشاهده کرد.(۱۵)

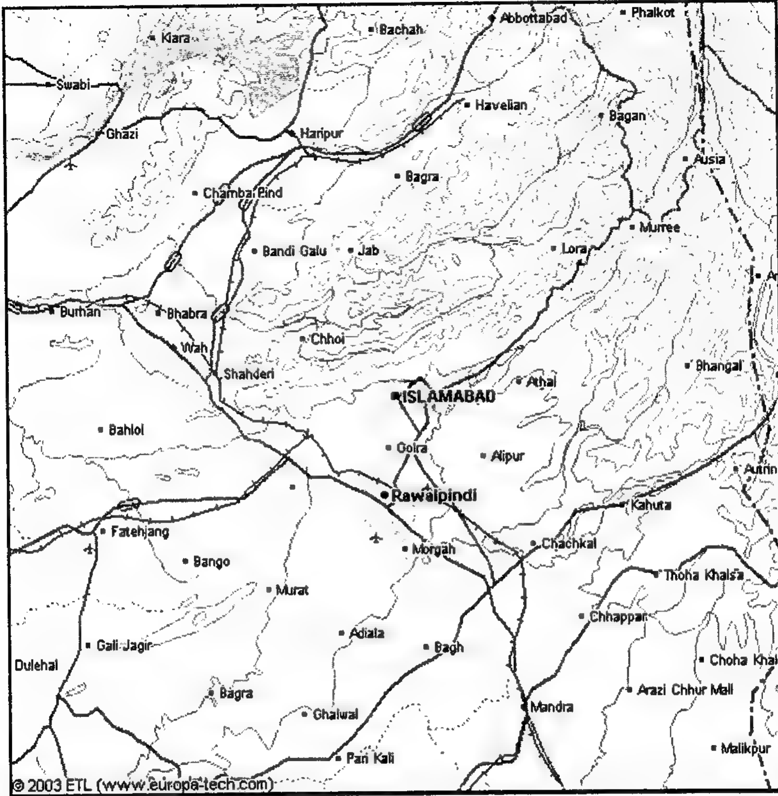
آب و هوای اسلام‌آباد از متوسط دو درجه سانتیگراد در ژانویه تا متوسط چهل درجهٔ سانتیگراد در ژوئن متغیر است.(۱٦)

طبق آخرین آمار، جمعیت اسلام‌آباد ۲۰٤/۳٦٤ نفر می‌باشد.(۱۷) اسلام‌آباد به هفت منطقهٔ بزرگ ذیل تقسیم می‌شود:(۱۸)

بخشی که ساختمان‌های دولتی در آن قرار دارند؛ ناحیهٔ دیپلماتیک؛ منطقهٔ تجاری؛ قسمتی که مراکز تحصیلی و دانشگاهی را در خود جای داده است؛ منطقهٔ بازرگانی - صنعتی؛ منطقه صنعتی برق و مناطق مسکونی. هر کدام از این مناطق دارای مراکز خرید و تفریحی و پارک نیز هستند. تمامی ساختمان‌های دولتی پاکستان در این شهر قرار دارند. **ایوان صدر** (که اقامتگاه رسمی ریاست جمهوری است) یکی از زیباترین بناهای اسلام‌آباد است. ساختمان پارلمان که هر دو مجلس را شامل می‌شود مساحتی بالغ بر ۵۵/۰۰۰ متر مربع را اشغال نموده است. دامنهٔ تپه‌های مارگالا[1] موقعیت خوبی را برای ورزش هاکی و دیگر ورزش‌ها و تفریحات به وجود آورده است.

1. Margalla

نقشه ذیل موقعیت اسلام‌آباد را نشان می‌دهد.



ارتباطات سرزمینی

شبکه ارتباطی پاکستان به شرح زیر است:

- طول کل جاده‌ها: ۲۲۸/۲۰۶ کیلومتر
- شبکه راه‌آهن پاکستان: ۸۷۷۵ کیلومتر
- تعداد ایستگاههای راه‌آهن: ۷۸۱ ایستگاه
- فرودگاه‌های بزرگ و بین‌المللی پاکستان عبارتند از: اسلام‌آباد، کراچی، لاهور، پیشاور، گوادر و کویته.[۱۹]

هنگام استقلال پاکستان، سیستم حمل و نقل داخلی پاکستان توسعه نیافته بود و خطوط راه‌آهن اصلی‌ترین سیستم حمل و نقل محسوب می‌شد. با توجه به لزوم توسعه، نیاز به گسترش و بهبود خطوط میان کراچی (بندر اصلی و مرکز تجاری پاکستان) و پنجاب (ایالتی که پایتخت در آن تأسیس می‌شد) به وضوح احساس می‌گردید. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شبکه‌های هوایی و جاده‌ای به مراتب رشد سریعتری از خطوط راه‌آهن داشتند به طوری که

بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۲، تعداد مسافرین و مقدار بار حمل شده از طریق جاده‌ها و خطوط هوایی بیش از دو برابر رسید. در ژوئن ۱۹۹۲، سیستم جاده‌ای پاکستان بالغ بر ۱۷۹/۷۲ کیلومتر می‌شد که ۵۱/۲٪ آن آسفالت شده بود. در طول دهۀ ۱۹۸۰ تعداد وسایل نقلیه موتوری دو برابر شد و در سال ۱۹۹۲، این تعداد نزدیک به دو میلیون دستگاه رسید، که شامل ۹۳۲/۰۰۰ موتور سیکلت، ٤٥٤/۰۰۰ اتومبیل، ۲۲۰/۰۰۰ تراکتور، ۱۵۷/۰۰۰ کامیون و وانت‌بار و ۳۷/۰۰۰ اتوبوس می‌شد. در مارس ۱۹۹۲ دولت یک طرح سی و هفت میلیارد روپیه‌ای جهت بازسازی و تعمیر جاده‌ها پیشنهاد نمود. یکی از برنامه‌های این طرح، ساخت بزرگراه چهار باندی و به طول ۳۳۹ کیلومتر میان لاهور و اسلام‌آباد بود که در سال ۱۹۹۵ این طرح به بهره‌برداری رسید. گرچه حمل و نقل جاده‌ای بیشتر در اختیار بخش خصوصی است لیکن بعضی از سرویس‌های باربری و مسافربری با بخش عمومی نیز همکاری می‌کنند.

در سال ۱۹۹۲ امکانات حمل و نقل ریلی شامل ۷۳۵ لکوموتیو و ٣٤/٨٥١ واگن باری می‌گردید.

اوایل ۱۹۹٤، خطوط هوایی بین‌المللی پاکستان[1] که بزرگ‌ترین خط هوایی پاکستان نیز می‌باشد، تحت کنترل دولت قرار داشت. PIA در این سال ناوگانی در اختیار داشت که شامل پنجاه و هفت هواپیما می‌شد که پانزده فروند از این هواپیماها، بوئینگ‌های غول‌پیکر ۷٤۷ و A300 - B_4 بودند. شبکۀ PIA، چهل و پنج فرودگاه بین‌المللی و سی و پنج فرودگاه داخلی را تحت پوشش قرار می‌داد. کراچی، اسلام‌آباد، لاهور، پیشاور و کویته دارای فرودگاه‌های بین‌المللی هستند. در سال ۱۹۹۳ چند خط هوایی خصوصی شروع به فعالیت نمودند که مهم‌ترین آن‌ها خط هوایی بین‌المللی شاهین است.

در دهۀ ۱۹۸۰ توانایی دریایی پاکستان کاهش یافت و تقریباً تمام ناوگان تجاری دریایی پاکستان در اختیار شرکت کشتیرانی ملی پاکستان،[2] قرار داشت. در حال حاضر حدود نیمی از این ناوگان که در اختیار پاکستان است، عمری بیش از پانزده

---

1. PIA
2. PNSC

سـال دارد و بـرای رفـع نیازهـای امـروزی مناسـب نیسـتند و تنهـا در شـش ماهـهٔ آخـر ۱۹۹۱، 47/2 PNSC میلیـون تـن بـار را جابجـا کـرده اسـت. در پاکسـتان تنهـا دو بنـدر بین‌المللی یعنـی کراچـی و محمـد بـن قسـیم وجـود دارد. بنـدر بـن قسـیم در پنجـاه و سـه کیلومتری جنـوب کراچـی قـرار دارد و در نـه ماهـهٔ نخسـت ۱۹۹۲، ۵/۸ میلیـون تـن بـار در این بندر خرید و فروش شده است.[۲۰]

مشخصات راه‌آهن پاکستان

- کل: ۱۰۷۲٤ کیلومتر
- ۱٦۷٦ کیلومتر ریل با فاصله متوسط
- ۲۹۳ کیلومتر راه‌آهن برقی
- ۱۰۳۷ کیلومتر دوبله برای صنایع سنگین
- ۷۷۱۸ کیلومتر با فاصله زیاد

فرودگاه‌ها

پاکستان ۱۱۸ فرودگاه دارد.[۲۱]

بزرگراه‌ها

کل: ۲٤۷۸۱۱ کیلومتر:

- ۱٤۱۲۵۲ کیلومتر (شامل ۳۳۹ کیلومتر بزرگراه) جاده سنگفرش شده.
- ۱۰٦/۵۵۹ کیلومتر جادهٔ غیر سنگفرش شده

پاکستان حـدود ۱۱۰۱۳۰ کیلـومتر جـاده دارد کـه پنجـاه و دو درصـد از آن‌هـا روسـازی (آسفالت) شده است.[۲۲]

امروزه فقدان تسهیلات حمل و نقل مدرن بزرگترین مانع بر سر راه توسعهٔ پاکستان محسوب می‌شود. از لحاظ طبیعی پاکستان توسط رودخانه‌ها و کوه‌ها یا صحراهای سوزان احاطه شده است و همین موضوع، خود مانعی عمده بر سر راه حمل و نقل داخلی کشور می‌باشد.[۲۳] با این حال پاکستان به شدت بر توسعهٔ سیستم ارتباطی خود کوشیده است. یکی از مسیرهای شبکهٔ راه‌آهن پاکستان از کراچی به طرف مرز افغانستان است. مسیر دیگر از سند به پنجاب می‌باشد که سپس به ایالت سرحد شمال‌غربی نیز ادامه می‌یابد. مسیر دیگر از سکور[۱] در سند به کویته و بلوچستان میرود و در آن جا یک شاخه‌اش به چمن واقع در شمال کویته و نزدیکی مرز افغانستان رفته و شاخهٔ دیگرش به طرف مرز ایران و زاهدان کشیده می‌شود. بجز راه‌آهن، جاده‌ها نیز عامل مؤثری در ارتباط نقاط مختلف کشور محسوب می‌شوند. نیمی از جاده‌ها جزو جاده‌های پست محسوب می‌شوند.

دولت پاکستان جهت ارتباط مؤثر بین نقاط مختلف کشور شورای بزرگراه‌های ملی را به وجود آورد. این شورا چند طرح را جهت اجرای این موضوع در نظر گرفته است که عبارتند از:[۲٤]

الف. تعریض مسیر کراچی ـ لاهور ـ پیشاور و تورخم: این مسیر از کراچی شروع و به مولتان، لاهور، پیشاور و در نهایت به طرف افغانستان پایان می‌یابد. مسیر یاد شده نیمی از کل حمل و نقل ملی را دربر می‌گیرد.

ب. بزرگراه ایندوس: این بزرگراه از کراچی شروع می‌شود و پس از طی مسیر حیدرآباد، سهوان، لاکارنا، دیر غازی‌خان، دیر اسماعیل‌خان و کاراپاچوک به پیشاور می‌رسد.

بزرگراه اکو: این بزرگراه پس از مسیر ترکیه و ایران در تفتان وارد خاک پاکستان می‌شود. مسیر اصلی این بزرگراه پس از تفتان به نوکندی در کویته است و از کویته نیز به طرف کراچی می‌رود.

---

1. Sukkur

مرزهای کشور

تراکم جمعیت در پاکستان تنها حول یک محور می‌چرخد و آن رودخانه ایندوس است. در ایالت پنجاب و مناطق شمالی که مساحت (عرض) کشور تنگ‌تر می‌شود، این موضوع به وضوح مشاهده می‌گردد که اگرچه تراکم را به طور پراکنده و حتی در کنار مرزها می‌توان مشاهده کرد، لیکن می‌توان گفت، از آن جایی که مرزهای کنونی پاکستان در گذشته جزو مناطق مرکزی هندوستان محسوب می‌شدند، چندان تعجب‌آور نخواهد بود که ببینیم شهرهای بزرگی همچون لاهور، گجرات و راولپندی در نزدیکی مرز قرار دارند. از این رو می‌توان اذعان داشت که تراکم تنها در اطراف رودخانهٔ ایندوس مشاهده می‌شود.

در خصوص مرزهای پاکستان با همسایگانش نیز می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

مرز ایران و پاکستان (به طول ۹۰۹ کیلومتر) برای اولین بار توسط کمیسیونی انگلیسی در سال ۱۸۹۳ تعیین گردید و طی آن بلوچستان با نام بلوچستان هندی ـ انگلیسی از ایران جدا گردید. در سال ۱۹۵۷ پاکستان قراردادی مرزی با ایران منعقد کرد و از آن زمان تاکنون دو

کشور هیچ‌گونه درگیری بر سر حدود مرزی با یکدیگر نداشته‌اند.

مرز پاکستان و افغانستان به طول ۲٤۳۰ کیلومتر می‌باشد. این مرز در شمال در امتداد رشته‌کوه‌های هندوکش و پامیر ادامه یافته و بخشی باریکی از خاک افغانستان به نام کریدور واخان[1] آن را از خاک تاجیکستان جدا می‌سازد. مرز پاکستان و افغانستان در سال ۱۸۹۳ توسط وزیر خارجه هندوستان بریتانیا، سر مورتیمر دوراند[2] تعیین گردید و در همان سال به تصویب امیر افغانستان رسید. این مرز که به خط دوراند معروف است بعد از استقلال پاکستان در سال ۱۹٤۷ نیز به رسمیت شناخته شد در سال‌های متعاقب آن گه‌گاهی از سوی دولت افغانستان و به‌ویژه قبایل پشتون که بین مرز دو کشور در رفت‌وآمد بودند مورد تردید و اعتراض قرار گرفت. به عبارت دیگر افغان‌ها اعتقاد داشتند که این مرز توسط یک قدرت برتر بر آن‌ها تحمیل شده است و آنها مایل به ایجاد کشوری جدید به نام پشتونستان و یا پختونستان بوده‌اند، اما پاکستان به‌عنوان وارث امپراتوری بریتانیا همواره بر قانونی‌بودن این مرز تأکید کرده است. خط دوراند در سال ۱۹۹٤ دوباره مورد تأیید دو کشور قرار گرفت.

در قسمت شمال شرقی، پاکستان کنترل ۸٤۱۵۹ کیلومترمربع ایالت جامو و کشمیر سابق را در کنترل دارد. این منطقه که از دو بخش کشمیر آزاد (۱۱٦۳۹ کیلومترمربع) و بخش عمده‌ای از مناطق شمالی (۷۲۵۲۰ کیلومترمربع) تشکیل شده و مناطق گیلگیت[3] و بالتیستان[4] را در خود جای داده، از جمله مناطق بسیار دیدنی پاکستانی محسوب می‌شوند. مناطق شمالی پنج کوه از مرتفع‌ترین کوه‌های دنیا را در خود جای داده‌اند و دارای آن‌چنان یخچال‌های عظیمی هستند که به قطب سوم دنیا معروف گشته‌اند. اختلافات مرزی بین پاکستان و هندوستان از سال ۱۹٤۷ مهم‌ترین عامل کشمکش بین دو کشور بوده و یخچال سیاچن[5] در شمال کشمیر به یکی از مناطق مهم درگیری‌های بین دو کشور از سال ۱۹۸٤ تبدیل شده است.

مرز پاکستان و چین در قسمت شمال شرقی پاکستان به طول تقریبی ۵۲۳ کیلومتر امتداد یافته

---

1. Wakhan.
2. Sir Mortimer Durand.
3. Gilgit.
4. Baltistan.
5. Siachen.

است. این مرز از قسمت شرقی انتهایی مرز پاکستان و افغانستان شروع شده و در گذرگاه کاراکورام[1] پایان می‌یابد. این خط مرزی طی یک سری توافقات مرزی از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۵ بین پاکستان و چین تعیین گردیده است. طی یک قرارداد دوجانبه بین پاکستان و چین، خط مرزی جدید بین دو کشور بعد از پایان یافتن بحران کشمیر بین پاکستان و هندوستان تعیین خواهد گردید.

خط آتش‌بس میان هند و پاکستان از بخش غربی و جنوب غربی گذرگاه کاراکورام آغاز شده و به نقطه‌ای در ۱۳۰ کیلومتری شمال شرقی لاهور ختم می‌گردد. این خط به طول ۷۷۰ کیلومتر با کمک سازمان ملل و در پایان جنگ هند و پاکستان (۴۸ـ۱۹۴۷) تعیین شده است. خط آتش‌بس در یکم ژانویه ۱۹۴۹ به اجرا درآمد و سرانجام در ژوئیه ۱۹۷۲ طی قرارداد سیملا[2] مورد موافقت دو کشور قرار گرفت. از آن زمان این خط به نام خط کنترل[3] شناخته می‌شود.

مرز هند و پاکستان در امتداد خط رادکلیف (مشهور به رای رادکلیف[4]) به طول ۱۲۸۰ کیلومتر و در جهت جنوب امتداد می‌یابد. با وجود اختلافات فراوان این مرز هیچ‌گاه مورد اعتراض دو کشور هند و پاکستان قرار نگرفته است. هندی‌ها اعتقاد دارند که این مرز می‌بایست بیشتر به سمت غرب کشیده شود تا بدینوسیله لاهور به هندوستان منتقل گردد.

مرزهای جنوبی پاکستان از چالش به مراتب کمتری نسبت به مرزهای شمالی برخوردار است و کویر تار[5] در ایالت سند[6] در بخش جنوبی توسط خط مرزی که در سال‌های ۲۴-۱۹۲۳ ترسیم شده است از دشت‌های نمک ران[7] از توابع کوچ[8] جدا شده است. بعد از جدا شدن پاکستان از هند، پاکستان مرز جنوبی سند را مورد اعتراض قرار داد و این مرز به چالش

1. Karakoram.
2. Simla.
3. Line of control.
4. این خط به نام سر سیریل رادکلیف (Sir Cyril Radcliffe)، رئیس کمیسیون مرزی انگلستان در تقسیم پنجاب و بنگال در سال ۱۹۴۷ نام‌گذاری شده است.
5. Thar.
6. Sindh.
7. Rann.
8. Kutch.

جدیدی بین دو کشور تبدیل گردید. سرانجام این درگیری مرزی که ابعاد آن از جنگ هند و پاکستان در کشمیر در سال ۱۹٦۵ کوچک‌تر بود، با میانجی‌گری انگلستان و رأی دادگاه حل اختلاف مرزی پاکستان و هندوستان که به امضای دبیرکل سازمان ملل رسید پایان یافت. مطابق رأی صادره دادگاه در ۱۹ فوریه ۱۹٦۸، خط مرزی در حدود ٤۰۳ کیلومتر تعیین گردید که بعدها توسط کمیته‌ای مشترک از دو کشور مرزبندی شد. پاکستان در این دعوای حقوقی از حدود ۹۱۰۰ کیلومترمربع ادعایی خود، تنها به ۷۸۰ کیلومترمربع دست یافت. در امتداد این خط مرزی (مرز غربی تعیین شده توسط دادگاه)، مرز نهایی هند و پاکستان به طول ۸۰ کیلومتر ادامه یافته و با جهت غربی و جنوب غربی به دریای عربی ختم می‌گردد.[۲۵]

توپوگرافی و طبیعت سرزمینی

وضعیت جغرافیایی طبیعی

● پاکستان به سه منطقهٔ جغرافیایی اصلی تقسیم می‌شود: **ارتفاعات شمالی، جلگه رود سند و فلات بلوچستان.** سه رشته کوه مرتفع جهان یعنی هیمالیا، قراقروم و هندوکش در مناطق شمالی پاکستان با هم تلاقی می‌کنند. تقریباً تمامی مناطق شمالی و شمال غربی پاکستان از کوه‌های مرتفع پوشیده شده است. در قسمت شمال کوه‌ها دارای شیب‌های تند، پرتگاه‌ها و دره‌های عمیق هستند. در پاکستان به تنهایی بیش از چهل و پنج قله که ارتفاع هر یک حدود ۶۰۰۰ متر است وجود دارد. در منطقه گیلکیت بیست و چهار قله با ارتفاع ۵۵۰۰ تا ۷۲۰۰ متر به چشم می‌خورد.

جلگهٔ رود سند، ایالت‌های پنجاب و سند را دربر می‌گیرد و از حاصلخیزترین نواحی کشاورزی این کشور محسوب می‌شود. در غرب رود سند کویرهای «تهل» و «تار» (یا کویر بزرگ هند) قرار دارند. فلات بلوچستان منطقه‌ای است غیر قابل کشت (لم یزرع) با وسعت ۳۴۹/۶۵۰ کیلومتر مربع که کوه‌های کم ارتفاعی نظیر رشته کوه‌های مکران در آن قرار دارند.

● حدود سه میلیون هکتار از زمین‌های پاکستان پوشیده از جنگل است و بیشتر این جنگل‌ها در مناطق شمالی و کشمیر آزاد قرار دارند. اگر چه در حال حاضر به دلایل مختلفی از جمله طوفان‌های مهیب، سیل، آتش‌سوزی و غیره روند تخریب جنگل‌ها در پاکستان سرعت گرفته است، اما از اواسط دهۀ ۱۹۹۰ دولت پاکستان تلاش می‌کند تا جنگل‌های موجود را افزایش دهد. بسیاری از جنگل‌های ملی از طریق رود ایندوس آبیاری می‌شوندو طرح‌های آبیاری جنگل‌ها از طریق این رود در کنترل دولت قرار دارند. از این جنگل‌ها سالانه ۳۲۱/۰۰۰ متر مکعب چوب تولید می‌شود.(۲۶)

● بیشتر رودخانه‌هایی که در بلوچستان جاری هستند دائمی نبوده بلکه فصلی می‌باشند و شامل:

ـ رود زاب:[1] منبع این رود تنها باران‌های بهاری است. این رود دویست و چهل مایل مسافت را طی می‌کند و سرچشمه آن کوه‌های شرقی است.

ـ رود ناری:[2] این رود به نام‌های آنامبر[3] و بجی[4] نیز نامیده می‌شود، و در سراسر منطقۀ غربی (سیبهی) و کاچهی[5] به طول حدود سیصد کیلومتر جریان دارد.

ـ رود بولان:[6] سرچشمۀ این رود کوه‌های نزدیک کالپور[7] است. آب این رود در جایی نزدیک به ساربولان[8] بر روی زمین جریان پیدا می‌کند. اما پس از طی مسافتی کوتاه در منطقه‌ای به نام آبگوم[9] مجدداً به زیر زمین می‌رود. در منطقۀ بی‌بی‌نانی[10] رودخانۀ ساراوان[11] به این رود می‌پیوندد و حتی در طول تابستان نیز آب سرد و شیرین این دو رود پیوسته جریان دارد.

ـ رود مولا:[12] سرچشمۀ این رود شمال دامنۀ پاب[13] می‌باشد. این رودخانه همیشگی است و در نهایت به دریای عمان می‌ریزد. این رود مسافت یکصد و هشتاد کیلومتر را طی می‌کند.

---

1. Zhob
2. Nari
3. Anamber
4. Beji
5. Kachhi
6. Bolan
7. Kolpur
8. Sarbolan
9. Abegum
10. Bibinani
11. Sarawan
12. Mula
13. Pab

- رود پیشین‌لورا:[1] دویست و پنجاه مایل طـول دارد و سرچشـمه‌اش از شـمال دامنهٔ توبـا کاکر[2] می‌باشد. این رود به سمت نوشکی[3] جریان دارد و در نهایت در صحرا فرو می‌رود.

- رود هاب:[4] دویست و چهل مایل مسافت داشته و از شمال دامنهٔ پاب[5] سرچشمه می‌گیرد و در نهایت به دریای عمان می‌ریزد.

- رود پورالی:[6] یکصد و هفتاد و پنج مایل مسافت دارد و از جندرباغ[7]، نه مایلی منطقهٔ واد[8] سرچشمه می‌گیرد و به سمت دریای عمان جریان می‌یابد. آب این رود شور است.

- رود هینگل:[9] سیصد و پنجاه و هشت مایل مسافت دارد و از کوراجی[10] سرچشمه گرفتـه و به دریای عمان می‌ریزد.

- رود دشت:[11] دویست و پنجاه و پنج مایل طول، از اواران[12] سرچشمه گرفته و بـه دریـای عمان می‌رسد.(۲۷)

• در ایالت سند پاکستان دریاچه‌های زیادی وجود دارد که بزرگترین آن منچار[13] اسـت بـا حدود دویست مایل مربع مساحت. دریاچهٔ کینجار[14] نیز در این ایالت وجود دارد.

در ایالت سرحد شمال غربی[15] نیز رودخانه‌های بسیاری وجود دارنـد. از جملـه: رودخانـه کابل، رودخانه کوهات[16] و رودخانه تاچی.[17] قابل ذکر است که سد تانـدا[18] بـر روی رودخانـه کوهات زده شده است و سد کـورام گارهی[19] نیـز بر روی رودخانه تاچی قرار دارد.

دو حوزهٔ رود مهم بلوچستان حوزهٔ رود کویته و حوزهٔ رود باسین[20] می‌باشد. هامون‌ها نیـز در ایالت بلوچستان قرار دارند.(۲۸)

---

1. Pishinlora
2. Toba - Kakar
3. Nushki
4. Hab
5. Pab
6. Purali
7. Jhandarbagh
8. Wad
9. Hingol
10. kurragi
11. Dasht
12. Awaran
13. Manchhar
14. Kinjhar
15. NWFP
16. Kohat
17. Tochi
18. Tanda
19. Kurram Garhi
20. Basin

● رود سند با طولی معادل دو هزار و نهصد کیلومتر یکی از بزرگترین رودهای جهان به‌شمار می‌رود. هزار و ششصد و نه کیلومتر از کل طول رود در این کشور قرار دارد. انشعاب‌های عمدهٔ این رود عبارتند از: رود شیگار شیوک، رود گیلگیت، رود اشکومان، رود یاسین، رود کابل و رود پنجند. رود پنجند از به هم پیوستن رودهای جهلوم، جناب، راوی، بیاس، وستلج تشکیل شده است. حجم آب رود سند و رودهای فرعی آن دو برابر حجم آب رود نیل و ده برابر حجم رود کلرادو است. معروف‌ترین دریاچهٔ پاکستان سیف‌الملوک نام دارد که در خاقان قرار گرفته است.[۲۹]

● دریاچه‌های پاکستان عبارتند از:

منچار[۱] در ایالت سند

کینجار[۲] در ایالت سند

هانا[۳] در ایالت بلوچستان

سیف‌الملوک[٤] در ایالت سرحد شمال غربی

ساتپارا[٥] در مناطق شمالی

کاچورا[٦] در مناطق شمالی[۳۰]

---

1. Manchar
2. Kinjhar
3. Hanna
4. Saif - ul – maluk
5. Satpara
6. Kachura

ویژگی‌های قومی و جمعیتی

جمعیت

جمعیت این کشور طبق آمارهای متفاوت در سال ۱۹۹۵، به ترتیب یکصد و سی و یک میلیون،[۳۱] یکصد و سی‌و پنج میلیون،[۳۲] یکصد و سی و هشت میلیون[۳۳]، در سال ۱۹۹۸ یکصد و سی و پنج میلیون،[۳٤] ژوئیه ۲۰۰۰ یکصد و چهل و یک میلیون[۳۵] و طبق آخرین آمار در سال ۲۰۰۰ یکصد و پنجاه میلیون [۳٦] نفر ذکر شده است.

برآورد می‌شود که در سال ۲۰۱۰ جمعیت این کشور به ۲۰۵/٤۷۲/۰۰۰ نفر برسد.[۳۷] همچنین نرخ رشد جمعیت پاکستان سه درصد است که نهمین کشور با درصد بالا در جهان می‌باشد.[۳۸]

تراکم نسبی

ایالت پنجاب با دویست و چهل نفر در هر کیلومتر مربع بیشترین تراکم را به خود اختصاص داده است. به ترتیب بعد از پنجاب ایالت سند و ایالت سرحدات شمال غربی بیشترین تراکم را

دارند. بلوچستان با تراکم نوزده نفر در هر کیلومتر مربع، کمترین تراکم نسبی را داراست. در منبع دیگر این آمار به ترتیب به شرح ذیل می‌باشد:[۳۹]

جدول تراکم جمعیت ایالت‌های کشور

منطقه	مساحت	جمعیت	تراکم
بلوچستان	۳٤۷/۱۹۰	٦/٥۱۰/۰۰۰	۱۸/۸
ایالت شمال غربی	۷٤/٥۲۱	۱۷/٥٥٥/۰۰۰	۲۳٥/٦
پنجاب	۲۰٥/۳٤٤	۷۲/٥۸٥/۰۰۰	۳٥۳/٥
سند	۱٤۰/٦۱٤	۲۹/۹۹۱/۰۰۰	۲۱۲/۸
مناطق فدرال قبیله‌ایی	۲۷/۲۲۰	۳/۱۳۸/۰۰۰	۱۱٥/۳
منطقه پایتخت فدرال	۹۰٦	۷۹۹/۰۰۰	۸۸۱/۹
کل	۷۹٦/۰۹٥	۱۳۰/٥۷۸/۰۰۰	۱٦٤ نفر

برخی از منابع در مجموع تراکم نسبی جمعیت را ۱۷۲ نفر و گاهی اوقات ۱٤٦ نفر در هر کیلومتر مربع ذکر کرده‌اند.[٤۰]

جمعیت شهرنشین، روستانشین و کوچ‌نشین

به‌رغم رشد درخور توجه شهرنشینی، آمار نشان می‌دهد بیش از هفتاد درصد جمعیت این کشور را روستانشینان تشکیل می‌دهند.[٤۱] ایالت سند چهل و سه درصد و ایالت پنجاب، بیست و هشت درصد و ایالت سرحدات شمال غربی، بیست و یک درصد و بلوچستان شانزده درصد از جمعیت شهری پاکستان را در خود جای داده است.[٤۲]

در ایالت سند بیشترین مراکز صنعتی ـ مالی و شهرهای بزرگ قرار دارند. از جمله: حیدرآباد با ۷۹٥۰۰۰ نفر، سکور با ۱۹۳۰۰۰ نفر، لارکانا با ۱۲۳۰۰۰ نفر، نواب‌شاه با ۱۰۲۰۰۰ نفر، شکارپور با ۸۸۰۰۰ نفر و دادو با ۳۹۰۰۰ نفر. پنجاب بزرگترین مراکز صنعتی و تجاری را با بیش از پنجاه و

شش درصد کل جمعیت پاکستان در خود جای داده است. از جمله: لاهور با جمعیت ۲/۹۲۲/۰۰۰ نفر، فیصل‌آباد ۱/۰۹۲/۰۰۰ نفر، مولتان ۷۳۰۰۰۰ نفر، سیالکوت ۲۹۷۰۰۰ نفر، گجرات ۱٥٤۰۰۰ نفر.

لازم به یادآوری است که بزرگترین بیابان‌های پاکستان در بلوچستان غربی واقع است (یعنی مساحتی در حدود ٥٤ مایل طول و ۲۲ مایل عرض)

● طبق آمار سال ۱۹۸۱، ۷۱/۷٪ از جمعیت پاکستان روستانشین و ۲۸/۳٪ شهرنشین هستند.(٤٣)

ویژگی‌های سنی

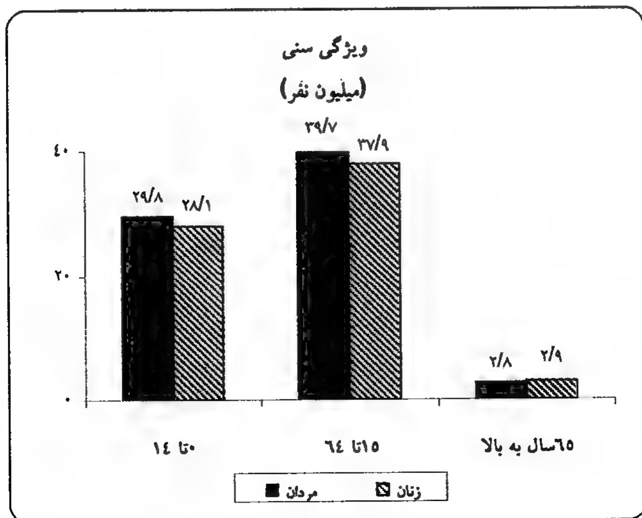
تقسیم سنی جمعیت پاکستان به شرح زیر است:

ـ ۰تا ۱٤ سال: ٤۱٪ جمعیت (مردان ۲۹/۸۸۰/٥۷٤ ـ زنان ۲۸/۱٤٥/۲٤۷)

ـ ۱٥ تا ٦٤ سال: ٥٥٪ جمعیت (مردان ۳۹/۷٥۱/۲۲۲ ـ زنان ۳۷/۹۸۱/۳۷۸)

ـ ٦٥ سال به بالا: ٤٪ جمعیت (مردان ۲/۸٥٦/۳۰٥ ـ زنان ۲/۹۳۹/۰٤۹)(٤٤)

بر طبق بررسی انجام پذیرفته در مورد نیروی کار پاکستان در سال ۱ـ۱۹۹۰، حدود ٤۷ درصد از جمعیت، زیر پانزده سال، ٤۹/٦٦ درصد گروه سنی ۱٥ تا ٦٤ سال و ۳/٤۱ درصد از افراد در گروه ٦٥ سال به بالا هستند.(٤٥)



ویژگی‌های جنسی

تقسیم جنسی جمعیت کشور بدین شرح است:

- در بدو تولد: به ازای هر زن،۱/۰۵ مرد
- زیر ۱۵ سال: به ازای هر زن، ۱/۰٦ مرد
- بالای ۱۵ سال: به ازای هر زن، ۱/۰۵ مرد

در کل به ازای هر نفر زن، ۱/۰۵ مرد (طبق آمار سال ۲۰۰۰) [٤٦]

- در پاکستان به ازای ٥۲/٥۰٪ مرد ٤۷/٥۰٪ زن وجود دارد.
- در سال ۱۹۸۱ به ازای هر ۱۱۱ مرد، ۱۰۰ زن وجود داشته است. [٤۷]

آموزش

طبق آمارهای ارائه شده، میزان باسوادان پانزده سال به بالا به ترتیب ۳٥٪ [٤۸] و ۳۷/۸٪ [٤۹] اعلام شده که از بین مجموع آن، سهم مردان در حدود ٤۷٪ الی ٥۰٪ و سهم زنان از ۲۱٪ تا ۲٤/٤٪ متغیر بیان شده است.

آخرین آمار سال ۱۹۹۹ میزان افراد باسواد را ٤٥٪ ذکر کرده است. [٥۰]

سیستم تحصیلی و آموزشی پاکستان در پنج سطح تقسیم می‌شود: دورهٔ ابتدایی که شامل پنج سال است. دورهٔ راهنمایی که از سال ششم تا هشتم دوره تحصیلی را دربر می‌گیرد. دورهٔ دبیرستان که سال نهم و دهم را شامل می‌شود و منجر به امتحان ورودی دانشگاه خواهد شد، دورهٔ میانی (پیش‌دانشگاهی) که شامل سال یازدهم و دوازدهم است و منجر به [۲] اخذ دیپلم در هنر[1] یا دیپلم در علوم[2] می‌شود و آخرین دوره، تحصیلات دانشگاهی است که تا درجات پیشرفته نیز ادامه پیدا می‌کند.

در سال ۱۹۹۱، ۸۷/٥٤٥ مدرسه ابتدایی، ۱۸۹/۲۰۰ معلم دوره ابتدایی و ۷/۷٦۷/۰۰۰ دانش‌آموز در این سطح وجود داشتند. [٥۱]

---

1. FA

2. FS

زبان

در پاکستان به زبان‌های مختلفی از جمله موارد ذیل تکلم می‌شود:
٤٨٪ پنجابی، ١٢٪ سندی، ١٠٪ سیراکی (یک نوع لهجه پنجابی)، ٨٪ پشتو، ٨٪ اردو (زبان رسمی)، ٣٪ بلوچی، هندکو ٢٪، ١٪ براهویی، ٨٪ انگلیسی، (زبان رسمی تحصیلکردگان و بیشتر وزرا) و بروشاسکی و دیگر زبان‌ها. [٥٢]

بر طبق آمار مختلف میزان تکلم افراد به زبان‌های فوق متفاوت اعلام شده است اما محکم‌ترین آمار گویای آن است که در این کشور چهار زبان عمده رایج می‌باشد: ٦٤ درصد مردم به پنجابی، ١٦ درصد به پشتو، ١٥ درصد به اردو و ١٣ درصد به سندی صحبت می‌کنند. بر اساس قانون اساسی ١٩٧٣ زبان اردو، زبان رسمی پاکستان اعلام شده است.

در جلگه‌های شمالی، به ویژه اطراف لاهور و کراچی، به زبان اردو سخن گفته می‌شود. این زبان از لهجهٔ محلی هند و گویش‌های فارسی، عربی و ترکی ترکیب شده است که در دربار فرمانروایان مسلمان به آن سخن می‌گفتند. اردو واژه‌ای است ترکی و به معنای ارتش و لشکر. وجه تسمیهٔ این زبان به اردو چنین است که ریشهٔ این زبان یکی از زبان‌های پراکرت یعنی لهجه «برج بهاشا» است که در دهلی و میرت بدان تکلم می‌شده است. بعدها لغات فارسی به آن وارد شده و توسط سپاهیان گورکانی در هند شایع و در اردوی شاهی رایج می‌شود، به همین جهت زبان اردو نامیده شد. [٥٣]

در آمارهای ارائه شده توسط دیگر منابع ارقام ذیل نیز آمده است:

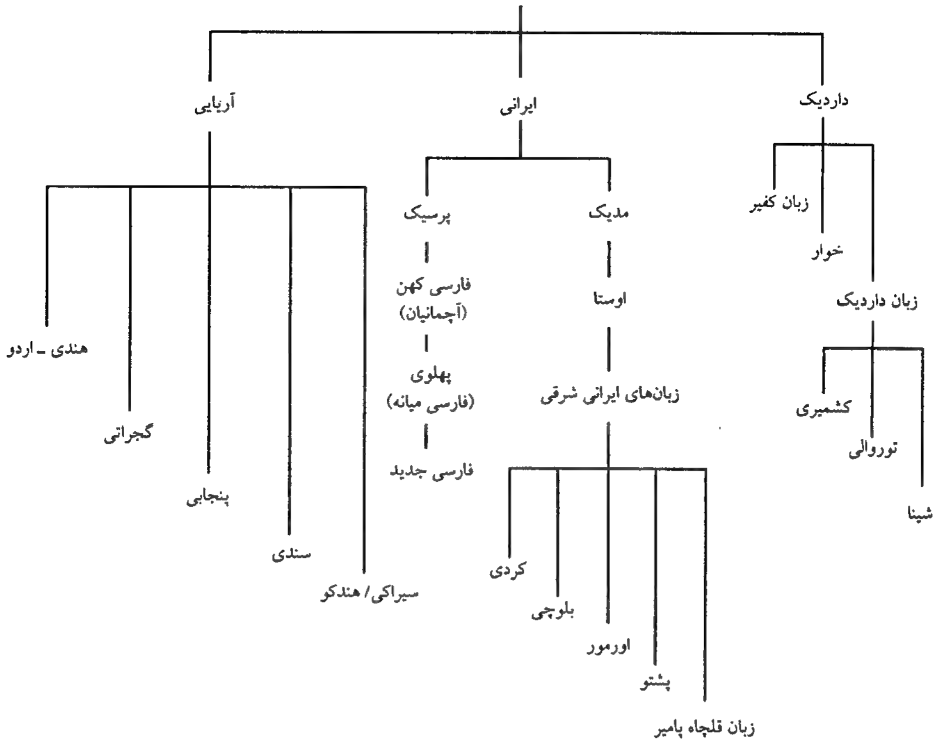
- اردو (زبان رسمی است). ٦٤٪ پنجابی، ١٢٪ سندی، ٨٪ پشتو، ٩٪ بلوچی و دیگر زبان‌ها[٥٤]
- ٤٨٪ پنجابی، ١٢٪ سندی، ١٠٪ سیراکی، ٨٪ پشتو، ٨٪ اردو [٥٥]

جدول ذیل نشان‌دهنده زبان‌های موجود در پاکستان، تعداد متکلمین و مکان اصلی تکلم به آن زبان می‌باشد:

ردیف	زبان	تعداد	محل
۱	AER		سند جنوبی، حیدرآباد، جامس آباد
۲	بدشی (BADESHI)		
۳	بگری (BAGRI)	۲۰۰/۰۰۰	ایالت سند و پنجاب
٤	بلوچی شرقی	۱/۸۰۰/۰۰۰	بلوچستان
٥	بلوچی غربی	۱/۱۱٦/۰۰۰	بلوچستان
٦	بلتی (BALTI)	۲۷۰/۰۰۰	بالتیستان
۷	بتری (BATERI)	۲۰_۳۰/۰۰۰	
۸	بایا (BHAYA)	۷۰_۷۰۰	سند جنوبی و کپری گوت
۹	براهویی (BRAHUI)	۲/۰۰۰/۰۰۰	
۱۰	بورشاکی (BURUSHAKI)	٥٥_٦۰/۰۰۰	
۱۱	چیلی سو (CHILISSO)	۱٦۰۰_۳/۰۰۰	ایندوس کوهستان و کرانه شرقی رود ایندوس
۱۲	داملی (DAMELI)	٥/۰۰۰	در دره دامل جنوب دروش (چیترال)
۱۳	دهواری (DEHWARI)	۱۳/۰۰۰	بلوچستان مرکزی، کلات، ماستونگ
۱٤	داتکی (Dhatki)	۲۰۰/۰۰۰	سند جنوبی، بخشهای تارپارکا و سنقر
۱٥	داماکی (DOMAAKI)	٥۰۰	بخش گیلگیت و مناطق شمالی روستای مومین‌آباد و دره هونزا
۱٦	فارسی شرقی	۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	چیترال جنوب شرقی، ماداگلاشت، پیشاور، راولپندی، لاهور، کراچی
۱۷	(GAWAR - BETI) گوار ـ بتی	۱٥۰۰ باضافه پناهندگان	چیترال جنوبی و چند دهکده در طول رودخانه کونار
۱۸	قیرا (GHERA)	۱۰/۰۰۰	حیدرآباد
۱۹	گواریا (GOARIA)	۲۰_۲٥/۰۰۰	تمامی شهرهای ایالت سند غیر از کراچی
۲۰	گورا (GOWRA)	۲۰۰	کوهستان ایندوس روستای مهرین منطقه کلای

ردیف	زبان	تعداد	محل
٢١	گجراتی		پنجاب جنوبی و سند
٢٢	گجرمی	٣٠٠/٠٠٠	چیترال، سوات کوهستان
٢٣	گورگولا (GURGULA)	٣٠_٣٥/٠٠٠	ایالت سند
٢٤	(HASARAGI) هزاره‌جی	١١٠_٢٢٠/٠٠٠	کویته و اسلام‌آباد و برخی روستاهای سند
٢٥	(HINDKO NORTHERN) هندکوی شمالی	١/٨٧٥/٠٠٠	بخش هزاره، ابوت‌آباد، دره‌های ایندوس و کفان ایالات سرحد شمالی
٢٦	(HINDKO SOUTHERN) هندکوی جنوبی	٦٢٥/٠٠٠	بخش آتوک، ایالت پنجاب، بخش‌های پیشاور و کوهات
٢٧	JADGALI	١٠٠/٠٠٠	
٢٨	جندوار (JANDAVRA)	٥/٠٠٠	جنوب ایالت سند از حیدرآباد تا میرپور خاص
٢٩	کبوترا (KABUTRA)	١٠٠٠	سند، منطقه زال ماروار
٣٠	کچاچی (KACHCHI)	٥٠/٠٠٠	کراچی
٣١	کلامی (KALAMI)	٤٠/٠٠٠	بالای سوات کوهستان از پیشمال تا شمال کلا، دیر کوهستان و لاموتی
٣٢	کلاشی (KALASHI)	٢٩٠٠_٥٧٠٠	بخش جنوبی چیترال
٣٣	کلکوتی (KALKOTI)	٤٠٠٠	دیرکوهستان و روستای کالکوت
٣٤	کمویری (KAMVIRI)	١٥٠٠_٢٠٠٠	بخش جنوبی چیترال و لامروت
٣٥	کشمیری	١٠٥٠٠٠	جامو و کشمیر
٣٦	کتی (Kati)	٣٧٠٠_٥١٠٠	کتیور شرقی در بخش چیترال
٣٧	کترانی (Khetrani)	کمتر از ١٠٠٠	شمال شرقی بلوچستان
٣٨	کوآر	٢٢٢/٨٠٠	چیترال

می‌توان ریشه زبان‌هایی که در پاکستان بدان تکلم می‌شود را به شرح ذیل نمایش داد:



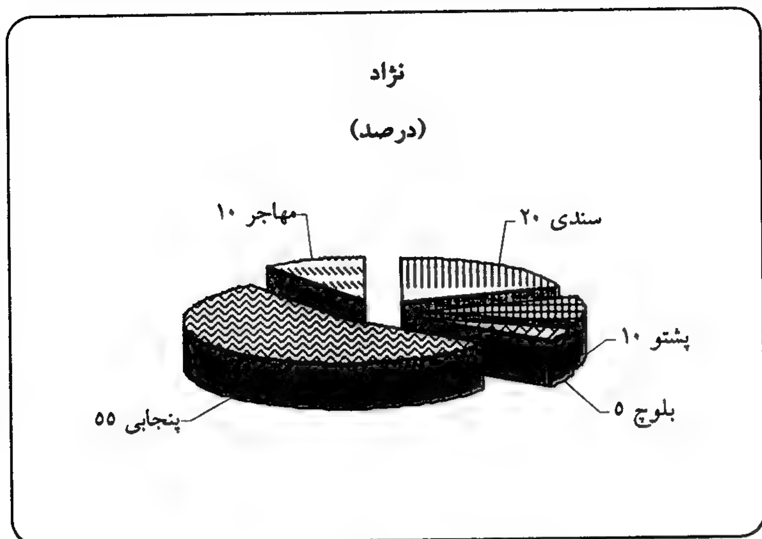
مذهب

طبق آمار منتشر شده در سال ۱۹۹۹ این کشور دارای ۹۷٪ مسلمان (۷۷٪ سنی و ۲۰٪ شیعه) و ۳٪ هندو، مسیحی و دیگر مذاهب است. آمار دیگری، این رقم را ۹۵٪ مسلمان و ۵٪ دیگر مذاهب ذکر می‌کند.[٥٦]

نژاد

گروه‌های قومی موجود در پاکستان عبارتند از: پنجابی، پشتو، بلوچ، مهاجر، ساراکی (سیراکی) و هزاره‌ها [٥٧]

در اطلس سال ۱۹۹۹، درصد نژادها در پاکستان به میزان ذیل بیان گردیده است:



گرایش‌های فرهنگی

● مراسم ازدواج یکی از مهم‌ترین رسوم و حوادث زندگی مردم پاکستان است. به طور معمول این مراسم حداقل چهار روز ادامه دارد. این مراسم به چهار مرحلهٔ مینو[1]، مندی[2]، شادی[3] و ولیمه[4] تقسیم می‌شود.

نخستین مراسم ازدواج در پاکستان بعد از نامزدی (مینو) است. در این روز خانوادهٔ عروس و داماد و مهمانان همگی لباس‌های زرد می‌پوشند. رنگ زرد سمبل این روز است. در ابتدای این مراسم ابتدا قرآن خوانده می‌شود و پس از تشریفات مذهبی، خانواده و دوستان، عروس و داماد را برای مراسم می‌آورند. سپس دوستان و خانواده گرد هم آمده و تمام بعدازظهر را موسیقی می‌نوازد.

عروس در شب قبل از ازدواج دست‌هایش را حنا می‌بندد که به این مراسم (مندی) می‌گویند. در همین شب است که خانوادهٔ داماد لباس عروس را به خانه وی می‌برند و خانواده

---

1. Mienu
2. Mehndi
3. Shadi
4. Valima

عروس نیز لباس داماد را به خانهٔ داماد می‌برند. این شب با رقص‌ها و آوازهای سنتی همراه است.

روز ازدواج را روز شادی می‌گویند. در این روز، مراسم و مخارج ازدواج به عهدهٔ خانوادهٔ عروس است.

در این روز بارات[1] یعنی خانوادهٔ داماد و دوستان وی به خانهٔ عروس می‌روند و رنگ قرمز سمبل این روز است به همین جهت معمولاً همگی افراد لباس‌هایی با رنگ قرمز به تن می‌کنند. بعد از خواندن خطبهٔ عقد در این روز، عروس و داماد به عنوان زن و شوهر رسمی شناخته می‌شوند و شام توسط خانوادهٔ عروس داده می‌شود. در آخر روز شادی مراسم رخصتی است. رخصتی[2] یعنی زمانی که عروس خانهٔ پدرش را ترک نموده و زندگی جدیدی را شروع می‌کند.

در چهارمین روز ازدواج مراسم ولیمه برگزار می‌شود. خانوادهٔ داماد در این روز همهٔ مهمانان را برای برگزاری جشن این مراسم دعوت می‌کند و زوج جدید در حالی که مهمانان و خانواده مشغول خوردن شام هستند به آنان خوشامد می‌گویند.[۵۸]

● پاکستانی‌ها به اعیاد اسلامی بسیار معتقدند. برخی از ثروتمندان روز دوازدهم ربیع‌الاول که مصادف با میلاد پیامبر اکرم است به خانواده‌های تنگدست پلو می‌دهند.

عید فطر در پاکستان به منزلهٔ آغاز سال نو است و سه روز نیز تعطیل رسمی می‌باشد. مردم در صورت استطاعت مالی، لباس‌های نو خریداری نموده و شیرینی و نقل و مرباجات در بین مردم رواج دارد. دیدار اقوام از همدیگر یکی دیگر از مراسم عید فطر است.

یکی دیگر از اعیاد پاکستان، عید قربان است. خانواده‌های روستایی که از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار هستند به قدر کافی غذا می‌پزند و هنگام آمدن فقرا به در خانه، به آنان غذا می‌دهند. به استثنای این اعیاد مذهبی، جشن‌های محلی نیز در پاکستان بسیار وجود دارد. بعضی از جشن‌ها در پاکستان به گونه‌ای همسان توسط مسلمانان و هندوان برگزار می‌شود از

---

1. Barat

2. Rokhsati

جمله این جشن‌ها **جشن باسانت** می‌باشد. یکی دیگر از جشن‌های بهاره **جشن هولی** است که در این روز، گروه‌های نوجوان به روی رهگذران آبرنگ یا گرد قرمز و زرد می‌پاشند. در پاکستان علاوه بر این اعیاد، تعطیلات ملی نیز وجود دارد. برای مثال بیست و یکم آوریل به عنوان روز اقبال و چهاردهم اوت روز استقلال و بیست و پنجم دسامبر زادروز قائد اعظم و عید کریسمس همگی جزو تعطیلات در پاکستان هستند.[۵۹]

● از مهم‌ترین رسوم پاکستانی‌ها، رسم اذان‌گویی در گوش کودک و نامگذاری در روز هفتم و سرتراشی و عقیقه در روز چهلم تولد کودک است. وقتی کودک به سن چهار سال و چهار ماه و چهار روز می‌رسد، افراد خانواده دور هم جمع می‌شوند و هدیه‌ای برای کودک می‌آورند و رسم بسم‌الله‌خوانی انجام می‌گیرد و کودک در حضور مهمانان از روی لوحی که رویش بسم‌الله الرحمن الرحیم نوشته شده کلمهٔ بسم‌الله را می‌خواند.[۶۰]

اتباع بیگانه در پاکستان

● بیشترین تعداد اتباع بیگانه در پاکستان را پناهندگان افغان تشکیل می‌دهند و پراکندگی آن‌ها در پاکستان به شرح زیر است:

ایالت	اردوگاه‌ها	تعداد افراد
(NWFP) سرحد شمال غربی	۷۷	۱/۳۰۶/۶۹۵
مناطق قبیله‌ای	۱۰۲	۷٤۰/۳۸٦
بلوچستان	٦۰	۷۲۷/۱۷۳
پنجاب	۱۰	۹۱/۵۵۲

در مجموع در ۲٤۹ اردوگاه، ۲/۸٦۵/۸۰٦ افغانی در پاکستان وجود دارند. (٦۱)

● سه میلیون افغان در پاکستان هستند که بیشتر آن‌ها در ایالت سند ساکن می‌باشند. در ایالت سند یک میلیون و ششصد هزار بنگالی، ششصد و پنجاه و چهار هزار افغانی، دویست

هزار برمه‌ای، دوهزار و سیصد و بیست ایرانی و فیلیپینی ساکن می‌باشند. در اسلام‌آباد چهل هزار افغانی و در ایالت سرحد شمال غربی یک میلیون و دویست هزار مهاجر افغان ساکن هستند.[۶۲]

● از اواسط دهۀ ۱۹۷۰ با افزایش تعداد نیروی کار پاکستان (اعم از ماهر و غیر ماهر)، سیل مهاجرت این افراد به سوی کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه آغاز شد. تا اواسط دهۀ ۱۹۸۰ تعداد این مهاجرین بیش از دو میلیون نفر رسید.

پاکستانی‌هایی که در کشورهای حوزۀ خلیج‌فارس کار می‌کنند، سالانه بالغ بر سه میلیارد دلار پول به کشور خود می‌فرستند. این مقدار پولی است که از طریق کانال‌های رسمی فرستاده می‌شود و تقریباً همین مقدار نیز از طریق کانال‌های غیر رسمی به پاکستان فرستاده می‌شود. در دهۀ ۱۹۹۰ و در پی جنگ خلیج‌فارس از موقعیت‌های شغلی در کشورهای خلیج‌فارس کاسته شد و بسیاری از این مهاجران مجبور به بازگشت به پاکستان شدند. با این حال یک میلیون پاکستانی در عربستان سعودی و امارات متحدۀ عربی مشغول به کار هستند. این تعداد از نیروی کار شامل کارگران غیر ماهر و ماهر با مشاغل و مهارت‌های بالا و عالی همچون مهندسین، پزشکان، معلمان و استادان، پرستاران و حسابداران می‌شود.

افزون بر این، تعداد قابل توجهی پاکستانی در کشورهای دیگر به ویژه انگلستان و ایالات‌متحده آمریکا زندگی و کار می‌کنند.[۶۳]

با توجه به موارد بالا کاملاً واضح است که پاکستان جزو کشورهای مهاجرفرست به‌شمار می‌آید.

مشاغل و تقسیم‌بندی‌های آن

• در سال ۱۹۵۰ پنجاه و سه درصد از GDP به کشاورزی اختصاص داشت در حالی‌که در سال ۱۹۹۳ کشاورزی تنها بیست و پنج درصد از GDP را تأمین می‌کرد. با این حال چهل و هشت درصد از نیروی کار در بخش کشاورزی فعال است و سیزده درصد در بخش صنعت و سی و نه درصد در بخش خدمات]بدین صورت که در حدود ۷٪ در کار ساختمان، ۱۳٪ در تجارت، ۵٪ در حمل و نقل و ۱۴٪ در دیگر خدمات[، مشغول به فعالیت می‌باشند.

در این قسمت به آمارهایی که در خصوص ترکیب اشتغال در دو دهۀ گذشته در پاکستان وجود دارد نیم نگاهی می‌اندازیم:

طبق آمارهای سال ۲۰۰۰ میزان اشتغال در بخش کشاورزی، خدمات و صنعت به ترتیب عبارتند از: [٦٤]

٪٤٤	در بخش کشاورزی
٪٣٠	در بخش خدمات
٪٢٦	در بخش صنعت

● در حالی‌که آمارهای سال ۱۹۹۹ نیروی کار در بخش‌های مختلف را به شرح ذیل نشـان می‌دهد:

٪۴۴ کشاورزی

٪۱۷ صنعت

٪۳۹ خدمات (۶۵)

● تقریباً ۵۰٪ از جمعیت پاکستان در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند.

● طبق آمار سال ۱۹۹۳ شاغلین بخش‌های مختلف عبارتند از:

٪۴۸ بخش کشاورزی

٪۱۳ صنعت

٪۷ بخش ساختمان

٪۱۳ تجارت

٪۵ حمل و نقل و ارتباطات

٪۲۵ سایر بخش‌های خدمات (۶۶)

● ترکیب اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصاد در سال ۱۹۸۳:

	مناطق روستایی	مناطق شهری	کل
کشاورزی	٪۶۸/۸	٪۷/۴	٪۵۲/۷
صنعت و معدن	٪۱۰/۱	٪۲۶/۳	٪۱۴/۴
خدمات	٪۱۷	٪۵۹	٪۲۸

(۶۷)

منابع معدنی و طبیعی کشور

منابع کانی

مهم‌ترین منابع کانی پاکستان عبارتند از: [۶۸]

منابع	تولید سالانه (در مقیاس تن)
سنگ گچ	۳۲۰/۰۰۰
سنگ نمک	۳۲۱/۰۰۰
سنگ آهک	۵/۷۰۰/۰۰۰
سنگ سیلیکات	۱۳۰/۰۰۰
ذغال سنگ	۲/۷۰۰/۰۰۰

عمدتاً منابع کانی پاکستان را ذغال سنگ، گاز طبیعی، نفت خام، سنگ مرمر، خاک رس چینی، کرومیت، دولومیت، سنگ آهک، سولفور، منگنز، نمک و سنگ آهن تشکیل می‌دهند. [۶۹]

چنانچه بخواهیم از ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ مقایسه‌ای در مقدار تولید منابع کانی پاکستان داشته باشیم می‌توانیم از نمودار زیر استفاده کنیم: (تولید سالیانه به تن) [۷۰]

جدول تولید سالیانه (بر حسب تن)

منابع	۱۹۹۶ / ۱۹۹۵	۱۹۹۷ / ۱۹۹۶	۱۹۹۸ / ۱۹۹۷
باریت	۱۴/۰۰۰	۳۰/۰۰۰	۳۰/۰۰۰
کرومیت	۲۷/۰۰۰	۳۵/۰۰۰	۳۵/۰۰۰
سنگ گچ	۴۲۰/۰۰۰	۵۲۲/۰۰۰	۳۰۷/۰۰۰
خاک نسوز	۱۱۲/۰۰۰	۱۱۰/۰۰۰	۹۴/۰۰۰
سنگ سیلیکات	۱۸۴/۰۰۰	۱۵۴/۰۰۰	۱۳۵/۰۰۰
سنگ نمک	۹۵۸/۰۰۰	۱/۰۶۶/۰۰۰	۹۷۱/۰۰۰
ذغال سنگ	۳/۶۳۸/۰۰۰	۳/۴۹۶/۰۰۰	۳/۱۴۵/۰۰۰

در مجموع می‌توان گفت مهم‌ترین منابع کانی پاکستان عبارتند از: نمک، کرومیت، ذغال سنگ، سنگ گچ، سنگ آهک، آهن، سولفور، خاک رس، گرافیت، نفت، گاز طبیعی و مس. [۷۱]

منابع رسمی از منابع زیاد کرومیت، ۴۳۰ تن آهن، ۷۴ میلیون تن بوکسیت، ۴۱۲ میلیون تن مس، ۲۱/۰۰۰ تن آنتیمون (توتیای معدنی)، ۸۰۰/۰۰۰ تن سولفور و مقادیر عظیمی سنگ آهک، سنگ مرمر، سنگ نمک و خاک چینی، خبر داده‌اند. [۷۲]

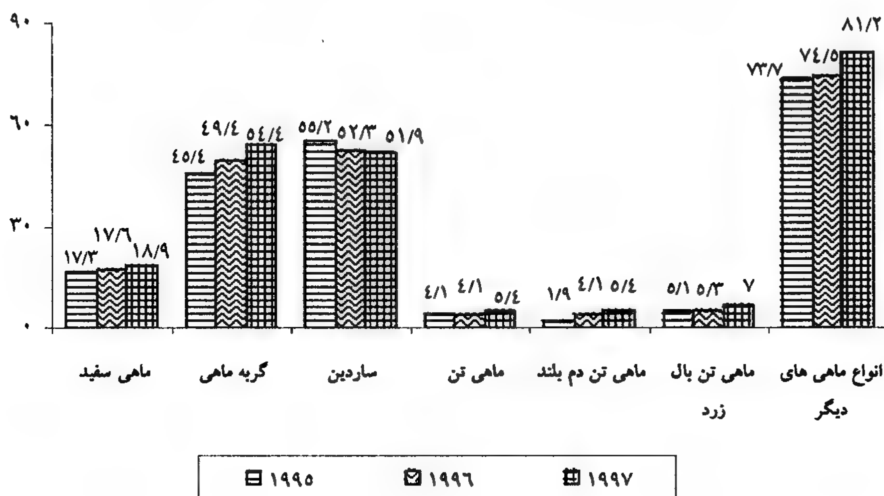
منابع غیرکانی

از دیگر منابع غیر کانی، جنگل‌ها، حیوانات و منابع طبیعی است. زندگی گیاهی و منابع طبیعی در پاکستان بستگی به بلندی و ارتفاع مناطق مختلف کشور دارد. گیاهان و گل‌های آلپی در دامنه‌های مرتفع پاکستان می‌رویند. همچنین جنگل‌های صنوبر، بلوط‌های همیشه سبز، درختان کاج و سرو را می‌توان در ارتفاعات پائین‌تر مشاهده کرد. [۷۳] عمده‌ترین محصولات این

جنگل‌ها، چوب و هیزم می‌باشد. یک سوم تا دو سوم از محصولات این جنگل‌ها به چوب تبدیل می‌شوند. افزون بر این، موادی مانند صمغ کاج نیز از دیگر محصولاتی است که از منابع جنگلی گرفته می‌شود. [٧٤]

حیات وحش در پاکستان از گونه‌های فراوانی برخوردار است. انواع ماهی‌ها را می‌توان در آب‌های شیرین و شور پاکستان مشاهده کرد. وجود ماهی به عنوان یکی از منابع در پاکستان باعث شده است، تا در کنار کمربند ساحلی سند و بلوچستان، ماهی‌گیری رونق داشته باشد. منابع دریایی (شیلات) یک درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد و یک درصد نیروی کار را به خود اختصاص داده است.

نمودار مقدار ماهی صید شده در پاکستان در سال‌های ١٩٩٥ ـ ١٩٩٧ به شرح زیر می‌باشد. [٧٥]



در سال ۱۹۷۰ صید ماهی ۱۷۳/۰۰۰ تن، در ۱۹۸۲ بالغ بر ۳۰۱/۰۰۰ تن و در ۱۹۹۲ بالغ بر ۵۱۰ هزار تن و در ۱۹۹۷ نیز ۵۳۱/۸ هزار تن بوده است. بیشتر این ماهی‌ها از دریای عمان صید می‌شود و بیشتر این صیدها (مخصوصاً میگو) به خاورمیانه صادر می‌شود. طبق برآوردی که انجام گرفته در صورت وجود تجهیزات مناسب و لازم، پاکستان در این بخش، بالقوه بسیار قوی است به طوری که می‌تواند چهارده میلیون تن ماهی در سال صید نماید، زیرا منابع دریایی در پاکستان بسیار غنی هستند.[٧٦]

منابع انرژی‌زا

به‌طور کلی پاکستان از منابع غنی انرژی برخوردار نیست. در حال حاضر نفت بیش از چهل درصد از نیازهای انرژی پاکستان را تأمین می‌کند و از آن جایی که در این کشور ذخایر نفت فراوانی وجود ندارد، کوشش‌های بسیاری جهت کشف و استخراج نفت در پاکستان صورت گرفته است. در سال ۱۹۹۵، نفت ٤٢/٣، گاز ۳۷/۹، برق ۱۲/۹، ذغال سنگ ٦/٦ و انرژی هسته‌ای ۱٪ از کل انرژی مصرفی را تشکیل می‌دادند. در سال ۱۹۸۳، پاکستان ٦٢٧ هزار تن نفت، ۹/۸ میلیارد متر مکعب گاز و ١٥٤٤ هزار تن ذغال سنگ تولید کرد.[٧٧]

در سال ۱۹۹۵ تخمین زده شد که ذخایر نفت خام این کشور ۲۰۹ میلیون بشکه و ذخایر قابل بهره‌برداری گاز ٦١٥/٠٣٤ میلیارد متر مکعب است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ذخایر گاز پاکستان چندان قابل تکیه نمی‌باشند و در صورتی که به ذخایر گاز فعلی، ذخایر جدید قابل توجهی اضافه نشود، حدود بیست و پنج سال آینده، این ذخایر به پایان می‌رسد. بزرگترین ذخایر گاز در منطقه سوئی در بلوچستان قرار دارد و تا کنون نیز منابعی به این عظمت در پاکستان کشف نشده است. یکی دیگر از منابع عظیم گاز در دو منطقه «سکور» و «خیرپور» در ایالت سند قرار دارد. این منابع در ۱۹۹۳ کشف شد و پیش‌بینی شده است که روزانه بین ده تا سی میلیون فوت مکعب گاز تولید کنند.

از مهم‌ترین مناطق گازخیز پاکستان می‌توان به لوتی، پیرکره، دهودک اشاره کرد. در سال

١٩٩٢ پاکستان اعلام کرد که یکی از بزرگترین ذخایر ذغال سنگ جهان در ایالت سند کشف شده است. میزان این ذخایر که از نوع بسیار مرغوب است هشتاد میلیارد تن تخمین زده می‌شود. (٧٨)

با این وصف، پاکستان به شدت به واردات نفت و گاز نیازمند است. در حالی که در دهۀ ١٩٨٠، تولید نفت خام به چهار میلیون بشکه می‌رسید در سال ١٩٩٢ این مقدار به ٢٢/٤ میلیون بشکه رسید. (٧٩) این افزایش نتیجه کشف و توسعۀ حوزه‌های نفتی جدید بود. اما به رغم این افزایش تولید، پاکستان در اوایل دهۀ ١٩٩٠ مجبور به وارد کردن بیست و هشت میلیون بشکه نفت خام شد. (٨٠)

برق یکی دیگر از انرژی‌های مورد مصرف در پاکستان است. در سال ١٩٩٢ میزان تولید برق این کشور ٩/٢٩٣ مگاوات بود که ٦٢/٧٪ آن از سوخت‌های فسیلی، ٣٥/٩٪ توسط انرژی آب و ١/٥٪ آن به وسیلۀ انرژی هسته‌ای تأمین می‌شد. از این مقدار انرژی، بخش صنعت با ٣٤/٢٪، بخش خانگی با ٣١/٧٪، کشاورزی با ٢١/٤٪، بخش تجارت و بازرگانی با ٤/٣٪ و دیگر استفاده‌کنندگان با ٨/٣٪ بزرگترین مصرف‌کنندگان الکتریسیته و انرژی برق محسوب می‌شدند. از این رو پاکستان در زمینۀ برق با کمبود روبرو است و بدین جهت دولت به شدت در پی سرمایه‌گذاری در این بخش است. (٨٠)

چنانچه نگاهی به تولید الکتریسیته در پاکستان بیندازیم، درک خواهیم کرد که پاکستان تا چه حد به سوخت‌های فسیلی خصوصاً نفت متکی است.

تولید الکتریسیته:

الف. سوخت‌های فسیلی: ٦٣/٠٥٪

ب. آب: ٣٦/٣١٪

ج هسته‌ای: ٠/٦٤٪ (٨٢)

استقرار نهادها و سازمان‌های کشور

با توجه به اهمیت مناطق مختلف پاکستان و شناسایی مناطق مؤثر کشور در ساخت و ترکیب‌بندی نهادهای سیاسی اجتماعی می‌توان گفت که از نظر جغرافیایی ایالات چهارگانه‌ای که در این کشور وجود دارند به لحاظ داشتن مؤلفه و عناصر خاص خود می‌توانند در امور حکومتی، مهم قلمداد شوند. در واقع می‌توان برای کشوری مانند پاکستان به علت رقابت و درگیری با هندوستان و همجوار بودن با آن کشور از یک سو و همچنین رقابت و کشمکش‌های مذهبی و ایدئولوژیک و تمرکز و پراکندگی جمعیت در مناطق مختلف، وضعیت ساختار طبیعی و ژئوپلتیک منطقه (داشتن منابع کانی، مرزها، دسترسی به دریا، تسهیلات ارتباطاتی و ...)، سطح آموزش و آگاهی جمعیت، تمرکز صنایع و سرمایه از سوی دیگر، اهمیت و جایگاه مناطق مختلف کشور را در امور حکومتی و سیاسی پاکستان تحلیل نمود.

نهادهای اقتصادی

معادن پاکستان در سراسر این کشور پراکنده هستند، یکی از بزرگترین معادن ذغال‌سنگ در صحرای تار[1] ایالت سند قرار دارد. معادن زغال‌سنگ دیگری در سورنج[2] و شاریغ[3] در بلوچستان، مکروال[4] در پنجاب و لوکرا[5] و متینگ[6] در سند قرار دارند. در ایالت سرحد شمال غربی، معادن زمرد و دیگر سنگ‌های گرانبها وجود دارد. علاوه بر این در پاکستان معادن نمک نیز به چشم می‌خورد. ایالت پنجاب سه معدن نمک خورا،[7] وارچا[8] و کالاباغ[9] را در خود جای داده است.(۸۳)

مهم‌ترین کارخانه‌های پاکستان: کارخانه‌های بزرگ منسوجات و مراکز نخ‌ریسی و پارچه‌بافی در کراچی و حیدرآباد و لعل‌پور و مولتان قرار دارند. در حال حاضر صنایع نساجی بیشتر در ایالت پنجاب (فیصل‌آباد) و سند متمرکز هستند. در کراچی و لاهور کارخانهٔ ذوب‌آهن و لوله آهن نیز قرار دارد. در مجموع می‌توان گفت در پاکستان صنایع در بخش خاصی متمرکز شده و صنایع و کارخانه‌های مهم در ایالت‌های پنجاب و سند قرار دارند و در بلوچستان و ایالت سرحد شمال غربی صنایع سنگین و کارخانه‌های بزرگ توسعه نیافته‌اند.(۸٤)

پالایشگاههایی نیز در پاکستان مشغول به کار هستند. مهم‌ترین آن‌ها پالایشگاه نفت ایران ـ پاکستان، پالایشگاه شون در بندر بن قاسم و پالایشگاه عرب ـ پاکستان در مولتان می‌باشد.(۸۵)

پالایشگاه دیگری قرار است با همکاری شرکت نفت پاکستان، کویت و کره جنوبی در ایالت سند در منطقهٔ بادین ساخته شود.(۸٦) کارخانه‌های شکر در

1. Thar
2. Sorrange
3. Sharigh
4. Makerwal
5. Lokhra
6. Meting
7. Khwera
8. Warcha
9. Kalabagh

ایالت‌های سرحد، پنجاب و سند قرار دارند. همچنین در بخش چاگای[1] بلوچستان بزرگترین طرح معدن مس در حال اجرا است که پس از استخراج و تصفیه آن مقداری طلا و نقره نیز بدست می‌آید.[۸۷]

در مجموع پنجاه درصد از صنایع سنگین پاکستان در ایالت سند قرار دارد.[۸۸]

نهادهای فرهنگی

قرارگیری دانشگاه‌های پاکستان با توجه به ایالت‌های این کشور عبارتند از:

ایالت سند

- دانشگاه پزشکی آغاخان در کراچی
- دانشگاه کراچی در کراچی
- دانشگاه مهندسی و تکنولوژی مهران، در جامشورو
- دانشگاه مهندسی و تکنولوژی N.E.D در کراچی
- دانشگاه سند در حیدرآباد
- دانشگاه سِر سید در کراچی[2]
- دانشگاه کشاورزی در تاندوجام

افزون بر اینها پنج دانشکده پزشکی. شش دانشکدهٔ حقوق و سه دانشکدهٔ تربیت معلم نیز در این ایالت وجود دارد.

ایالت پنجاب

- دانشگاه بهاءالدین زکریا در مولتان
- دانشگاه اسلامیه در بهاوالپور

---

1. Chaghai

2. Sir Syed university

ـ دانشگاه علوم مدیریت لاهور[1] در لاهور

ـ دانشگاه ملی علوم و تکنولوژی[2] در راولپندی

ـ دانشگاه پنجاب در لاهور

ـ دانشگاه کشاورزی[3] در فیصل‌آباد

ـ دانشگاه مهندسی و تکنولوژی[4] در لاهور

ایالت بلوچستان

ـ دانشگاه بلوچستان در کویته

در منطقه کشمیر آزاد تنها یک دانشگاه در شهر مظفرآباد وجود دارد.[۸۹]

مهم‌ترین دانشگاه‌های پاکستان عبارتند از:

ایالت	شهر	نام دانشگاه
پایتخت	اسلام‌آباد	دانشگاه (از راه دور) علامه اقبال
		دانشگاه اسلامی بین‌المللی
		دانشگاه قائد اعظم
		مرکز علوم کامپیوتر نیکون (Nicon)
پنجاب	بهاوالپور	دانشگاه اسلامیه
	فیصل‌آباد	دانشگاه کشاورزی، فیصل‌آباد (UAE)
	لاهور	دانشگاه علوم مدیریت لاهور (Lums)
		دانشگاه پنجاب، لاهور
		موسسه کامپیوتر Beaconhouse - Informatics
		دانشگاه مهندسی و تکنولوژی (UET)
		موسسه علوم کامپیوتر فست (FAST)
		مرکز علوم کامپیوتر نیکون (Nicon)

1. LUMS
2. NUST
3. UAF
4. UET

ایالت	شهر	نام دانشگاه
پنجاب	مولتان	دانشگاه بهاءالدین زکریا، مولتان
	راولپندی	دانشگاه ملی علوم و تکنولوژی (NUST)
	تاکسیلا (Taxila)	دانشگاه مهندسی و تکنولوژی
سند	حیدرآباد	دانشگاه سند، حیدرآباد
	جامشورو	دانشگاه مهندسی و تکنولوژی مهران
	کراچی	دانشگاه آغاخان، کراچی دانشگاه همدرد (hamdard) دانشگاه کراچی موسسه افق‌های جدید سانتاآنا دانشگاه مهندسی و تکنولوژی NED دانشگاه مهندسی و تکنولوژی سرسید (NED)
	تاندوجام	دانشگاه کشاورزی تاندوجام
NWFP	دیر اسماعیل‌خان	دانشگاه گومال (Gomal)، دیر اسماعیل‌خان
	پیشاور	دانشگاه کشاورزی NWFP، پیشاور دانشگاه مهندسی و تکنولوژی NWFP دانشگاه پیشاور
بلوچستان	کویته	دانشگاه بلوچستان، کویته
کشمیر آزاد	مظفرآباد	دانشگاه کشمیر آزاد

(۹۰)

نهادهای مذهبی

مراکز مذهبی اهل سنت در شهرهای مختلف عبارتند از:

لاهور: جامعه اشرفیه ـ جامعه نعیمیه

مولتان: خیرالمدارس، دارالعلوم

پیشاور: جامعه اشرفیه

بهاولپور: جامعه اسلامیه

کراچی: مرکز تعلیمات اسلامی، مدرسه عربیه مظهرالعلوم، جامعه خاروقیه، دارالعلم امجدیه و مدرسه البنات.

مراکز مذهبی اهل تشیع در شهرهای مختلف عبارتند از:

لاهور: المنتظر

اسلام‌آباد: جامعه اهل بیت

راولپندی: مدرسه مؤمن، مدرسه آیت‌الله حکیم

کویته: مدرسه امام صادق

در منطقه پنجاب و سرحد شمال غربی پاکستان، تعدادی از پیروان فرقهٔ اسماعیلیه ساکن می‌باشند.[۹۱]

● مراکز فرهنگی زیادی در پاکستان وجود دارد، که مهم‌ترین آن‌ها کتابخانه‌ها هستند. مهمترین این کتابخانه‌ها عبارتند از:

کتابخانه یادمان لیاقت در کراچی ـ کتابخانه ملی در اسلام‌آباد ـ کتابخانه دانشگاه قائد اعظم ـ کتابخانه دانشگاه پنجاب ـ کتابخانه عمومی پنجاب و کتابخانه لیاقت هال در کراچی.[۹۲]

نیروهای نظامی

ارتش پاکستان شامل نه سپاه است که قرارگیری آن‌ها به صورت ذیل در نظر گرفته می‌شود:

۱. سپاه اول در مانگلا

۲. سپاه دوم در مولتان

۳. سپاه چهارم در لاهور

٤. سپاه پنجم در کراچی

٥. سپاه دهم در راولپندی

٦. سپاه یازدهم در پیشاور

٧. سپاه دوازدهم در کویته

٨. سپاه سی‌ام در گجران والا

٩. سپاه سی و یکم در بهاوالپور [٩٣]

فرماندهی ستاد ارتش پاکستان در راولپندی قرار دارد.

● جدول ذیل انبارهای نگهداری سلاح‌های هسته‌ای پاکستان را نشان می‌دهد: (شهرهایی که در آن انبارها قرار دارند.)

جدول استقرارگاه‌های سلاح‌های استراتژیک [٩٤]

نام محل	موشک	سلاح‌های بیولوژیک	سلاح‌های شیمیایی	سلاح‌های هسته‌ای
Baghalchur باقالچور	–	–	–	×
Chagai Hills تپه‌های چاگای	–	–	–	×
Chasma چاسما	–	–	–	×
Dera Chazikhan دیر غازی‌خان	–	–	–	×
Dera Nawabshah دیر نواب شاه	×	–	–	–
Fatehjung فاتح جنگ	×	–	–	–
Golra Sharif گلرا شریف	–	–	–	×

نام محل	موشک	سلاح‌های بیولوژیک	سلاح‌های شیمیایی	سلاح‌های هسته‌ای
Gujranwala گجران والا	×	–	–	–
Jhang جانگ	×	–	–	–
Kahuta کاهوتا	×	–	–	×
Kamra کمرا	–	–	–	×
Karachi کراچی	–	–	–	×
Kharan صحرای خاران	–	–	–	×
Khushab خوشاب	–	–	–	×
Kundian کندیان	–	–	–	×
Lahore لاهور	–	–	–	×
Kakki کاکی	–	–	–	×
Multan مولتان	×	–	–	×
Okara اکارا	×	–	–	–
Quetta کویته	×	–	–	–
RawalPindi راولپندی	–	–	–	×
Sargodha سارگودا	×	–	–	–
Taxila تاکسیلا	–	–	–	×

پی‌نوشت‌ها

1. Peter R. Blood, *Pakistan a Country Study*, (Washington D.C. Federal Research, Division Library of Congress, 1995), p. 83.
2. Economic Survey 1999, Government of Pakistan.

۳. دو منبع زیر وضعیت جغرافیایی و طبیعی پاکستان را به تفصیل بیان کرده‌اند:

- K. U. Kureshy, *A Geography of Pakistan*, (Karachi: Oxford University Press, 1978).
- Ashok k. Dutt and m. m. Geib, *Atlas of South Asia*, (Colorado: westview Press, 1987).

4. www.Pakistanbiz.com/Pakistan/agriculture.htm
5. Peter R.Blood.op.cit.p.83
6. CIA:World Fact Book 2000.
7. Peter R. Blood, OP. cit, pp.150-160
8. world Bank, *World Development Report*, 1994, (New York: oxford university Press, 1994)
9. www.abdn.ac.uk/~src0048/hp/infopak.html

۱۰. این بخش خلاصهٔ بسیار موجزی از منابع زیر است:

- K.K.Aziz, *The making of Pakistan: Astudy in Nationalism*, (London: Chatto and windus, 1967)
- Jahan, Rounog, *Pakistan: failure in National integration*, (New York: Columbia university Press, 1972)

11. www.pakistaniformation.com/factsinfoinde.html
12. Hassan Gardezi and Jamil Rashid, *Pakistan: the Roots of Dictatorship*, (London: Zed Press, 1983) P.Xvi.
13. www.forisb.org/nwFp/html
14. Shahid Javed Burki, *Historical Dictionary of Pakistan*, (London: the Scarecrow Press, Inc. Metuchen, 1991), PP.103-104

15. www.fas.org/nuke/guide/pakisran/target/isl
16. Peter R. Blood, op.cit.p.87
17. Pakistanbiz.com/Pakistan/principal.html
18. (www.fas.org/.....), op. cit.
19. www.alephx.com/pakistan/html/facts/htm
20. Peter R.Blood. op.cit. pp. 189-194
21. GIA: World Factbook 2000
22. www.Pakistanbiz.com/Pakistan/transportation.html
23. www.Pakistabiz.com/Pakisran/transportation

۲٤. زیبا فرزین‌نیا، *کتاب سبز پاکستان*، صص ۹۸ ـ ۹۷.

۲۵. برآورد کشوری کتابخانه کنگره آمریکا و CIA. Fact Book (2002)

26. Peter R.Blood, op. cit. pp. 181 - 182
27. Mir Ahmad Yar Khan Baluch, *inside baluchistan*, (Karachi: Royal Book Company, 1975), PP.11-18
28. www.pak.gov.pk/public/people/Landpeo(punjab)htm
www.pak.gov.pk/public/people/Landpeo(baluchistan).htm
www.pak.gov.pk/public/people/Lndpeo(NWFP).htm
www.pak.gov.pk/public/people/Landpeo(sindh).htm

۲۹. روبرت لانگ، *سرزمین و مردم پاکستان*، ترجمه داود حاتمی، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲)، ص‌ص ۳٤ ـ ۳۳.

30. www.forisb.org/country profile.html
31. http://www.instecdigital.com/1/pakfacts.htm
32. http://www.abcnews.go.com/reference/conuntries/PK.html
33. http://www.alephx.com/pakistan/htm1/facts.htm
34. U. S. Department of State, March 2000
35. http://www.emulate me.com/content/Pakistan.htm
36. http://www.pak.gov.pk/public/people/index.html
37. George Thomas Kurian, *Encyclopedia of the third World*, volume II, Newyork: Facts onfile, 1992) P.1470
38. http://www.pak.gov.pk/public/people/index.html
39. The Europa World Year Book 2000.
40. http://www.pak.gov.pk/public/people/index.html

٤۱. فرزین‌نیا، همان، ص ۹

42. http://www.pak.gov.pak/Rublic/people/index.html
43. Hassan Gardezi and Jamil Rashid, op.cit. p. xvi.
44. http://www.emulateme.com/content/pakistan/htm(18/02/2002)

45. http://www.pak.gov.pk/public/people/index.html.
46. http://www.emulateme.com/content/pakistan.htm 18/02/2001
47. Hassan Gardezi and Jamil Rashid. Op.cit.p.xvi
48. http://www.instecdigital.com/l/pakfacts.htm
49. USCENTCOM 1992 Atlas-Pakistan.
50. U. S. Department of State. March 2000
51. Peter R.Blood,op.cit,p.
52. http://www.emulateme.com/com/content/pakistan.htm18/0

۵۳. *کتاب سبز*، در صورت نیاز ادامه مطلب ص ۱۳ و ۱٤

54. http://www.instecdigital.com/1/pakfacts.htm
55. http://www.abcnews.go.com/reference/countries/pk.html
56. http://www.alephx.com/pakistan/html/facts.htm
57. U.S. Department of State.
58. www.geocities.com/tokyo/Ginza/9732.

۵۹. روبرت لانگ، همان، صص ۲۰٤ ـ ۱۹۸

٦۰. شهین‌دخت کامران مقدم، *نگاهی به پاکستان*، (تهران: چاپ گلشن)، ص ۱٦

61. Craig Baxter, *Zia's Pakistan: Politics and Stability in a Frontline State*, (Pakistan: Vanguard Book LTD, 1985) P.97

٦۲. فرزین‌نیا، همان، ص ۱۱

63. Peter R. Blood, op.cit. p.171
64. U.S. Department Of State/ March 2000.
65. http://www.emulateme.com/content/pakistan.htm 18/02/2001
66. Peter R. Blood, op.cit. p.170

٦۷. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزرات بازرگانی، بررسی مسائل کشورها «پاکستان»، تیر ماه ۱۳٦٦.

68. www.Pakistanbiz.com/Pakistan/mining.html.

٦۹. زیبا فرزین‌نیا، همان، صص ۷۵ ـ ٦۵.

70. The Europa World Yearbook, 2000.vol II, P.230
71. www.Pakistanbiz.com/pakistan/natural.html
72. www.rpi.edu/dept/union/paksa/www/html/pakistan/induo.html
73. www.pakistanbiz.com/pakistan/natural.html
74. Economic survey 1995,P.16
75. Europa world yearbook, 2000.Vol. II, P.2830
76. Peter R.Blood,op.cit,P.182

۷۷. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی، بررسی مسایل کشورها «پاکستان»، ۱۳٦۸، صص ۷۲ _ ۷۰

78. Economic survey, 1995, op.cit.PP.37 - 45
79. Peter R.Blood, op.cit.P.185

۸۰. همان

۸۱. همان صص ۱۸۸_۱۸۷

82. GIA. World Factbook.2000
83. Economic Survey, Government of Pakistan, 1998.99
84. (ed) Francis Robinson, *The Cambridge Encyclopedia of India, Pakistan, Bangladesh, Srilanka, Nepal, Bhutan and the Maldives*, (New York: Cambridge university Press, 1989), pp.298 - 300
85. Peter R.Blood, op.cit, PP. 184 - 188

۸٦. زیبا فرزین‌نیا، همان، ص ۷٦

87. Economic survey 1994 - 95, P.29 - 30
88. www.rpi.edu/dept/union/paksa/www/html/pakistan/sindh.html
89. Ibid.
90. www.rpi.edu/dept/union/paksa/www/html/pakistan/edu.edu.html

۹۱. قاسم صافی، *سفرنامه پاکستان*، (تهران: کلمه، ۱۳٦٦)، صص ۱۸۱ _ ۱۷۷.

۹۲. مرتضی اسعدی، جهان اسلام، جلد دوم، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳٦۹)، ۲۵۳ _ ۲۵۲.

93. Peter R.Blood, op.cit. P.288
94. www.fas.org/nuke/guide/pakistan/facility

بخش دوم

برآورد سیاسی

ساختار و ماهیت نظام سیاسی

هرم سیاسی

قوه مجریه

قوه مجریهٔ کشور پاکستان متشکل از رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، کابینه و شورای امنیت ملی است. طبق قانون اساسی پاکستان ـ به این دلیل که نوع حکومت این کشور، جمهوری اسلامی است ـ رئیس‌جمهور آن نیز باید مسلمان باشد. هیأتی متشکل از اعضای سنا، مجلس ملی و اعضای مجالس ایالتی، رئیس‌جمهور پاکستان را برای یک دورهٔ پنج ساله انتخاب می‌کنند. رئیس‌جمهور تنها می‌تواند برای دو دورهٔ متوالی انتخاب شود. رئیس‌جمهور معمولاً در مقام مشاور نخست‌وزیر عمل می‌کند؛ اما دارای اختیارات درخور توجهی نیز هست. یکی از مهم‌ترین این اختیارات که از دوران ضیاءالحق باقی‌مانده، قدرت انحلال مجلس ملی است.[1] بر اساس اصلاحیه قانون اساسی از زمان ضیاءالحق، را رئیس‌جمهور از میان اعضای مجلس ملی، نخست‌وزیر پاکستان را انتخاب می‌کند و با کابینهٔ فدرال همکاری می‌نماید. کابینهٔ فدرال، شورایی است متشکل از وزرایی که رئیس‌جمهور با مشورت نخست‌وزیر انتخاب می‌کند.

قوه قانونگذاری

قوهٔ مقننهٔ پاکستان یا مجلس شورا، متشکل از دو مجلس سنا و ملی است.

اعضای مجلس ملی را افراد بالای بیست و یک سال، به مدت پنج سال انتخاب می‌کنند. کرسی‌های این مجلس، به چهار ایالت پاکستان و مناطق قبیله‌ای تحت حکومت فدرال و پایتخت تقسیم می‌شود و حدود پنج درصد از کرسی‌ها به اقلیت‌های مذهبی این کشور (مسیحیان، هندوها و سیک‌ها) اختصاص دارد. نمایندگان مجلس سنا را اعضای مجالس ایالتی مربوط به هر ایالت انتخاب می‌کنند. افزون بر آن، نمایندگانی نیز از مناطق قبیله‌ای تحت نظر دولت فدرال و ناحیه پایتخت (اسلام‌آباد) حضور دارند.

بر اساس قانون اساسی پاکستان، هنگامی که جایگاه ریاست جمهوری خالی است و تا زمانی‌که به‌طور رسمی رئیس‌جمهور جدیدی از طریق انتخابات تعیین شود، رئیس مجلس سنا عهده‌دار سمت ریاست جمهوری خواهد بود. هر دو مجلس ملی و سنا، دارای اختیار قانونگذاری ـ به جز تصویب لوایح ملی کشور ـ هستند. بودجهٔ فدرال و تمامی لوایح مالی دیگر را تنها مجلس ملی می‌تواند تصویب کند. رئیس‌جمهور اختیار دارد از تصویب دیگر لوایح جلوگیری نماید؛ مگر آن‌که قوهٔ مقننه در نشستی متشکل از اکثریت اعضای هر دو مجلس نظر رئیس‌جمهور را رد کند. از دیگر مقام‌های مهم قوهٔ مقننه، می‌توان به دادستان کل، حسابرس کل و مسئولان کمیسیون سرزمینی فدرال، کمیسیون خدمات عمومی فدرال، انتخابات مرکزی و بازرسی کل اشاره نمود.

حکومت محلی در پاکستان و سیستم مجالس قانونگذاری

پاکستان به چهار ایالت، منطقهٔ پایتخت و مناطق قبیله‌ای تحت نظر دولت فدرال تقسیم می‌شود. پس از انتخاب رئیس‌الوزرای ایالت از سوی مجلس ایالتی؛ رئیس‌جمهور نیز فرماندار را منصوب می‌کند. اعضای مجالس ایالتی برای یک دورهٔ پنج ساله، از طریق رأی مردم انتخاب می‌شوند. مجلس ایالتی بلوچستان متشکل از ۵۱

نفر بوده و در شهر کویته قرار دارد. مجلس ایالت سرحد یا شمال غربی (NWFP)، متشکل از ۹۹ نفر و در شهر پیشاور واقع می‌باشد. مجلس ایالتی پنجاب متشکل از ۲۹۷ نفر و و در شهر لاهور قرار دارد و مجلس ایالتی سند شامل ۱۳۰ نفر و در شهر کراچی واقع است. مجلس ملی ۳٤۲ کرسی دارد که ۲۷۲ نفر آن‌ها را مردم انتخاب می‌کنند و بقیه از میان زنان و اقلیت‌های مذهبی برگزیده می‌شوند. مجلس سنا نیز ۱۰۰ نفر عضو دارد.[۲] سهمیه زنان در چهار ایالت، ۱۲۸ نفر و سهمیه اقلیت‌های مذهبی ۲۳ نفر است. در مجلس ملی سهمیه زنان ٦۰ نفر و اقلیت‌های مذهبی ۱۰ نفر است.

هر ایالت نیز به بخش‌هایی تقسیم می‌شود. ایالت پنجاب به پنج بخش، ایالت سرحد به سه بخش، ایالت سند به سه بخش و ایالت بلوچستان به دو بخش تقسیم می‌گردد.

جامو و کشمیر تحت حاکمیت پاکستان با نام کشمیر آزاد شناخته می‌شود که با ۱۱٦۳۹ کیلومتر مربع، متشکل از چهار بخش و یک رئیس و یک نخست‌وزیر دارد.

مرکز کشمیر (تحت کنترل پاکستان)، مظفرآباد است.[۳]

قوه قضاییه:

قوه قضاییهٔ پاکستان شامل دیوان عالی، دیوان‌های عالی ایالتی و دیگر دادگاه‌هایی است که صلاحیت رسیدگی قضایی به امور جنایی و مدنی را دارند. رئیس‌جمهور علاوه بر انتصاب رئیس دیوانعالی پاکستان، رئیس قضات را نیز تعیین می‌کند و دیگر قاضی‌های دادگاه عالی نیز بعد از مشورت رئیس‌جمهور با رئیس قضات، از سوی شخص رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند.

رئیس قضات و دیگر قاضیان دیوان عالی کشور می‌توانند تا سن ٦٤ سالگی به‌کار ادامه دهند. قضات دادگاه‌های عالی ایالتی را نیز رئیس‌جمهور بعد از مشورت با

رئـیس قضـات دیـوان عـالی، فرمانـدار ایالـت و رئـیس قضـات دیـوان عـالی آن ایالـت انتخاب می‌کند.

دادگاه ویژهٔ دیگری به‌نام «دادگاه فدرال شریعت»، متشکل از هشت قاضی مسـلمان وجـود دارد که شامل یک رئیس قضات (از سوی رئیس‌جمهور) و سه قاضی از طبقهٔ علما و نخبگـان اسلامی است. این دادگاه دربارهٔ مطابقت یا عدم تطابق قوانین با اسلام تصمیم‌گیری مـی‌نمایـد. هرگاه یک قانون آشکارا با اسلام تضاد داشته باشد، رئیس‌جمهور (چنانچه قوانین فدرال باشد) یا فرماندار (در اموری که قانون، مربوط به قوانین ایالتی باشد) موظـف خواهنـد بـود کـه ایـن قانون را با اسلام هماهنگ نمایند؛ همچنین دادگاه‌های ویژه‌ای، همانند دادگاه‌های مواد مخـدر، کار، مالی و خلاف‌کاری‌های بانکی، دادگاه‌های ویژه تروریست‌هـا و عملیـات تروریسـتی نیـز وجود داشته و به فعالیت مشغول‌اند.

ادارهٔ محتسب[1] در بسیاری از مناطق مسلمان‌نشین برای تضمین این‌که هیچ تخلفی نسبت به شهروندان صورت نگیرد، تأسیس شده است. اعضای این اداره را رئیس‌جمهور به مدت چهـار سال انتخاب می‌کند.[٤]

جایگاه قوا در اداره کشور

وظایف و اختیارات قوهٔ مجریه

از مهم‌ترین اختیارات رئـیس‌جمهـور، درمقـام رئـیس قـوهٔ مجریـه، انحـلال مجلـس ملـی است. رئیس‌جمهور مـی‌توانـد ازتصـویب لـوایحی بـه غیـر از لـوایح مـالی و بودجـه فـدرال جلـوگیری نمایـد؛ مگـر آن‌کـه قـوه مقننـه در نشسـتی متشـکل از اعضـای هـر دو مجلـس ـ کـه در آن اکثریـت اعضـای هـر دو مجلـس حضـور داشـته باشـند ـ نظـر رئـیس‌جمهـور را رد کنند و آن را نپذیرند.

---

1. Mohtasib

نخست‌وزیر ـ دومین مقام قوهٔ مجریه پس از رئیس‌جمهور ـ از اختیار تشکیل دولت (کابینه) برخوردار است. در حقیقت، نخست‌وزیر در پاکستان شخصیت اجرایی است و رئیس‌جمهور بیشتر نقش تشریفاتی را ایفا می‌نماید.

وظایف و اختیارات قوهٔ مقننه

یکی از مهم‌ترین اختیارات مجلس سنا، جایگزینی رئیس این مجلس در مقام ریاست جمهوری در موارد خاص است. طبق قانون اساسی پاکستان، هنگامی‌که به دلایلی منصب ریاست جمهوری خالی است و تا زمانی‌که به‌گونهٔ رسمی رئیس‌جمهور انتخاب شود؛ رئیس سنا، عهده‌دار سمت ریاست‌جمهوری خواهد بود. مجلس ملی، تنها ارگان در پاکستان است که می‌تواند بودجهٔ فدرال و تمامی لوایح مالی دیگر را تصویب نماید. از دیگر اختیارات اعضای مجلس ملی دادن رأی عدم اعتماد به دولت است.

وظایف و اختیارات قوه قضاییه

قوه قضاییهٔ پاکستان، شامل **دیوان عالی و دیوان‌های عالی ایالتی**، دارای صلاحیت رسیدگی قضایی به امور جنایی و مدنی هستند. دادگاه ویژه‌ای به‌نام «دادگاه فدرال شریعت» در قوه قضاییه وجود دارد که باید هماهنگی قوانین با اسلام را تأیید نموده و چنانچه قانونی با اسلام مطابقت نداشته باشد، می‌توانند از رئیس‌جمهور بخواهند که این قانون را با اسلام هماهنگ نماید. آن‌چه از زمان تأسیس پاکستان تاکنون مشهود بوده، نقش مؤثر نخست‌وزیران در سیاست‌گذاری این کشور است. بیشترین سهم قدرت، در اختیار نخست‌وزیر (قوهٔ مجریه) بوده است گرچه این مطلب در بسیاری از موارد صدق نمی‌کند؛ اما با توجه به این‌که تعیین وزرا به‌عهدهٔ نخست‌وزیر می‌باشد، می‌توان گفت که نخست‌وزیر به نوعی بر بخش‌های مختلف اجرایی جامعه

تسلط دارد. تنها نظامیان، ارتش و ISI ـ در صورت به خطر افتادن منافع خود ـ می‌توانند در مقابل خواسته‌های قوهٔ مجریه بایستند و حتی مسئولان این قوه را نیز تغییر دهند.

نظام گردش نخبگان

از دیدگاه کلی، نظام پاکستان نظامی پارلمانی است و بر اساس تفکیک قوا از نوع نظام‌های انتخاباتی به‌شمار می‌آید. در قوهٔ مجریه، رئیس‌جمهور از طرف اعضای سنا، مجلس ملی و اعضای مجلس ایالتی انتخاب می‌شود، سپس وی نخست‌وزیر را از میان اعضای مجلس انتخاب می‌کند.

قوهٔ مقننه: اعضای سنا را ـ که یکی از مجالس قوهٔ مقننهٔ پاکستان است ـ به‌طور غیرمستقیم اعضای مجلس ملی و مجالس ایالتی انتخاب می‌کنند.

شرایط عضویت در مجلس سنا عبارت است از:

ـ داشتن حداقل ۳۰ سال سن؛

ـ تابعیت پاکستان؛

ـ برخورداری از شهرت و اعتبار اخلاقی خوب؛

ـ پایبندی به اجرای مقررات اسلامی (در صورت مسلمان‌بودن)؛

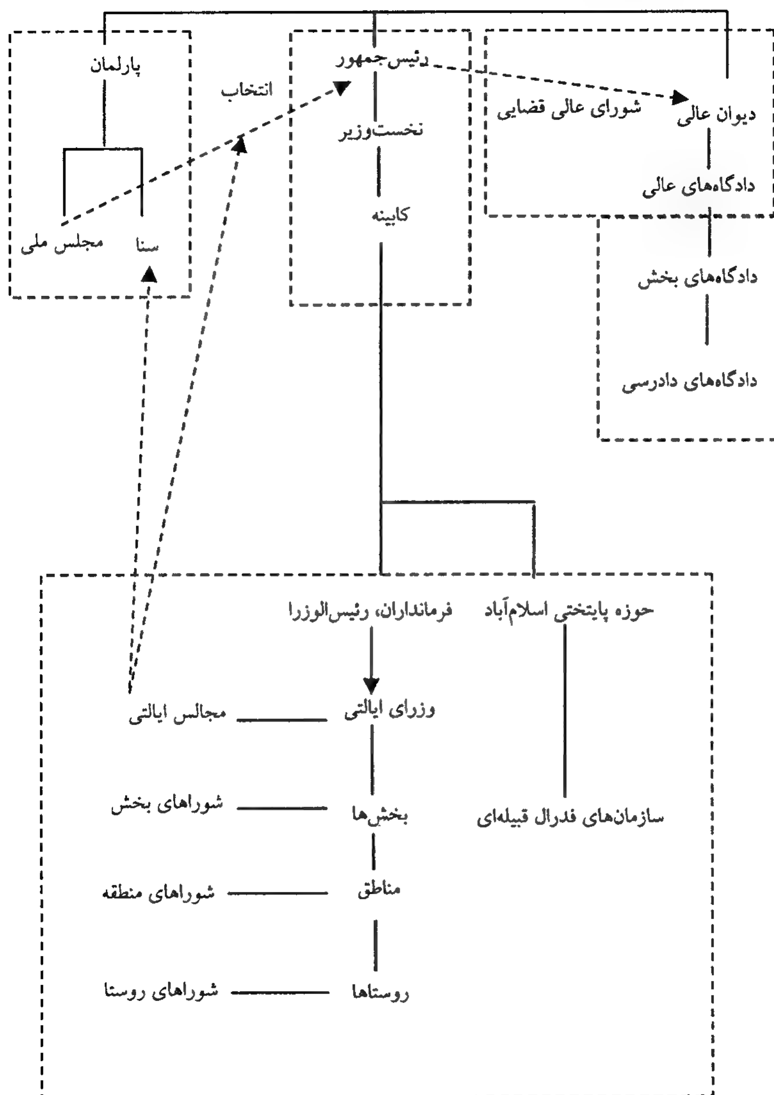
ـ عدم محکومیت جنایی (اعم از رسوایی اخلاقی یا ادای شهادت دروغ)، اقدام شخصی علیه تمامیت کشور و زندانی شدن به مدت حداقل پنج سال؛

ـ عدم عضویت در نیروهای مسلح.

● اعضای مجلس ملی ـ که یکی دیگر از مجالس پاکستان است ـ توسط افراد بالاتر از بیست و یک سال انتخاب می‌شوند.

قوهٔ قضاییه: بالاترین رکن قوهٔ قضاییه، ریاست دیوان عالی است که رئیس‌جمهور وی را منصوب می‌نماید.

ترکیب حکومت پاکستان(۵)



رئیس دولت و اعضای کابینهٔ فعلی پاکستان

رئیس‌جمهور و رئیس اجرایی: ژنرال پرویز مشرف

نخست‌وزیر:	میرظفرالله خان جمالی
وزیر امور خارجه:	میان خورشید محمود کاسوری
وزیر صنایع:	لیاقت علی جاتویی
وزیر ارتباطات از راه دور و فناوری اطلاعات:	اویس احمدخان لغاری
وزیر آموزش و پرورش:	زبیده جلال
وزیر تغذیه، کشاورزی و دامپروری:	سردار یارمحمد رند
وزیر بهداشت:	سردار محمد نصیرخان
وزیر کشور و مبارزه با مواد مخدر:	مخدوم سید فیصل صالح حیات
وزیر نفت و منابع طبیعی:	چادوری نوریز شکورخان
وزیر بازرگانی:	همایون اخترخان
وزیر اطلاعات و توسعه رسانه‌ها:	شیخ رشید احمد
وزیر کار، نیروی انسانی و پاکستانی‌های مقیم خارج:	میان عبدالستار لالیکا
وزیر راه‌آهن:	غوث بخش مهر
وزیر آب و برق و هماهنگ‌کننده همکاری‌های ایالتی:	آفتاب احمد خان شیرپائو
وزیر دفاع:	رائوسکندر اقبال
وزیر دارایی:	شوکت عزیز
وزیر کشمیر و مناطق شمالی	آفتاب احمد خان شیرپائو
وزیر دادگستری و حقوق بشر	میان خورشید محمود کاسوری
وزیر خصوصی‌سازی	دکتر عبدالحافظ شیخ
وزیر کار و مسکن	صفوان‌الله سید

میرظفرالله خان جمالی هفت وزیر مشاور را نیز برای کابینهٔ خود بدین شرح معرفی کرده است: ۱. طاشر اقبال، ۲. رئیس منیر احمد، ۳. محمدرضا حیات حراج، ٤. حامد یارخان حراج، ٥. خالد احمدخان لند، ٦. سکندر حیات بوسان، ۷. حبیب‌الله ورایچ. چهار مشاور نخست‌وزیر نیز عبارت‌اند از: ۱. سید شریف‌الدین پیرزاده (مشاور ارشد)، ۲. شوکت عزیز، ۳. سردار فتحعلی عمرانی، ٤. خانم نیلوفر بختیار.

نخبگان نظام سیاسی

پرویز مشرف

پرویز مشرف رئیس اجرایی پاکستان، در حال حاضر مهم‌ترین مقام دولت پاکستان است.

وی در ۱۱ اوت ۱۹۴۳ در دهلی به دنیا آمد و هم‌اکنون متأهل و صاحب دو فرزند است. مشرف از دبیرستان سن پاتریک کراچی، فارغ‌التحصیل شد و سپس در کالج فورمن کریستین لاهور، آکادمی نظامی پاکستان، دانشکدهٔ فرماندهی و ستاد کویته، دانشکدهٔ دفاع ملی و کالج سلطنتی مطالعات دفاعی بریتانیا به ادامه تحصیل پرداخت.

وی در سال ۱۹٦٤، افسر هنگ توپخانه بود و در جنگ سال ۱۹٦٥ در لاهور و سیالکوت شرکت داشت و هفت سال در واحدهای کماندویی خدمت کرد. در سال ۱۹۷۱ به سمت فرماندهی گردان کماندویی و هنگ‌های توپخانه منصوب شد و در سال ۱۹۹۱ به درجه سرلشگری ارتقا یافت و برای فرماندهی لشکر پیاده نظام تعیین گردید. وی در سال ۱۹۹٥ به سمت مدیر دانشکدهٔ فرماندهی و ستاد کویته و دبیر کل دانشکدهٔ دفاع ملی منصوب شد.

مشرف در سال ۱۹۹۸ به درجهٔ ژنرالی ارتقا یافت و رئیس ستاد ارتش گردید. در سال

۱۹۹۹ به ریاست ستاد مشترک رسید و از دوازدهم اکتبر ۱۹۹۹ رئیس اجرایی دولت پاکستان گردید.

ژنرال مشرف، دومین پسر خانواده و دارای دو برادر است. پدر وی سید مشرف‌الدین در سال ۱۹۷٤ از وزارت امور خارجه بازنشسته شد. پرویز مشرف در فاصلهٔ سال‌های ۱۹٤۹ تا ۱۹٥٦ در ترکیه زندگی می‌کرد؛ از این رو، به زبان ترکی مسلط است.[٦]

میرظفرالله جمالی

وی روز یکم ژانویه ۱۹٤٤ میلادی ـ سه سال قبل از تأسیس کشور پاکستان ـ در منطقه «روجهان جمالی» ایالت بلوچستان به‌دنیا آمد.

اعضای خانواده وی در نهضت استقلال پاکستان به رهبری قائد اعظم، «محمد علی جناح»، سهم داشته‌اند و به‌ویژه در الحاق ایالت بلوچستان به پاکستان نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

جمالی آموزش ابتدایی را در زادگاه خود به اتمام رساند، سپس در دانشکده «لارنس مری» ایالت پنجاب، دانشکده «ایچی سن» شهر لاهور، دانشکده دولتی لاهور و دانشگاه پنجاب ادامه تحصیل داده است.

وی دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته تاریخ است.

نخست‌وزیر جدید پاکستان، برای اولین بار در سال ۱۹۷۷ نماینده مجلس ایالتی بلوچستان شد و به‌طور جدی وارد عرصهٔ سیاست گردید. وی همچنین در اواخر دههٔ ۷۰ مسئولیت وزارتخانه‌های دادگستری و اطلاعات ایالت بلوچستان را نیز بر عهده داشت.

جمالی در سال ۱۹۸۱ میلادی، در مقام وزیر مشاور، در کابینه «ژنرال ضیاءالحق» منصوب شد.

وی از سال ۱۹۸٤ تا ۱۹۸۹ به‌ترتیب مسئولیت وزارتخانه‌های کشاورزی و دامپروری، آب و برق و ارتباطات و راه‌آهن را در دولت فدرال پاکستان برعهده داشت.

وی همچنین دو بار در دهه‌های ۸۰ و ۹۰، نخست‌وزیر موقت ایالت بلوچستانِ پاکستان بوده است.

دو بار عضویت در مجلس ملی و یک بار عضویت در مجلس سنای پاکستان، از دیگر سوابق سیاسی میرظفرالله جمالی است.

نخست‌وزیر جدید پاکستان به ورزش ملی این کشور، یعنی «هاکی» علاقه‌مند است و در سال ۱۹۸٤ نیز مدتی مسئول انتخاب ورزشکاران برای تیم ملی هاکی پاکستان بوده است.

جمالی چهار پسر و یک دختر دارد که دو تن از پسران وی در حال حاضر سروان ارتش می‌باشند.

محمد نوازشریف

محمد در ۲۵ دسامبر ۱۹٤۹ در شهر لاهور پاکستان متولد شد. وی بزرگ‌ترین پسر محمد شریف، یکی از مالکان گروه صنعتی اتفاق بود.

نواز شریف دیپلم خود را از دبیرستان متوسطهٔ سنت آنتونی اخذ کرد و پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکدهٔ دولتی لاهور، مدرک حقوق خود را از دانشگاه پنجاب گرفت.

نواز شریف برای مدتی عضو شورای استانی پنجاب بود و سپس در سال ۱۹۸۱ به‌عنوان وزیر اقتصاد در کابینهٔ ایالت پنجاب انتخاب شد. وی موفق شد تا بودجهٔ توسعهٔ نواحی روستایی در این استان را به ۷۰ درصد برساند. او هم‌چنین مقام وزارت ورزشی را نیز در اختیار داشت و توانست فعالیت‌های ورزشی را در این ایالت ساماندهی کند.

او در انتخابات عمومی سال ۱۹۸۵، با اکثریت قاطع آرا در مجالس ایالتی و ملی انتخاب شد. در ۹ آوریل ۱۹۸۵ به‌عنوان نخست‌وزیر ایالات پنجاب قسم یاد کرد. در ۳۱ می ۱۹۸۸ پس از منحل شدن مجالس ایالتی و ملی از سوی ژنرال ضیاء به‌عنوان نخست‌وزیر موقت پنجاب برگزیده شد. نواز شریف مجدداً در انتخابات عمومی سال ۱۹۸۸ به‌عنوان نخست‌وزیر پنجاب انتخاب گردید. در ٦ نوامبر ۱۹۹۰، پس از آن‌که ائتلاف نواز شریف در انتخابات ۱۹۹۰ پیروز شد، به‌عنوان نخست‌وزیر کشور قسم یاد کرد. به هر حال او نتوانست دورهٔ پنج‌سالهٔ نخست‌وزیری خود را به اتمام برساند و در آوریل ۱۹۹۳ توسط رئیس‌جمهور کنار گذاشته شد. پس از آن دیوان عالی قضایی حکم به نخست‌وزیری او داد ولی پس از آن مجبور شد که همراه با رئیس‌جمهور استعفا دهد.

نواز شریف در طول مدت نخست‌وزیری خود به تلاش برای تقویت صنایع کشور با همکاری بخش خصوصی ادامه داد، روابط پاکستان با کشورهای آسیای مرکزی گسترش یافت و سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو نیز تقویت گشت. مهم‌ترین دستاورد وی پیشرفت اقتصادی پاکستان علی‌رغم تحریم‌های آمریکا بود.

حزب مسلم لیگ پاکستان به رهبری نواز شریف مجدداً در انتخابات فوریهٔ ۱۹۹۷ به پیروزی دست یافت و سبب شد که نواز شریف با اکثریت قاطع برای بار دوم به نخست‌وزیری انتخاب گردد.

او که اکثریت قاطع در مجلس ملی را پشت خود داشت، با لغو اصلاحیهٔ هشتم قانون اساسی، مهم‌ترین تغییر را در تاریخ قانون اساسی پاکستان انجام داد. با لغو این اصلاحیه رئیس‌جمهور قدرت خود را در منحل کردن مجلس ملی و خلع نخست‌وزیر از دست داد. اجرای پروژهٔ بزرگراه لاهور ـ اسلام‌آباد از سوی دولت وی نیز تحسین جامعهٔ پاکستان را به‌دنبال داشت ولی برخی نیز او را به اسراف متهم می‌کردند. در دوران دوم نخست‌وزیری، اختلاف نواز شریف با دادگاه عالی شدت گرفت و به جامعه کشیده شد. او هم‌چنین روابط پرتنشی با فاروق لغاری رئیس‌جمهور داشت، زیرا با حذف اصلاحیه هشتم قانون اساسی رئیس‌جمهور در رویارویی مستقیم با نخست‌وزیر قرار گرفت. چند ماه بعد، این تنش‌ها به رویارویی با قوه قضاییه و نهایتاً خلع سجاد علی شاه، رئیس دیوان عالی در ۲ دسامبر ۱۹۹۷ و استعفای لغاری منجر شد.

در ۱۲ اکتبر ۱۹۹۹،دولت پاکستان به ریاست نواز شریف توسط یک کودتای نظامی سرنگون شد. مباحث مربوط به عملیات کارگیل، اتهام فساد و توطئه هواپیماربایی و قتل از جمله دلایل این کودتا عنوان شده است.

پس از محاکمه طولانی، نواز شریف به توطئه هواپیماربایی و قتل متهم و بنا به درخواست خاندان سلطنتی عربستان سعودی، دولت پاکستان او را به این کشور تبعید کرد. وی هم‌اکنون با خانوادهٔ خود در عربستان زندگی می‌کند. در رابطه با اتهامات فساد دادگاه‌ها هنوز رأیی صادر نکرده است.

بی‌نظیر بوتو

نخست‌وزیر اسبق پاکستان و رهبر حزب مردم پاکستان[1] در ۲۱ ژوئن ۱۹۵۳ در کراچی به‌دنیا آمد. وی هم‌اکنون متأهل و دارای سه فرزند است.

همسر وی، «آصف علی سرداری»، تاکنون دوبار به عضویت مجلس ملی و سنا انتخاب شده است.

وی در سال ۱۹۷۳ از دانشکدهٔ «رادکلیف» و در سال ۱۹۷۶ از دانشگاه «آکسفورد» در رشتهٔ خدمات خارجی (تشریفات خارجی) مدرک لیسانس گرفت.

بی‌نظیر بوتو فعالیت سیاسی خود را در حزب مردم پاکستان در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸٤ ادامه داد. در همان سال از سوی دولت موقت پاکستان، دستگیر و زندانی و به فاصلهٔ کوتاهی به لندن تبعید شد و تا سال ۱۹۸٦ در تبعید به سر می‌برد. در آوریل ۱۹۸٦ به پاکستان بازگشت و کار خود را در کراچی در سمت نایب رئیس حزب مردم پاکستان ادامه داد. بعد از انتخابات نوامبر ۱۹۸۸، از وی برای تشکیل دولت دعوت شد و در همان سال به سمت نخست‌وزیری پاکستان رسید؛ اما دولت وی در اوت ۱۹۹۰ از صحنهٔ قدرت کنار رفت. وی در اکتبر ۱۹۹۳ بعد از این‌که حزبش در انتخابات همان سال اکثریت آرا را کسب کرد، دوباره به قدرت بازگشت؛ اما بار دیگر در نوامبر ۱۹۹٦ از صحنهٔ قدرت حذف شد.

بی‌نظیر بوتو در حقیقت نخستین زنی است که تاکنون رهبری دولت اسلامی پاکستان را به‌عهده داشته‌است. وی فعالیت‌های سیاسی خود را از زمان کودتای نظامی ۱۹۷۷ ـ که در پی آن پدر وی «ذوالفقار علی بوتو» محاکمه و سپس اعدام گردید ـ ادامه داد. بوتو تا قبل از عضویت در حزب مردم پاکستان هیچ‌گونه تجربهٔ سیاسی نداشت.

حزب مردم پاکستان در نوامبر ۱۹۸۸ و اکتبر ۱۹۹۳ در انتخابات پارلمانی به رهبری وی به پیروزی رسید. در زمان تصدی پست نخست‌وزیری، با چالش‌های جدی و زیادی در دولت روبه‌رو شد و تنوع قومی در پاکستان نیز بر مشکلاتش می‌افزود. وی یکی از زیباترین

---

1. PPP

خاطراتش را آخرین دیدار با پدرش، درست لحظاتی قبل از اعدام وی برشمرده‌است. دولت ذوالفقار علی‌بوتو رژیمی دموکرات بود و حمایت جمعی مردم پاکستان را همراه داشت.

نام بی‌نظیر بوتو در فهرست اسامی یکصد زن قدرتمند جهان که در گزارش مورخ چهارم ماه می ۱۹۹۹ در نشریات "Australian Magazine" و "Time" به چاپ رسید، آمده است. از وی دو کتاب با نام‌های «سیاست خارجی در چشم‌انداز» در سال ۱۹۷۸ و «دختر شرق» در سال ۱۹۸۹ به چاپ رسیده است. تا به حال چندین مجموعه از سخنرانی‌ها و کارهای او نیز منتشر شده است.

قاضی حسین احمد

قاضی حسین احمد در سال ۱۹۳۸ در «زیارت کاکا صاحب»، در منطقهٔ مرزی شمال غرب پاکستان متولد شد. پدرش «قاضی محمد عبدالرّب»، شخصیت مذهبی شناخته شده‌ای بود که به شغل کشاورزی اشتغال داشت. قاضی حسین احمد، بعد از این‌که تحصیلات اولیه را در خانه تکمیل کرد، به دانشکدهٔ اسلامی پیشاور وارد شد و موفق به اخذ فوق لیسانس در رشتهٔ جغرافیا از این دانشگاه گردید، سپس به مدت سه سال به تدریس پرداخت و بعد از آن به تجارت روی آورد. وی سپس معاونت ریاست اتاق تجارت و صنایع ایالت سرحد[1] را به عهده گرفت. آشنایی وی با جنبش اسلامی به دوران دانشجویی ـ یعنی هنگامی که به جمعیت طلاب پاکستان پیوست ـ برمی‌گردد. وی در سال ۱۹۷۰ به عضویت جماعت اسلامی درآمد و در سال ۱۹۸۸ رئیس[2] این حزب شد و برای سه دورهٔ متوالی؛ یعنی ۱۹۹۲، ۱۹۹٤، ۱۹۹۹ در این سمت انجام وظیفه نمود. قاضی حسین احمد، نخستین عضو سنای پاکستان در سال ۱۹۸۸ بود که برای یک دورهٔ یک ساله انتخاب شد. وی در مارس ۱۹۹۲ دوباره انتخاب گردید؛ اما در سال ۱۹۹۶ در اعتراض به فساد دستگاه سیاسی، از نمایندگی مجلس سنا استعفا کرد. قاضی حسین احمد به‌گونه‌ای گسترده، برای بیان اهداف جماعت اسلامی و شرکت در کنفرانس‌های

---

1. NWFP 2. Ameer

بین‌المللی، به خارج از کشور سفر کرده است. تلاش‌های وی در جنگ عراق با ایران و جنگ خلیج‌فارس، بحران بالکان و بوسنی و منازعهٔ قدرت در افغانستان گسترده بوده است. در طول اشغال افغانستان از سوی نیروهای اتحاد جماهیر شوروی سابق، وی تماس بسیار نزدیکی با مجاهدان افغانی و رهبران بلندپایهٔ این کشور داشت و همچنین در جلب کمک‌های خارجی برای جنگ افغانستان نقش بسیار مؤثری را ایفا نموده است. قاضی حسین احمد، به زبان‌های انگلیسی، عربی، فارسی، اردو و پشتو تسلط دارد. وی در سال ۱۹۸۶ دبیر کل حزب «متحد شریعت محاذ»[1] نیز بوده و چندین کتاب تألیف نموده است.

پروفسور خورشید احمد

نایب رئیس یا]به اصطلاح پاکستانی‌ها[نایب امیر حزب جماعت اسلامی پاکستان است. وی در ۲۳ مارس ۱۹۳۳ در دهلی به‌دنیا آمد. او دارای مدرک لیسانس در رشتهٔ حقوق، فوق‌لیسانس در رشتهٔ اقتصاد و مطالعات اسلامی و دکترا در رشتهٔ تعلیم و تربیت است و در زمینهٔ فلسفه، مذهب و اقتصاد مطالعات گسترده‌ای صورت داده است. پروفسور خورشید احمد در سمت مقام وزیر فدرال برنامه‌ریزی و توسعه و نیز معاون کمیسیون برنامه‌ریزی دولت پاکستان در سال ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ فعالیت داشته است. دیگر فعالیت‌های او عبارت‌اند از:

- از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۸ تدریس در دانشگاه کراچی؛
- از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۷ رئیس مؤسسهٔ بین‌المللی اسلامی؛
- از سال ۱۹۸٤ تا ۱۹۹۲ رئیس جامعهٔ بین‌المللی اقتصاد اسلامی دانشگاه «لیستر» انگلستان؛
- از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳ عضو شورای مشاوران عالی مرکز بین‌المللی تحقیقات و اقتصاد اسلامی «ملک عبدالعزیز» (واقع در جده)؛
- از سال ۱۹۷٤ تا ۱۹۷۸ نایب رئیس کنفرانس یهودیان، مسیحیان و مسلمانان اروپا که در برلین و لندن برگزار شد؛

1. Muttahid – e – Shariat Mahaz

ـ از سال ۱۹۷۶ عضو شورای مشاوران مرکز مطالعهٔ اسلام و روابط مسیحیان در دانشکدهٔ «سل یورک»[1] وابسته به دانشگاه بیرمنگام انگلستان.

میان محمد سومرو

وی متخصص مدیریت مالی، بانکدار مشهور و برجسته و رئیس هیأت قضات دیوان عالی ایالت سند است.

امیرالملک منگال[2]

وی متولد سوم آوریل ۱۹۴۵ در نوشکی[3] بخش چاغی[4] ایالت بلوچستان است. منگال پیش از آن‌که به سمت فرماندهی بلوچستان منصوب شود، با سمت قاضی در دیوان عالی بلوچستان خدمت می‌کرد. افزون بر آن، عضو کمیسیون انتخاباتی پاکستان در انتخابات ۱۹۹۰، رئیس شورای ایالتی زکات، رئیس هیأت‌های داوری دادگستری بلوچستان و قضات بلوچستان بوده‌است. همسرش پزشک است و در مؤسسهٔ آموزش و تعلیم منطقه‌ای برنامه‌ریزی جمعیت خدمت می‌کند. او یک پسر و سه دختر دارد.

عبدالرزاق داود

وی وزیر سابق صنعت، تولید و بازرگانی پاکستان بوده و متولد بیست و نهم دسامبر ۱۹۴۳، متأهل و دارای سه فرزند است. وی موفق به اخذ مدرک لیسانس در مهندسی معدن از دانشگاه نیوکاسل انگلستان و مدرک MBA از دانشگاه کلمبیای ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۶۸ گردید؛ همچنین از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۱ در مدرسه بازرگانی هاروارد و در دانشگاه پنجاب به مطالعه پرداخت.

---

1. Sell York
2. Amir - ul - Mulk Mengal
3. Noshki
4. Chaghi

وی از ششم نوامبر ۱۹۹۹ تاکنون وزیر بازرگانی، صنایع و تولید پاکستان است. داود تجارب بسیار پرارزشی در زمینهٔ مدیریت بازرگانی دارد.

فعالیت‌های وی عبارت‌اند از:

- از سال ۱۹۷٤ تا ۱۹۸۱ در دانشگاه پنجاب؛
- بین سال‌های ۱۹۷٦ تا ۱۹۷۷ و ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ ریاست هیأت مدیرهٔ انجمن مهندسان مشاور لاهور؛
- از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳، عضویت سندیکای دانشگاه پنجاب؛
- از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳، عضویت هیأت مدیرهٔ مؤسسهٔ مطالعات مهندسی شیمی و تکنولوژی دانشگاه پنجاب؛
- از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳، عضویت هیأت مدیرهٔ شرکت (PEA)؛
- سال ۱۹٦۹ مدیر شرکت سهامی عام (Lawrencerpur wooden a textile Mills)؛
- از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۱ مدیر شرکت سهامی عام داود هرکولس.

وی به‌تازگی نایب رئیس هیأت مدیرهٔ بنیاد مدیریت ملل، عضو هیأت مدیره مرکز تحقیقاتی در بیمارستان سرطان‌شناسی شوکت خانم لاهور و عضو هیأت مدیره توسعهٔ مدیریت دولت پاکستان است. وی متأهل و دارای سه فرزند است.

شفقت علی جاه جاموت

دکتر شفقت در ۲۰ دسامبر ۱۹٤٦ در ایالت سند به‌دنیا آمد و دکترای خود را در امور خارجه از دانشگاه ویرجینای آمریکا دریافت کرد. وی در انتخابات سال ۱۹۸۵ نمایندهٔ مجلس سند شد و در سمت وزیر ایالتی آموزش و پرورش و فرهنگ این ایالت انجام وظیفه نمود. او از آوریل ۱۹۸۸ تا می همان سال وزیر ایالتی برنامه و توسعه، از آوریل ۱۹۸۷ تا می ۱۹۸۸ وزیر ایالتی کشاورزی، دامپروری و فرآورده‌های لبنی و از آوریل ۱۹۸٦ تا می ۱۹۸۸ وزیر ایالتی صنایع و توسعه معادن بود. دکتر شفقت جاموت از نوامبر ۱۹۹۰ تا مارس ۱۹۹۲ مشاور

اطلاعاتی نخست‌وزیر ایالت سند و از سال ۱۹۹۲ تا ژوئیه ۱۹۹۳ مشاور فرهنگی بود.

وی در سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۲ در دانشگاه ایالت سند در سمت استادیاری مشغول به فعالیت بود. در طول تابستان‌های ۸۱-۱۹۸۰ و ۱۹۸۲، با عنوان استادیار مدعو در دپارتمان امور خارجه دانشگاه ویرجینیا تدریس می‌نمود.

عبدالستار

وی وزیر امور خارجه سابق پاکستان در کابینهٔ ژنرال مشرف بود. از هنگامی‌که در سال ۱۹۹۲ از سرویس خارجی پاکستان بازنشسته گردید، در تحقیقات بسیاری شرکت نموده و مقالات بی‌شماری برای کتاب‌ها و مجلات خارجی نوشته‌است. وی در حوزه‌های گوناگون و متفاوتی از مسائل هسته‌ای گرفته تا بحران‌های اقتصادی فعالیت کرده است. در سال ۱۹۹۳ نیز به‌مدت سه ماه در کابینه موقت معین قریشی، نخست‌وزیر اسبق پاکستان، وزیر امور خارجه بود.

عبدالستار در طی دوران زندگی دیپلماتیک خود در این شغل‌ها مشغول به فعالیت بوده است:

سفیر پاکستان در استرالیا (۱۹۷۵ـ ۱۹۷۸).

سفیر پاکستان در هند (۱۹۷۸ـ۱۹۸۲ و ۱۹۹۰ـ۱۹۹۲).

سفیر پاکستان در اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۸۸ـ۱۹۹۰).

عبدالستار در سال ۱۹۷۲، عضو هیأت نمایندگی پاکستان در کنفرانس «سیملا» بود؛ همچنین در آوریل ۱۹۸۸ در مذاکرات موفقی که به قرارداد ژنو و عقب‌نشینی نیروهای شوروی از افغانستان منجر شد، نقش بسیار گسترده‌ای داشت. عبدالستار در مؤسسه صلح واشنگتن دربارهٔ موضوعات هسته‌ای تحقیق می‌نماید و در سال ۱۹۹٤ یکی از اعضای ممتاز و برجسته مؤسسه صلح واشنگتن شناخته شد. در سال ۱۹۹۷ وی عضو شورای هیأت امور جهانی اسلام‌آباد به سرپرستی وزیر امور خارجه وقت «آقاشاهی» بود.

وی همچنین یکی از نویسندگان کتاب پاکستان در چشم‌انداز (۱۹٤۷ ـ ۱۹۷۷) است که با رفیع رضا[1] همکاری داشته است.(۷)

محمد طاهر القدری[2]

دکتر محمد طاهر القدری، رئیس حزب «تحریک عوام پاکستان» است.(۸)

وی در ۱۹ فوریه سال ۱۹۵۱، در منطقهٔ "Jhang" به‌دنیا آمد. نیاکان و اجداد وی متعلق به خاندان "Sial" در این منطقه بودند. پدر وی دکتر «فریدالدین القدری» به سراسر جهان ـ برای شناخت ادبیات عربی و فارسی، فلسفه اسلامی به‌ویژه تصوف ـ بسیار سفر نمود. وی متخصص طب شرقی از هند بود. وی در سال ۱۹٤۰ از دانشگاه پنجاب نشان طلایی دریافت نمود. دکتر «فریدالدین قادری» با علامه «محمد اقبال» و در جنبش استقلال پاکستان با «محمدعلی جناح» همکاری می‌کرد. وی در سال ۱۹٤۸ در سمت مشاور پزشکی پادشاه عربستان فعالیت کرد و در دوم نوامبر ۱۹۷٤ در سن ٥٦ سالگی درگذشت.

تعداد فرزندان او دو پسر و سه دختر است.

دکتر محمد طاهر القدری در سال ۱۹۸٦، درجهٔ دکترای خود را از دانشگاه پنجاب لاهور دریافت کرد.

وی در طول زندگی خود مدال‌ها، نشان‌ها و جوایز بسیاری را دریافت کرد؛ از جمله: در سال ۱۹۷۲ مدال طلایی دانشگاه پنجاب، در سال ۱۹۷۲ مدال طلای فرهنگی پاکستان از سازمان‌های برجستهٔ مذهبی و دانشگاهی، شخصیت بین‌المللی سال ۹۸ـ۱۹۹۹ (مرکز بین‌المللی بیوگرافی کمبریج ـ لندن) و در ۱۹۹۹ ـ ۲۰۰۰ مدال افتخار هزاره از مؤسسهٔ بیوگرافی آمریکا را به‌دست آورده است.

از وی بیش از ۲٦٥ کتاب به زبان‌های اردو، انگلیسی و عربی چاپ گردیده و بیش از ۱۰۰۰ مقاله و کتاب منتشرنشده دارد.(۹)

---

1 Refi – Reza

2. Dr. Mohammad Tahir - Ul -Qadri

وی در کنفرانس‌های بی‌شماری در حوزه‌های مختلف از قبیل: حقوق، سیاست (داخلی، بین‌المللی)، اقتصاد، مدیریت، بانکداری، جامعه‌شناسی، فرهنگ، علوم پزشکی، جنین‌شناسی، اخترشناسی، فلسفهٔ هستی، تاریخ، عرفان، تصوف، اخلاق و الهیات شرکت نموده است.

مهم‌ترین مناصب وی عبارت‌اند از:

۱. رئیس و بنیانگذار حزب تحریک عوام پاکستان (تحریک عوام در زبان اردو به معنای جنبش مردمی است)؛

۲. رئیس سابق حزب اتحاد عوام پاکستان؛

۳. رئیس مجمع گفت‌وگوی مسیحیان ـ مسلمانان (MCDF)[1]؛

٤. بنیانگذار و رئیس نهضت (جنبش) بین‌المللی «منهاج‌القران»؛

٥. بنیانگذار و رئیس انجمن رفاه اجتماعی و حقوق بشر؛

٦. رئیس دانشگاه بین‌المللی «منهاج»، لاهور، (پاکستان)؛

۷. رئیس مراکز رفاهی و فرهنگی منهاج که در بیش از ٤٠ کشور آسیایی، اروپایی، استرالیایی، آمریکا و آفریقا شعبه دارد؛

۸. رئیس مراکز تحصیلات همگانی.

وی از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ از اعضای سندیکای دانشگاه پنجاب و عضو شورای آکادمیک این دانشگاه بوده است.

دکتر القدری در سال ۱۹۷۷ «مهاذ حریت Mahaz-e-Hurriatt» را ـ که یک مجمع روشنفکرانه برای تعالیم ایدئولوژیکی به جوانان بود ـ در منطقه "Jhang"، پاکستان تأسیس نمود.

در سال ۱۹۷۸ اولین کتاب خویش را به‌نام «حرکت از Jhang به لاهور» منتشر ساخت.

در سال ۱۹۸۰ سخنرانی‌های خود در تلویزیون پاکستان و مجامع عمومی را آغاز نمود و در سال ۱۹۸۱ نهضت (جنبش) بین‌المللی «منهاج» را پایه‌گذاری کرد.

---

1. Muslim Christian Dialogue Forum (MCDF)

چودری رحمت الهی[1]

وی در سال ۱۹۳۳ در ایالت پنجاب به‌دنیا آمد. بعد از اتمام تحصیلات به ارتش ملحق گردید؛ و البته مدت زیادی در ارتش نماند. وی در زمان‌های اضطراری موضع‌گیری‌های ویژه و چشمگیری داشته است.

هنگامی که در سال ۱۹۵۳ بنیان‌گذاران ختم نبوت یعنی سید ابوالعلی مؤدودی و میان طفیل محمد دستگیر شدند، وی تصدی دبیر کلی حزب جماعت اسلامی را بر عهده گرفت. در سال ۱۹۵۷ و در فاصله سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۸ دبیرکل این جنبش بود. ۱۳ سال در این حزب فعالیت نمود و در سال ۱۹۷۹ در رقابت‌های انتخاباتی فاطمه جناح در مقابل ایوب خان نقش مهمی ایفا کرد. وی در سال ۱۹٦۸ فعالیت بسیار مشخصی را علیه حکومت ایوب خان صورت داد. او دوبار دستگیر شد. رحمت الهی، دبیر کل ائتلاف ملی پاکستان یا (PNA) بود و در هنگام ادغام PNA با دولت در اوت ۱۹۷۸، وزیر آب، انرژی و منابع طبیعی شد. فعالیت وی بیشتر در زمینهٔ اقتصاد اسلامی و شاخه کارگران جماعت است. وی به آمریکا، اروپا و خاورمیانه سفر نموده و افزون بر زبان مادری خود به زبان‌های پنجابی، اردو و انگلیسی مسلط است.

جان محمد عباسی[2]

مولانا جان محمد عباسی، نایب رئیس حزب جماعت اسلامی، در اول نوامبر سال ۱۹۲۵ در دهکده‌ای نزدیک لارکانا[3] در ایالت سند به دنیا آمد و تحصیلات مذهبی را در دهکده خویش نزد پدرش فرا گرفت. وی تصمیم داشت در یک مدرسه انگلیسی ادامه تحصیل دهد؛ اما بنا به خواسته پدرش به تحصیل در رشته‌های عربی، فلسفه و منطق پرداخت و انگلیسی را نیز بدون

1. Chaudhry Rehmat Elahi
2. Jna Mohammad Abbasi
3. Larkana

استاد آموخت. وی از جوانی به سیاست علاقه‌مند بود و به همین دلیل، در سال ۱۹٤۹ به جماعت اسلامی پیوست و در سال ۱۹۵۳ به عضویت کامل حزب درآمد. وی در تبلیغ حزب در سطح مردم پاکستان به‌ویژه ایالت سند، نقش چشمگیری را ایفا نمود. «جان محمد عباسی، تنها کاندیدایی بود که در انتخابات سال ۱۹۷۷ در مقابل شخص ذوالفقار علی بوتو ایستاد. وی در سمت نایب رئیس حزب جماعت اسلامی پاکستان، مؤسسات متنوع و گوناگونی را تأسیس کرد، و آثار برجسته‌ای را به زبان‌های فارسی ـ عربی ـ پشتو و انگلیسی بر جای گذاشته است. او همچنین کارهای مختلفی در زمینه ادبیات به زبان‌های سندی و اردو دارد.

محمد اسلام سالمی[1]

وی نایب رئیس حزب جماعت اسلامی پاکستان و متولد ۳۰ ژوئن ۱۹۳۳ می‌باشد. در سال ۱۹۷۳ درجه فوق لیسانس خود را در رشتهٔ مطالعات اسلامی کسب نمود. از سال ۱۹٦۱، به مدت چند سال شغل وکالت دیوان عالی پاکستان را بر عهده داشت. در سال ۱۹٦۳ به عضویت حزب جماعت اسلامی پاکستان درآمد و در بخش‌های مختلف این حزب کار کرده است. وی در فاصله بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸ در سمت دستیار دبیرکل حزب جماعت اسلامی و از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۳، در مقام دبیرکل این حزب فعالیت نمود. در سال ۱۹۹۳ به سمت نایب رئیس این حزب برگزیده شد و در حال حاضر سمت ریاست آکادمی تحقیقات اسلامی واقع در لاهور را به‌عهده دارد. سالمی افزون بر زبان اردو، به زبان‌های انگلیسی، عربی و فارسی نیز به اندازه زبان مادری خود؛ یعنی «پنجابی» تسلط دارد.

سید منور حسن[2]

دبیرکل حزب جماعت اسلامی است که در اوت ۱۹٤٤ به دنیا آمد و در ۱۹٤۷ به کراچی مهاجرت کرد، و مطالعات اسلامی خود را در سال ۱۹٦٦، با دریافت درجهٔ فوق لیسانس در آن

---

1. Muhammad Aslam Saleemi
2. Syed Munawwar Hasan

رشته از دانشگاه کراچی به‌پایان رساند. حسن به فدراسیون ملی دانشجویان پاکستان[1] پیوست و در سال ۱۹۵۹ ریاست این فدراسیون را عهده‌دار گردید؛ اما مهم‌ترین تغییر زندگی وی هنگامی آشکار شد که فعالیت‌های نزدیک‌تری با جمعیت طلاب اسلامی[2] پاکستان برقرار نمود. در نتیجه وی در سال ۱۹۶۰ به این جمعیت ملحق گردید و پس از مدتی در مقام رئیس «واحد دانشگاه کراچی» و «واحد شهر کراچی» و عضو شورای مرکزی اجرایی این جمعیت انتخاب گردید. سپس در سال ۱۹٦٤ مسئول این جمعیت شد و در سال ۱۹٦۷ به عضویت جماعت اسلامی پاکستان درآمد.

وی نمایندهٔ جماعت در چندین تریبون جماعت، از جمله در جبهه متحد دموکراتیک[3] و ائتلاف ملی پاکستان[4] بوده‌است. در انتخابات مجلس ملی ۱۹۷۷ بیشترین رأی را در پاکستان به خود اختصاص داد. از سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۳ حسن معاون دبیرکل جماعت اسلامی پاکستان بود و سرانجام در سال ۱۹۹۳ به سمت دبیرکل این حزب برگزیده شد.

عثمان امین الدین

وزیر نفت و منابع طبیعی پاکستان در کابینه ارتشبد مشرف بوده و در سال ۱۹۵۷ با مدرک فوق‌لیسانس از دانشگاه کمبریج انگلستان فارغ‌التحصیل شده است. وی در سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ رئیس شرکت استخراج و تولید نفت پاکستان و در سال ۱۹۹۸ رئیس شرکت گاز و نفت پاکستان بوده است.[(۱۰)]

خیر محمد جونجو

او وزیر تغذیه، کشاورزی و دامپروری سابق پاکستان بود. در بیست و دوم دسامبر ۱۹٤٦ متولد گردیده و متأهل است و در سال ۱۹۷۷ در رشته روابط خارجی از دانشگاه ویرجینای ایالت

1. NSF
2. UDF
3. Islami Jamiat – E- talaba
4. PNA

متحده آمریکا موفق به دریافت درجه دکترا گردید. جونجو در فاصله سال‌های ۱۹٦۹ تا ۱۹۷۲ و ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۲ استادیار دانشگاه سند پاکستان، در تابستان‌های ۱۹۸۰، ۱۹۸۱، ۱۹۸۲ استاد مدعو در دانشگاه ویرجینیا و در فاصله سال‌های ۱۹۸٤ تا ۱۹۸۷ محقق مدعو دپارتمان روابط بین‌الملل دانشگاه سند بوده است. وی از آوریل ۱۹۹۵ تا آوریل ۱۹۸٦ وزیر تعلیم و تربیت و فرهنگ، از آوریل تا می ۱۹۹۸ وزیر برنامه و توسعه، از آوریل ۱۹۸۷ تا می ۱۹۸۸ وزیر کشاورزی و دامداری، از نوامبر ۱۹۹۰ تا مارس ۱۹۹۲مشاور وزیر اطلاع‌رسانی، از مارس ۱۹۹۲ تا ژوئیه ۱۹۹۳ مشاور وزیر فرهنگ و از نوامبر ۱۹۹۹ تا انتخابات اکتبر ۲۰۰۲ وزیر تغذیه، کشاورزی و دامپروری پاکستان بود.[۱۱]

امتیاز صاحب‌زاده

وی که عضو شورای امنیت ملی است، در سال ۱۹۳٦ در «کوتا» به دنیا آمد.[۱۲] در سال ۱۹۸۷ وزیر حکومت محلی و توسعه روستایی گردید. در سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ رئیس کمیسیون ملی، از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹٤ وزیر محیط زیست، ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱ وزیر امورخارجه بوده و از اکتبر ۱۹۹۱ تاکنون عضو شورای امنیت ملی پاکستان است.[۱۳]

عطیه عنایت‌الله

وی عضو شورای امنیت پاکستان بوده دارای مدرک فوق‌لیسانس در جامعه‌شناسی از دانشگاه بوستون ایالات متحده آمریکا و مدرک دکترا از دانشگاه پنجاب است. وی در مقام مشاور در رفاه اجتماعی و برنامه خانواده یونسکو و وزیر رفاه عامه فعالیت نموده‌است. او از اکتبر ۱۹۹۹ تاکنون عضو شورای امنیت ملی پاکستان است.[۱٤]

محمد رفیق تارر

وی در دوم نوامبر ۱۹۲۹ در هیپرکوت بخش گوجراوالا متولد شد. متأهل و دارای دو فرزند

است. وی در سال ۱۹۵۱ از دانشگاه حقوق دانشگاه لاهور فارغ‌التحصیل شد. محمد رفیق عضو حزب مسلم لیگ پاکستان است. در سال ۱۹۷٤ قاضی دیوان عالی لاهور، در سال ۱۹۸۹ رئیس دادگاه دیوان عالی لاهور و در سال ۱۹۹۱ قاضی دیوان عالی پاکستان بوده‌است. وی در نوامبر ۱۹۹٤ از کارهای حقوقی بازنشسته گردید.[۱۵] محمد رفیق تا قبل از رئیس‌جمهور گردیدن مشرف، در سمت ریاست جمهوری پاکستان فعالیت می‌نمود.

عبدالعزیز میرزا

عضو شورای امنیت ملی پاکستان است. در سال ۱۹٦۷ در کشور فرانسه و ترکیه دوره‌های آموزشی زیردریایی را گذراند. در سال ۱۹۹۰ دانشکده دفاع ملی را به پایان رساند. در سال ۱۹٦۱به نیروی دریایی پاکستان پیوست و در سال ۱۹٦۵ در شاخه عملیاتی این نیرو خدمت کرد. در سال ۱۹۷۸ فرماندهی دو زیردریایی از کلاس «دفنه» (Daphne)، در سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۸ فرماندهی یک کشتی لجستیک، از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ فرمانده آکادمی نیروی دریایی پاکستان و در سال ۱۹۹٤ فرماندهی یک اسکادران از ناوشکن‌های نیروی دریایی پاکستان را عهده‌دار بود. وی در سال ۱۹۹۸ در سمت وزیر دفاع، در سال ۱۹۹۷ رئیس ستاد فرماندهی نیروی دریایی، در سال ۱۹۹۸ معاون ستاد نیروی دریایی و از سال ۱۹۹۹ تاکنون در مقام رئیس ستاد نیروی دریایی پاکستان مشغول به فعالیت است.[۱٦]

پرویز مهدی قریشی

وی عضو شورای امنیت ملی پاکستان است. و در سال ۱۹٦۵ و ۱۹۷۱ ـ طی جنگ‌های هند و پاکستان ـ فرمانده اسکادرانی از جنگنده‌های نیروی هوایی پاکستان در پایگاه «سارگودا»[1] بوده است. وی در سال ۱۹۹۵ سمت معاونت ریاست ستاد عملیاتی نیروی هوایی را در

---

1. Sargodha

سرفرماندهی چاکلاها [1] به عهده داشت. قریشی در حال حاضر رئیس ستاد نیروی هوایی و از سال ۱۹۹۹ تاکنون عضو شورای امنیت ملی پاکستان است.(۱۷)

شریف‌الدین پیرزاده

متولد ۱۹۲۳ و فارغ‌التحصیل رشته حقوق از دانشگاه بمبئی هند در سال ۱۹٤٥ است. وی از سال ۱۹٤٥ تا ۱۹٤٧ دبیر حزب مسلم لیگ شهر بمبئی، ۱۹٦٦ تا ۱۹۹۳ وزیر امور خارجه، در سال ۱۹۷۷ رئیس کمیته حقوق بشر سازمان ملل در خصوص اقلیت‌ها، در سال ۱۹۷۷ وزیر امور پارلمانی و حقوقی و از سال ۱۹۹۹ تاکنون عضو شورای امنیت ملی و مشاور ارشد ریاست این شورا است.(۱۸)

اعضای شورای امنیت ملی عبارت‌اند از:

رئیس: ژنرال پرویز مشرف.

عضو موظف شورا[2]: آدمیرال عبدالعزیز میرزا (رئیس ستاد نیروی دریایی) و مارشال نیروی هوایی پرویز مهدی قریشی (رئیس ستاد نیروی هوایی).

مشاور عالی: سید شریف‌الدین پیرزاده.

سایر اعضا: دکتر عطیه عنایت‌الله، امتیاز صاحب‌زاده، دکتر محمود احمد قاضی.

قانون اساسی پاکستان که در سال ۱۹۷۳ وضع شد، با داشتن بیش از ۲٥۰ ماده در طول کمتر از سی سال پانزده اصلاحیه داشته است.(۱۹) در حقیقت پاکستان نظامی پارلمانی دارد که ائتلاف مسلط در پارلمان، قوه مجریه و مقننه را در اختیار خواهند گرفت.

یکی از مهم‌ترین ساختارهای موجود در قانون اساسی پاکستان، نقشی است که به رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر داده شده و به روشنی این نقش تصریح گردیده است.

---

1. Chaklaha

۲. عضو موظف شورا به کسی گفته می‌شود که به اقتضای مقام و وظیفهٔ اداری خود در جلسات شرکت نماید.

رئیس‌جمهور می‌تواند برای پارلمان پیام بفرستد و همچنین در نشست‌های مشترک آغاز دورهٔ جدید مجلس سخنرانی نماید. نخست‌وزیر، وزرای کابینه و دادستان کل حق شرکت در مباحثات پارلمانی را داشته؛ اما حق رأی ندارند.[۲۰]

طبق قانون اساسی ۱۹۷۳ پاکستان، رئیس‌جمهور برای یک دورهٔ پنج‌ساله از سوی هیأتی از معاونان پارلمانی، سناتورها و اعضای مجلس ملی و مجالس ایالتی انتخاب می‌شود. در طول حکومت نظامی (۱۹۷۷ تا ۱۹۸۵)، قانون اساسی پاکستان به حالت تعلیق درآمد؛ اما به‌طور کامل منسوخ و باطل نگردید. در سال ۱۹۸۵ قانون اساسی به‌منظور گسترش اختیارات رئیس‌جمهور اصلاح گردید. این اصلاحیه تا سال ۱۹۹۰ منبع اصلی استفاده حقوق‌دانان به شمار می‌رفت؛ اما قانونی که در اول آوریل ۱۹۷۷ وضع گردیده بود، اختیارات رئیس‌جمهور مبنی بر انحلال پارلمان، انتصاب فرمانداران ایالتی و معرفی فرماندهان ارشد نظامی را لغو کرد.[۲۱] این در حالی بود که طبق اصلاحیه سال ۱۹۸۵، کلیه این اختیارات به رئیس‌جمهور تفویض گردیده بود. بعد از این‌که ژنرال «پرویز مشرف»، رئیس ستاد ارتش ـ در دوازدهم اکتبر ۱۹۹۹ و به‌دنبال کودتای نظامی ـ نخست‌وزیر «نواز شریف» را عزل و مسئولیت‌های ریاست اجرایی کشور را به عهده گرفت، اصلاحیه قانون اساسی دوباره روال قانونی یافته، رسمی شد. پرویز مشرف پس از عهده‌دار شدن ریاست اجرایی پاکستان، شورای امنیت ملی ـ متشکل از شش عضو متعلق به نیروهای مسلح و تعدادی غیرنظامی متخصص در حوزه‌های گوناگون ـ همچنین ادارهٔ بازسازی ملی را تشکیل داد.

سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی

سه آژانس اطلاعاتی اصلی در پاکستان وجود دارند که عبارت‌اند از:

سرویس‌های داخلی اطلاعات (ISI)، اطلاعـات نظـامی (MI) و اداره اطلاعـات (IB). هـر کدام از این آژانس‌ها مسئولیت‌های خاص خودشان را دارند اما تمامی در هـدفی مشـترک کـه همانا حفظ امنیت ملی پاکستان است سهیم می‌باشند. ISI و MI به‌طـور کلـی بـر موضـوعات فوری در حوزه نظامی و IB بر اقدامات سیاسی داخلی متمرکز هستند. اما از آن‌جایی که حوزهٔ فعالیت ISI به مراتب بیش از دو آژانس دیگر است تمرکز بیشتر این تحقیق بر روی سـاختار و فعالیت‌های ISI قرار دارد.

سرویس‌های داخلی اطلاعات (ISI)[1]

سرویس اطلاعات داخلی پاکستان، در سال ۱۹۴۸ به‌دست یک افسر ارتش بریتانیا به‌نام «ژنـرال آر. کائوتوم»[2] ـ که بعدها به سمت معاون ستاد ارتش پاکستان منصوب شـد ـ تأسیس گردیـد.

---

1. Inter – Services intelligence
2. R.Cawthome

«فیلد مارشال ایوب خان»، رئیس‌جمهور پاکستان در دهۀ ۵۰، نقش ISI را در محافظت از منافع پاکستان و حمایت از حکومت نظامیان در این کشور گسترش داد.

ISI خود دولتی در دولت است که به هیچ‌یک از فرماندهان ارتش، رئیس‌جمهور و حتی نخست‌وزیر نیز پاسخ‌گو نیست. این عدم پاسخگویی منجر به آن شده که هیچ‌گونه نظارت واقعی بر ISI ـ فساد در آن، قاچاق مواد مخدر، پول‌های هنگفتی که این سازمان به‌دست می‌آورد و از همه بیشتر سناریوهای سیاسی پیچیدۀ اعمال شده از سوی این سازمان ـ وجود نداشته باشد. پول حاصل از مواد مخدر که ISI از آن استفاده می‌کند نه تنها در جنگ افغانستان بلکه در جنگ علیه هند به‌ویژه در کشمیر و پنجاب، از طرف این سازمان استفاده می‌شود. ISI وظایف گوناگونی را برعهده دارد و مجموعه اطلاعات خارجی و داخلی در حوزه مسئولیت ISI قرار می‌گیرد. از دیگر وظایف این سازمان می‌توان به این موارد اشاره نمود:

- هماهنگی عملیات اطلاعاتی میان سه سرویس نظامی پاکستان.
- نظارت و مراقبت بر کادر هر سه سرویس نظامی.
- نظارت و مراقبت بر خارجی‌ها، رسانه‌ها، دیپلمات‌های دیگر کشورها در پاکستان و دیپلمات‌های پاکستانی که در خارج از کشور فعالیت می‌نمایند و بخش‌های سیاسی فعال جامعه پاکستان.
- استراق سمع و نظارت بر ارتباطات.
- هدایت و اداره عملیات سری.[۲۲]

مقر ISI در اسلام‌آباد قرار دارد و در این سازمان هزاران کارمند اعم از صدها افسر نظامی مشغول به کار هستند. ISI در مجموع ده‌هزار افسر و کارمند دارد. گفته می‌شود که این سازمان دارای ٦ الی ۸ بخش است، که عبارت‌اند از:

- **اطلاعات مشترک (JIX)X** [1]

این بخش دبیرخانه ISI است. دبیرخانه وظیفۀ هماهنگی و آماده‌کردن حمایت‌های دولت

1. Joint intelligence X

در دیگر بخش‌ها و سازمان‌های ISI را بر عهده دارد. از دیگر وظایف این بخش، آماده‌سازی اطلاعات تخمینی و ارزیابی تهدیدات است.

- **دایره اطلاعات مشترک (JIB)** [1]

این بخش مسئول اطلاعات سیاسی است. در طول دهه ۸۰ JIB قدرتمندترین بخش ISI شمرده می‌شد. برای JIB سه زیرمجموعه در نظر گرفته می‌شود که یکی از آن سه زیرمجموعه، تنها اختصاص به عملیات علیه هند دارد.

- **دایره مشترک ضد اطلاعات (JCIB)** [2]

از وظایف این قسمت نظارت و مراقبت از دیپلمات‌های پاکستانی است که در خارج از کشور انجام وظیفه می‌نمایند و همچنین اداره و هدایت عملیات اطلاعاتی و جاسوسی در خاورمیانه، جنوب آسیا، چین، افغانستان و جمهوری‌های مسلمان‌نشین تازه استقلال یافته است.

- **اطلاعات مشترک/ بخش شمالی (JIN)** [3]

این بخش عهده‌دار عملیات در جامو و کشمیر از قبیل نفوذ، تبلیغات، و دیگر عملیات مخفی و محرمانه است.

- **اطلاعات مشترک متفرقه (JIM)** [4]

وظیفهٔ این قسمت، نظارت بر مسائل جاسوسی در کشورهای خارجی و همچنین عملیات تهاجمی است.

- **دایره مشترک اطلاعات سیگنالی (JSIB)** [5]

این دایره مجموعه عملیات اطلاعاتی را از طریق برپایی ایستگاه‌های شنودی و دیداری در طول مرز با هند برعهده دارد که از این طریق در عملیات نظامی در کشمیر علیه هند استفاده می‌شود.

---

1. Joint intelligence Bureau
2. Joint Counter Intelligence Bureau
3. Joint Intelligence/ North
4. Joint Intelligence Miscellaneous
5. Joint Signal Intelligence Bureau

● اطلاعات مشترک تکنیکی (JIT) [1]

افزون بر بخش‌های اصلی یاد شده، ISI دو بخش مجزای دیگر نیز دارد که شامل بخش انفجاری و بخش جنگ‌های شیمیایی است. گزارش‌های منتشر شده حاکی از آن است که در میان این چند بخش، دو بخش JIX و JIB بزرگ‌ترین بخش‌های ISI هستند که در مجموع، ٦٠ درصد کارمندان ISI را به خود اختصاص می‌دهند. بانک اعتبارات و تجارت بین‌المللی [2]، بزرگ‌ترین ناقل بین‌الملل مالی ISI است. این سازمان به ترتیب دادن عملیات محرمانه خارج از پاکستان، افغانستان، کشمیر و حوزه‌های دیگر متهم است. عملیات این سازمان در کشمیر و پنجاب شامل: ارسال اسلحه، آموزش، مشاوره، برنامه‌ریزی و همدستی با تروریست‌ها در این مناطق است؛ همچنین ISI با جنبش‌های جدایی‌طلب مناطق مرزی شمال شرقی پاکستان ـ که در مجاورت با هند هستند ـ همکاری می‌نماید.

جنگ ۱۹٦۵ کشمیر به بحران‌های بزرگ در این سازمان جاسوسی دامن زد. هنگام آغاز این جنگ، فروپاشی کامل عملیاتی در تمام سازمان‌های جاسوسی پاکستان به‌وقوع پیوست. بعد از آغاز جنگ ۱۹٦۵ هند و پاکستان، ـ که در آن ISI بر ناتوانایی‌های خویش آگاه شد ـ «ایوب خان» کمیته‌ای را تحت سرپرستی ژنرال «یحیی خان» برای بازرسی عملکرد این سازمان جاسوسی تأسیس نمود. قبل از اعلان حکومت نظامی در ۱۹۵۸، ISI خبر وقوع این کودتا را به فرمانده کل ارتش گزارش داده بود. هنگام اعلان حکومت نظامی، تمامی سازمان‌های جاسوسی که تحت کنترل مستقیم رئیس دولت حکومت نظامی قرار داشتند؛ همچنین سه سازمان جاسوسی دیگر برای اثبات و نشان دادن صداقت و وفاداری خود نسبت به ایوب خان و دولت وی، شروع به رقابت با یکدیگر کردند. ISI در طول انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹٦٤، به‌گونهٔ گسترده‌ای به‌خصوص در نواحی شرقی پاکستان فعالیت می‌کرد. ISI در شرق پاکستان فعالیت خود را بر تضمین این مطلب متمرکز کرده بود که هیچ حزب سیاسی دیگری تحت هیچ شرایطی نباید اکثریت را در انتخابات به‌دست آورد. عملیات ISI در آن زمان یک

---
1. Joint Intelligence Technical
2. BCCI

فاجعه کامل بود. رئیس وقت ISI، ژنرال «غلام جیلانی خان» (Gulam Jilani Khan)، به‌شدت از «ژنرال ضیاءالحق» حمایت می‌نمود و به‌دلیل همین حمایت، بوتو نیز از ژنرال ضیاءالحق طرفداری می‌کرد. در مقابل، ژنرال ضیاءالحق نیز بعد از بازنشستگیِ ژنرال جیلانی، وی را در مقام ریاست ISI ابقا نمود. «ذوالفقار علی بوتو»، نیروی امنیتی فدرال[1] را تأسیس نمود، و قدرت همه جانبه و گسترده‌ای را به‌منظور مقابله با نفوذ ISI به این سازمان اعطا کرد؛ اما هنگامی‌که رژیم نظامی ضیاءالحق در سال ۱۹۷۷ قدرت را قبضه نمود، سازمان نیروی امنیتی فدرال نیز منسوخ و منحل گردید. در حقیقت ISI به سرنگونی اولین حکومت بی‌نظیر بوتو، از طریق همکاری با احزاب سیاسی مخالف بوتو کمک نمود.

با تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان، پاکستان، به‌منزلهٔ کشوری با اهمیت ژئواستراتژیک مطرح گردید. ایالات متحده آمریکا در آن زمان پاکستان را کشوری در خط مقدم معرفی نمود و پیشنهاد ارسال کمک‌های نظامی به این کشور را دوباره مطرح کرد.

در باقی‌مانده دورهٔ تصدی ضیاءالحق، ایالات متحده آمریکا عموماً از برنامه توسعه هسته‌ای پاکستان چشم‌پوشی می‌نمود. در آن زمان هیأت مدیرهٔ نظامی ISI به‌طور عملی و نظری به مجاهدان در خاک افغانستان و عملیات در آن کشور کمک می‌کردند. در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۸، ISI در حدود هشتاد و سه هزار مجاهد افغانی را بعد از تعلیم به افغانستان اعزام نمود. این سازمان در مشارکت فعال خود در جنگ افغانستان حتی پس از خروج نیروهای اتحاد جماهیر شوروی، با حمایت از حکومت طالبان و جنگ علیه دولت «ربانی» ادامه داد. ISI همچنین حامی پشت پرده و مخفی مجاهدان کشمیری شناخته شده است.

این سازمان جاسوسی اطلاعاتی، از جنگ مجاهدان کشمیری علیه حاکمیت هند در کشمیر حمایت می‌نماید. طبق گزارش کمیته اطلاعات مشترک هند (JIC)در سال ۱۹۹۵، ISI ماهانه معادل ۲۰/٤ میلیون روپیه به گروه‌های مخالف هندی در جامو و کشمیر کمک می‌کرده است، افزون بر این‌که نباید از نظر دور داشت که تمامی گروه‌های مخالف هند از پاکستان تسلیحات

1. Federal Security Force

و آموزش دریافت می‌کردند و گروه‌های موافق پاکستان نیز از حمایت‌های ISI به‌طور کامل بهره‌مند بودند؛ به‌عنوان مثال: در می ۱۹۹٦، حداقل شش سازمان نظامی بزرگ و چندین سازمان کوچک‌تر در کشمیر دست به عملیات زدند. نیروی به‌کار گرفته شده در این عملیات، بین پنج تا ده هزار مرد جنگی تخمین زده شد. قوی‌ترین گروه‌های موافق پاکستان در کشمیر، گروه «حزب حرکت المجاهدین» و سپس گروه «لشکر طیبه» و «حرکت‌الانصار» بودند. در سال ۱۹۹۳ برای اولین بار سازمان قدرتمند نظامی حرکت الانصار سربرآورد. گزارش‌های رسیده حاکی از آن است که ISI در کمپ‌های نزدیک مرز بنگلادش ـ یعنی در جایی که گروه‌های جدایی‌طلب با نام «جبهه متحد آزادی‌بخش هفت خواهران» مستقر هستند. ـ، فعالیت می‌کند. از جامعه اطلاعاتی پاکستان در روزنامه‌های مختلف این کشور با عناوین مختلف یاد می‌شود؛ به‌عنوان مثال: Fronitier Post چاپ پیشاور پاکستان در ۱۸ می ۱۹۹٤، مجموعه اطلاعاتی این کشور را «حکومت نامرئی» نامید و "Dawn" چاپ کراچی نیز در ۲۵ آوریل ۱۹۹٤، عنوان «پدر خوانده‌های مرموز» را به این جامعه اطلاق نمود.[۲۳]

ISI به‌طور علنی هیچ نقشی در مجموعهٔ سیاسی اطلاعاتی پاکستان ندارد. تنها استثنا در این زمینه، روابط پاکستان با کشمیر و مناطق شمالی از قبیل «گیلگیت» و «بالتیستان» است.

افزون بر وظایفی که پیش از این در خصوص حوزهٔ کاری (ISI) برشمرده شد، این سازمان بر فعالیت‌های عناصر ناسیونالیست سندی در ایالت سند و فعالان سازمان‌های شیعه ـ که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سراسر پاکستان فعالیت دارند ـ نظارت و مراقبت می‌نماید؛

همچنین ISI بر رهبران حزب مردم پاکستان (PPP) از جمله خانم بی‌نظیربوتو که جنبش بازگشت دموکراسی[۱] را در اوایل دههٔ ۸۰ پایه‌ریزی نمود، به‌طور کامل نظارت می‌کرد.

در دههٔ ۵۰ ایوب خان بخش عملیات سری را در ISI پایه‌گذاری کرد.

این بخش که به شورشیان شمال شرقی هند هم‌یاری و کمک می‌نمود، در اواخر دههٔ ٦۰،

---

1. MRD

فعالیتش گسترده‌تر گردید. تعداد بیشماری از اعضای گروه‌های فعال سیک که در اروپا، آمریکا و کانادا فعالیت می‌کردند، به جنبش خالصتان ملحق گردیده از آن طریق همکاری با ISI را تشویق می‌کردند.

در طول دوره زمامداری دولت «نیکسون» هنگامی‌که «هنری کیسینجر»، مشاور امنیت ملی دولت وقت آمریکا بود، سازمان جاسوسی آمریکا و ISI در قضیه‌ای که به اصطلاح جنبش خالصتان در پنجاب هند نامیده می‌شد، با یکدیگر همکاری و مساعدت می‌کردند. به غیر از مسئلهٔ خالصتان در پنجاب، همکاری مخفیانهٔ دیگری نیز بین ISI و CIA به‌منظور بدنام کردن موقعیت بین‌المللی خانم «ایندیرا گاندی» صورت پذیرفت.[۲۴] در این همکاری با انتشار اطلاعات اشتباه چنین عنوان گردید که خانم گاندی، تسهیلات پایگاه نیروی دریایی را در «ویزاگ»[1] و «آندمان»[2] و «نیکوبار»[3] به اتحاد جماهیر شوروی واگذار کرده است؛ همچنین بر پایه این اطلاعات نادرست اعلام گردید که ژنرال «سوندر جی»[4]، در طول عملیات «بلواستار» در ژوئن ۱۹۸٤، با مشاوران «کا گ ب» (KGB) همکاری داشته است. جنگ افغانستان در ۱۹۸۰ نیز قابلیت‌های عملیاتی مخفیانه ISI که با CIA همکاری می‌نمود را نشان داد. تعدادی از افسران بخش عملیات محرمانه ISI، در ایالات متحده آمریکا تحت تعلیم قرار گرفتند و بسیاری از متخصصان عملیات محرمانه CIA با ISI در هدایت عملیات آنان علیه نیروهای اتحاد جماهیر شوروی سابق در افغانستان شرکت داشتند و از این طریق مجاهدین افغانی، بنیادگرایان اسلامی پاکستان و داوطلبان عرب را سازماندهی کردند. «اسامه‌بن‌لادن»، «رمزی یوسف»، رهبران جنبش جدایی‌طلب مسلمان در جنوب فیلیپین و بسیاری از تاجران مواد مخدر در پاکستان، پرورش‌یافتهٔ همکاری‌های مخفیانه ISI و CIA در افغانستان هستند.[۲۵]

سازمان اطلاعات مرکزی (CIA) از طریق ISI به مجاهدان افغانی برای فشار آوردن به ارتش سرخ کمک می‌نمود. یکی از راه‌های کمک مالی به این گروه، قاچاق مواد مخدر با

---

1. Vizag
2. Andaman
3. Nikobar
4. Sunderji

مشارکت ISI بود که از این طریق میلیون‌ها دلار نصیب ISI گردید. قبل از اولین آزمایش هسته‌ای هند در سال ۱۹۷۴، ISI مخفیانه بخشی را برای دریافت تکنولوژی هسته‌ای نظامی از خارج ایجاد نمود و به همین شکل تکنولوژی موشکی از چین و کره دریافت می‌کرد. در نتیجه ISI که در اصل سازمانی برای مجموعه اطلاعات خارجی بود، به یک سازمان کارآمد و خبره در عملیات پنهانی و تهیه و تدارک تکنولوژی‌های منع‌شده به‌صورت زیرزمینی و مخفی درآمد.

IB پس از جداشدن از سازمان جاسوسی هند و بریتانیا، معمولاً به‌صورت سازمان پلیسی اداره می‌گردید؛ اما مقام مدیر کلی IB در حال حاضر، به اندازه گذشته در اختیار افسران پلیس نیست. افسران نظامی بازنشسته و در حال خدمت به ترتیب به این سمت‌ها منصوب گردیدند، و تعدادشان در سمت‌های ارشد IB، از جمله مدیر کلی این سازمان افزایش یافت. در سال‌های اخیر مشاجره و اختلافاتی در پاکستان بر سر این موضوع که چه کسی واقعاً ISI را کنترل می‌کند به‌وقوع پیوسته‌است. بسیاری از تحلیل‌گران پاکستانی، معتقدند که ISI به‌طور «دوژور» تحت‌نظر نخست‌وزیر و به‌طور «دوفاکتو» تحت کنترل (COAS)، رئیس ستاد ارتش قرار دارد. ISI همیشه به‌دست یک افسر نظامی با درجه ژنرالی سرپرستی می‌گردد. این افسر نظامی که همیشه دارای درجهٔ ژنرالی بوده، به سمت مدیر کلی ISI برگزیده می‌شود. مدیر کل فعلی ISI «ژنرال امجد»، یکی از یاران نزدیک ارتشبد مشرف، است. وی با سه معاون مدیر کل همکاری می‌نماید که این سه معاونت تحت عناوین معاونت سیاسی، معاونت خارجی و معاونت دولتی نامیده می‌شوند.

گزارش‌های پراکنده‌ای مبنی بر همکاری ISI با سازمان جاسوسی اسرائیل وجود دارد؛ اما در هیچ منبع درخور اعتمادی از این همکاری سخنی به میان نیامده است.

به‌رغم فعالیت‌های بسیاری که ISI تاکنون صورت داده است، هنوز صاحب‌نظران معتقدند که عملیات ترکیبی CIA-ISI در افغانستان (۸۸ـ۱۹۷۹) مهم‌ترین اقدام این سازمان امنیتی است. از آن زمان تاکنون این سازمان را «سیاست‌گذار پشت‌پرده» می‌نامند که با حمایت از طالبان، این «قدرت پشت‌پرده» از نیروی بیشتری برخوردار گردید. ISI در هند نیز از سال

۱۹۸٤ ـ بعد از عملیات «ستاره آبی» که به جامو و کشمیر نیز گسترش یافت ـ به‌گونه‌ای هماهنگ و روزافزون حالت پیش‌رونده به خود گرفت. در حال حاضر ISI مهم‌ترین عامل حمایتی گروه‌های مخالف در کشمیر است. با توجه به این‌که این سازمان امنیتی در خصوص عملیات ضد هندی سابقه‌ای طولانی داشته است، هند مدعی است که ISI حتی در نپال و بنگلادش نیز نفوذ پیدا کرده است. ISI به‌منظور عملیات علیه هند پایگاه‌هایی را در نپال تأسیس نمود. این موارد تنها جزو نمونه‌هایی هستند که بعد از سال‌ها افشا شده‌اند. پاکستان در خصوص تأسیس پایگاه‌های خود در نپال چنان مصمم بود که بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که از سال ۱۹۹٦ ISI با چین در این باره همکاری داشته است؛ زیرا چین نیز منافعی را در نپال دنبال می‌نماید.

از هنگام تأسیس بنگلادش، استراتژی پاکستان به سوی موانع ضد هندی سوق یافت. ISI بیشتر بر گروه‌های بنیادگرای افراطی در پاکستان نفوذ دارد. بعضی از گروه‌های محلی از جمله مسلمانان بیهاری، برای سازمان اطلاعاتی ISI کار می‌کنند.

هر ساله ISI نزدیک به یک میلیارد روپیه در کشمیر هزینه می‌نماید.[۲٦] گروه‌های وابسته به ISI که در کشمیر مستقر هستند پنجاه هزار روپیه از ISI دریافت می‌کنند.

گستردگی و تأثیرگذاری عملیات ISI در موارد مختلف نشان‌دهنده این مسئله است که این سازمان پایگاه‌های مالی بسیار قوی برای عملیات خود دارا است و از حمایت چندین کشور مختلف از جمله چین و بعضی از کشورهای منطقه برخوردار می‌گردد همچنین درآمدهای کلان ناشی از مواد مخدر نیز باعث گردیده این سازمان از پشتوانه مالی بسیار زیادی بهره‌مند گردد.[۲۷]

اداره اطلاعات (IB)

قبل از قانون نظامی سال ۱۹۵۸ IB مستقیماً به نخست‌وزیر و دو آژانس نظامی و سرفرماندهی ارتش گزارش می‌داد پس از سال ۱۹۵۸ تمامی آژانس‌های اطلاعاتی

تحت نظارت و کنترل مستقیم رئیس‌جمهور و رئیس حکومت نظامی قرار گرفت و هر سه آژانس نظامی ذکر شده به نوعی به رقابت با همدیگر برخاستند. هنگامی‌که IB تحت‌نظر وزارت کشور قرار گرفت، ISI هنوز قسمتی از وزارت دفاع بود. IB قدیمی‌ترین سازمان اطلاعاتی پاکستان از هنگام تأسیس این کشور در سال ۱۹٤۷ است. این بخش سابقاً قسمتی از سازمان اطلاعاتی انگلستان در هند بوده‌است. عملکرد غیرقابل قبول و نامناسب (MI) سازمان اطلاعاتی نظامی، در اولین جنگ هند و پاکستان ـ که در سال ۱۹٤۷ تا ۱۹٤۸ بر سر جامو و کشمیر به‌وقوع پیوست ـ منجر به تأسیس سازمان ISI گردید.

IB تحت نظر بخش کابینه نخست‌وزیر قرار دارد در فاصله سال‌های ۱۹۷٦ تا ۱۹۷۷ در حدود ۲۵/۸ میلیون روپیه هزینه IB با انتخاب مجدد بی‌نظیر بوتو در سال ۱۹۹۳ IB مجدداً اهمیت یافت. این اداره مسئول تحت کنترل قرار دادن احزاب مخالف داخلی است. بی‌نظیر بوتو انتصابی جنجال‌برانگیز را برای مدیرکلی IB انجام داد و مسعود شریف را با عنوان مدیرکل اداره اطلاعات برگزید. انتصاب وی بحران بزرگی را در پاکستان تسریع نمود چرا که بی‌نظیر بوتو از ریاست IB برای فرسودن تمامی قدرت ISI استفاده کرد. مسعود شریف نقش فعالی را در سرنگونی دولت شبیر شاه در ایالت NWFP ایفا نمود.

بی‌نظیر قصد داشت تا نفوذ MI در امور داخلی کشور ریشه‌کن سازد و این دقیقاً کاری بود که پدرش در دههٔ ۷۰ انجام داد و با شکست مواجه شد. بطوریکه یکی از اولین اقداما لغاری رئیس‌جمهور وقت پاکستان بعد از برکناری بی‌نظیر بوتو، به زندان افکندن مسعود شریف بود. وی تحت عنوان اتهام جنایی دستگیر و به زندان افکنده شد.

در نگاهی کلی فعالیت اداره اطلاعات شامل نظارت بر سیاست‌مداران، اقدامات سیاسی، تروریست‌های مظنون و آژانس‌های اطلاعاتی خارجی می‌باشد.

احزاب

شناسنامهٔ احزاب

احزاب و گروه‌های سیاسی که از بعد از کودتای ۱۲ اکتبر ۱۹۹۹ در پاکستان هنوز فعالیت می‌نمایند عبارت‌اند از:

نام حزب	رهبر حزب
حزب ملی عوام (ANP)	ولی‌خان Walikhan
جنبش ملی بلوچستان گروه (حی) (BNM/H)	دکترحی بلوچ Dr.Hyyee Baluch
حزب ملی بلوچ (BNP)	سردار اختر منگال Sardar Aktar Mengal
حزب جمهوری وطن (JWP)	اکبرخان بوگتی Akbar Khan Bugti
جمعیت الحدیث (JAH)	ساجد میر Sajid Mir
جمعیت علمای اسلام شاخه فضل‌الرحمان (JUP/F)	فضل‌الرحمان Fazlur Rehman
جمعیت علمای پاکستان شاخه نیازی (JUP/NI)	عبدالستار خان نیازی Abdul Sattar Khan Niazi

نام حزب	رهبر حزب
حزب میلات	Faroq Leghari فاروق لغاری
شورای ملی یا کهتی (MYC)	Qazi Hussain Ahmed قاضی حسین احمد
جمعیت علمای اسلام شاخه سامی الحق	Sami UL HAQ سامی الحق
گروه جعفری پاکستان* (TJP)	Allama Sajid Naqvi علامه ساجد نقوی
جمعیت علمای پاکستان شاخه نورانی (JUP/NO)	Shah Ahmad Noorani شاه احمد نورانی
جنبش متحد قومی شاخه الطاف (MQM/A)	Altaf Hussain الطاف حسین
حزب ملی مردم (NPP)	Ghulam Mustapha Jatoi غلام مصطفی جاتویی
حزب عوام ملی پشتون خواه (PKMAP)	محمودخان آچاکزای Mahmood Khan Achakzai
حزب قومی پشتون (PQP)	Mohammed Afzal Khan محمد افضل خان
تحریک عوام پاکستان (PAT)	Tahir ul Qadri طاهر القدری
مسلم لیگ پاکستان گروه جونجو (PMI/J)	Hamid Nasir Chattha حمید نصیر چاتها
مسلم لیگ پاکستان گروه نوازشریف (PML/N)	Nawaz Sharif نواز شریف
حزب ملی پاکستان (PMP)	Hasil Bizenjo حسین بی زنجو
حزب ملی مردم (PPP)	Ghinva Bhutto بی‌نظیربوتو
تحریک انصاف پاکستان (PTI)	Imran Khan عمران خان
حزب سیاد عوام (AQP)	Aslam BEG اصلام بگ
حزب جهاد	Murtaza Pooya مرتضی پویا
جماعت اسلامی پاکستان (JIP)	امیرقاضی حسین احمد Amir Qazi Hussain Ahmad
جنبش متحد قومی گروه حقیقی (MQM/H)	Mohammed Afzal Khan محمد افضل خان
حزب قومی پشتون خواه (PKQP)	نواب زاده نصرا... خان Nawabzada Nasrullah Khan

*. در حال حاضر این گروه منحل شده است.

رهبر حزب	نام حزب
محمد اشرف خان Mohammad Ashraf Khan	حزب دموکراتیک پاکستان (PDP)
فدا محمد خان Fida Mohammad Khan	حزب خاکسار پاکستان
مالک محمد قسیم Malik Mohammad Qasim	مسلم لیگ پاکستان / گروه فدا (PML/F)
مالک میرحضرخان Maik MirHazar Khan	مسلم لیگ پاکستان / گروه قسیم (PML/Q)
مولانا طریق اعظم Molana Tariq Azam	ائتلاف ملی سند
طارق اعظم Tariq Azam	سپاه صحابه پاکستان (SSP)
اصغرخان Asqar Khan	تحریک استقلال
حسین حقانی Hussian Haqqani	تحریک اتحاد (جنبش وحدت)
—	حزب دموکراتیک شهری
این حزب عملاً فعالیت ندارد و در حقیقت منحل شده است.	اتحاد جمهوری اسلامی (IJI)

نقش احزاب در ساختار سیاسی

فرمانداران کل

محمد علی جناح: از ۱۵ اوت ۱۹٤۷ تا ۱۱ سپتامبر ۱۹٤۸ (ML).

خواجه ناظم‌الدین: از ۱٤ سپتامبر ۱۹٤۸ تا ۱۷ اکتبر ۱۹۵۱ (ML).

غلام محمد: از ۱۷ اکتبر ۱۹۵۱ تا ٦ اکتبر ۱۹۵۵ (ML).

اسکندر علی میرزا: از ٦ اکتبر ۱۹۵۵ تا ۲۳ مارس ۱۹۵٦ (نظامی).

رؤسای جمهور

اسکندر علی میرزا: از ۲۳ مارس ۱۹٦۵ تا ۲۷ اکتبر ۱۹۵۸ (RP).

محمد ایوب خان: از ۲۷ اکتبر ۱۹۵۸ تا ۲۵ مارس ۱۹٦۹ (نظامی).

آقا محمد یحیی خان: از ۲۵ مارس ۱۹٦۹ تا ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱ (نظامی).

ذوالفقار علی بوتو: از ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱ تا ۱۳ اوت ۱۹۷۳ (PPP).
فضل‌الله چائودری از ۱٤ اوت ۱۹۷۳ تا ۱٦ سپتامبر ۱۹۷۸
محمد ضیاءالحق: از ۱٦ سپتامبر ۱۹۷۸ تا ۱۷ اوت ۱۹۸۸ (نظامی).
غلام اسحاق خان: از ۱۷ اوت ۱۹۸۸ تا ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۳ (مستقل).
وسیم ساجد: از ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۳ تا ۱٤ نوامبر ۱۹۹۳ (PML – N).
فاروق احمد لقاری از ۱٤ نوامبر ۱۹۹۳ تا ۲ دسامبر ۱۹۹۷
وسیم ساجد (باردوم) از ۲ دسامبر ۱۹۹۷ تا اول ژانویه ۱۹۹۸
محمد رفیق‌تارر: از اول ژانویه ۱۹۹۸ تا ۲۰ ژوئن ۲۰۰۱ (PML – N).
پرویز مشرف: از ۲۰ ژوئن ۲۰۰۱ تاکنون (نظامی).

نخست‌وزیران

نواب‌زاده لیاقت علی خان: از ۱۹ ژوئیه ۱۹٤۷ تا ۱٦ اکتبر ۱۹۵۱ (ML).
خواجه ناظم‌الدین: از ۱۷ اکتبر ۱۹۵۱ تا ۱۷ آوریل ۱۹۵۳ (ML).
محمد علی بگرا: از ۱۷ آوریل ۱۹۵۳ تا ۱۱ اوت ۱۹۵۵ (ML).
چائودری محمد علی: از ۱۱ اوت ۱۹۵۵ تا ۱۲ سپتامبر ۱۹۵٦ (ML).
حسین شاهد سهروردی: از ۱۲ سپتامبر ۱۹۵٦ تا ۱۷ اکتبر ۱۹۵۷ (AL).
اسماعیل ابراهیم چاندریگار: از ۱۷ اکتبر ۱۹۵۷ تا ۱٦ دسامبر ۱۹۵۷ (ML).
مالک فیروز خان نون: از ۱٦ دسامبر ۱۹۵۷ تا ۷ اکتبر ۱۹۵۸ (RP).
محمد ایوب خان: از ۷ اکتبر ۱۹۵۸ تا ۲۷ مارس ۱۹٦۹ (نظامی).
آقا محمد یحیی خان: از ۲۷ مارس ۱۹٦۹ تا ۷ دسامبر ۱۹۷۱ (نظامی).
نورالامین: از ۷ دسامبر ۱۹۷۱ تا ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱ (PPP).
ذوالفقار علی بوتو: از ۲٤ دسامبر ۱۹۷۱ تا ۵ ژوئیه ۱۹۷۷ (PPP).
محمد ضیاءالحق: از ۵ ژوئیه ۱۹۷۷ تا ۲٤ مارس ۱۹۸۵ (نظامی).

محمد خان جونجو: از ۲٤ مارس ۱۹۸۵ تا ۲۹ می ۱۹۸۸ (PML).

محمد ضیاءالحق: از ۹ ژوئن ۱۹۸۸ تا اوت ۱۹۸۸ (نظامی).

بی‌نظیر بوتو: از ۲ دسامبر ۱۹۸۸ تا ٦ اوت ۱۹۹۰ (PPP).

غلام مصطفی جاتوی: از ٦ وت ۱۹۹۰ تا ٦ نوامبر ۱۹۹۰ (NPP).

میان محمد نوازشریف: از ٦ نوامبر ۱۹۹۰ تا ۱۸ آوریل ۱۹۹۳ (PML-N).

بالاخشر مزاری: از ۱۸ آوریل ۱۹۹۳ تا ۲٦ می ۱۹۹۳ (PML-N).

میان محمدنوازشریف: از ۲٦ می ۱۹۹۳ تا ۱٦ ژوئیه ۱۹۹۳ (PML-N).

معین قریشی: از ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۳ تا ۱۹ اکتبر ۱۹۹۳ (مستقل).

بی‌نظیر بوتو: از ۱۸ اکتبر ۱۹۹۳ تا ۵ نوامبر ۱۹۹٦ (PPP).

مالک معراج خالد: از ۵ نوامبر ۱۹۹٦ تا ۱۷ فوریه ۱۹۹۷ (مستقل).

میان محمد نوازشریف: از ۱۷ فوریه ۱۹۹۷ تا ۱۲ اکتبر ۱۹۹۹ (PML-N).

پرویز مشرف: از ۱٤ اکتبر ۱۹۹۹ تا ۲۳ نوامبر ۲۰۰۲ (نظامی).

میرظفرالله خان جمالی از ۲۳ نوامبر ۲۰۰۲ تاکنون

رؤسای مجلس ملی

محمد علی جناح: از ۱۱ اوت ۱۹٤۷ تا ۱۱ سپتامبر ۱۹٤۸.

مولوی تمیزالدین خان: از ۱٤ دسامبر ۱۹٤۸ تا ۲٤ اکتبر ۱۹۵٤.

عبدالوهاب خان: از ۱۲ اوت ۱۹۵۵ تا ۷ اکتبر ۱۹۵۸.

مولوی تمیزالدین خان: از ۱۱ ژوئن ۱۹٦۲ تا ۱۹ اوت ۱۹٦۳.

فضل القادر چودری: از ۲۹ نوامبر ۱۹٦۳ تا ۱۲ ژوئن ۱۹٦۹.

صاحب‌زاده فاروق علی: از ۹ اوت ۱۹۷۳ تا ۲۷ مارس ۱۹۷۷.

مالک معراج خالد: از ۲۷ مارس ۱۹۷۷ تا ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۷.

فاخر امام: از ۲۲ مارس ۱۹۸۵ تا ۲٦ می ۱۹۸٦.

حامد ناصر چاتا: از ۳۱ می ۱۹۸٦ تا ۳ دسامبر ۱۹۸۸.

مالک معارج خالد: از ۳ دسامبر ۱۹۸۸ تا ٤ نوامبر ۱۹۹۰.

گوهر ایوب خان: از ٤ نوامبر ۱۹۹۰ تا ۱۷ اکتبر ۱۹۹۳.

یوسف رضا گیلانی: از ۱۷ اکتبر ۱۹۹۳ تا ۱٦ فوریه ۱۹۷۷.

الهی بخش سومرو: از ۱٦ فوریه ۱۹۹۷ تا ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹.[۲۸]

قابل ذکر است که اصطلاحات مخففه زیر بیانگر احزاب ذیل می‌باشند:

ـ PPP: حزب مردم پاکستان؛

ـ PML: مسلم‌لیگ پاکستان؛

ـ PML-N: مسلم‌لیگ پاکستان شاخه نواز؛

ـ ML: مسلم‌لیگ؛

ـ AL: لیگ عوام؛

ـ RP: حزب جمهوری‌خواه؛

ـ NPP: حزب ملی مردم.

نقش احزاب در مجالس

تعداد کرسی‌های احزاب در مجلس، در زمان دولت قبل از کودتای ارتشبد مشرف بدین شرح است:

ـ مجلس ملی

احزاب سیاسی	تعداد کرسی
مسلم لیگ پاکستان (گروه نواز)	۱۳۷
حزب مردم پاکستان (PPP)	۱۸
حزب متحد قومی (شاخه الطاف MQM/A)	۱۲
حزب ملی عوام (ANP)	۱۰

حزب ملی بلوچستان (BND)	۳
حزب جمهوری وطن (FWP)	۲
جماعت علمای اسلام/ گروه فضل‌الرحمان (JUI/F)	۲
حزب مردم پاکستان/ گروه شاهدبوتو (PPP/SP)	۱
حزب ملی مردم (NPP)	۱
گروه مستقل	۲۱
نمایندگان اقلیت‌های مذهبی	۱۰ [۲۹]

ـ مجلس سنا

احزاب سیاسی	تعداد کرسی‌ها
مسلم لیگ پاکستان (نواز)	۲۷
حزب مردم پاکستان (PPP)	۱۹
حزب ملی عوام (ANP)	۷
گروه حق‌پرست (HPG)	۵
حزب جمهوری وطن (JWP)	۵
حزب ملی بلوچستان (BNP)	۵
هواداران (PML)	۳
جماعت علمای اسلام	۲
گروه‌های دیگر	۵
مستقل	۱
منطقه قبیله‌ای تحت اداره دولت فدرال	۸ [۳۰]

گفتنی است پس از تکمیل انتخابات پارلمانی پاکستان، حزب مسلم‌لیگ (شاخه قائد اعظـم)

با حدود ۱۱۰ کرسی، حزب مردم پاکستان ۸۱ کرسی و ائتلاف گروه‌های مذهبی موسوم به «متحده مجلس عمل» با ٦۰ کرسی در مجلس ملی، به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند. مجلس ملی پاکستان در دوره جدید ۳٤۲ کرسی دارد که ۲۷۲ کرسی آن عمومی بوده بقیه کرسی‌ها ویژهٔ زنان و اقلیت‌هاست.

دسته‌بندی احزاب با توجه به موقعیت منطقه‌ای، مذهبی و قومی:

احزاب منطقه‌ای:

- حزب ملی بلوچستان[1]؛
- حزب ملی مردم پشتون‌خواه (PKMAP)؛
- جنبش ملی بلوچستان (BNM)؛
- جنبش ملی بلوچستان/ گروه منگال (BNM/M).

احزاب مذهبی:

- ائتلاف دموکراتیک اسلامی (IDA)؛
- جبهه دموکراتیک اسلامی (JIM)؛
- جمعیت علمای اسلام (JUI/S)؛
- جمعیت علمای پاکستان (JUP).

احزاب قومی:

- جنبش ملی مهاجر (MQM/A).

مقر احزاب

۱. **حزب عوام ملی (ANP):** مقر این حزب در کراچی است.

این حزب فدرالی، در سراسر کشور فعالیت دارد و رهبرش «خان عبدالولی خان» است.

---

1. BNP

۲. **حزب عوام قیادت:** مقر آن در لاهور و رهبرش «اصلان بیک» است.

۳. **ائتلاف ملی بلوچستان:** مقر آن در کویته قرار دارد و رهبرش «محمد اکبر بوگتی» است.

٤. **جنبش ملی بلوچستان:** مقر این حزب در کویته و رهبر آن «عبدل بلوچ» است.

۵. **حزب جهاد:** رهبر این حزب «مرتضی پویا» است.

٦. **حزب جماعت اسلامی پاکستان (JIP):** مقر این حزب لاهور و متعلق به جناح راست و خواستار برقراری اسلام در کشور (سنی مذهب) است. دبیر کل آن «سید منور حسن» نام دارد.

۷. **حزب جمهوری وطن:** رهبری این حزب بر عهدهٔ «نواب اکبر بوگتی» است.

۸. **جمعیت علمای اسلام (JUI):** در سال ۱۹۵۰ تأسیس گشته و به اصول مذهب سنی معتقد است. رهبر این حزب «مولانا فضل‌الرحمان» نام دارد.

۹. **جمعیت علمای پاکستان (JUP):** مقر این حزب در لاهور قرار دارد. JUP مطابق با اصول مذهب سنی اداره می‌گردد و خواستار برقراری قوانین اسلامی (مطابق با تعالیم سنی) در پاکستان است.

۱۰. **حزب ملت:** مقر این حزب در لاهور و رئیس آن «فاروق احمد خان لغاری» است.

۱۱. **جنبش متحد قومی (MQM):** رهبر این حزب «الطاف حسین» و خواستار برقراری نظام سیاسی دموکراسی در کشور است. مقر MQM در کراچی قرار دارد.

۱۲. **حزب ملی مردم (NPP):** مقر آن در کراچی و جزو احزاب جناح راست به‌شمار می‌آید رهبری NPP بر عهدهٔ «غلام مصطفی جاتویی» است.

۱۳. **حزب عوام ملی پشتون‌خواه:** رهبر آن «آچاک زای» نام دارد.

١٤. **حزب دموکراتیک پاکستان:** تأسیس آن به سال ۱۹٦۰ بوده خواستار برقراری ارزش‌های دموکراتیک و اسلامی در کشور است. رهبر آن «نواب‌زاده نصرالله خان» و دبیر کل آن «چودری ارشد مولتان» نام دارد.

۱۵. **حزب خاکساز پاکستان:** خواستار برقراری ارزش‌های اسلامی و رهبر آن «محمد اشرف خان» است.

۱۶. **مسلم لیگ پاکستان (PML):** مقر این حزب در راولپندی قرار دارد. در حال حاضر این حزب به سه شاخهٔ «محمد نواز شریف»، «قائد اعظم» و گروه «جونجو» تقسیم گردیده است.

۱۷. **مسلم لیگ پاکستان (گروه قسیم):** تأسیس در سال ۱۹۷۹ رهبر آن «مالک محمد قسیم» نام دارد.

۱۸. **حزب ملی پاکستان:** این حزب جزو احزاب جناح چپ بوده طرفدار هند به‌شمار می‌رود و دبیر کل آن «عبدالحافظ پیرزاده» نام دارد.

۱۹. **حزب مردم پاکستان (PPP):** رهبر این حزب «بی‌نظیر بوتو» و دبیر کل آن «جهانگیر بدر» است.

۲۰. **حزب مردم پاکستان گروه شاهد بوتو:** مقر این حزب در کراچی است. در سال ۱۹۹۵ از حزب PPP جدا گردیده دبیر کل آن «مباشر حسن» است.

۲۱. **اتحاد پشتون پنجابی (PPI):** تأسیس آن به سال ۱۹۸۷ بوده خواستار حفظ منافع پنجابی‌ها و پشتون‌ها در کراچی است. رئیس آن «مالک مسیر حضر خان» نام دارد.

۲۲. **ائتلاف ملی سند:** در سال ۱۹۸۸ تأسیس گردیده حزبی ناسیونالیست به‌شمار می‌آید. در حال حاضر مقام ریاست این حزب خالی است.

۲۳. **سپاه صحابه پاکستان (SSP):** مقر این حزب در کراچی و شاخه‌ای جدا شده از جمعیت علمای اسلام است. دارای عقاید افراطی‌گرایانه سنی بوده دبیر کل آن «حافظ احمد بوخش» است. (در حال حاضر منحل گردیده است.)

۲۴. **تحریک انصاف:** مقر این حزب در لاهور بوده و به سال ۱۹۹۶ تأسیس شده است دبیر کل آن «معراج محمد خان» نام دارد.

۲۵. **تحریک اتحاد:** تأسیس به سال ۱۹۹۵ بوده رهبر آن «حامد گل» نام دارد.

۲۶. **تحریک جعفریه پاکستان (TJP):** این حزب در سال ۱۹۸۷ تأسیس شده طرفدار تعالیم شیعه به‌شمار می‌رود. رهبر آن «علامه ساجد علی نقوی» است.

۲۷. **ائتلاف متحد ملی:** این حزب در سال ۱۹۹۳ تأسیس شده است.

۲۸. **حزب دموکراتیک شهری:** مقر این حزب در کراچی و رهبر آن «حسین حقانی» است.

سیر تحول احزاب

مسلم لیگ

مسلم لیگ در سال ۱۹۰۶ با عنوان لیگ مسلمانان هندی، به‌منظور محافظت از منافع مسلمانان در هندِ تحت استعمار بریتانیا تأسیس گردید. در آغاز استقلال پاکستان، تنها حزب اکثریت پاکستان، بود. بعد از تأسیس کشور پاکستان حزب مسلم‌لیگ تحت نفوذ این کشور قرار گرفت و بیش از آن‌که این حزب از یک ساختار سازمانی قوی ملی برخوردار باشد، پنجابی‌ها، فئودال‌ها و بورکرات‌ها نفوذ شخصی خود را به مراتب بیش از هر کس دیگر بر این حزب تحمیل می‌کردند. مسلم‌لیگ برای تأسیس پاکستان به‌صورت یک دولت اسلامی فشار بسیاری وارد می‌آورد. تا ۱۹۵۶ مسلم‌لیگ نفوذ خودش را در پاکستان غربی و شرقی و همچنین اکثریت کرسی‌های نمایندگی در مجلس قانونگذار از دست داد. تا زمانی‌که در سال ۱۹۶۲ «ژنرال ایوب خان»، حزبی به‌نام مسلم‌لیگ پاکستان PML و «جونجو» نیز در سال ۱۹۸۶ حزب دیگری با همین نام PML – J تأسیس نمود. بعد از مرگ جونجو در سال ۱۹۹۳، «نواز شریف» قدرت را در حزب به‌دست گرفت و حزب مسلم‌لیگ پاکستان را به حزب مسلم‌لیگ پاکستان گروه نوازشریف تغییر نام داد. مرگ جونجو پایانی بود بر ائتلاف شکننده‌ای که میان فئودال‌ها و کارگران وجود داشت.

حزب مردم پاکستان (PPP) [1]

حزب مردم پاکستان نمایانگر یکی از دو طیف سیاسی پاکستان است. این حزب در برگیرنده و ناقل دیدگاه‌های «ذوالفقار علی بوتو» بود. PPP شعار «اسلام دین ما، دموکراسی سیاست ما و سوسیالیسم اقتصاد ما» را سرلوحه کار خود قرار داده‌است. PPP در نظر دارد تلفیقی از اسلام و سوسیالیسم را به جامعه پاکستان عرضه کند. این حزب سیاست‌هایی را همچون اصلاحات ارضی برای کمک نمودن به روستاییان، ملی نمودن صنایع برای تضعیف

---

1. Pakistan People's Party

قدرت صاحبان صنایع بزرگ و اصلاحات دولتی به منظور کاهش قدرت بوروکرات‌ها را در نظر داشت. این حزب در سال ۱۹۷۱ ـ یعنی بعد از این‌که پاکستان شرقی یا بنگلادش از پاکستان غربی جدا شد ـ و هم‌زمان با نخست‌وزیری بوتو، قدرت را به‌دست گرفت. به‌نظر می‌رسد PPP در دستیابی به دو هدف اولیه خود، یعنی اسلام و دموکراسی پیشرفت بسیار کمی داشت؛ اما سوسیالیسم را همراه با انتقام و کینه‌توزی ارتقا بخشید. ملی‌گرایی بوتو، حوزه وسیعی از صنایع، شرکت‌های بیمه و بانک‌های تجاری را در بر می‌گرفت و وی تعداد زیادی شرکت‌های عمومی را به‌منظور گسترش نقش دولت در تجارت و حمل و نقل، پایه‌گذاری نمود. در سال ۱۹۷۷، این حزب ۱۵۵ کرسی از ۲۰۰ کرسی مجلس ملی را به خود اختصاص داد که در حقیقت ۵۸ درصد آرای به‌دست آمده به این حزب تعلق گرفت. در آن زمان ائتلاف ملی پاکستان (PNA) ـ که ائتلافی متشکل از ۹ حزب مخالف بود ـ تنها ۳۵ درصد از آرا و ۳۶ کرسی را به خود اختصاص داد. بعد از اعدام ذوالفقار علی بوتو، بیوهٔ وی «نصرت» و دخترش بی‌نظیر ـ که نایب رئیس حزب بود ـ این حزب را هدایت نمودند. در طول حکومت نظامی، حزب مردم پاکستان با ۱۰ حزب دیگر، به جنبش بازگشت دموکراسی (MRD) ملحق گردید، تا از این طریق، بر دولت ضیاءالحق برای برگزاری انتخابات آزاد تحت قانون اساسی ۱۹۷۳ فشار وارد آورد.

حزب PPP یکی از قدرتمندترین احزاب در پاکستان است.

جماعت اسلامی (JI) [1]

JI بزرگ‌ترین حزب مذهبی پاکستان است که در سال ۱۹۴۱ به‌دست «مولانا ابوالعلی مودودی» با عنوان جنبش ایدئولوژیکی، برای بهبود و ارتقای ارزش‌های اسلامی در هند تحت استعمار بریتانیا به‌وجود آمد. از اصول اساسی این حزب، جهانی‌شدن دین اسلام بود؛ اما این حزب موضع خود را مبنی بر نادیده گرفتن مرزها تغییر داد. در سال ۱۹۴۷ مودودی از تأسیس

1. Jamaat - Islami

دولت اسلامی در پاکستان دفاع نمود. حزب جماعت اسلامی معتقد بود که به‌منظور تأسیس و برقراری سیستم سیاسی که در آن مردم تحت قوانین اسلام زندگی می‌کنند، لازم است که این حزب از برقراری نوعی مرز حمایت نماید.

این حزب بر اساس باورهای خود و به منظور پاک‌سازی جامعه از هر آن‌چه که انحراف اخلاقی و رفتاری نامیده می‌شد، مبارزاتی را در سال ۱۹۵۳، علیه انجمن احمدیه در پاکستان به اجرا درآورد که به کشته شدن دو هزار نفر و برقراری حکومت نظامی در پنجاب منجر گردید و در نتیجه «غلام محمد»، از کابینه فدرال کنار گذاشته شد. سرانجام جنبش ضد احمدیه در سال ۱۹۷٤، از طریق یک سلسله اقدامات موفقیت‌آمیز در مجلس ملی، توانست به خواست خود دست یابد؛ بدین صورت که ذوالفقار علی بوتو، نخست‌وزیر وقت پاکستان، در آن زمان اعلام نمود که انجمن احمدیه یک اقلیت غیرمسلمان هستند. این حزب در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۷ جزء مخالفین دولت به‌شمار می‌رفت. در زمان ریاست «طفیل محمد» بر حزب JI ، وی از برنامه‌های اسلامی کردن رژیم ضیاءالحق حمایت کرد؛ اما از سال ۱۹۸٤ با رژیم ضیاءالحق مخالفت نمود؛ زیرا ضیاءالحق در تصمیمی، اتحادیه‌های دانشجویی را تحریم نمود، و این تحریم بر جمعیت طلاب اسلامی (جامعه اسلامی دانشجویان) تاثیر گذاشته بود. جمعیت طلاب اسلام گروهی بودند که به‌طور فزاینده‌ای نظامی شده به‌گونه‌ای که با گروه‌های دیگر دانشجویی در محوطهٔ دانشگاه‌ها درگیر می‌شدند. جمعیت طلاب اسلام منبع بزرگی برای تامین نیروهای جدید JI بود. حزب JI خواستار اداره دولت با قوانین اسلامی است. این حزب مخالف غرب‌گرایی است و با مواردی همچون کاپیتالیسم، سوسیالیسم، کنترل موالید و شرکت در سودهای بانکی مخالف است. نفوذ رهبری JI باعث شد که آن‌ها با موفقیت، «لایحه بحث برانگیز شریعت» را در سنا اجرا نمایند؛ هر چند این لایحه در آن زمان به قانون تبدیل نگردید. افزون بر آن جنبش دانشجویان تازه‌نفس در جمعیت طلاب اسلام، باعث گردید تا JI بلوک جدید رأی دهندگان اسلامی شناخته شود. JI از طریق جمعیت طلاب، بر جهت‌گیری‌های سیاسی رهبران آینده کشور تأثیر می‌گذارد. در سال ۱۹۹۰، این حزب رقیب اصلی IJI بود؛ اما تنها توانست چهار کرسی را به

خود اختصاص دهد. از سوی دیگر، در انتخابات ملی ۱۹۹۳ عامل اسلامی شدن به مراتب بی‌صداتر از سال ۱۹۹۰ عمل نمود؛ زیرا احزاب مذهبی به رهبری JI با دو حزب اصلی کاندیدای دیگر، یعنی PPP و PML/N ائتلاف صورت نداد؛ از این رو، JI و گروه‌های سیاسی وابسته به آن از قبیل جبهه اسلامی پاکستان، تنها سه کرسی را در مجلس ملی به خود اختصاص دادند.

حرکت المجاهدین (HUM)[1]

این سازمان یک گروه نظامی اسلامی است که در پاکستان پایگاه دارد و اصولاً در کشمیر تحت کنترل هند مشغول عملیات است. رهبر این گروه «فضل‌الرحمان خلیل» و نفر دوم این گروه «فاروق کشمیری» است. فضل‌الرحمان خلیل کسی است که با بن‌لادن ارتباط داشته و فتوی وی را که در فوریه ۱۹۹۸ خواستار حمله به منافع غرب و ایالات متحده شده بود، تأیید کرد. رحمان در کمپ‌های آموزشی تروریستی در شرق افغانستان فعالیت می‌نمود.

HUM با سازمان نظامی کشمیری به‌نام «الفران»[2] که پنج توریست غربی را در ژوئیه ۱۹۹۵ در کشمیر ربوده بود ارتباط داشت. هزاره جدید، توسعه و گسترش خاصی برای گروه‌های نظامی پاکستان همراه داشت که بارزترین آن گروه حرکت المجاهدین است.

این گروه هزاران حمایت‌کننده مسلح در کشمیر آزاد، پاکستان، کشمیر جنوبی هند و منطقه «دودا» دارد. حامیان این گروه با این‌که بیشتر پاکستانی و کشمیری هستند؛ اما تعداد زیادی از افغانی‌ها و اعراب نیز در میان آن‌ها دیده می‌شوند. پایگاه این گروه در مظفرآباد پاکستان قرار دارد؛ اما بیشتر عملیات شورشی (تروریستی) آن‌ها در کشمیرِ تحت کنترل صورت می‌گیرد. بیشترین کمک‌های خارجی به این گروه، از سوی عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، پاکستانی‌ها و کشمیری‌ها صورت می‌پذیرد؛ اما منابع تأمین تجهیزات نظامی آن‌ها تاکنون ناشناخته باقی مانده است.

---

1. The HaraKat-ul-Mujahidin

2. al-Faran

حزب ملی عوام (ANP) [1]

این حزب از نظر سیاسی متکی به پشتون‌های ایالت NWF و بلوچستان شمالی است. ANP در انتخابات سال ۱۹۹۰ با تکیه بر همین پایگاه سیاسی خود توانست در مجلس ملی شش کرسی را نصیب خود سازد. در انتخابات ملی ۱۹۹۳، این حزب دوباره توانست سه کرسی مجلس ملی را از آن خود سازد. حزب ملی عوام (در سال ۱۹۸٦)، از تلفیق و اقدام چندین حزب جناح چپ شامل حزب تحریک عوام و حزب دموکراتیک ملی به‌وجود آمد. اولین رئیس این حزب «خان عبدالولی خان» فرزند «عبدالجعفر» خان بود که هر دو از مخالفان تأسیس کشور پاکستان بودند. بعد از جدایی پاکستان از هند هر دو زندانی شدند. در سال ۱۹۵٦ ولی خان به حزب عوام ملی[2] ملحق گردید این حزب را «مولانا بشانی»، جامعه‌شناس فرهیخته بنگالی اداره می‌کرد.

در سال ۱۹٦۵ NAP به دو شاخه منشعب گردید که یکی از آن دو شاخه با ریاست «ولی خان» از سیاست‌های مسکو حمایت می‌کرد. در سال ۱۹۷۲ حزب تا آن حد قوی گردید که با ائتلاف با شریک خود، یعنی جمعیت العلمای اسلام (JUI)[3] در ایالت NWF و بلوچستان، حکومت ایالتی را به‌دست گرفتند؛ اما حکومت در این دو ایالت بسیار کوتاه مدت بود.[۳۱]

«ولی خان» دوباره بازداشت و زندانی گردید و حزب وی از فعالیت‌های سیاسی منع شد.

زمانی‌که دیوان عالی پاکستان از روی کار آمدن ذوالفقار علی بوتو حمایت می‌نمود، NAP علیه دولت پاکستان فعالیت می‌کرد.

بعد از روی کارآمدن ژنرال «ضیاءالحق» وی از متهم نمودن NAP دست کشید؛ از این رو، ولی‌خان از زندان آزاد گردید و به‌دنبال آن به حزب ملی دموکراتیک ملحق و در نهایت حزب ملی عوام را تشکیل داد.

---

1. Awami Natioanl party
2. NAP
3. Jamiat-ul-Ulama-i-Islam

جمعیت العلمای اسلام[1]

این حزب به رهبری «مولانا فضل‌الرحمان»، ابتدا ریشه در جمعیت العلمای هند (JUH) داشت. JUH با این مسئله که مسلمانان می‌توانند با دیگر مذاهب در یک جامعه زندگی کنند، موافق بود. (در هند اکثریت غیرمسلمان بوده و تفکر همزیستی مسلمانان با این گروه کثیر، از عقاید JUH بوده است.) در سال ۱۹٤۵ یک گروه از جمعیت العلمای هند به رهبری «مولانا شبیر احمد عثمانی»[2]، از JUH منشعب گردید و جمعیت العلمای اسلام (JUI) را تشکیل داد. این حزب از هر جنبشی که طرفدار استقلال پاکستان بود، حمایت می‌نمود. از سال ۱۹٤۷، این سازمان چه در سطح سازمانی و چه در سطح برنامه دستخوش تغییر و تحول بسیار گردیده است. در سال ۱۹۷۲ این حزب به‌منظور به‌دست گیری حکومت در دو ایالت NWF و بلوچستان با NAP متحد شد. در سال ۱۹۷۷ JUI در انتخابات مجلس ملی با عنوان یکی از اجزای ائتلاف ملی پاکستان رقابت می‌نمود. این حزب با برنامه اسلامی کردن ژنرال ضیاءالحق، موافق نبوده در سال ۱۹۸۱ JUI با MRD به‌منظور فشار آوردن بر ضیاء برای برگزاری انتخابات آزاد حزب مردم متحد گردید. JUI در انتخابات سال ۱۹۹۰، شش کرسی در مجلس ملی را به‌دست آورد.(۳۲)

تحریک استقلال[3]

حزب تحریک استقلال (جنبش همبستگی وحدت) در سال ۱۹٦۹ به‌دست «اصغرخان»، مارشال بازنشستهٔ نیروی هوایی، تأسیس گردید. هدف این حزب، تهیه ابزار و وسایلی به‌منظور بهبود موقعیت و وضعیت طبقه متوسط در طیف سیاسی بود. به‌دنبال تلاش‌های صورت گرفته برای بهبود این وضعیت، در سال ۱۹۸۱ حزب تحریک استقلال با تعدادی از احزاب دیگر در MRD متحد گردیدند. این حزب در انتخابات سال ۱۹۸۸ موفق نبود و

1. (JUI) Jamiat – ul- ulama- i - Islam
2. Maulana Shabir Ahmad.
3. Tehrik – i-Istiqlal

اصغرخان در سال ۱۹۸۹ مجبور به کناره‌گیری از ریاست حزب شد. در انتخابات سال ۱۹۹۰، حزب تحریک استقلال با حزب PPP در ائتلاف دموکراتیک پاکستان هم‌پیمان گشت؛ اما در انتخابات سال ۱۹۹۳، حزب تحریک استقلال هیچ کرسی را در مجلس نمایندگان به‌دست نیاورد.[۳۳]

تحریک عوام پاکستان (PAT) [1]

چنانچه بخواهیم بررسی همه‌جانبه بر روی حزب تحریک عوام داشته باشیم، باید سه حوزهٔ ذیل مورد مطالعه قرار گیرد[۳٤]:

- رهبری
- مدیریت (هیأت مدیره‌های) مرکزی
- سلسله مراتب سازمانی

- **رهبری:**

رهبر این حزب دکتر «محمد طاهر القدری» است که دربارهٔ وی به تفصیل در بخش شخصیت‌ها بحث گردید.

- **مدیریت‌های مرکزی:**

حزب تحریک عوام پاکستان به منظور تسهیل و سرعت‌بخشیدن به توسعهٔ کارها و وظایف، چند مدیریت مرکزی را به وجود آورده که عبارت‌اند از:

۱. مدیریت برنامه‌ریزی؛
۲. مدیریت تعلیم و جهت‌یابی؛
۳. مدیریت آموزش؛
٤. مدیریت کتابخانه‌ها؛

1. Pakistan Awami Tehreek (PAT)

۵. مدیریت مسائل خارجی؛

٦. مدیریت رسانه‌ها؛

۷. ضبط، مطبوعات و انتشارات؛

۸. مدیریت اجتماعات؛

۹. مدیریت ساختاری؛

۱۰. مدیریت دولت؛

۱۱. مدیریت مالی؛

۱۲. مدیریت حسابرسی؛

تمامی این بخش‌های مدیریتی، حرفه‌ای عمل می‌نماید.

- **سلسله مراتب سازمانی:(۳۵)**

۱. شورای عمومی:[۱]

شورای عمومی بالاترین بخش سازمان به‌منظور تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و تحولات سیاسی است.

۲. شورای فدرال:[۲]

از وظایف شورای فدرال، سیاست‌گذاری‌های کلی و تحول در اساسنامه حزب است. اعضای مجلس ملی و سنا و دیگر شخصیت‌های انتصابی از اعضای این شورا هستند. شورا حداقل سالی یک‌بار نشست دارد که بودجهٔ سالانه را نیز تصویب می‌نماید.

۳. قسمت اجرایی مرکزی:[۳]

این قسمت وظیفه تضمین و تأمین اجرای تمامی تصمیمات شورای فدرال و شورای عمومی را عهده‌دار است. اعضای این قسمت متشکل است از: رئیس‌حزب، نایب رئیس حزب، معاون اول حزب، دبیرکل و دیگر مقامات اصلی حزب. به غیر از رئیس حزب که از سوی

---

1. General Council
2. Federal Council
3. Central Executive

شورای مرکزی و از طریق رأی مخفی، به مدت ۵ سال انتخاب می‌شود، بقیهٔ اعضا تنها برای یک دوره سه ساله انتخاب می‌گردند.

٤. کمیته مرکزی کاری:[1]

این قسمت بدنه دایمی اعضای اجرایی مرکزی است که می‌توانند از قدرت آنان استفاده نماید.

٥. شورای مشورتی:[2]

این شورا یک شورای انتصابی است که اعضای آن از طرف قسمت اجرایی مرکزی منصوب می‌گردند و متشکل از متخصصان، محققان، فناوران (تکنوکرات‌ها)، کارگران، رعایا (روستاییان)، تجار، زنان، قضات، وکلا و حقوقدانان، روزنامه‌نگاران و اعضای سازمان‌ها است.

٦. هیأت مرکزی پارلمانی:[3]

اعضای این هیأت، تمام رؤسای مرکزی شاخه‌های حزب هستند. وظیفهٔ این هیأت انتخاب و گزینش مسئول صندوق در انتخابات است.

٧. هیأت ایالتی پارلمانی:[4]

این هیأت توصیه‌ها، سفارش‌ها و پیشنهادهای خود را در خصوص کاندیداهای انتخابی به هیأت مرکزی پارلمانی می‌فرستد؛ همچنین دیدگاه و نقطه‌نظرات کارگزاران حزب را به‌منظور انتخاب و گزینش یک کاندیدا اعلام می‌دارد این هیأت از سوی رئیس ایالتی حزب اداره می‌گردد.

البته در سلسله مراتب سازمانی به‌جز ۷ بخش اصلی ذکرشده، بخش‌های دیگری نیز وجود دارد که از آن جمله است:

هیأت‌های انتخاباتی مناطق، هسته‌های برنامه‌ریزی بخش و ایالتی، هسته‌های انتخاباتی و هسته‌های کنترل که در سطوح مربوط به خود و مطابق با اساسنامهٔ PAT در مواقع لزوم فعالیت می‌کنند.

---

1. Central Working Committee
2. Advisory Council
3. Central Parliamentary Board
4. Provincial Parliamentary Board

جنبش متحد قومی (MQM)

۱. ایدئولوژی جنبش متحد قومی:

این جنبش به واقع‌گرایی (رئالیسم) و عمل‌گرایی (پراگماتیسم) معتقد است؛ همچنین اعتقاد دارد که پذیرش واقعیت و داشتن قلبی مهربان و بی‌آلایش، رئالیسم است. این برداشت از رئالیسم برپایه فلسفهٔ «الطاف حسین»، مؤسس این حزب قرار دارد.[۳۶] طبق قانون اساسی پاکستان، هر شهروند پاکستانی حق شرکت در انتخابات را داشته می‌تواند نماینده مردم در مجلس‌ها گردد. دموکراسی و فرهنگ دموکراتیک واقعی به معنای حاکمیت اکثریت یا به عبارتی دیگر «حکومت مردم، به‌دست مردم، برای مردم» است.

در حالی‌که در پاکستان تنها ۲٪ جمعیت از امتیاز ورود به مجالس برخوردارند و ۹۸٪ بقیه جمعیت ـ که طبقه پایین و متوسط جامعه هستند ـ از این حق بی‌بهره بوده در حال حاضر طبقه ممتاز با ۲٪ جمعیت مردم پاکستان، بر کشور حکومت می‌کند. این حزب معتقد است که این مسئله به بی‌ثباتی در مؤسسات دموکراتیک کشور منجر می‌شود. MQM بر این باور است که استانداردهای زندگی و روش زندگی طبقه ممتاز پاکستان بسیار متفاوت با زندگی ۹۸٪ دیگر جمعیت پاکستان است. اعضای طبقه ممتاز برای انتخابات مجلس ملی و یا ایالتی میلیون‌ها روپیه خرج می‌کنند؛ بنابراین، اولین اولویت آن‌ها به قدرت رسیدن است؛ از همین رو دیگر زمان و انرژی لازم برای حل مشکلات مؤسسات و مردم را ندارند؛ بر این اساس MQM قویاً اعلام می‌دارد که پاکستان، کامیاب و خوشبخت نمی‌شود مگر نظام فاسد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پاکستان پایان پذیرد. تا زمانی‌که مسائل موجود حل نشود، مردم پاکستان نمی‌توانند به سمت ترقی و پیشرفت حرکت کرده به ثبات در سیستم دموکراتیک دست یابند؛ بنابراین اگر مردم خواستار پیشرفت در کشورشان هستند، باید نمایندگان را از طبقه خودشان انتخاب کنند و MQM معتقد است که این راه را به مردم نشان داده است. این حزب افراد تحصیل‌کرده زیادی را از طبقه پایین و متوسط جامعه به مجلس ملی و مجالس ایالتی کراچی، حیدرآباد و دیگر مراکز شهری ایالت سند فرستاده است. این حزب بر این باور است که

چنانچه برای یک‌بار طبقه متوسط و پایین بر مجالس تسلط داشته باشند، آن‌ها خواهند توانست که دموکراسی واقعی را به کشور آورده و مشکلات تودهٔ مردم را حل نمایند.

ـ جزئیات مانیفینست MQM

MQM حقوق تمامی شهروندان پاکستان، از جمله مهاجران را به رسمیت می‌شناسد. این حزب در طول ۵۰ سال فعالیت حزبی خود، به ساختن پاکستانی جدید بر اساس اصول ایدئولوژیکی یکپارچه و سنت‌های دموکراتیک واقعی معتقد بوده؛ از این رو مانیفست خود را به ۳۹ بخش تقسیم کرده است که عبارت‌اند از:

۱. همگرایی ملی

MQM خواستار رشد و نمو همگرایی ملی با چشم‌اندازی است که در آن نظام عادلانه به چشم می‌خورد. همگرایی ملی و مفهوم پاکستان با عنوان یک ملت از دیدگاه MQM، هرگز به‌دست نخواهد آمد. این حزب در این خصوص شعارهای بسیاری دارد. دستیابی به این هدف تنها در صورتی امکان دارد که تمامی سیاست‌ها و قوانین ناعادلانه، منسوخ شده از میان رفته باشد. این حزب معتقد است که در پاکستان، قوانین ناکارآمد ـ که در آن‌ها بی‌عدالتی در بخش‌هایی از جامعه تنها به‌دلیل زبان، قومیت، فرهنگ، ملیت، قلمرو و مذهب، علیه بخش‌های دیگری از جامعه وجود دارد ـ باعث عدم همگرایی ملی خواهد شد؛ بنابراین MQM تمایل دارد تا تمامی قوانین و سیاست‌های ناعادلانه، از روی همهٔ شهروندان پاکستان برداشته شود و تنها در آن صورت است که یک احساس تعلق و حس همگرایی ملی در میان شهروندان پاکستانی رشد خواهدنمود. MQM صمیمانه هویت‌های فرهنگی، زبانی، منطقه‌ای، نژادی و مذهبی تمامی شهروندان کشور را می‌پذیرد؛ زیرا معتقد است نفی هویت‌ها و تفاوت‌ها، در حکم نفی واقعیت است. این حزب تمایل دارد تا با همکاری‌های دو جانبه، روح همگرایی ملی را در این کشور به‌وجود آورد.

۲. تحصیلات

در دنیای امروز، تحصیلات اساسی‌ترین و مهم‌ترین عامل دستیابی به پیشرفت برای یک

ملت محسوب می‌شود. تنها ملت‌های تحصیل‌کرده در جهان می‌توانند بر دیگران تسلط یابند و مردم فاقد تحصیلات مطمئناً هرگز به پیشرفت دست نخواهد یافت. MQM معتقد است که اختصاص بودجه برای تحصیلات در پاکستان، به حدی پایین است که شمار فراوانی از جمعیت این کشور هنوز بی‌سواد باقی مانده‌اند.

MQM همچنین خواستار نظام تحصیلی آسان و دست‌یافتنی در سراسر کشور است. نظامی که این حزب سعی در اجرای آن دارد، با ساختن پایگاه‌های فوری و در دسترس در سراسر کشور، می‌تواند در طول پنج سال نرخ سوادآموزی را تا حداقل ۷۰ درصد افزایش دهد. از دید MQM این هدف غیرممکن نبوده با اختصاص امکانات لازم، این نتیجه دست‌یافتنی خواهدبود. MQM، پیشنهادهایی را به‌منظور دستیابی به این هدف مطرح کرده است:

- در تمامی شهرها و دهکده‌ها شبکه‌ای از مدارس و دانشکده‌ها باید ساخته شود که برای ساختن این اماکن نه تنها منابع دولتی، بلکه سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی باید تشویق گردند تا مؤسسات تحصیلی در سراسر کشور را راه‌اندازی نمایند. البته طبق همکاری‌های دو جانبه این مؤسسات باید تحت نظر دولت و به‌منظور کمک به آن عمل نمایند.
- با اعطای قدرت و منابع بیشتر به بخش‌های محلی، سطح تحصیلات ابتدایی و متوسطه از طریق این مؤسسات افزایش خواهدیافت.
- حکومت‌های ایالتی و دولت فدرال باید امتیازات بیشتری را به بخش‌های محلی اختصاص دهند.
- هزینه‌های دوران تحصیلات متوسطه و عالی باید کاهش یافته تا حتی خانواده‌های فقیر نیز با نگرانی کمتری هزینهٔ تحصیلات این دوره‌ها را تحمل نمایند. افراد تحصیل‌کرده و جوانان باید تشویق گردند تا سازمان‌های داوطلبانه‌ای را به‌منظور کمک به حذف بیسوادی تشکیل دهند.
- اختصاص بودجهٔ اضافی به مقولهٔ تحصیلات، برای دستیابی به اهداف یاد شده.

- مؤسسات خصوصی تحصیلی باید به‌منظور ارتقای استانداردهای تحصیلی‌اشان تشویق شده و نباید به آنان اجازه داده شود که ساختن این‌گونه مؤسسات، تنها به‌خاطر تجارت و کسب منافع باشد.
- شبکه‌ای از کتابخانه‌ها در تمامی شهرهای بزرگ و کوچک کشور تأسیس گردد. این کتابخانه‌ها باید به هم متصل باشند و حتی در دهکده‌های خارج از مناطق شهری نیز باید کتابخانه‌های مجهز ساخته شود.
- MQM امیدوار به تأسیس دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها، دانشکده‌های پزشکی، مهندسی، مؤسسات تکنیکی و دیگر مؤسسات عالی تحصیلی مطابق با نیاز روزافزون جمعیت پاکستان است.
- در هر نقطه از کشور، به‌خصوص در دهکده‌ها، شهرها و شهرستان‌ها تأسیس مراکز تعلیمی هرچه بیشتری برای نسل جوان و زنان، به‌منظور کسب مهارت‌های مورد استفاده نیاز است.
- باید اقدامات ویژه‌ای به‌منظور توسعهٔ تحقیقات بخش خصوصی و تشویق این بخش به برنامه‌ریزی صورت گیرد.

۳. بهداشت

بهداشت خوب و تحصیلات عالی لازمهٔ یک جامعه سالم و قوی به منظور تقویت و بهبود تسهیلات پزشکی است؛ همچنین لازم است تا از دهکده‌های کوچک به شهرهای کوچک و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، در تمامی مناطق با هر موقعیت جغرافیایی، شبکهٔ کوچکی از واحدهای بهداشتی تأسیس گردد. این واحدها باید همچون مراکز بهداشت عمل نمایند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که یک برنامه ملی بهداشت باید تشکیل شود. برای بهبود وضعیت دارویی و بهداشتی مردم فقیر، باید سازمان‌ها و مؤسسات رفاهی و اجتماعی غیردولتی و همچنین بخش خصوصی تشویق گردند. MQM خواستار عرضهٔ شرایطی به دولت است که طی آن پیشرفت مراکز درمانی و بیمارستان‌ها کنترل گردد.

۴. سیاست خارجی

MQM بر سیاست خارجی مستقل و غیروابسته معتقد بوده آرزومند بهبود روابط دوستانه و نزدیک با کشورهای همسایه و آرامش در جهان است.

۵. مسائل دفاعی

این حزب خواستار تقویت مسائل دفاعی این کشور بوده، بر این عقیده است که در تعلیم نظامی باید به‌گونه‌ای عمل نمود که هر شهروند بتواند در دفاع از کشور شریک گردد؛ همچنین بعضی از سیاست‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی گردند که برای هر فرد در هر منطقه‌ای از کشور، پیوستن به نیروهای مسلح برای دفاع از کشور میسر باشد. گفتنی است این حزب بر خودکفایی دولت پاکستان در تولید تسلیحات مورد نیازش تأکید می‌ورزد.

۶. مسائل قضایی

MQM بر این باور است که نظام قضایی پاکستان دچار ضعف و ناکارآمدی است و دلیل این مشکل را وجود هزاران بی‌گناه می‌داند که هنوز در زندان منتظر محاکماتشان هستند؛ از این رو معتقد است که نظام قضایی پاکستان باید نظامی مدرن، علمی و سازمان یافته شود و روند قضایی و تصمیم‌گیری در نظام قضایی، آسان گردد. طبق این نظریه، قضات دادگاه‌های پاکستان نیز باید افزایش یابند. MQM همچنین معتقد به لزوم استقلال قوه قضاییه است.

۷. رسانه‌ها

استقلال خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها، یکی از عناصر انکارناپذیر جوامع دموکراتیک است. MQM معتقد به آزادی انتقال اخبار از طریق رسانه‌ها است؛ همچنین خواستار بهبود وضعیت زندگی خبرنگاران مطابق با استانداردهای زندگی در میان دیگر مردم پاکستان است. MQM مخالف کنترل دولت بر رسانه‌ها بوده خارج شدن رادیو تلویزیون از سیطره دولت یا حکومت را خواستار است. این مؤسسات همچنین باید در دادن گزارش‌های مستقیم، به‌منظور آماده‌سازی ایدئولوژیکی مردم و تشویق آنان در دستیابی به دیدگاه‌هایشان آزادی عمل داشته باشند.

۸. حقوق بشر

MQM باور قطعی بر حقوق بشر دارد و معتقد است که باید به حقوق اساسی مطرح شده در قانون اساسی پاکستان توجه شود. این حزب بر این باور است که تمامی شهروندان کشور باید بدون درنظرگرفتن طبقه، رنگ، عقیده و کیش، نژاد، زبان، مذهب، منطقه، فرهنگ، ایمان، جنسیت یا هر گونه وابستگی سیاسی دیگر، از حقوق یکسانی برخوردار باشند؛ همچنین خواستار تأسیس مؤسسات مستقل در سطح دولت به‌منظور رسیدگی به خشونت‌ها و نقض حقوق‌بشر در کشور است، این مؤسسات باید از قدرت لازم برای اقدام علیه دولت یا هر شخص وابسته به دولت، به‌منظور محکوم کردن در دادگاه‌ها برخوردار باشد. آرزوی MQM دیدن روزی است که با برداشتن گام‌های عملی و واقعی و فرمول‌های سیاسی، کارکردن کودکان را پایان یافته ببیند.

۹. مذهب

MQM خواستار تأسیس نظامی در جامعه است که در آن، تمامی شهروندان زندگی خود را هماهنگ با مذهب، عقیده و باورشان انجام دهند. این حزب در مقابل هر نوع بی‌عدالتی که به‌نام مذهب و ایمان صورت می‌گیرد ایستادگی می‌کند؛ همچنین حمایت همه جانبه از اقلیت‌های مذهبی را از اهداف خود می‌داند.

۱۰. حقوق اقلیت‌ها

MQM می‌خواهد که حقوق اقلیت‌ها در پاکستان، همانند دیگر شهروندان محترم شمرده شده آنان اجازهٔ زندگی واقعی را داشته باشند.

۱۱. فئودال

MQM بر ابن باور است که بدون حذف نظام فئودالی، پاکستان به پیشرفت نایل نمی‌گردد و کشور با وجود نظام فئودالی، از وضعیت اقتصادی بد به وضعیت اقتصادی بدتر تنزل خواهد نمود. دوبار در گذشته این حزب خواستار اصلاحات در بخش کشاورزی بوده است؛ اما با توجه به این‌که الیگارشی فئودالی به خطر می‌افتاد، این اصلاحات راه به جایی نبرد؛ بنابراین اصلاحات ارضی مؤثر به‌منظور شکل‌گیری نوع جدید مالکیت زمین، ضروری است.

۱۲. کشاورزی

با توجه به وجود نظام فئودالی در پاکستان، MQM علاقه‌مند به محدودیت مالکیت زمین‌های کشاورزی در این کشور است. این حزب به‌وجود آمدن نظام مساوات بهره‌برداری از زمین در کشور را از ضروریات می‌داند. تا زمانی‌که نظام فئودالی به‌طور کامل محو نشود لازم است این اقدامات صورت گیرد:

- در سطح جهان، پیشرفت‌های ممتازی در بخش کشاورزی صورت گرفته است؛ اما در پاکستان، کشاورزی عقب افتاده‌ترین بخش در نوع خود محسوب می‌شود.
- در کشور پاکستان، ۷۰ درصد جمعیت در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند؛ اما تمامی این افراد، فقیر بوده و همانند بردگان زندگی می‌کنند.
- با این پیش‌زمینه‌ها، MQM خواستار توسعه صنایع در مناطق وابسته به کشاورزی است و باید این صنایع وابسته به کشاورزی افزایش یافته صنایع مشابه در مناطق روستایی تأسیس گردند. برای رسیدن به خودکفایی در تولیدات کشاورزی، بسیار اساسی است که سطح زندگی روستاییان و کشاورزان افزایش یابد. MQM خواستار پایان بی‌عدالتی و تبعیض علیه روستاییان و پایان یافتن استفادهٔ برده‌وار از آنان است.

برای رسیدن به این خواستهٔ MQM، رعایایی که در زمین‌های مالکان عمدهٔ زمین کار می‌کنند باید حقوق کارگر کشاورزی و کارگر مزرعه را به‌خوبی تشخیص دهند. قوانین جدید کار در پاکستان در این زمینه ملاحظات خاصی را در نظر گرفته‌است.

- سیاست MQM بهبود وضعیت کشاورزان و کارگران صنعتی، از طریق سهیم بودن آنان در سود حاصل از فروش محصولات کشاورزی و منافع حاصل از فروش کالاهای صنعتی است.

یکی دیگر از پیشنهادات MQM، وجود نظام‌های مؤثر وام‌دهنده در بانک و دیگر مؤسسات مالی است. این نظام باعث خواهد شد تا این وام‌ها بیشتر در اختیار افراد شاغل در این بخش قرار گیرد.

۱۳. تجارت و صنعت

توسعه صنعتی و پیشرفت در این بخش از عوامل مهم ترقی کشور محسوب می‌شود. MQM مخالف ملی‌شدن صنایع و موافق خصوصی‌شدن آنان برای شکل‌گیری رقابت سالم است. این حزب مخالف سرمایه‌داری و ضد صنعتی‌شدن نیست؛ اما نمی‌خواهد که تنها افراد خاصی صنایع را به انحصار خود درآورند.

۱۴. سیاست کار

MQM مخالف هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی علیه نیروی کار بوده خواستار بهبود حقوق آنان برای داشتن زندگی صلح‌آمیز است؛ زیرا در این صورت نیروی کار می‌تواند نقش خود را در تولید ملی افزایش دهند. MQM خواستار پایان هر نوعی از استعمارگری در پاکستان است؛ برای مثال: از دید این حزب، کار کودکان در این کشور باید منسوخ گردد.

به‌منظور بهبود وضعیت اقتصادیِ نیروی کار ـ که بتوانند در آنان حس تعلق ایجاد نمایند ـ، آنان باید در منافع واحدهای صنعتی که در آن مشغول به‌کار هستند شریک باشند. این سیاست بدون شک میزان تولید این واحدهای صنعتی را افزایش خواهد داد؛ همچنین این حزب تمایل به اصلاح قوانین کاری کشور پاکستان دارد؛ به‌گونه‌ای که این قوانین، بتوانند با قوانین سازمان بین‌المللی کار[1] هماهنگ و یکنواخت شوند.

۱۵. اصلاحات در قانون اساسی

MQM به شکل پارلمانیِ حکومت علاقه‌مند بوده امیدوار است مؤسساتی که از طریق انتخابات به‌وجود آمده‌اند، قوی‌تر شوند. این حزب معتقد است که قانونگذاری فقط باید از طریق پارلمان صورت پذیرد. MQM خواستار توازن میان اختیاراتی است که به نخست‌وزیر و رئیس جمهور کشور تفویض شده است؛ زیرا روح دموکراسی، مستلزم قرار نگرفتن قدرت مطلق در دست‌های یک نفر است؛ حال آن شخص رئیس جمهور یا نخست‌وزیر باشد. MQM مایل است تا در قانون اساسی اصلاحاتی اعمال شود تا کرسی‌های بیشتری در مجالس ملی

---

1. ILO

ایالتی و بخش‌های محلی به زنان اختصاص یابد. این حزب قویاً بر این باور است که مردم مناطق قبیله‌ای تحت حکومت فدرال (FATA)، باید حقوقی مشابه دیگر مناطق کشور برای شرکت انتخابات داشته باشند. در حال حاضر سن رأی دادن در پاکستان، ٢١ سال است، این حزب معتقد است که اگر شخصی طبق قوانین پاکستان، با رسیدن به سن ١٨ سالگی بزرگسال شناخته شده شناسنامه به او داده می‌شود، باید دارای حق رای نیز باشد؛ از این رو قانون اساسی باید در خصوص کاهش سن رأی دادن به ١٨ سالگی نیز اصلاح گردد.

١٦. خودمختاری ایالت‌ها

MQM به اعطای حداکثر خودمختاری به ایالت‌ها معتقد بوده بر این اساس انتقال قدرت از مرکز به ایالت‌ها را خواستار است. این حزب در پاسخ به چگونگی خودمختاری ایالت‌ها راه‌حلی به این صورت پیشنهاد می‌کند که: تمامی رهبران ایالت‌ها، با گفت‌وگو و مشاوره راه‌حلی پذیرفتنی را برای تمامی مناطق در کشور عرضه نمایند بدون آن‌که دولت فدرال را تضعیف نمایند.

١٧. ارگان‌های محلی

در صورتی‌که تمایل به حل مشکلات در سطح منطقه‌ای و محلی وجود داشته باشد، باید احساس مشارکت در میان مردم تمامی مناطق کشور به‌وجود آید. MQM به‌شدت مایل است که انتخابات ارگان‌های محلی به‌گونه‌ای مؤثر و قوی برگزار گردد که این امر سبب خواهد شد تا اتکای دولت‌های محلی به خودشان بیشتر شود. ارگان‌های محلی انتخاب شده، مؤسساتی اساسی برای رفاه مردم شمرده می‌شوند. بعضی ارگان‌ها ـ که رابطه بسیار نزدیکی با مردم دارند ـ خواهند توانست به‌گونه‌ای مؤثر و مفید مشکلات محلی را حل نمایند؛ از طرفی حکومت‌های ایالتی، قدرت منحل کردن این ارگان‌های محلی را در هر زمانی دارند و نتیجه این خواهد شد که این ارگان‌ها، کاملاً تحت نفوذ آنان قرار می‌گیرند؛ بنابراین نمی‌توانند به‌خوبی ایفای وظیفه نمایند. MQM با توجه به این مسئله، خواستار تأسیس ارگانهای محلی مؤثر بوده تحقق این خواسته مستلزم انتخاباتی، مطابق با قانون اساسی است.

۱۸. برنامه‌ریزی

برای پیشرفت هر کشوری، داشتن برنامه‌ای جامع و همه جانبه ـ که در آن خطوط واقع‌گرایی در نظر گرفته شود ـ ضروری است. بسیار تأسف‌انگیز است که از سال ۱۹۴۷، هیچ‌گونه اقدامی به‌منظور برنامه‌ریزی برای کشور پاکستان صورت نگرفته است. یکی از اصول اساسی توسعهٔ پاکستان، داشتن حکومتی است که در آن برنامه‌هایی برای توسعهٔ آینده این کشور در نظر گرفته شود.

۱۹. برنامه‌ریزی برای جمعیت

رشد سریع جمعیت، خطری روزافزون برای پیشرفت پاکستان محسوب می‌شود؛ از این رو، MQM خواستار اقدامات مؤثر و سریع برای کنترل افزایش جمعیت کشور است. در حال حاضر به‌دلیل مهاجرت جمعیت روستایی به شهرها مشکلات جدیدی به‌وجود آمده است. این حزب معتقد است باید اقدامات واقع‌گرایانه‌ای برای حل این مشکلات صورت گیرد.

۲۰. پاکستانی‌های سرگردان

از سال ۱۹۷۱، یعنی هنگامی‌که بنگلادش از پاکستان جدا گشت، پاکستانی‌های سرگردان در فقر مطلق زندگی می‌کنند. آنان هنوز در انتظار بازگشت به کشورشان، پاکستان هستند. MQM بر این باور است، مردمی که در بنگلادش به پاکستان وفادار مانده به این کشور علاقه‌مندند، باید به خانه بازگردانده شوند.

۲۱. کشمیر

MQM، با تمام قوا از حق تعیین سرنوشت مردم کشمیر به‌دست خودشان حمایت می‌کند و امیدوار است که مسئله کشمیر طبق قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و مطابق با خواستهٔ مردم کشمیر حل شود.

۲۲. زنان

MQM به تساوی حقوق زنان با مردان معتقد است؛ همچنین عقیده دارد بدون شرکت

فعال زنان در امور ملی، پیشرفت کشور غیرممکن خواهد بود؛ از این رو، بسیار اساسی است که زنان برای شرکت در تمامی صحنه‌های زندگی تشویق شوند. این حزب خواستار اختصاص یافتن کرسی برای زنان، در مجالس ایالتی، ملی، سنا و همچنین ارگان‌های محلی است؛ بدین منظور باید ماده‌ای در قانون اساسی در این زمینه گنجانده شود. MQM همچنین خواستار اتمام سیاست‌هایی است که منجر به بی‌عدالتی علیه زنان می‌گردد؛ افزون بر این، عقیده دارد که باید مراکز تعلیم و تربیتی در سرتاسر کشور تأسیس گردد، تا زنان بتوانند در آن مهارت‌ها و هنرهای متفاوت را بیاموزند. این حزب خواستار تشکیل نظامی همانند نظام ساختار اجتماعی در کشور بوده که از طریق آن، زنان بتوانند با تمام قوا در توسعه ملی ایفای نقش نمایند.

۲۳. بیکاری

در پاکستان مشکل بیکاری، به‌ویژه بیکاری در میان طبقهٔ تحصیل‌کردهٔ کشور، تبدیل به مسئله‌ای بسیار جدی گردیده است. صدها هزار جوان تحصیل‌کرده در پاکستان بیکار هستند؛ از این رو MQM خواستار گام برداشتن برای حل این مشکل، از طریق برنامه‌ریزی بلندمدت است. این حزب تأسیس صنایع بیشتر ـ به‌خصوص صنایع کوچک و دستی ـ را راه‌حل مشکل بیکاری می‌داند.

۲۴. کاهش در هزینه‌ها

در پاکستان ۲٪ جمعیت بر ۹۸٪ بقیه مردم که از طبقه فقیر هستند، حاکمیت دارند. این ۲٪ نه تنها بر تمام کشور حکومت می‌کنند، بلکه از منافع دولتی و ملی برای اهداف شخصی خود استفاده می‌نمایند در پاکستان میلیون‌ها روپیه صرف زندگی پرتجمل بوروکرات‌ها، وزرا، اعضای حزب حاکم، مشاوران دولتی و بستگانشان و همچنین میلیون‌ها روپیه خرج درمان این افراد در خارج از کشور می‌شود. MQM خواستار پایان یافتن این هزینه‌های غیرضروری، تأسیس ستادی برای کاهش این هزینه‌ها در سفرهای خارجی است.

۲۵. نظام مالیاتی

نظام مالیاتی موجود در پاکستان نظامی ناکارآمد و قدیمی است و همین مسئله باعث

گردیده تا میلیاردها روپیه از خزانهٔ دولت خارج شده در عوض به جیب مأموران دولتی و بوروکرات‌ها بریزد؛ از این رو MQM تأسیس نظام مؤثر و ساده مالیاتی را، یکی از ضروریات اساسی کشور می‌داند. باید سیاستی مثبت برای افزایش تولید در کشور معرفی گردد. افزایش تولید منجر به افزایش برگردان مالیاتی شده و درآمد دولت افزایش خواهد یافت.

۲۶. فساد و انحراف

از نظر MQM، به‌منظور محو و حذف فساد باید کمیسیونی مستقل تشکیل گردد و در این زمینه گام‌های فوری برداشته شود.

۲۷. وام‌های خارجی

MQM خواستار کاهش قاطع و مؤثر در وابستگی به کمک‌ها و وام‌های خارجی و جایگزین نمودن شرکت داوطلبانه مردم به جای کمک‌های خارجی در ارتقا و پیشرفت برنامه‌های توسعه ملی است. فساد، بی‌قانونی و برنامه‌های بی‌سرانجام، باید از کل سیستم اقتصادی کشور پاک شوند.

۲۸. افزایش حقوق

MQM معتقد است که حقوقی که به کارگران داده می‌شود، بسیار پایین بوده و از این رو، افزایش حقوق، یکی دیگر از خواسته‌های این حزب است.

۲۹ـ خصوصی‌سازی

MQM به‌خصوصی شدن اقتصاد ملی معتقد است. این حزب از اصل و عمل خصوصی‌سازی حمایت می‌نماید. MQM خواستار این است که در خصوصی‌سازی، منافع کارگران و کارمندان در نظر گرفته شود.

۳۰. انرژی

در دنیای امروز، انرژی و انتقال آن هر روز اهمیت بیشتری می‌یابد. MQM خواستار توسعه هرچه بیشتر سدها و نیروگاه‌های هسته‌ای به‌منظور افزایش انرژی برق برای استفاده نمودن بهینه از منابع کشور است. این حزب همچنین خواستار توسعهٔ بخش خصوصی برای صنایع

وابسته به انرژی ـ به‌طور هم‌زمان از گاز و الکتریسیته که هنوز از قیمت پایین‌تری برای پرداخت مردم برخوردارند ـ به‌منظور استفاده از آن‌ها در برنامه توسعه است.

۳۱. ارتباطات و حمل و نقل

به منظور برقراری ارتباطات بهتر و حمل و نقل آسان‌تر برای پیشرفت برنامه‌های صنعتی و اجتماعی، اصلاح شبکهٔ حمل و نقل و ایمن‌تر نمودن آن از اصول اولیه است. برای دستیابی به چنین هدفی شبکهٔ حمل و نقل در شهرها باید مطابق با استانداردهای مدرن روز تغییر یابد. وضعیت جاده‌ها بهتر گردیده پل‌های جدیدی ساخته شود؛ همچنین راه‌اندازی بزرگ‌راه‌های جدید نباید فراموش گردد.

۳۲. نظام پلیسی

در پاکستان، نظام پلیسی فروپاشیده است؛ از این رو، جنایت روز به روز بیشتر شده وضعیت قانون بدتر می‌گردد. تنها راهی که بتوان این وضعیت را تغییر داد این است که ورود به نظام پلیسی با اصول علمی همراه بوده در حقیقت در نظام پلیس پاکستان تجدید ساختار رخ دهد. از دیدگاه MQM این تجدید ساختار به این معنی است که افراد تحصیل‌کرده جذب همکاری با نیروهای پلیس شوند؛ همچنین این حزب تمایل دارد تا به‌ویژه در تمامی ایالت‌های پاکستان، پلیس محلی ـ با توجه به مشکلات آن منطقه و محل ـ تشکیل گردد تا توانایی بیشتری برای کنترل جنایت در آن حوزه داشته باشد.

۳۴. وضعیت زندان‌ها

زندان به منظور اصلاح و تنبیه تمام کسانی که دست به جنایت می‌زنند ساخته شده است؛ اما در پاکستان مدیریت زندان‌ها برای اصلاح جنایت‌کاران نبوده آنان را خشن‌تر می‌سازد. MQM اعتقاد دارد که باید در زندان‌ها تسهیلاتی برای ادامه تحصیل محکومین به‌وجود آید. این حزب در مجموع خواستار بهبود وضعیت زندان‌ها از نظر ممنوعیت ورود مواد مخدر، تشکیل کلاس‌های مهارتی برای زندانیان، ایجاد تسهیلات لازم برای مطالعه، جداکردن زندانیانی که جرم‌های یکسانی ندارند و بهبود وضعیت زنان زندانی و داشتن رفتاری عادلانه با آنان است.

۳۵. کمیسیون انتخاباتی

MQM بر این باور است که برای برگزاری انتخابات آزاد و بدون تقلب، باید کمیسیون انتخاباتی مستقل و به‌دور از هرگونه وابستگی به هر قدرتی تشکیل گردد.

۳۶. قاچاق مواد مخدر

MQM گسترش قاچاق و استفاده از مواد مخدر در سراسر پاکستان را یکی از دلایل اصلی انحراف جوانان این کشور و به زندان افتادن آن‌ها می‌دانند. میلیون‌ها نفر از مردم پاکستان معتاد به مواد مخدر شده‌اند؛ بر این اساس، به منظور محافظت کشور از تخریب، باید مسئله مواد مخدر و قاچاق آن ریشه‌کن شود. MQM نه تنها خواستار پاک‌سازی کشور از این مواد است بلکه آرزومند تأسیس مراکزی است که در آن معتادان به مواد مخدر به دور از ترس و اتهام مداوا شوند.

۳۷. بهبود وضعیت ورزش

MQM خواستار بهبود وضعیت سلامتی آحاد جامعه از طریق توجه مخصوص به ارتقای ورزش است؛ زیرا پیشرفت وضعیت ورزش در جامعه اثری بسیار فوری و مثبت برای بهبود وضعیت کل جامعه دارد.

۳۸. گردشگری (توریسم)

با بهبود وضعیت گردشگری به راحتی می‌توان افزایش در خور توجهی، در درآمد ارزی کشور به‌دست آورد. MQM خواستار گسترش مناطق ساحلی و شمالی و دیگر مناطق پاکستان ـ که توان جذب توریسم را دارند ـ است.

۳۹. پاکستانی‌های مقیم خارج از کشور

صدها هزار پاکستانی از نقاط گوناگون کشور برای کار و یا تجارت در خارج از کشور به‌سر می‌برند. این افراد نه تنها شهرت کشور پاکستان را ارتقا می‌دهند، بلکه با توجه به مهارت‌هایشان، ارز زیادی به پاکستان سرازیر می‌نمایند. آنان نقش اساسی را در ثبات سیاسی کشورشان ایفا می‌نمایند؛ این در حالی است که دولت برای حل مشکلات آنان هیچ توجهی

مبذول نمی‌دارد. MQM خواستار برداشتن گام‌هایی برای به‌وجود آوردن وزارت پاکستانی‌های مقیم خارج از کشور است. به نظر می‌رسد بوروکرات‌های دولتی از تأسیس این وزارتخانه قصد دارند منافع بیشتری را به‌دست آورند؛ بر این اساس، MQM علاقه دارد که ضمانتی وجود داشته باشد که این وزارتخانه از موقعیت سوء استفاده نکرده و به حقوق پاکستانی‌های مقیم خارج از کشور تجاوز ننماید.

- **خواسته‌های جنبش متحد قومی**

همان‌گونه که گفته شد این جنبش، تلفیقی از واقع‌گرایی و عمل‌گرایی است، بر طبق فلسفه MQM، این حزب تمایل به برقراری نظام اقتصادی مبتنی بر اقتصاد بازار آزاد، مطابق با روح دموکراسی دارد؛ همچنین MQM خواستار اصلاحات اساسی در تمامی بخش‌ها از قبیل: کشاورزی، صنعت، تجارت، تحصیلات، بهداشت و دفاع بوده و از آنان با عنوان اصول اساسی برای یکپارچگی و وحدت امنیت و پیشرفت و ترقی کشور نام می‌برد. افزون بر آن MQM، خواهان محو و از بین بردن فساد، رشوه‌خواری، بی‌عدالتی، ظلم، سوءاستفاده، بی‌سوادی، بیکاری، فقر، قاچاق مواد مخدر و دیگر معضلات اجتماعی است. این حزب به‌منظور تسریع پیشرفت در پاکستان و به‌وجود آوردن جامعه‌ای عادلانه که در آن موقعیت‌های پیشرفت و ترقی، بدون هیچ‌گونه تبعیضی برای تمامی آحاد جامعه در دسترس باشد، در صدد معرفی برنامه‌ای جامع است. طبق نظام اقتصادی و اجتماعی پیشنهادی MQM، تنفر، دشمنی، بی‌عدالتی و از همه مهم‌تر تبعیت از هیچ الگوی خاصی در آن جامعه وجود نخواهد داشت و این بدان معناست که صرف داشتن کیش و عقیده‌ای خاص، همچنین داشتن زبان، قومیت، جنسیت و مذهب، نباید لطمه‌ای به حقوق انسانی و اساسی هیچ فردی در پاکستان وارد آید.

گروه‌های ذی‌نفوذ و فشار

اقشار اجتماعی ذی‌نفوذ عبارت‌اند از:

ـ روحانیون؛

ـ مالکان؛

ـ صاحبان صنایع؛

ـ و نظامیان (که مهم‌ترین نیروهای تأثیرگذار سیاسی هستند).

کودتای ۱۹۹۹ در پاکستان، نشان داد که ارتش و نظامیان، به‌رغم تجدید دموکراسی در سال ۱۹۸۸، هنوز قوی‌ترین گروه سیاسی (تأثیرگذارترین گروه بر مسائل سیاسی) پاکستان هستند.

تقسیم‌بندی گروه‌های ذی‌نفوذ

ـ پس از حوادث یازده سپتامبر:

گروه‌های ذی‌نفوذ پس از حملات یازده سپتامبر به دو گروه اصلی سیاسی تقسیم شده‌اند:[۳۷]

ـ حزب بنیادگرایان (معتقدان به بنیادگرایی اسلامی).
ـ گروه نخبگان طرفدار غرب.

«ژنرال پرویز مشرف»، معتقد است که گروه نخبگان طرفدار غرب، اکثریت را در پاکستان شامل می‌شوند. تا قبل از واقعهٔ تروریستی یازده سپتامبر، ارتش پاکستان برای کنترل این کشور، با احزاب بنیادگرای پاکستان متحد شده بود؛ اما پس از یازده سپتامبر و حملهٔ آمریکا به افغانستان، احزاب بنیادگرا، موضع مخالفت با مسئولان نظامی پاکستان را در پیش گرفته‌اند.

از سوی دیگر در سلسله مراتب نظامی و ارتشی پاکستان، تعداد زیادی بنیادگرای اسلامی دیده می‌شود؛ از این رو به‌دنبال واقعه یازده سپتامبر، ژنرال مشرف مجبور گردید تا سه ژنرال ارتش پاکستان را به فوریت اخراج کند. این سه نفر عبارت بودند از: رئیس ISI، و دو ژنرال دیگر ارتش پاکستان که در کودتای ۱۹۹۹ پاکستان و به قدرت رسیدن مشرف، مدیریت بسیار فعالی ایفا نمودند.

از جمله مهم‌ترین مناطقی که در آن تعداد بنیادگرایان بیش از سایر ایالات پاکستان است، می‌توان به بلوچستان و ایالت سرحدی شمال‌غربی (NWFP) اشاره نمود. این دو ایالت، تعداد زیادی از «مدرسه‌های بنیادگرا» را در خود جای داده است.

سیاست داخلی

پیش از آن‌که در خصوص تهدیدات داخلی پاکستان مطلبی گفته شود باید به شش دوره در تاریخ پاکستان اشاره گردد. شش دورهٔ مجزا در تاریخ این کشور بدین صورت بررسی می‌شوند:(۳۸)

ـ دورهٔ اول تاریخ پاکستان، از سال ۱۹٤۷ (سال تأسیس این کشور) تا سال ۱۹۵۸ ـ یعنی هنگامی‌که برای اولین بار ارتش در سیاست دخالت نمود ـ طول کشید.

ـ دومین دوره، شامل سیزده سال از تاریخ این کشور است؛ یعنی، از اکتبر سال ۱۹۵۸ تا دسامبر ۱۹۷۱ که حکومت طولانی نظامیان در این دوره سیزده سال طول کشید.

ـ سومین دوره از دسامبر ۱۹۷۱ تا ژوئیه ۱۹۷۷ به‌طول انجامید. در این دوره، حکومت قدرتمند سیاسی به رهبری سیاستمداری غیرنظامی شکل گرفت.

ـ چهارمین دوره از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۸ به مدت یازده سال طول کشید که در تمامی این مدت، پاکستان تحت ادارهٔ یک دولت نظامی بود.

ـ در پنجمین دوره، جهان شاهد ظهور مجدد دموکراسی در این کشور بود. این دوره تقریباً ۹ سال طول کشید که با برقراری دومین حکومت قدرتمند سیاسی، به‌دست یک سیاستمدار غیرنظامی پایان یافت؛ بدین ترتیب ششمین دوره از تاریخ کشور پاکستان آغاز گردید.

به‌رغم این‌که پاکستان، حکومت‌های متفاوتی را به خود دیده است؛ معمولاً در طول تمامی این حکومت‌ها تهدیدات داخلی یکسانی برای این کشور وجود داشته است. «شهید جاوید بورکی» در کتاب خود آورده است: مسائلی که امنیت داخلی پاکستان را با تهدید روبه‌رو می‌سازد، مشکلات جدید اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. در حوزهٔ مشکلات اقتصادی می‌توان گفت اصلی‌ترین مشکل پیش روی این کشور وجود تعداد اندکی از مالکان پاکستانی است که در محدوده و حوزه خود قادر به اعمال نفوذ زیادی هستند. این موضوع در کنار کاهش سطح زندگی مردم در روستاها و کاهش سهم کشاورزی در درآمد ملی، پاکستان را با چالش‌های جدی داخلی روبه‌رو خواهد کرد.

دومین مشکل مربوط به ساختار سیاسی پاکستان است؛ با توجه به این‌که گرفتن تصمیمات بزرگ در این کشور، میان سه نفر تقسیم شده، این کشور با اغتشاش و پراکندگی در تصمیم‌گیری سیاسی روبه‌رو گشته است. در مقابل برخی دیگر از صاحب‌نظران پاکستانی معتقدند که توزیع قدرت بین رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و رئیس ستاد ارتش، باعث می‌شود که قدرت در انحصار یک نفر در نیاید. آزمایش هسته‌ای پاکستان و واکنش غرب در قبال آن، این کشور را افزون بر بحران‌های جدی سیاسی، با بحران‌های عمیق اقتصادی نیز درگیر کرده و این خود یکی از چالش‌های پیشاروی این کشور گردیده است.

پاکستان به غیر از مشکلات سیاسی و اقتصادی، با مشکلات ساختاری اجتماعی روبه‌رو بوده و خواهد بود. بزرگ‌ترین مشکل از این نوع، از بین رفتن ارزش‌هایی است که در نتیجه تصمیمات سیاسی اتخاذ شده از سوی تعدادی از رژیم‌های حاکم بر پاکستان، در طول بیش از چهار دهه به وجود آمده است. پاکستان که نیم قرن دوم از زمان شکل‌گیری خود را می‌گذارند؛ به‌علت فقدان جدی مؤسساتی که برای داشتن حکومتی مناسب باید در هر کشور وجود داشته

باشد، به چالش کشیده شده است؛ افزون بر آن، مردم پاکستان مجبور شده‌اند که در برآوردن نیازهایشان به خود اتکا نمایند؛ زیرا نظام‌های حقوقی و قضایی، اجرای ضمانت‌نامه‌های حقوقی، حکومت محلی و شهرداری منسجم و نظام‌های تحصیلی و بهداشتی این کشور، به شدت با کمبود روبه‌رو هستند؛[۳۹]

اما آن‌چه که از دیدگاه جامعه‌شناسانه اهمیت دارد، وجود تفاوت‌های شدید قومی ـ مذهبی و عقیدتی در این کشور است که امنیت داخلی پاکستان را با نوعی تهدید مواجه خواهد کرد. به‌رغم این‌که بیش از ۹۰٪ مردم پاکستان مسلمان هستند، این مسئله نتوانسته باعث یکرنگی و یکدستگی جامعه پاکستان گردد.

فرقه‌های گوناگون مذهبی مسلمان در این کشور، در موارد بسیاری با یکدیگر درگیر بودند؛ از جمله در اوایل دههٔ ۵۰ که گروه‌های احمدیه و احرار در پنجاب به جنگ با یکدیگر برخاستند، تا جایی‌که پلیس موفق به برقراری نظم و امنیت نبود.

طی ده سال گذشته در این کشور، درگیری‌های بسیاری بین مسلمانان سنی و شیعه به‌وجود آمده است. از سوی دیگر، با توجه به این‌که اسلحه در پاکستان ـ در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر ـ راحت‌تر به دست می‌آید، این درگیری‌ها معمولاً به تلفات جانی منجر می‌شود.[۴۰] وجود نزدیک به ۸۰/۰۰۰ مرد مسلح در اطراف کویته، همواره منبع بالقوه‌ای برای ایجاد درگیری‌های خونین و خشونت‌آمیز به‌شمار می‌آید.

شاید در حال حاضر مهم‌ترین چالش و بحران امنیتی سیاسی در پاکستان، وجود گروه‌های قومی و مذهبی شیعه و سنی در این کشور است. در پی وجود چنین گروه‌بندی‌هایی بود که احزاب و گروه‌های فشار در پاکستان، همانند چالشی پیش روی دولت اسلام‌آباد قرار گرفتند. این احزاب و گروه‌های فشار از سوی قدرت‌های مسلمان و غیر مسلمان، مانند: عربستان سعودی، هند و ایران حمایت می‌شوند. گروه‌های تندروی وهابی به‌گونه‌ای مشخص از سوی عربستان حمایت گردیده و بارها با تندروی‌های خود، کشور را در معرض بحران‌های داخلی قرار دادند.

مدرنیته و مدرنیسم، یکی دیگر از مهم‌ترین چالش‌های مهم پیش روی جامعه سنتی پاکستان است. هنوز دیدگاه‌های سنتی بسیاری در سطوح مختلف جامعه پاکستان (از جمله دربارهٔ زنان) حکمفرماست و شروع موج مدرنیسم باعث گردیده تا شکاف میان دیدگاه ناسیونالیسم اسلامی و ناسیونالیسم ملی در پاکستان به وجود آید.

مناطق جغرافیایی مؤثر در سیاست داخلی

به جرأت می‌توان گفت که کشمیر، بحران سازترین منطقهٔ جغرافیایی پاکستان است. این منطقه تهدیدی جدی برای ثبات سیاسی داخلی پاکستان به‌شمار می‌رود. وجود گروه‌های تندروی مخالف هند در این منطقه باعث گردیده تا هر از چند گاهی پاکستان در روابط خود با هند با بحران روبه‌رو شود. از دیگر مناطق جغرافیایی مهم پاکستان، منطقهٔ پنجاب است. در این ایالت احزاب مذهبی بنیادگرایی، مانند سپاه صحابه ـ که در ایجاد ناامنی و ترور بسیار مؤثر هستند، وجود دارد.[1] مطرح شدن نفوذ گروه‌های افراطی در مؤسسات قدرتمند دولتی، رشد بخش‌های نظامی گروه‌های تندرو، وجود تعداد بیشماری اسلحه و مردان مسلح در این منطقه ـ که سلاح برایشان مانند لباس است ـ همراه با وجود زبان و فرهنگی متفاوت از دیگر ایالت‌ها، باعث گردیده تا پنجاب به مرکزی برای ناآرامی مبدل گردد.

نقش گروه‌های نژادی ـ مذهبی در سیاست داخلی

این جدول نشان‌دهندهٔ ترکیب قومی و نژادی مسئولان در پاکستان است که با بررسی آن می‌توان نتیجه گرفت که دو منطقهٔ سند و پنجاب بیشترین سهم را در چگونگی ترکیب قومی رؤسای کشور به خود اختصاص داده‌اند. از نظر مذهبی نیز برای تصدی سمت‌های مهم در این کشور، داشتن دین اسلام ضروری است. در مجلس تنها چند کرسی به اقلیت‌های مذهبی تعلق دارد.

---

۱. قابل ذکر است که دولت پاکستان فعالیت سپاه صحابه را بعداً ممنوع اعلام کرد.

چگونگی ترکیب قومی رؤسای جمهور پاکستان

نام	قومیت	زمان تصدی
ذوالفقار علی بوتو:	سندی	۱۹۷۱ـ۱۹۷۳
چودری فضل‌الرحمن:	پنجابی	۱۹۷۳ـ۱۹۷۸
ژنرال ضیاءالحق:	پنجابی	۱۹۷۸ـ۱۹۸۸
غلام اسحاق خان:	پشتون	۱۹۸۸ـ۱۹۹۳
فاروق لغاری:	سیراکی	۱۹۹۳ـ۱۹۹۸

چگونگی ترکیب قومی نخست‌وزیران پاکستان

نام	قومیت	زمان تصدی
ذوالفقار علی بوتو:	سندی	۱۹۷۳ـ۱۹۷۷
محمد خان جونجو:	سندی	۱۹۸۵ـ۱۹۸۸
بی‌نظیر بوتو:	سندی	۱۹۸۸ـ۱۹۹۰
غلام مصطفی جاتوی:	سندی	۱۹۹۰ـ۱۹۹۱
میان محمد نواز شریف:	پنجابی	۱۹۹۱ـ۱۹۹۳
بی‌نظیر بوتو:	سندی	۱۹۹۳ـ۱۹۹۶
میان محمد نواز شریف:	پنجابی	۱۹۹۷ـ۱۹۹۹

چگونگی ترکیب قومی وزرای امور خارجه پاکستان[٤١]

نام	قومیت	زمان تصدی
ذوالفقار علی بوتو:	سندی	۱۹۷۲

نام	قومیت	زمان تصدی
سردار آصف علی احمد:	پنجابی	۱۹۹۱_۱۹۹۶
گوهر ایوب خان:	پشتون	۱۹۹۷

ترکیب قومی وزرای دفاع پاکستان(۴۲)

نام	قومیت	زمان تصدی
علی احمد تاسپور:	سندی	۱۹۸٤_۱۹۸۵
محمد خان جونجو:	سندی	۱۹۸۵_۱۹۸۸
محمد آ. هارون:	سندی	۱۹۸۸_۱۹۸۹
قوس علی شاه:	سندی	۱۹۹۱_۱۹۹۳
آفتاب شوبان میرانی:	سندی	۱۹۹۳_۱۹۹٦

ترکیب قومی سفرای پاکستان در مسکو(۴۳)

نام	قومیت	زمان تصدی
جمشید مارکر:	پارسی	۱۹۷۱_۱۹۷۵
ساجد حیدر:	پنجابی	۱۹۷۵_۱۹۷۷
صاحب‌زاده یعقوب خان:	اردو زبان	۱۹۷۷_۱۹۸۱
افتخار علی:	پنجابی	۱۹۸۱_۱۹۸۵
شاهد امین:	پنجابی	۱۹۸۵_۱۹۸۸
عبدالستار:	پنجابی	۱۹۸۸_۱۹۹۱
دکتر تنویر احمدخان:	پنجابی	۱۹۹۳_۱۹۹۷

ترکیب قومی سفرای پاکستان در ریاض[٤٤]

نام	قومیت	زمان تصدی
شاهد امین:	پنجابی	۱۹۷۳ـ۱۹۷۱
آ. حمید:	پنجابی	۱۹۷۵ـ۱۹۷۳
میان محمد سانا...:	پنجابی	۱۹۷۸ـ۱۹۷۵
آ. آ. شیخ:	پنجابی	۱۹۸۰ـ۱۹۷۸
ژنرال فاضل مقیم:	پنجابی	۱۹۸۱ـ۱۹۸۰
نجم‌الثاقب خان:	پنجابی	۱۹۸٤ـ۱۹۸۱
ولی‌اله خان:	پشتون	۱۹۹۱ـ۱۹۸٤
شاهد امین:	پنجابی	۱۹۹٦ـ۱۹۹۱

ترکیب قومی سفرای پاکستان در تهران[٤٥]

نام	قومیت	زمان تصدی
اس. ام مرشد:	بنگالی	۱۹۷۱ـ۱۹۷۲
مختار حسین:	پنجابی	۱۹۷۲ـ۱۹۷۳
شهنواز خان:	پنجابی	۱۹۷۳ـ۱۹۷٤
محمد اسلام ختک:	پشتون	۱۹۷٤ـ۱۹۷۷
غیث‌الدین احمد:	پنجابی	۱۹۷۷ـ۱۹۸۱
علی ارشد:	پنجابی	۱۹۸۱ـ۱۹۸۳
تنویر میر:	پنجابی	۱۹۸۳ـ۱۹۸٤
عبدالمالک ختک:	پشتون	۱۹۸٤ـ۱۹۸۸

نام	قومیت	زمان تصدی
بشیر احمد بابار:	پشتون	۱۹۸۸_۱۹۹۰
تنویر احمد خان:	پنجابی	۱۹۹۰_۱۹۹۱
اشرف جهانگیر قاضی:	پشتون	۱۹۹۱_۱۹۹٤
خالد محمود:	اردو زبان	۱۹۹٤_۱۹۹٦

ترکیب قومی سفرای پاکستان در واشنگتن/ ایالات‌متحده[٤٦]

نام	قومیت	زمان تصدی
سلطان م. خان:	پنجابی	۱۹۷۲_۱۹۷۳
آقا شاهی:	اردو زبان	۱۹۷۳_۱۹۷٤
صاحب‌زاده یعقوب خان:	اردو زبان	۱۹۷٤_۱۹۷۹
سلطان م. خان:	پنجابی	۱۹۷۹_۱۹۸۱
اعجاز عظیم:	پنجابی	۱۹۸۱_۱۹۸۸
جمشید مارکر:	پارسی	۱۹۸۸_۱۹۸۹
نجم‌الدین شیخ:	پنجابی	۱۹۸۹_۱۹۹۱
سید عبیده حسین:	پنجابی	۱۹۹۱_۱۹۹۳
دکتر ملیحه لودهی:	پنجابی	۱۹۹۳_۱۹۹۷

سیاست خارجی

اصول و مبانی سیاست خارجی

از زمان استقلال تاکنون، موضوع «امنیت» قلب سیاست خارجی پاکستان به‌شمار می‌آید. چشم‌انداز تاریخی سیاست خارجی پاکستان، به ۵ دورهٔ زمانی واضح و آشکار تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از:[۴۷]

- دورهٔ اول دربرگیرنده فاصله زمانی سال ۱۹٤۹ ـ یعنی زمان اعلام آتش‌بس سازمان ملل در جنگ بر سر کشمیر ـ تا سال ۱۹٦٥ است. در این دوره زمانی، پاکستان متحد غرب تلقی می‌گردید و در پیمان بغداد (که سپس به سنتو تغییر یافت) و سیتو عضویت داشت. اصلی‌ترین عامل عضویت پاکستان در این ائتلاف‌ها، نیاز این کشور به رفع آسیب‌پذیری دفاعی خود و دستیابی به یک موازنه قابل قبول نظامی با هند بوده است.
- دورهٔ دوم شامل فاصله زمانی سال‌های ۱۹٦٥ الی ۱۹۷۱ است. یعنی از زمان جنگ سال ۱۹٦٥ تا آغاز بحران پاکستان شرقی (بنگلادش). در این دوره زمانی، کاهش بسیار شدیدی در

کمک‌های اقتصادی و نظامی به پاکستان صورت گرفت. هند در این دوره از زمان، نقش بسیار اساسی را در تضعیف پاکستان غربی و تأسیس پاکستان شرقی ـ که بعداً بنگلادش نامیده شد ـ ایفا کرد.

- دورهٔ سوم به فاصله سال‌های ۱۹۷۱ الی ۱۹۸۹ است. در این فاصله زمانی، پاکستان فرصت بازسازی مجدد یافت تا آماده چالش با نیروهای اتحاد جماهیر شوروی سابق ـ که در همسایگی آن یعنی در افغانستان حضور داشتند ـ شود.
- شروع دورهٔ چهارم از سال ۱۹۹۰ تا می ۱۹۹۸، یعنی زمان آزمایش هسته‌ای هند است. دو واقعهٔ مهم امنیتی برای پاکستان در دههٔ ۹۰ اتفاق افتاد. اول، تحریم‌های اقتصادی و نظامی ایالات‌متحده آمریکا علیه پاکستان و دوم، تشدید فعالیت گروه‌های مخالف حاکمیت هند در کشمیر، که هر دو چشم‌انداز جدیدی را از نظر امنیتی برای پاکستان گشودند.
- دورهٔ پنجم که فاصله زمانی ۱۹۹۹ تاکنون را شامل می‌شود، که به بروز تحولات مهم و چشم‌گیری در سیاست خارجی پاکستان منجر گردید. این تحولات عبارت‌اند از: از سرگیری مجدد گفت‌وگوهای دوجانبه میان هند و پاکستان در زمان دولت نواز شریف؛ آغاز گفت‌وگوهای امنیتی میان پاکستان و ایالات‌متحده آمریکا؛ به صدا درآمدن زنگ خطر زیست‌محیطی جنوب آسیا؛ بحران کشمیر و پیامدهای آن و تفسیر استراتژی این کشور در حمایت از طالبان پس از واقعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱.

تمامی این تحولات دست به دست هم داده باعث گردید که سیاستمداران پاکستان، استراتژی ثابت و یکنواختی را برای سیاست خارجی این کشور اتخاذ ننمایند و در پی اتخاذ چنین روشی بود که تجارت و همکاری اقتصادی در روابط خارجی پاکستان از اهمیت روزافزونی برخوردار گردید. موارد کلیدی سیاست خارجی پاکستان در دورهٔ اخیر عبارت‌اند از:

- تقویت توان امنیتی و حفظ یکپارچگی ارضی پاکستان.
- پیدا کردن راه‌حلی عادلانه‌تر در خصوص منازعه جامو و کشمیر.

- حفظ تنش‌زدایی هسته‌ای پاکستان که یکی از مهم‌ترین موارد برای امنیت ملی پاکستان محسوب می‌شود.
- توسعه و رشد اقتصادی و بهبود وضعیت تجاری و اقتصادی پاکستان، بر طبق منافع خارجی این کشور.
- بهبود تصویری از پاکستان با عنوان یک دولت قدرتمند و مترقی.
- روابط دوستانه نزدیک و همکاری با دنیای اسلام، و همکاری دوستانهٔ بسیار قوی با چین.
- روابط قوی دوجانبه و سودمند با تمامی قدرت‌های بزرگ جهان، به‌ویژه ایالات‌متحده آمریکا.
- ایجاد صلح و ثبات بادوام و پایدار در افغانستان]البته به‌منظور منافع ملی پاکستان[.
- بهبود مقوله گفت‌وگوهای عدم تکثیر هسته‌ای. [اخذ امتیازهایی از ایالات متحده آمریکا در این خصوص]
- مبارزهٔ بین‌المللی با تروریسم، جنایت و قاچاق موادمخدر.
- بهبود منافع و رفاه پاکستانی‌های مقیم خارج از کشور.

دولت پاکستان معتقد است که اصول راهبردی سیاست خارجی پاکستان، بر اساس فرم‌های شناخته شده روابط بین‌المللی میان دول است. این موارد عبارت‌اند از:

- برابری حاکمیت همه کشورها.
- عدم مداخله در امور داخلی دیگر دولت‌ها.
- احترام به حاکمیت و یکپارچگی ارضی همه کشورها.
- راه‌حل‌های صلح‌طلبانه و غیر ستیزه‌جویانه برای حل منازعات.

ـ بررسی منافع و علایق منطقه‌ای:

شاید مهم‌ترین استراتژی منطقه‌ای پاکستان، استراتژی دفاعی این کشور در منطقهٔ جنوب

آسیا به‌ویژه در قبال هندوستان است. مقامات ارشد پاکستانی به‌خوبی از این حقیقت آگاهند که نیروی دفاعی پاکستان با نیروهای هندی برابر نیست؛ از این رو اجتناب از جنگ، اولین هدف در سیاست امنیتی خارجی پاکستان محسوب می‌گردد.[٤٨] پاکستان در سیاست خارجی خود از استراتژی دفاعی پیروی می‌کند؛ زیرا مطمئناً این کشور در پی اتخاذ یک سیاست تهاجمی در قبال همسایگان خویش، با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو خواهد شد. به‌عبارت دیگر، می‌توان گفت اتخاذ استراتژی متعارف پاکستان، با دکترین «دفاع آفندی» مشخص و شناخته می‌شود.[٤٩]

دکترین دفاع آفندی ضربه‌ای سریع و پیشگیرانه را ـ که باعث وارد آمدن خسارات و هزینه‌های سنگین به دشمن می‌شود ـ تجویز می‌نماید. در این دکترین، به‌دست آوردن منطقه نفوذ در قلمرو دشمن، برای استفاده ابزاری از آن در مذاکرات صلح، یکی از ارکان اصلی به‌شمار می‌آید.

به‌نظر می‌رسد که پاکستان بیشتر از آن‌چه که به منافع بین‌المللی اهمیت دهد، به منافع منطقه‌ای خود توجه می‌نماید. پاکستان از بدو تأسیس تاکنون، تقریباً در قبال هیچ کشوری حتی هند از سیاست تهاجمی استفاده نکرده است. خطوط کلی سیاست خارجی پاکستان در روابط بین‌المللی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

- روابط با کشورهای اسلامی.
- روابط با کشورهای بزرگ و بلوک‌های منطقه‌ای.
- حضور در رسانه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.
- روابط با کشورهای آسیای مرکزی و سیاست‌های اتخاذ شده در قبال افغانستان.

روابط با کشورهای اسلامی:

پاکستان روابط ویژه‌ای را با کشورهای اسلامی و به‌طور کل با دنیای اسلام دارد. این کشور سعی می‌کند تا از طریق این روابط، همکاری میان این کشورهای اسلامی را تقویت نماید. این کشور سعی دارد تا در برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌های متشکل از دول اسلامی شرکت

داشته باشد. به مناسبت پنجاهمین سال استقلال پاکستان در ۲۳ مارس ۱۹۹۷، اجلاس OIC در اسلام‌آباد برگزار گردید و ۲۸ رئیس‌جمهور، معاون و ولیعهد کشورهای مسلمان و نمایندگان ویژه دولت‌های اسلامی در این نشست شرکت داشتند. برای اولین بار یک نماینده از مردم کشمیر که به وی اجازهٔ سخنرانی در این نشست داده شده بود در این اجلاس شرکت کرد. خط‌مشی سیاسی پاکستان در قبال کشورهای اسلامی، هماهنگ نمودن رفتارهای خارجی خود با سیاست‌های مورد نظر اکثر آنان است. (یکی ازمهم‌ترین استراتژی‌های پاکستان، به ثمر رساندن سیاست‌های موردنظر خود، بدون هیچ‌گونه هیاهوی تبلیغاتی است.)

در مقابل حکومت‌های عربی نیز در برابر سیاست‌های پاکستان، (مهم‌ترین نمونه آن موضوع اتمی‌شدن جنوب آسیا) سیاست سکوت را در پیش گرفتند. حتی گاهی این سیاست سکوت تبدیل به سیاست حمایت گردیده است. پس از آزمایش هسته‌ای در می ۱۹۹۸، چندین دولت عربی، نمایندگان ویژهٔ خود را به‌منظور همبستگی با پاکستان به این کشور فرستادند هنگامی‌که پاکستان با تحریم پس از آزمایش‌های اتمی خود روبه‌رو گردید، بسیاری از کشورهای اسلامی، از نظر اقتصادی از این کشور حمایت کردند. به‌دنبال بحران کارگیل، دولت‌های شورای همکاری خلیج‌فارس (GCC)، از سازمان ملل متحد درخواست نمودند که برای حل منازعهٔ کشمیر مطابق با خواسته‌های مردم آن ایفای نقش نماید. پاکستان در منازعات احتمالی با جامعه بین‌المللی، خواستار راه‌حل‌های دیپلماتیک است.

این کشور در سطح منطقهٔ خاورمیانه و جنوب آسیا، بعد از اهمیتی که برای روابط خود با هند قائل است، دید بسیار مثبتی نسبت به روابطش با کشور عربستان سعودی دارد. یکی ازمهم‌ترین علایق منطقه‌ای پاکستان در منطقه خلیج‌فارس، داشتن روابطی در سطح عالی با کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس، به‌ویژه عربستان است. این دو کشور از نظر مذهبی نیز شباهت‌های بسیاری به یکدیگر دارند. در اکتبر سال ۲۰۰۱، «امیر عبدالله»، ولیعهد عربستان، از پاکستان دیدار داشت که این دیدار در ۱۴ سال اخیر بالاترین سطح بازدید مقامات سعودی از پاکستان بوده است. در پی سفر امیر عبدالله، وزیر دفاع عربستان نیز از پاکستان دیدار به عمل

آورده است. دو بار سفر «یاسر عرفات»، رئیس حکومت خودگردان فلسطین از پاکستان، طی سال‌های اخیر از دیگر بازدیدهای مقامات خارجی از این کشور می‌باشد. پاکستان برنامهٔ فعالی در خصوص آموزش و پرورش، فرهنگ و همکاری‌های تکنیکی برای دانشجویان فلسطینی و خلیج‌فارس در نظر گرفته است. از آن‌جایی که پاکستان همراه با ایران و ترکیه در RCD ـ که اکنون به سازمان همکاری اقتصادی (ECO) تغییر نام یافته است ـ، عضویت دارد، باعث گردیده که علی‌رغم چالش‌های بسیار در روابط پاکستان ـ ایران این دو هنوز هم به‌طور مسالمت‌آمیز به روابط خود ادامه دهند.

روابط با کشورهای بزرگ

پاکستان به توسعه مستمر روابط قوی و سودمند با تمامی قدرت‌های بزرگ جهانی معتقد است. چین، ایالات متحده آمریکا و روسیه (پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی) روابط خوبی را با پاکستان داشته و دارند. روابط مستحکم پاکستان با ایالات‌متحده آمریکا تاریخی طولانی از همکاری این دو را با همدیگر به همراه دارد. این همکاری نیاز دوران پس از جنگ سرد است. روسیه، اتحادیه اروپا و حتی شرق دور که هر یک قطب‌های قدرتمند اقتصادی محسوب می‌شوند، از شرکای اصلی اقتصادی پاکستان هستند. برقراری روابط با چین یکی از ستون‌های سیاست خارجی پاکستان محسوب می‌گردد.[٥٠] پاکستان و چین از یکدیگر، در مسائلی چون کشمیر، حقوق بشر و تایوان حمایت کرده‌اند. کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا نیز در مناطقی هستند که توجه پاکستان را به خود جلب نموده‌اند. به‌دنبال تأثیر منفی آزمایش هسته‌ای پاکستان در میان کشورهای جهان، این کشور تلاش می‌نماید تا ارتباطات اقتصادی و سیاسی خود را با کشورهای آ.سه.آن افزایش داده تا از این طریق بتواند تأثیر منفی به وجود آمده را خنثی نماید. پاکستان، سیاستی تحت عنوان «نگاه به شرق Lookeast» دارد. به‌دنبال پی‌گیری چنین سیاستی بود که کمیته همکاری‌های مشترک منطقه‌ای آسه‌آن ـ پاکستان تأسیس گردید. پاکستان برای به‌دست آوردن وجهه مثبت در سطح بین‌المللی، در کنفرانس خلع سلاح در ژنو نیز شرکت نمود.

بررسی منافع و علایق در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

پاکستان سعی نموده که فعالیت چشمگیری را در سازمان‌هایی که در آن عضو است از خود نشان دهد. در سال ۱۹۹۸، پاکستان در کمیته حذف تبعیض نژادی ـ که یک سازمان غیردولتی است ـ انتخاب گردید. این کشور همچنین در کمیسیون حقوق بشر، یونیسف، و گروه‌های کاری که میان دول برای استانداردهای بین‌المللی کار می‌کنند، عضویت دارد. در سپتامبر ۱۹۹۷، پاکستان به کنوانسیون امنیت هسته‌ای پیوست و همچنین یک‌ماه بعد از این واقعه به عضویت کنوانسیون تسلیحات شیمیایی نیز درآمد. این کشور عضو فعال جنبش عدم تعهد است. پاکستان معمولاً در سازمان‌های بین‌المللی از روند اصلاح در سازمان ملل و مسائل کنترل تسلیحات و خلع سلاح حمایت می‌نماید و یکی از اعضای انجمن کشورهای جنوب آسیا برای همکاری‌های منطقه‌ای، «سارک» SAARC است؛[1] همچنین سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو) نیز سال‌هاست که شاهد حضور پاکستان است. سارک متشکل از هفت کشور پاکستان، بنگلادش، نپال، هند، سری‌لانکا، مالدیو و بوتان است. این سازمان به منظور اشاعهٔ صلح و ثبات، همکاری و پیشرفت در آسیای جنوبی از طریق همکاری تمام کشورهای عضو، تأسیس گردیده است.

یکی دیگر از سازمان‌هایی که پاکستان در آن از ارکان اصلی به‌شمار می‌آید، اکو یا RCD سابق است. پاکستان، ایران و ترکیه سه رکن اصلی این سازمان منطقه‌ای هستند. اکو که متشکل از کشورهای افغانستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و آذربایجان و نیز ایران و ترکیه و پاکستان است، سعی در پیشبرد روزافزون همکاری‌های منطقه‌ای دارد؛ گرچه در حال حاضر بیشترین تمرکز فعالیت‌های اکو، بر توسعه یک نظام ارتباطی و حمل و نقل مدرن قرار گرفته است. ایجاد شبکه‌ای از خطوط نفتی و گاز در سطح منطقه، یکی دیگر از اهداف اکو است. منافع پاکستان در اکو شامل توسعه و پیشرفت‌های اقتصادی است که بتواند نظام اقتصادی پاکستان را نیز تحت تأثیر مثبت خود قرار دهد؛ افزون بر آن از خطوط اصلی

---

1. South Asian Association for Regional Cooperation.

منافع پاکستان در اکو، تأکید بر طرح‌هایی است که بتواند به‌صورت بنیادین بر اقتصاد پاکستان مؤثر واقع گردد.

از اهداف و خطوط کلی پاکستان در صحنهٔ سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای می‌توان به آزادسازی اقتصاد، خصوصی‌سازی و عدم تمرکز در اقتصاد اشاره نمود.

در حال حاضر یکی از پرسش‌های مهم پیشاروی پاکستان، مسئله سرعت آزادسازی تجارت است. تسریع روند آزادسازی اقتصاد، مسئله جهانی‌شدن و تأثیرات مترتب از آن در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی بر کشورهای مختلف، از جمله منطقهٔ شرق آسیا، ذهن اقتصاددانان پاکستان را به خود مشغول داشته است. بحران‌های مالی که دامن‌گیر شرق آسیا گردید سؤال‌های بسیاری را برای اقتصاددانان پاکستانی به‌وجود آورد. یکی از اموری که پاکستان بر آن تکیه دارد، گرایش به بازارهای جهانی و سیاست‌های تجاری آزاد؛ به‌خصوص با کشورهای پیشرفته است. نباید نادیده گرفت که پاکستان کشوری است با سیاست‌های واقع‌گرایانه که دیدگاه‌های خاص خود را با واقعیت‌های سیاسی و اقتصادی موجود مطابقت می‌دهد. پاکستان در صدد است که سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به کشور را جذب نموده صادرات خود را به کشورهای دیگر افزایش دهد، همچنین این کشور هماهنگی‌های گسترده‌ای با کشورهای توسعه‌یافته برای مذاکرات به‌منظور ورود به سازمان تجارت جهانی (WTO) به عمل می‌آورد. در حال حاضر مهم‌ترین علایق پاکستان در سیاست خارجی خود، عبارت است از مفاهیم اساسی و بنیادین امنیت، اقتصاد و مسائل نظامی. پاکستان تشخیص داده که یک اقتصاد قوی منجر به رشد منافع ملی خواهد شد. گروه‌های پاکستانی خارج از کشور، در چارچوب این واقعیت، جهت‌گیری‌هایی را به‌منظور بهبود منافع ملی در حوزه‌های تکنولوژیکی ـ تجاری ـ اقتصادی در نظر می‌گیرند. وزارت امور خارجه پاکستان برای تسهیل این هدف، فعالیت‌های بسیاری را در زمینهٔ تبادل اطلاعات صورت می‌دهد و برای اولین گام، تماس‌های مستقیمی را با اتاق‌های بازرگانی کشورهای مختلف جهان برقرار نموده است. امروزه تقریباً ۶۰ گروه، با اتاق‌های بازرگانی خارجی در تماس هستند.

یکی دیگر از مسئولیت‌های گروه‌های پاکستانی خارج از کشور، تأمین رفاه پاکستانی‌های مقیم خارج از کشور است. پاکستانی‌های خارج از کشور، ابزاری مهم برای دستیابی به پیشرفت اقتصادی و دیگر مؤلفه‌هایی که وزارت امور خارجه پاکستان در نظر دارد، محسوب می‌گردد. آن‌ها می‌توانند نقش مؤثری در ترسیم تصویری مثبت از پاکستان در میان کشورهای دیگر ایفا نمایند. به‌طور کلی می‌توان گفت: علایق و خطوط کلی استراتژی پاکستان چه در سطح منطقه و چه در سطح روابط بین‌الملل، متکی بر سیاست پرهیز از تنش، برقراری روابط دوستانه (هر چند عمیق نباشد) و تطبیق سیاست‌های یاد شده با واقعیت‌های موجود، است.

پاکستان عضو سازمان‌های مختلفی است که عبارت‌اند از: سازمان ملل، کشورهای مشترک‌المنافع (در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۹ پاکستان عضو این سازمان نبود.)، بانک آسیایی توسعه، سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، سازمان سارک، سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) جنبش عدم تعهد (NAM)، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ((IAEA، D8، کنفرانس خلع سلاح، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، هیأت بین‌المللی کنترل مواد مخدر، برنامهٔ محیط زیست سازمان ملل و طرح کلمبو.

بررسی سیاست‌ها در خصوص ایالات متحده آمریکا

چنانچه بخواهیم برخورد پاکستان با نوع نظام سیاسی ایالات متحده را بررسی کنیم باید به این نکته اشاره نماییم که نوعی هماهنگی و همخوانی میان سیاست‌های پاکستان و ایالات متحده، در بیست سال گذشته به چشم می‌خورد؛ گرچه دو کشور بر سر مسائلی همچون آزمایش هسته‌ای پاکستان در سال ۱۹۹۸ و عدم امضای معاهدهٔ CTBT از سوی این کشور با یکدیگر اختلافات عمیقی نیز داشته‌اند، اما نه ایالات متحده در طی بیست سال گذشته به‌دنبال براندازی نظام سیاسی پاکستان بوده و نه پاکستان به دنبال محکوم نمودن آمریکا. هر دو دولت خواهان تعدیل سیاست‌های طرف مقابل بوده‌اند. شاید واضح‌ترین شاهد بر این مدعا، وقایع پس از یازدهم سپتامبر باشد. پس از حملات تروریستی به نیویورک و واشنگتن، به‌رغم آگاهی

دولت ایالات متحده مبنی بر حمایت جدی پاکستان از روی کار آمدن، تثبیت و ادامه حکومت طالبان در افغانستان، خواهان جنگ با دولت پاکستان نشد و تنها خواستار تعدیل سیاست‌های فرقه‌گرایانه و افراطی دولت پاکستان در منطقه گردید. عملکرد پاکستان در این خصوص به‌خوبی نشان داد که چنانچه دولت آمریکا امتیازاتی را به پاکستان اعطا نماید، این کشور به سهولت سیاست‌های خود را با آمریکا هماهنگ و تعدیل خواهد کرد. بعد از فروپاشی رژیم طالبان در افغانستان، وزارت امور خارجه آمریکا نیز سخنرانی مشرف را نشانهٔ روشنی از عزم وی برای پایان دادن خشونت در پاکستان محسوب نمود [۵۱]؛ بدین سان حملهٔ آمریکا به طالبان، در اختیار قرار دادن پایگاه‌های نظامی از سوی پاکستان به آمریکا و حذف طالبان از قدرت، همگی شواهدی است که نشان از همکاری پاکستان و آمریکا، دست‌کم در سطح منطقه دارد. در مقابل آمریکا نیز بسیاری از تحریم‌های اعمال شده علیه پاکستان را ـ که به‌دنبال آزمایش‌های هسته‌ای این کشور برقرار شده بود ـ لغو نمود.

آمریکا خواهان تعدیل فعالیت‌های نظامی و سیاسی افراطی پاکستان در منطقه است. در این‌جا بحث دربارهٔ شناخت منافع ملی پاکستان مطرح نیست بلکه تنها هدف بیان خط‌مشی جدید پاکستان در هماهنگ نمودن (حداقل تعدیل) سیاست‌های این کشور با سیاست‌های ایالات متحده است. سخنرانی که ارتشبد مشرف در روز بیست و دوم دی ماه خطاب به مردم این کشور ایراد نمود، خط‌مشی جدید پاکستان در قبال مسائل عمدهٔ داخلی و خارجی را توضیح داد. در حقیقت وی در سه محور اصلی، نوعی هماهنگی با ایالات متحده را بازگو کرده است، این سه محور عبارت‌اند از:

۱. موضع پاکستان در قبال گروه‌های افراطی داخلی.

۲. موضع پاکستان در قبال کشمیر.

۳. موضع پاکستان در قبال افغانستان.

در پی درخواست دولت ایالات متحده از هند و پاکستان مبنی بر آغاز فصل جدیدی در گفت‌وگوی میان دو کشور، پاکستان فعالیت دو گروه کشمیری «لشکر طیبه» و «جیش محمد» و

گروه‌های تندروی داخلی به نام «سپاه صحابه»، «نهضت جعفری» و «نهضت اجرای شریعت محمدی» را ممنوع اعلام کرد. به‌دنبال اقدام اخیر دولت پاکستان مبنی بر کنترل گروه‌های تندروی مذهبی و مدارس دینی و مساجد در این کشور، «جورج دبلیو بوش»، رئیس‌جمهور آمریکا، به شدت از سخنان ارتشبد مشرف استقبال نمود و پاکستان را کشوری ارزیابی نمود که به طرف صلح و ترقی گام برداشته است.(۵۲)

● روابط دیپلماتیک

روابط دیپلماتیک میان این دو کشور بلافاصله بعد از اعلام استقلال پاکستان برقرار گردید. اولین سفیر پاکستان در ایالات‌متحده آمریکا، «ام. آ. اچ. اسپهانی»[1] بود که اعتبارنامهٔ خود را در هشتم اکتبر ۱۹۴۷ عرضه کرد و اولین سفیر ایالات‌متحده در پاکستان، «پال اچ الینگ»[2] اعتبارنامهٔ خود را در فوریه ۱۹۴۸ تقدیم دولت پاکستان نمود. بر طبق آمار رسمی در حدود ۲۲۵ هزار پاکستانی در آمریکا سکونت دارند، گرچه واقعیت حاکی از حضور حدود ۵۰۰ هزار پاکستانی در آمریکا است.

● سرمایه‌گذاری‌های مستقیم ایالات‌متحده در پاکستان:

آمریکا از سال ۱۹۸۸ مبلغی به میزان ۲/۷ میلیارد دلار در پاکستان سرمایه‌گذاری مستقیم نموده که بیشتر این سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه‌های تولید انرژی، بخش شیمیایی، کود، داروسازی و کالاهای مصرفی است.

مهم‌ترین کالاهای صادراتی پاکستان به ایالات‌متحده عبارت‌اند از: پارچه‌های کتانی، فرش و قالی، پوشاک، برنج، تجهیزات پزشکی، منسوجات و ماهی.

مهم‌ترین صادرات ایالات‌متحده به پاکستان عبارت‌اند از: گندم، روغن‌های حیوانی و گیاهی، کودشیمیایی، قطعات و ماشین‌آلات و محصولات شیمیایی.

---

1. M. A. H. Ispahani

2. Paul H. Alling

مهم‌ترین دیدارهای مسئولان دو کشور از یکدیگر:

● **دیدار مقامات ایالات‌متحده از پاکستان:**

ـ ژانویه سال ۲۰۰۰، دستیار وزیر امور خارجه، «کارل ایندروفورت».

ـ ژانویه ۲۰۰۰، هماهنگ‌کنندهٔ مقابله با تروریسم، «مایکل شیهان».

ـ ژانویه ۲۰۰۰، چهار عضو کنگره به سرپرستی، سناتور «تام داشل».

ـ ژانویه ۲۰۰۰، رئیس کمیتهٔ خاور نزدیک و شرق آسیای سنای ایالات‌متحده آمریکا، سناتور «براون بک».

ـ ژانویه ۲۰۰۰، سناتور «تیم جانسون».

ـ مارس ۲۰۰۰، رئیس‌جمهور، «بیل کلینتون».

ـ می ۲۰۰۰، مشاور امور سیاسی وزیر امور خارجه، «توماس پکرینگ».

ـ ژوئن ۲۰۰۰، نماینده کنگره، «جوزف پیت».

ـ ژوئیه ۲۰۰۰، نماینده کنگره، «دیوید بونیور».

ـ دسامبر ۲۰۰۰، نماینده کنگره، «میجر اونس».

ـ فوریه سال ۲۰۰۱، نماینده کنگره بونیور، «پیت و مک دورمونت».

● **دیدار مقامات پاکستانی از ایالات‌متحده**

ـ آوریل ۲۰۰۰، وزیر کشور پاکستان.

ـ آوریل ۲۰۰۰، وزیر دارایی پاکستان.

ـ آوریل ۲۰۰۰، مشاور امور ملی پاکستان.

ـ ژوئن ۲۰۰۰، وزیر امور خارجه پاکستان.

در سپتامبر ۲۰۰۰، وزیر امور خارجه پاکستان و رئیس اجرایی کشور، طی اجلاس هزاره سازمان ملل با مقامات ایالات‌متحده نیز دیدار کردند.

پاکستان و ایالات‌متحده آمریکا در طول تمامی سال‌های پس از تشکیل پاکستان، از روابطی نزدیک و دوستانه‌ای برخوردار بوده‌اند. در نیم قرن گذشته، این روابط در بحران‌های منطقه‌ای

نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده است. به‌رغم فراز و نشیب‌های روابط میان دو کشور، پاکستان همیشه آمریکا را حامی خود در مقابل اتحاد جماهیر شوروی سابق و هند دانسته و در مقابل ایالات متحده نیز به پاکستان همچون مانعی در برابر نفوذ کمونیسم و شوروی سابق می‌نگریست. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نگرش آمریکا به پاکستان، به منزلهٔ سدی در برابر شوروی تغییر نمود؛ اما بعد از اولین آزمایش هسته‌ای پاکستان، این کشور جایگاه خاصی در سیاست خارجی ایالات‌متحده باز نمود؛ در حال حاضر مهم‌ترین امور اختلاف برانگیز میان دولت آمریکا و پاکستان عبارت‌اند از:[۵۳]

- توسعه اقتصادی؛
- بهبود وضعیت حقوق بشر؛
- کنترل قاچاق مواد مخدر و تروریسم؛
- وجود گروه‌ها و فرقه‌های اسلام‌گرای افراطی در پاکستان.

همکاری‌های اقتصادی ایالات‌متحده آمریکا با پاکستان:

دولت آمریکا بیشترین همکاری اقتصادی خود با پاکستان را، در بخش‌های توسعه کشاورزی، کمک‌های غذایی، کنترل موادمخدر، بهداشت جمعیت، محیط زیست، علوم و تکنولوژی و آموزش متمرکز نموده است.

بررسی سیاست‌ها در خصوص هند

از زمان استقلال پاکستان تا به امروز، هند و پاکستان سه بار با یکدیگر وارد جنگ شده‌اند. هر دو کشور مجهز به سلاح‌های هسته‌ای بوده و این موضوع چشم‌انداز جدیدی را در روابط دو کشور به وجود آورده است. میان هند و پاکستان نوعی تعادل وحشت به‌وجود آمده است. افزون بر ایجاد تعادل وحشت، رقابت بسیار نزدیکی بین هند و پاکستان در سطح منطقه دیده می‌شود. در حقیقت از تأسیس پاکستان تاکنون نه هند و نه پاکستان هیچ‌یک خواستار براندازی

نظام سیاسی کشور مقابل نبوده تنها خواستار تحت فشار گذاردن یکدیگر در برخی زمینه‌ها بوده‌اند. این دو کشور فراز و نشیب‌های فراوانی را در طول سالیان در روابط خود دیده‌اند. هند یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده تأمین امنیت پاکستان است. این کشور از ظرفیت‌های به مراتب بیشتری نسبت به پاکستان برخوردار است به‌گونه‌ای که نمی‌توان ظرفیت‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، علمی این کشور را با پاکستان مقایسه نمود. تقریباً به تعداد پاکستانی‌های مقیم کشورهای خلیج‌فارس، افراد هندی نیز در این شیخ‌نشین‌ها اقامت دارند. یکی از تفاوت‌های بسیار مهم میان هند و پاکستان، نگرانی پاکستان از بابت پایدار ماندن پیوندهای امنیتی خارجی خود بوده در حالی‌که هند نگرانی خاصی ندارد. پاکستان به‌خوبی دریافته است که هند نه تنها قدرت برتر جنوب آسیا است بلکه در سطح این قاره نیز قدرتی است که نگرانی‌هایی را برای پاکستان به‌وجود می‌آورد. رقابت میان هند و پاکستان حتی در میان کشورهای مسلمان نیز دیده می‌شود. با این‌که پاکستان از مزیت دین مشترک با کشورهای مسلمان برخوردار است تقریباً تمامی کشورهای مسلمان به دلایلی متفاوت نگرش مثبت‌تری به هند دارند؛ بعضی‌ها معتقدند این نگرش مثبت ناشی از سیاست‌های عدم تعهد هند بوده است؛ اما واقعیت‌های موجود در توان دیپلماسی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی هند باعث می‌شود که این کشور جایگاهی مناسب‌تر را در میان کشورهای مسلمان به خود اختصاص دهد؛ اگرچه مسائل بسیاری میان دو کشور باعث منازعه و اختلاف بوده است، اما حساس‌ترین این منازعات از زمان استقلال پاکستان تاکنون در خصوص کشمیر صورت گرفته است. مسئلهٔ کشمیر در اول ژانویه ۱۹۴۸ در سازمان ملل متحد مطرح گردید و سازمان ملل متحد در این منطقه آتش‌بس اعلام نمود؛[۵٤] اما بخش‌های زیادی از کشمیر، تحت کنترل هند باقی ماند. از آن زمان تاکنون تلاش‌های بسیاری برای حل مناقشهٔ کشمیر از سوی بسیاری از شخصیت‌های دو کشور و سازمان ملل متحد صورت گرفت؛ از جمله در ژانویه ۱۹٦٦ نمایندگان هند و پاکستان در تاشکند اتحاد جماهیر شوروی سابق گرد هم آمدند و با یکدیگر ملاقات نموده و تصمیم گرفتند که برای حل مناقشهٔ کشمیر و دیگر اختلافاتشان، از راه‌های صلح‌آمیز استفاده نمایند.

به‌دنبال جنگ ۱۹۷۱ هند و پاکستان، رئیس‌جمهور پاکستان، «ذوالفقار علی بوتو» و نخست‌وزیر هند، «ایندیرا گاندی»، در ژوئیه ۱۹۷۲، در شهر «سیملا»، هند با همدیگر ملاقات نمودند. در این کنفرانس خط کنترل در کشمیر تعیین گردید. روابطی که به سمت بهبودی در حرکت بود، با آزمایش هسته‌ای هند در سال ۱۹۷٤، دوباره وارد دوران پرتنش گردید. در آوریل ۱۹۸٤ تنش‌های میان هند و پاکستان، به‌دنبال تقویت نیروها در مرز سیاهچن بین هند و پاکستان، اوج گرفت. بعد از این‌که «راجیو گاندی»، در نوامبر ۱۹۸٤ به نخست‌وزیری هند رسید، تنش‌ها به مقدار زیادی کاهش یافت. در دسامبر ۱۹۸۵ رئیس‌جمهور پاکستان، «ضیاءالحق» و نخست‌وزیر هند، «راجیو گاندی» تعهد نمودند که با تسلیحات هسته‌ای به یکدیگر حمله نکنند. این موافقت‌نامه که به‌طور رسمی به معاهدهٔ «NO ATTACK» معروف است، در ژانویه ۱۹۹۱ به امضا رسید. در اوایل سال ۱۹۸٦ دولت‌های هند و پاکستان مذاکراتی را در سطح عالی به‌منظور حل منازعهٔ مرزی Siachen Glacier آغاز کردند؛ اما دوباره تنش دوجانبه در اوایل دههٔ ۹۰ افزایش یافت؛ یعنی، زمانی که شبه‌نظامیان کشمیری، به یک سلسله عملیات خشونت‌آمیز علیه حاکمیت و اقتدار دولت دهلی نو در جامو و کشمیر اقدام نمودند.

بعد از آغاز تنش ناشی از عملیات شبه‌نظامیان کشمیری، نشست‌های دوجانبه در سطح عالی تنش‌ها را تا حدودی تخفیف داد؛ اما روابط به‌دنبال تخریب مسجد AYODHYA به‌دست هندوهای افراطی در دسامبر ۱۹۹۲، و بمب‌گذاری تروریستی در بمبئی در مارس ۱۹۹۳، روابط دوجانبه را تیره‌تر و وخیم‌تر نمود. مذاکرات میان وزرای امور خارجه هر دو کشور در ژانویه ۱۹۹٤ با بن‌بست روبه‌رو گردید. در چند سال اخیر روابط دوجانبه هند و پاکستان در حالتی نوسان‌آمیز میان آشتی و منازعه قرار داشته است. بعد از به قدرت رسیدن نواز شریف، وی حرکتی را به‌منظور آغاز گفت‌وگوها با هند شروع نمود. این روابط در فوریه ۱۹۹۹، یعنی هنگامی‌که «آتل بیهاری واجپایی» نخست‌وزیر هند به لاهور سفر نمود، بهبود چشمگیری یافت. این سفر در ذهن ناظران سیاسی به‌اندازه‌ای امیدوارکننده می‌نمود که آن اجلاس می‌توانست به موفقیتی چشمگیر دست یابد؛ اما متأسفانه در بهار ۱۹۹۹ دوباره کشمیر

و خط کنترل در این منطقه آغاز کنندهٔ تنش دیگری گردید. به‌دنبال اجلاسی میان «نواز شریف» و «بیل کلینتون»، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، نیروهای هر دو طرف از خط کنترل عقب‌نشینی نمودند؛ اما این روابط فرسوده ـ شکننده و ضعیف میان هند و پاکستان تا دوازدهم اکتبر ۱۹۹۹، یعنی کودتای ژنرال پرویز مشرف در اسلام‌آباد ادامه یافت. از آن زمان تاکنون هنوز کشمیر اصلی‌ترین مسئله مناقشه‌آمیز میان دو کشور باقی مانده است؛ گرچه در طی چند سال اخیر، هند شدیداً به عملیات گروه‌های افراطی و تندروی مذهبی که در کشمیر و یا حتی در داخل خود هندوستان علیه حاکمیت دهلی دست به عملیات نظامی می‌زنند، معترض بوده است. عملیات نظامی صورت گرفته از طرف این گروه‌های شبه‌نظامی در همین اواخر نزدیک بود که هند و پاکستان را دوباره به سمت یک درگیری نظامی سوق دهد. در سیزدهم دسامبر سال ۲۰۰۱ دو گروه شبه‌نظامی ـ که از حمایت پاکستان برخوردار بودند ـ به نام‌های «جیش محمد» و «لشکر طیبه»، در حمله به ساختمان پارلمان هند دست به یک اقدام انتحاری زدند. البته مقامات هندی بر این باورند که این گروه‌های شبه‌نظامی، با کمک سازمان جاسوسی پاکستان دست به این حمله زدند؛ [۶] اما نکته درخور توجه در روابط این دو کشور این است که حتی در اوج بحران نیز مقامات هند و پاکستان از خود به شدت خویشتن‌داری نشان می‌دهند. به‌گونه‌ای‌که نخست‌وزیر هند «آتل بیهاری واجپایی» در یک سخنرانی عمومی اظهار داشت:

«ما جنگ نمی‌خواهیم؛ اما اگر جنگ به ما تحمیل شود، ما آن را خواهیم پذیرفت.» [۷]

مطمئناً روابط هند و پاکستان در آینده نیز حول محور مسئلهٔ کشمیر خواهد چرخید. منطقهٔ کشمیر خود به سه بخش تقسیم می‌گردد:

۱. جامو؛

۲. لاواخ؛

۳. کشمیر.

۷۰٪ جمعیت کشمیر مسلمان بوده و بقیه شامل هندوها، سیک‌ها و بودائیست‌ها هستند. [۵۵] ایالت جامو و کشمیر، هشتاد و چهار هزار مایل مربع مساحت دارد و از سه منطقه و

بخش تشکیل شده که عبارت‌اند از: کشمیر، جامو و بخش‌های مرزی. این سرزمین رویایی که تاکنون سه جنگ را در خصوص خویش شاهد بوده در نهایت به‌رغم سه قطعنامه‌ای که شورای امنیت درباره آن صادر کرده، هنوز نقطهٔ بحران روابط هند و پاکستان به‌شمار می‌رود.

این سه قطعنامه عبارت‌اند از: [۵۶]

قطعنامه شماره چهل و هفت صادره در بیست و یکم آوریل ۱۹۴۸.

قطعنامه شماره نود و یک صادره در سی‌ام مارس ۱۹۵۱.

قطعنامه شماره دویست و نه صادره در ششم سپتامبر ۱۹۶۵.



(۵۷)

• روابط تجاری

روابط میان هند و پاکستان، هنگامی که با بن‌بست سیاسی روبه‌رو می‌شود، از طریق

مذاکرات اقتصادی و همکاری‌های تجاری، دوباره فعال می‌گردد. تجارت دوجانبه میان هند و پاکستان، حداقل یک درصد تجارت جهانی آنان است. تجارت هند و پاکستان از سال ۱۹۹۶ بدین شرح است: (خاطرنشان می‌شود که مبالغ به ده میلیون روپیه ذکر شده است.)[۵۸]

سال	صادرات به پاکستان	واردات از پاکستان	موازنه تجاری	جمع تجارت
۱۹۹۵ _ ۹۶	۲۵۷/۰۰	۱۵۰/۰۹	۱۰۶/۹۱-	۴۰۷/۰۹
۱۹۹۶ _ ۹۷	۵۵۷/۸۳	۱۲۹/۵۵	۴۲۸/۲۸-	۶۸۷/۳۸
۱۹۹۷ _ ۹۸	۵۳۷/۸۳	۱۳۹/۶۸	۳۹۸/۱۵-	۶۷۷/۵۱
۱۹۹۸ _ ۹۹	۴۶۵/۹۹	۸۹۱/۸۵	۴۲۵/۸۶+	۱۳۵۷/۸۴
۱۹۹۹ _ ۲۰۰۰	۴۰۵/۳۵	۲۹۶/۷۴	۱۰۸/۶۱-	۷۰۲/۰۹

تجارت میان هند و پاکستان در طول سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰، تنها در حدود ۲۲ درصد تجارت جهانی هند را شامل شده است.

یکی از آخرین مذاکرات تکنیکی میان دو کشور، طرح راه‌آهنی است که هند به پاکستان عرضه کرده‌است.

بر طبق آخرین آمار، واردات و صادرات هند از پاکستان به این شرح است:[۵۹]

	۱۹۹۹_۲۰۰۰	۲۰۰۰_۲۰۰۱	۲۰۰۱_۲۰۰۲
واردات	۲۹۵/۵۹ میلیون روپیه	۲۹۹/۴۵ میلیون روپیه	۱۵۰/۷۹ میلیون روپیه
صادرات	۴۰۲/۷۲ میلیون روپیه	۸۴۸/۴۱ میلیون روپیه	۴۳۲/۳۱ میلیون روپیه

اختلاف دو کشور بر سر جامو و کشمیر بیشترین تأثیر را در روابط هند و پاکستان داشته است. تا کنون سه جنگ میان این دو کشور بر سر این منطقه در گرفته است که آخرین آن‌ها در سال ۱۹۷۱ رخ داد. طبق قرارداد هفدهم دسامبر ۱۹۷۱، بر

خط کنترلی جامو و کشمیر ـ که از سال ۱۹۴۸ با دخالت سازمان ملل ایجاد شده بود ـ تأکید گردید. در حال حاضر این خط آتش‌بس، مهم‌ترین عامل برای درگیری‌های مرزی گردیده است. در سال ۱۹۹۰ روابط هند و پاکستان به پایین‌ترین سطح خود رسید. به‌دنبال این جنگ، حکومت هندوستان به منظور جلوگیری از فروپاشی اقتصادی خود و تأثیرات ناشی از عوارض جنگ بر روی نفت، تمامی تلاش خود را روی گفت‌وگو به جای جنگ مبذول داشت. به‌دنبال فروپاشی رژیم «نجیب‌الله» در افغانستان، مجاهدین افغانی شروع به مهاجرت به سمت کشمیر کردند. طبق آمار غیررسمی سال ۱۹۹۵، تخمین زده شده که تعداد این مهاجران در حدود هزار نفر در منطقه کشمیر بوده است.[۶۰] این گروه به اضافه سایر گروه‌های هوادار پاکستان مانند «الدار» و «العمر»، همچون اهرمی در دست پاکستان در منطقه کشمیر شدند. در حقیقت از آن زمان تا کنون جامو و کشمیر و منازعه آن، یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیت خارجی گردیده و سه سند میان دو کشور دربارهٔ منازعات موجود به امضا رسیده‌است، سال ۱۹۹۹ دوباره سرآغازی برای منازعه در کشمیر بود، از فوریه ۱۹۹۹ به شدت عدم وجود گفت‌وگو به جای تهدیدها حس می‌شد؛ زیرا دیگر جهان می‌دانست، پاکستان نیز می‌تواند هند را با تهدید هسته‌ای مواجه کند. پنجاه سال درگیری و خستگی ناشی از آن باعث گردیده تا کشمیر که نسل جدیدی را در خود پرورانده است، آرزومند حل مسالمت‌آمیز این مسئله گردد. طبق آمار موجود در جنگ کارگیل میان دو کشور، چهل و پنج هزار نفر نیروی نظامی پاکستانی و یک‌صد و ده هزار نیروی هندی، چهارصد و سی فروند جت جنگی پاکستان و دویست و هفتاد فروند جنگنده هندی شرکت داشتند.

تحلیل‌گران بر این باورند که اختلاف درخصوص کشمیر، میان دو کشور بسیار زیاد است؛ اما هر دو کشور عمیقاً به عدم آغاز جنگ تمام عیار با یکدیگر تمایل دارند و در تمامی پنجاه سال گذشته اثبات گردیده که سیاست در پیش گرفته شده از سوی هند و پاکستان، تنها در موارد محدودی با جنگ همراه بوده است.

بررسی سیاست‌ها در خصوص چین

روابط دیپلماتیک میان دو کشور چین و پاکستان، در بیست و یکم می ۱۹۵۱ آغاز گردید. اتباع پاکستانی که به مدت طولانی ساکن چین بوده‌اند را می‌توان تنها در حدود سیصد تن برآورد نمود که شامل: کارمندان سفارت، دانشجویان پاکستانی، کارمندان خطوط هوایی بین‌المللی پاکستان (PIA) و نمایندگان بانک ملی پاکستان هستند.(۶۱)

مهم‌ترین صادرات پاکستان به چین عبارت‌اند از: کتان خام، الیاف کتانی و پشمی، نخ‌های کتانی، محصولات نفتی، چرم، سبزیجات و الیاف مصنوعی.

مهم‌ترین واردات پاکستان از چین عبارت‌اند از: ماشین‌آلات و قطعات، مصنوعات فلزی، شکر، چای و کاغذ.

بر پایه آمارها (۲۰۰۰ـ۱۹۹۹)، مبادلات تجاری چین و پاکستان ـ که هنگ‌کنگ نیز در آن محسوب گشته ـ بالغ بر ۱/۲۷۷ میلیارد دلار آمریکا است که در این میان سهم صادرات پاکستان به چین: ۷۰۵/۲۳۴ میلیون دلار و واردات پاکستان از چین: ۵۲۱/۳۷۷ میلیون دلار بوده است.

- **سرمایه‌گذاری مستقیم چین در پاکستان:**

چند شرکت چینی، دویست و هجده پروژه به ارزش بالغ بر ۴/۱۲۳ میلیارد دلار در پاکستان، آغاز نموده‌اند.(۶۲)

این سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌هایی مانند: ساخت ایستگاه‌های برقی ـ آبی همانند پروژه «چشمه»، بزرگراه‌ها و ساخت جاده صورت گرفته است. شرکت‌های چینی در پروژه‌های یادشده، هفتصد و پنجاه میلیون دلار سرمایه‌گذاری نموده‌اند. از دویست و هجده پروژه سرمایه‌گذاری شدهٔ چینی‌ها، یک‌صد و شصت و یک مورد از آن‌ها کامل گردیده و پنجاه و هفت مورد دیگر در دست ساخت است.

● سیاست پاکستان در قبال جمهوری خلق چین:

پاکستان در تمامی ابعاد (اقتصادی ـ نظامی و سیاسی) روابط گسترده‌ای با چین دارد به‌خصوص در مسائلی که مربوط به حاکمیت و یکپارچگی ارضی چین می‌گردد و همیشه از چین حمایت نموده است. پاکستان در تجهیز نیروی نظامی خود، بارها از تکنولوژی چینی بهره برده است. این دو کشور در موضوعات خاصی همانند اصلاحات در سازمان ملل، خلع سلاح و عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای با یکدیگر همکاری دارند.

● همکاری‌های اقتصادی چین و پاکستان:

همکاری‌های تکنیکی این دو کشور در حدود ۱/۵۶۸ میلیارد دلار تخمین زده شده است. این دو کشور افزون بر تبادلات اقتصادی چشمگیری که با یکدیگر دارند، از مبادلات فرهنگی در خور توجهی نیز برخوردار بوده‌اند. در سال ۱۹۶۵ موافقت‌نامه فرهنگی میان دو کشور منعقد گردید. در این موافقت‌نامهٔ فرهنگی، مسائل جوانان، مذهبی، رسانه‌های خبری، ورزش، آموزش و پرورش و هنر درنظر قرار گرفته بود. آخرین قرارداد فرهنگی میان دو کشور در دسامبر ۱۹۹۵ امضا گردید و در ژوئن ۱۹۹۹ چین و پاکستان، توافق‌نامه‌ای را مبنی بر تسهیل همکاری رسانه‌ای میان خود امضا نمودند. به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس روابط دیپلماتیک میان دو کشور، فعالیت‌های جدی فرهنگی در تمامی سطوح صورت گرفت. با توجه به برنامهٔ مبادلات فرهنگی، دولت چین سالانه ۲۲ بورسیه تحصیلی به دانشجویان پاکستانی (۵ بورسیه در سطح دکترا، ۱۲ بورسیه در سطح فوق لیسانس و ۵ بورسیه برای تحصیل در زبان چینی) اعطا می‌نماید. در مقابل دولت پاکستان نیز ۶ بورسیه تحصیلی برای دانشجویان چینی در نظر گرفته است. دانشگاه بین‌المللی اسلامی اسلام‌آباد نیز ۶ بورسیهٔ تحصیلی برای دانشجویان مسلمان چینی در نظر گرفته است.

مهم‌ترین دیدارهای مقامات دو کشور:

- **دیدار مقامات پاکستانی از جمهوری خلق چین:**

ـ ۱۹۹۰، رئیس‌جمهور، «غلام اسحاق‌خان».

ـ ۱۹۹۱، نخست‌وزیر، «محمد نوازشریف».

ـ ۱۹۹۲، نخست‌وزیر، «محمد نوازشریف».

ـ ۱۹۹۳، نخست‌وزیر «بی‌نظیر بوتو».

ـ ۱۹۹٤، رئیس‌جمهور، «فاروق احمدخان لغاری».

ـ ۱۹۹۵وزیر امور خارجه، «سردار آصف‌احمدعلی».

ـ ۱۹۹۵، نخست‌وزیر، «بی‌نظیر بوتو».

ـ ۱۹۹۷، رئیس‌جمهور، «فاروق احمدخان لغاری».

ـ ۱۹۹۷، وزیر امور خارجه «گوهر ایوب‌خان».

ـ ۱۹۹۸، نخست‌وزیر «محمد نوازشریف».

ـ ۱۹۹۹، وزیر امور خارجه، «سرتاج عزیز».

ـ ۲۰۰۰، ریاست اجرایی، «ژنرال پرویز مشرف».

- **دیدار مقامات چینی از پاکستان:**

ـ ۱۹۹۱، رئیس‌جمهور، «یانگ شانگ‌کان» (Yang Shangkun).

ـ ۱۹۹٤، وزیر امور خارجه، «چیان کایچن» (Qian Qichen).

ـ ۱۹۹٦، رئیس‌جمهور، «جیانگ زمین» (Jiang Zemin).

ـ ۲۰۰۰، وزیر امور خارجه، «تانگ جاشوان» (Tang Jaxuan).

بررسی سیاست‌ها در خصوص ژاپن

روابط سیاسی بین این دو کشور، در ۲۸ آوریل ۱۹۵۲ برقرار گردید. بر طبق آمار

(۱۹۹۹ـ۲۰۰۰) تجارت پاکستان با ژاپن بدین شرح است:

صادرات پاکستان به ژاپن: ۲٦۷/۵ میلیون دلار؛

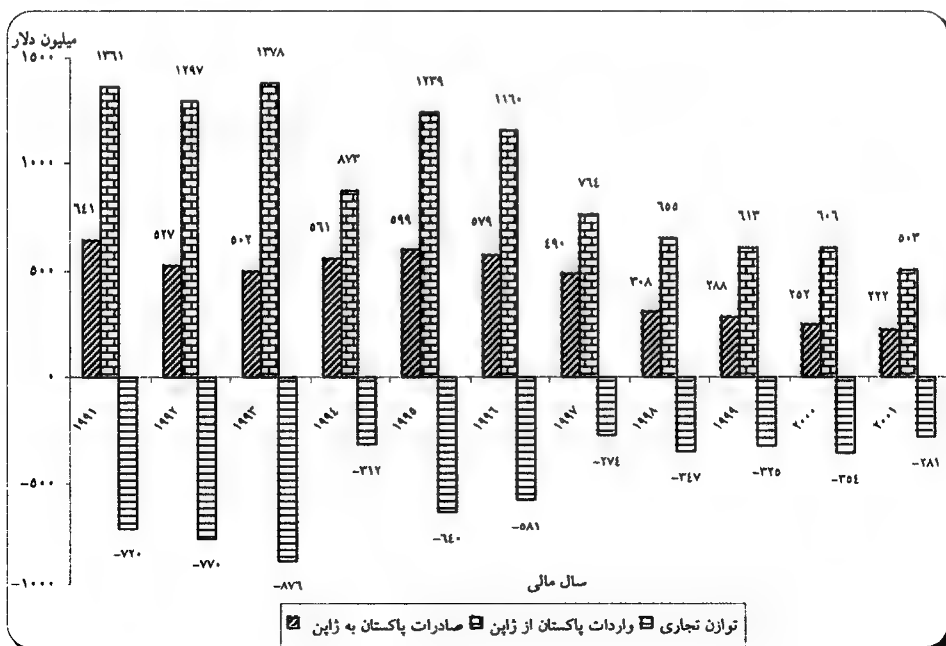
واردات پاکستان از ژاپن: ٦۵۰ میلیون دلار.

مهم‌ترین اقلام صادراتی پاکستان به ژاپن عبارت‌اند از: کتان، نخهای کتانی، فرش و قالی، میگو و چرم.

مهم‌ترین اقلام وارداتی پاکستان از ژاپن عبارت‌اند از: ماشین‌آلات، وسایل الکتریکی، اتومبیل، منسوجات و محصولات شیمیایی.

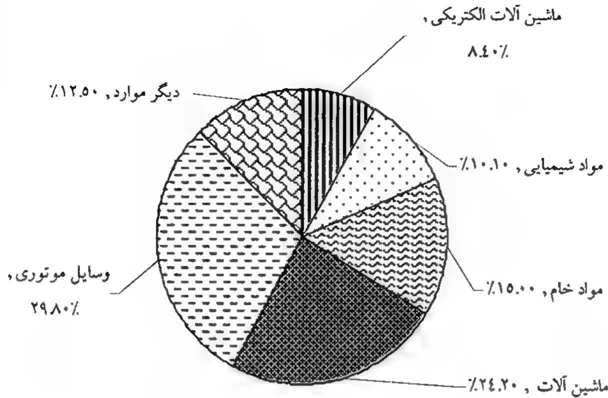
ژاپن در سال ۱۹۹۹، ۵۲ میلیون دلار سرمایه‌گذاری مستقیم در پاکستان نموده است.[٦۳]

نمودار مبادلات بازرگانی ژاپن ـ پاکستان

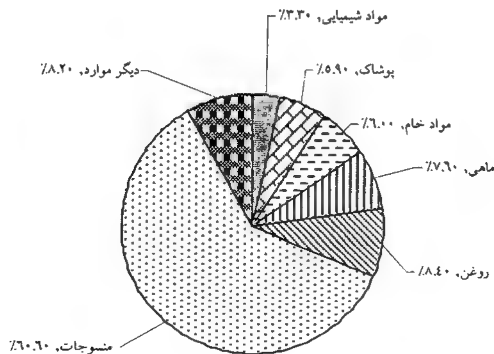


منبع: JETRO

واردات پاکستان از ژاپن در سال ۲۰۰۰



صادرات پاکستان به ژاپن در سال ۲۰۰۰



سیاست پاکستان در قبال ژاپن:

بلافاصله بعد از برقراری دیپلماتیک میان دو کشور ژاپن کمک‌های اقتصادی خود را به پاکستان آغاز نمود. دو سال بعد از آن یعنی در سال ۱۹۵٤ باب همکاری‌های توسعه‌ای و

تکنیکی ژاپن با پاکستان باز شد. از آن زمان تاکنون ژاپن یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری پاکستان در آسیا محسوب می‌شود و به دلیل روابط اقتصادی بسیار نزدیکی که با یکدیگر دارند، در بسیاری از مسائل بین‌المللی نیز مواضعی یکسان اتخاذ می‌نمایند. قبل از آغاز تحریم‌های اقتصادی در ۱۹۹۸ علیه پاکستان، همکاری‌های اقتصادی ژاپن و پاکستان در چارچوب کنسرسیومی بود که از سال ۱۹۶۱ در روابط تجاری این دو کشور وجود داشت. این دو کشور در سال ۱۹۵۷ نخستین موافقت‌نامه فرهنگی را به امضا رساندند. مهم‌ترین حوزه‌های کمک ژاپن به پاکستان تقویت بخش اجتماعی، زیرساختارهای اقتصادی و بهبود محصولات کشاورزی است.

به نوعی مهم‌ترین تحول صورت گرفته بین ژاپن و پاکستان، به دوران حکومت ژنرال پرویز مشرف باز می‌گردد. بلافاصله بعد از تغییر حکومت در پاکستان، در تاریخ بیست و ششم و بیست و هفتم اکتبر سال ۱۹۹۹، آقای «یاماتو» وزیر امور خارجه ژاپن، از اسلام‌آباد دیدار کرد. این دیدار به منظور متقاعد ساختن پاکستان برای امضای قرارداد CTBT صورت گرفت.

یکی دیگر از تحولات در روابط این دو کشور، تأسیس مجمع تجاری ژاپن و پاکستان در فوریه ۲۰۰۱ است. این مجمع به منظور افزایش اعتماد در روابط تجاری و اقتصادی موجود میان دو کشور، طی دیدار «آکیرا واتاری»، رئیس کمیتهٔ همکاری تجاری ژاپن و پاکستان (JPBCCP)[64]) آغاز به کار نمود. در مارس سال ۲۰۰۱ «عبدالستار»، وزیر امور خارجه وقت پاکستان از توکیو دیدن کرد.

مهم‌ترین دیدارهای مقامات دو کشور از یکدیگر:

- **دیدار مقامات پاکستانی از ژاپن:**

ـ ۱۹۹۰، رئیس‌جمهور، «غلام اسحاق‌خان».

ـ ۱۹۹۲، نخست‌وزیر، «محمد نواز شریف».

ـ ۱۹۹۶، نخست‌وزیر، «بی‌نظیر بوتو».

ـ ۱۹۹۸، وزیر امور خارجه، «گوهر ایوب‌خان».

ـ ۱۹۹۸، وزیر امور خارجه، «سرتاج عزیز».

ـ ۲۰۰۱، وزیر امور خارجه، «عبدالستار».

● **دیدار مقامات ژاپنی از پاکستان**

ـ ۱۹۹۰، نخست‌وزیر، «توشیکو کایفو».

ـ ۱۹۹۷، وزیر امور خارجه، «یوکی‌هیکو اوکیدا».

ـ ۲۰۰۱ نخست‌وزیر «یوشیرو موری».

بررسی سیاست‌ها در خصوص جمهوری اسلامی ایران

● **سیاست پاکستان نسبت به جمهوری اسلامی ایران:**

روابط دو کشور، در اوت سال ۱۹۴۷ برقرار گردید، از آن روز تاکنون دولتمردان پاکستانی معتقدند که ایران همسایه‌ای مهم و ژئواستراتژیک است. مردم ایران و پاکستان از دین مشترکی برخوردارند و همین مسئله خود عنصر کلیدی در سیاست خارجی پاکستان در قبال ایران است. گرچه پاکستان به حفظ و نگهداری روابط دوستانه و صمیمی با ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای امنیت منطقه و خود می‌نگرد اما بارها عملکرد این کشور منافع ملی ایران را به چالش کشیده و یا به مخاطره انداخته است. این دو کشور در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی مختلفی با هم همکاری دارند؛ همچنین در سازمان‌های چندجانبه نیز تشریک مساعی می‌نمایند. از جمله در سازمان ECO، D-8 و OIC، همکاری میان دو کشور بیشتر به چشم می‌خورد؛ اما به‌رغم همکاری در بسیاری موارد، ایران و پاکستان دیدگاه‌های متفاوتی دربارهٔ مسائلی همچون افغانستان، سلاح هسته‌ای و قاچاق مواد مخدر از آن کشور به ایران دارند. همکاری میان دو کشور در حوزه‌های گوناگونی مانند: تجارت و بازرگانی، علوم و تکنولوژی، مسائل دفاعی، هنر و فرهنگ، جهانگردی و گردشگری،

ارتباطات، نفت و گاز و ... به چشم می‌خورد. کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و پاکستان (JEC)[1] تا کنون ۱۱ نشست کاری تشکیل داده است.

تجارت میان ایران و پاکستان از سال ۱۹۹٦ تا سال ۲۰۰۰ بدین شرح است:(٦٥)

(میلیون دلار)

سال	صادرات پاکستان به ایران	واردات پاکستان از ایران	توازن تجاری
۱۹۹٦ _ ۹۷	۱۵/۹۰	۲۸۵/۹۰	(ـ) ۲۷۰/۰
۱۹۹۷ _ ۹۸	۲۳/۵۳	۱۵۷/۹۰	(ـ) ۱۳٤/۳۷
۱۹۹۸ _ ۹۹	۱۱/۳۱	۷۷/۹۹	(ـ) ٦٦/٦۸
۱۹۹۹ _ ۲۰۰۰	۱۱/٤۸	۱۳۰/۲۸	(ـ) ۱۱۸/۸۰

مهم‌ترین و بیشترین صادرات پاکستان به ایران عبارت‌اند از: برنج، نخ، الیاف مصنوعی و کاغذ. اهم اقلام وارداتی پاکستان از ایران نیز شامل: نفت و محصولات نفتی، میوه‌جات و سبزیجات، سنگ‌های معدنی و چدن، آهن و کتان است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، توازن تجاری به نفع ایران است.

- **تحلیل روابط اخیر:**

ژنرال پرویز مشرف، بلافاصله بعد از به دست گرفتن قدرت در پاکستان در دسامبر ۱۹۹۹، از ایران دیدار به عمل آورد. وی دوباره در ژوئن سال ۲۰۰۰ در هنگام نشست سازمان ECO به ایران سفر کرد. در آوریل ۲۰۰۱، دکتر «حسن روحانی»، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران نیز از پاکستان دیدن نمود. بعد از کودتای نظامی ژنرال مشرف، تحولات مهمی به‌خصوص در حوزه تجارت و اقتصاد، میان دو کشور صورت گرفته است. در طول دیدار ژنرال مشرف از

---

1. Pakistan-Iran Joint Economic Commision (JEC)

ایران در دسامبر ۱۹۹۹، پاکستان تمایل خویش را مبنی بر توسعهٔ طرح خط لولهٔ گاز ایران ـ پاکستان به هند اعلام نمود. در این طرح ۲٦٧۰ کیلومتر خط لوله، با سرمایه‌ای بالغ بر ۵ میلیارد دلار، همچنین انتقال ۱۰۰۰ میلیون متر مکعب گاز به پاکستان پیش‌بینی شده بود. از مهم‌ترین دیدارهای اقتصادی دیگر، میان دو کشور، دیدار ١٦ عضو اتاق بازرگانی صنایع معادن ایران از کراچی، در ژانویه ۲۰۰۱ بود. برخی از تصمیمات مهم گرفته شده در نشست این گروه با شورای متحد تجاری ایران و پاکستان (JBC)[1] بدین شرح است:

- توافق مبنی بر تأسیس کمیتهٔ حل اختلافات تجاری ایران و پاکستان در خصوص اختلافات تجاری که ممکن است در معاهدات آینده پیش آید.
- مقامات ایرانی، همتایان پاکستانی خود را برای برگزاری یک نمایشگاه مختص به پاکستان، مطلع خواهند نمود.
- تأسیس یک نیروی ضربتی برای ارزیابی سطح قاچاق مواد مخدر از طریق مرز ایران و پاکستان و اقداماتی به منظور کنترل آن.
- دو کشور اقداماتی را در نظر خواهند گرفت که بتوانند از آن طریق موافقت‌نامه‌های تبادل کالا را اجرا کنند.

تبادلات فرهنگی:

مبادلات فرهنگی میان ایران و پاکستان از سابقهٔ طولانی برخوردار است، که به مارس ۱۹٥٦ ـ یعنی هنگامی که دو کشور موافقت‌نامه‌ای فرهنگی امضا نمودند ـ برمی‌گردد. طبق این موافقت‌نامه چندین برنامهٔ تبادل فرهنگی به امضا رسید که آخرین آن‌ها برای سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ پیش‌بینی شده بود.

طی سال‌های اخیر، برگزاری کنفرانس «علامه اقبال لاهوری» در ٢٤ فوریه ۲۰۰۱ در مؤسسه مطالعات بین‌المللی و سیاسی تهران، از مهم‌ترین تبادلات فرهنگی دو کشور محسوب می‌گردد.

1. Joint Business Council (JBC)

کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و پاکستان:

روابط اقتصادی ایران و پاکستان از سوی کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور که در سال ۱۹۸۶ تأسیس گردید، اداره می‌شود. این کمیسیون در قالب و چارچوبی مفید سعی در بهبود و ارتقای همکاری‌های تجاری و اقتصادی میان دو کشور دارد. افزون بر آن، این کمیسیون هر چند وقت یک‌بار، نماینده‌ای از دو کشور برای اتخاذ تصمیمات گوناگون انتخاب می‌کند. یازدهمین نشست کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و پاکستان در مارس ۱۹۹۹ در اسلام‌آباد برگزار گردید. هماهنگ‌کنندگان کمیسیون مشترک ایران و پاکستان، از ۲۶ تا ۲۸ آوریل به منظور بازنگری در خصوص تصمیماتی که باید در یازدهمین نشست این کمیسیون گرفته شود، گردهم آمدند.

مهم‌ترین دیدارهای مقامات دو کشور از یکدیگر (از سال ۱۹۹۰):

- **دیدارهای مسئولان پاکستانی از ایران:**

ـ ۱۹۹۱، رئیس‌جمهور، «غلام اسحاق‌خان».

ـ ۱۹۹۳، نخست‌وزیر، «بی‌نظیر بوتو».

ـ ۱۹۹٤، رئیس‌جمهور، «فاروق احمدخان لغاری».

ـ ۱۹۹۵، نخست‌وزیر، «بی‌نظیر بوتو».

ـ ۱۹۹٦، رئیس‌جمهور، «فاروق احمدخان لغاری».

ـ ۱۹۹۷، نخست‌وزیر، «محمد نواز شریف».

ـ ۱۹۹۸، وزیر امور خارجه، «سرتاج عزیز».

ـ ۱۹۹۹، ریاست اجرایی، «ژنرال پرویز مشرف».

ـ ۲۰۰۰ ریاست اجرایی، «ژنرال پرویز مشرف».

- **دیدار مسئولان ایرانی از پاکستان**

ـ ۱۹۹۲، رئیس‌جمهور، «هاشمی رفسنجانی».

ـ ۱۹۹۵، رئیس‌جمهور، «هاشمی رفسنجانی».

ـ ۱۹۹۶، وزیر امور خارجه، «علی‌اکبر ولایتی».

ـ ۱۹۹۷، رئیس‌جمهور، «هاشمی رفسنجانی».

ـ ۱۹۹۷، وزیر امور خارجه، «علی‌اکبر ولایتی».

ـ ۱۹۹۸، وزیر امور خارجه، «دکتر کمال خرازی».

ایران اولین کشوری بود که پس از استقلال پاکستان، این کشور را به رسمیت شناخت.

پاکستان نیز بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۹، جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت. طی پیمانی که در سال ۱۹٦۵ به امضا رسید موافقت‌نامهٔ تجارت مرزی میان پاکستان و ایران پدید آمد. بر پایه این موافقت‌نامه تجارت مرزی، سی و دو مورد کالا از پاکستان به ایران و بیست و دو مورد کالا از ایران به پاکستان می‌تواند تبادل گردد.

این دو کشور در نهادهایی از قبیل سازمان ملل، سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی، D-8 و اکو با یکدیگر همکاری دارند. در ژوئن سال ۱۹۹۵، ایران و پاکستان توافقی را برای گسترش خطوط شوسه و راه‌آهن به امضا رساندند. طی این موافقت‌نامه، نهصد و پنجاه کیلومتر راه سبب خواهد شد که بندر چابهار به بندر کراچی پاکستان وصل گردد.[٦٦]

در آخرین اجلاس کمیسیون مشترک دو کشور، توافق شد که راه‌آهن کویته ـ زاهدان بازسازی شود؛ همچنین طی شش مرحله این خط راه‌آهن از زاهدان به کرمان کشیده خواهد شد. در طول مذاکرات، دو طرف موافقت نمودند که پنج بازار مشترک در مسیر جاوه ـ ریمدان ـ پیشن و سراوان تأسیس نمایند؛ همچنین توافقی مبنی بر خرید هزار بولدوزر از ایران صورت گرفت.

از بدو تأسیس پاکستان تا امروز، همیشه مناسبات ایران و پاکستان تحت تأثیر معادله‌ای قرار داشته است که هند در آن مهم‌ترین مفروض شناخته می‌شود. افغانستان نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های تعیین مناسبات ایران و پاکستان بوده و خواهد بود. به نظر می‌رسد که ایران همیشه بر سر دوراهی انتخاب پاکستان یا هند قرار داشته است؛ و در مقابل پاکستان به دلیل همسایگی

خود با هندوستان و مشکلاتی که با این کشور دارد همواره برای همزیستی مسالمت‌آمیز با هر رژیمی در ایران تلاش نموده است؛ گرچه در بسیاری موارد در باطن، ظاهر زیبای این همزیستی، خطرات بالقوهٔ بسیاری را نیز برای منافع ملی ایران به وجود آورده، در حالی‌که تجربه نشان داده که بسیار دور از ذهن است تهران، سیاست‌هایی را اتخاذ نماید که منافع پاکستان را به طور جدی و مستقیم به خطر اندازد و تنها در این صورت خواهد بود که روند طولانی همزیستی مسالمت‌آمیز این دو کشور، با تنش روبه‌رو خواهد شد. در واقع به رغم تضادهای پاکستان و ایران در سیاست‌های خود در خصوص مواردی همچون طالبان، ایران هرگز در صدد به خطر انداختن منافع ملی پاکستان برنیامد.

پاکستان نیز با وجود شباهت‌های بسیار زیاد میان مردم استان سیستان و بلوچستان ایران با فرهنگ مردم آن کشور، از این موقعیت برای به خطر انداختن ثبات و امنیت داخلی ایران استفاده جدی نکرده است. ایران برای پاکستان نوعی موازنه بسیار سنگین در قبال هندوستان است و تمامی رژیم‌های حاکم بر پاکستان، گرچه مطلعند که به راحتی می‌توانند از مسئلهٔ بلوچستان به نفع خود بهره‌برداری کنند؛ اما آگاهند که در آن صورت از موازنهٔ حمایت ایران از این کشور در قبال هند محروم خواهند شد. یکی دیگر از مسائلی که به شدت می‌توانست بر روابط ایران و پاکستان تأثیر گذارد، افغانستان و رژیم طالبان حاکم بر آن بود. مسئلهٔ افغانستان باعث گردید که ایران دوباره خود را بر سر دوراهی دیگری ببیند، با توجه به واقعیت‌های قومی و فرهنگی مشابه میان پاکستان و افغانستان، طبیعی به‌نظر می‌رسید که پاکستان با یک رژیم اسلامی که سیاست‌های هماهنگ با سیاست‌های اسلام‌آباد داشته باشد، همخوانی فزون‌تری داشته باشد؛ اما از طرف مقابل، دولت ایران نیز گرچه از روی کار آمدن حکومت مذهبی در کابل ناخرسند نمی‌گشت؛ می‌دانست که شکل‌گیری یک حکومت مذهبی در افغانستان بر پایه مذهب شیعه نخواهد بود؛ از این‌رو، به‌نظر می‌رسد که وجود یک حکومت میانه‌رو در پاکستان به نفع ثبات و امنیت ایران خواهد بود. همزیستی مسالمت‌آمیز ایران و پاکستان بسیار کم تحت تأثیر مسائل پیش آمده قرار گرفته است. تهدیدآمیزترین حرکتی که تاکنون پاکستان در سطح

منطقه صورت داده، آزمایش هسته‌ای این کشور در سال ۱۹۹۸ بوده است.

گسترش سلاح‌های هسته‌ای در همسایگی هر کشوری، خطر نگران‌کننده‌ای برای منافع ملی آن کشور محسوب می‌گردد؛ اما ایران هیچ‌گاه عکس‌العملی مبنی بر احساس وجود چنین خطری در همسایگی خود از خویش نشان نداده است. البته غیرمنطقی خواهد بود که بخواهیم وجود سلاح‌های هسته‌ای و تکثیر آن‌ها را تا آینده درخور پیش‌بینی به‌منزله یکی از واقعیات زندگی امروز نادیده بگیریم؛ اما طبق تئوری‌های روابط بین‌الملل، برای حفظ امنیت و ثبات یک کشور با همسایه‌اش باید موازنه نظامی، لااقل در سطح نزدیک وجود داشته باشد، و بسیار جالب است که ایران این اصل را نادیده گرفته است. چنانچه بخواهیم آینده روابط ایران و پاکستان و چگونگی برخورد این دو کشور در عرصه سیاسی نسبت به آینده را بررسی نماییم باید قبل از هر چیز رابطه‌ای بین منافع ملی و سیاست دفاعی به وجود آوریم. در برقراری این رابطه با دسته‌بندی منافع ملی می‌توان چگونگی اتخاذ سیاست دفاعی را نیز پیش‌بینی نمود.

منافع ملی به پنج دسته مهم تقسیم می‌شود که بدین قرار است:[۶۷]

- **بقای ملی:**

از میان منافع ملی، مهم‌ترین آن‌ها اصل بقای هر کشور است، با توجه به این اصل هر کشور برای دفاع از بقای خود، محدودیت نظامی در نظر نمی‌گیرد؛ یعنی، دقیقاً اصلی که پاکستان آن را در نظر داشت و برای بقای خود محدودیت نظامی قائل نگردید و در نهایت به سلاح هسته‌ای دست یافت.

- **منافع حیاتی:**

ناکامی یا عدم دستیابی به این دسته از منافع، امکان دارد بی‌درنگ بقای ملی را تهدید نکند؛ اما سرانجام آن را در معرض تهدید قرار خواهد داد. برای دستیابی به چنین منافعی، معمولاً کشورها به‌طور وسیعی از نیروی نظامی متعارف خود استفاده می‌کنند.

• **منافع اصلی:**

این منافع برای کشورها مهم بوده؛ اما از دست دادن آن‌ها تهدید عمده‌ای را متوجه بقای سیاسی و اقتصادی کشور نمی‌کند. معمولاً در دستیابی به منافع اصلی، صریحاً از دستیابی به زور استفاده نمی‌گردد؛ اما تهدید به استفاده از آن در دستیابی به این منافع منتفی نیست.

• **منافع فرعی:**

منافعی هستند که اهمیت بسیار کمتری نسبت به منافع اصلی دارند؛ به همین دلیل طرح عملیات نظامی در دستیابی به این منافع تقریباً منتفی است.

• **منافع محدود:**

از اهمیت بسیار ناچیزی برخوردار بوده از دست دادن آن‌ها ضرر زیادی متوجه کشور نمی‌سازد. استفاده از نیروی نظامی در چنین شرایطی کاملاً منتفی است.

چنانچه به این پنج دسته منافع ملی دقت شود، خواهیم دید که تجهیز پاکستان به تسلیحات هسته‌ای گرچه به‌طور مستقیم تاکنون هیچیک از این‌گونه منافع ایران را با تهدید جدی مواجه نکرده است اما پاکستان را قادر ساخته که با پشتوانه بیشتری به سیاست‌های خود در منطقه از جمله در افغانستان ادامه دهد بیشتر از آن‌چه که تسلیحات هسته‌ای پاکستان تهدید کنندهٔ منافع ملی ایران باشد، توازن دهندهٔ روابط پاکستان با هند بوده است؛ از این‌رو، در آینده پیش‌بینی می‌شود که (به‌ویژه اکنون که حکومت طالبان از افغانستان برچیده شده است.) مشکل خاصی میان دو کشور ایران و پاکستان وجود نخواهد داشت.

به غیر از آزمایش‌های هسته‌ای پاکستان و حمایت این کشور از حکومت طالبان، می‌توان به ترور برخی اتباع ایرانی به‌دست گروه‌های تندروی پاکستان اشاره نمود. ایران در مواجهه با چنین مسئلهٔ مناقشه‌آمیزی از نوعی سیاست صبر و مدارا پیروی نمود و دولت اسلام‌آباد نیز، سیاست بی‌تفاوتی در پیش گرفت. اما هیچ‌گاه این مسائل

به‌عنوان مصادیق بارز منازعه، کشمکش و اختلاف میان دو کشور تلقی نگردید و به همین جهت منجر به اتخاذ سیاست تهاجمی میان دو کشور نشد.

برخی از تحلیل‌گران سیاسی با توجه به سیاست صبر و مدارای جمهوری اسلامی ایران معتقد بودند که حکومت طالبان در افغانستان با پشتوانه سیاسی، اقتصادی و مالی اسلام‌آباد منافع حیاتی ایران را به خطر انداخته بود. بستن آب رودخانه هیرمند بر روی ایران و به تبع آن نابودی استان سیستان و بلوچستان که می‌توانست نتایج بسیار سنگینی برای دولت ایران فراهم آورد راهکار مقابله به مثل و یا اتخاذ سیاستی محکم‌تر در قبال اسلام‌آباد را می‌طلبید. البته با سرنگونی حکومت طالبان در حال حاضر این مسئله نیز خود منتفی شده است.

آدرس سفارت پاکستان در تهران:

خیابان دکتر فاطمی ـ نرسیده به خیابان جمال‌زاده شمالی ـ خیابان احمد اعتمادزاده.

تلفن: ٦٩٤١٣٨٨، ٦٩٤٤٨٨٨، ٦٩٤٤٨٩٠ ـ ٢١ ـ ٩٨+

فکس: ٦٩٤٩٣٩٨

پست الکترونیکی: registry@parep - Tehran.org

دولت پاکستان افزون بر سفارت، دو کنسولگری در مشهد و زاهدان دارد. آدرس این کنسولگری‌ها بدین شرح است:

کنسولگری پاکستان در مشهد:

خیابان امام خمینی مقابل باغ ملی.

صندوق پستی: ۱۷۳۳ ـ ۹۱۳۷۵

تلفن: ۲۲۲۹۸٤۵ ـ ۵۱ ـ ۹۸+

فکس: ۲۲۲۹۸٤۵ ـ ۵۱ ـ ۹۸+

کنسولگری پاکستان در زاهدان:

زاهدان ـ خیابان بزمجو.

تلفن: ۲۲۳۳۸۹، ۲۲۷۷۸۷ ـ ۵٤۱ ـ ۹۸+

فکس: ۲۲۳٦٦٦ ـ ۵٤۱ ـ ۹۸+

صندوق پستی: ۱۳٤

جمهوری اسلامی ایران به غیر از سفارت‌خانه در اسلام‌آباد، چهار کنسولگری در شهرهای کراچی، لاهور، پیشاور و کویته دارد.

آدرس سفارت ایران در اسلام‌آباد:

اسلام‌آباد، ناحیه دیپلماتیک ـ خیابان شماره ۵/۱، شماره ۲.

سرکنسولگری ایران در کراچی:

کراچی، کلیفتون، خیابان ایران شماره ۸۱

تلفن: ۵۸۷٤۳۷۰.

فکس: ۵۸۷٤٦۳۳.

سرکنسولگری ایران در لاهور:

لاهور، شادمان II شماره A ـ ۵۵.

تلفن: ۷۵۹۰۹۲٦ ـ ۹.

فکس: ۸٤۰۳۰۵

سرکنسولگری ایران در کویته:

کویته ـ جاده شماره ۲/۳۳

تلفن: ۸٤۳۰۹۸؛ ۸٤۳۵۲۷

فکس: ۸۲۹۷٦٦

بررسی سیاست‌ها در خصوص ایتالیا

روابط دیپلماتیک میان این دو کشور در سال ۱۹۵۰ آغاز گردید. در حدود ۲۵۰۰۰ پاکستانی در ایتالیا اقامت دارند.

مبادلهٔ تجاری میان ایتالیا و پاکستان (بر طبق آمار ۱۹۹۹ ـ ۲۰۰۰) بدین شرح است:

صادرات پاکستان به ایتالیا: ۲۰۹/۲۷۸ میلیون دلار.

واردات پاکستان از ایتالیا: ۲۲۸ میلیون دلار.

● **روابط دوجانبه:**

این دو کشور از تاریخ شروع روابط دیپلماتیک، به ندرت با اختلاف‌نظر روبه‌رو گردیده‌اند. پاکستان و ایتالیا سالانه در سطح وزرای امور خارجه با یکدیگر تبادل‌نظر می‌کنند. اولین دور مذاکرات، ۸ مارس ۱۹۹۹ در ایتالیا برگزار گردید و دومین دور این گفت‌وگوها، در ۲۱ مارس ۲۰۰۰ در اسلام‌آباد برگزار شد طبق آمار سال ۱۹۹۹ مبادلات تجاری دو کشور، سالانه بالغ بر ٤۵۰ میلیون دلار تخمین‌زده می‌شود که صادرات به ایتالیا در حدود ۲۲۵ میلیون دلار و واردات از آن کشور در حدود ۲۲۸ میلیون دلار بوده است.[۶۸]

با توجه به این داده‌ها، واضح است که موازنهٔ تجاری به نفع ایتالیا است. در سال ۱۹۷۵ موافقت‌نامهٔ فرهنگی میان دو کشور به امضا رسید. بر طبق این موافقت‌نامه مبادلاتی در حوزه‌های فرهنگی، تحصیلی، علوم و تکنولوژی و اطلاعات پیش‌بینی گردید. در طول دیدار نخست‌وزیر پاکستان از ایتالیا، قرارداد جدیدی در خصوص همکاری‌های موجود و تسهیلات برای این همکاری‌ها در حوزه‌های علوم و تکنولوژی در سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ منعقد گردید.

بررسی سیاست‌ها در خصوص بریتانیا

در سال ۱۹٤۸ روابط دیپلماتیک میان دو کشور برقرار گردید در حال حاضر حدود ۷۰۰ هزار پاکستانی ساکن بریتانیا هستند.

● **روابط تجاری پاکستان با بریتانیا (۲۰۰۰ ـ ۱۹۹۹) به شرح ذیل می‌باشد:**

صادرات پاکستان به بریتانیا: ۵۸۰ میلیون دلار.

واردات پاکستان از بریتانیا: ۳۵۶ میلیون دلار.

موازنهٔ تجاری میان دو کشور به نفع پاکستان است.

مهم‌ترین اقلام صادرات پاکستان به بریتانیا عبارت‌اند از: منسوجات پنبه‌ای، کالاهای ورزشی، فرش و قالی، محصولات چرمی و منسوجات کتانی.

واردات پاکستان از بریتانیا عبارت‌اند از: ماشین‌آلات و مصنوعات ساخته شده، تجهیزات حمل و نقل، وسایل الکترونیک، مواد معدنی، مواد غذایی، حیوانات زنده و نوشابه.

● **روابط دوجانبه:**

از بدو تأسیس پاکستان و با توجه به تاریخ طولانی حضور بریتانیایی‌ها در شبه‌قاره هند، روابط این دو کشور ریشه‌ای تاریخی دارد. در ژوئن ۲۰۰۰، وزیر امور خارجه پاکستان طی سفری از لندن دیدار کرد.

سال‌هاست که به طور سنتی انگلستان بعد از ایالات‌متحده آمریکا، دومین سرمایه‌گذار اصلی در پاکستان به‌شمار می‌آید. در طول سال‌های ۱۹۹۹ـ۲۰۰۰ بریتانیا، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در پاکستان با سرمایه‌ای بالغ بر ۱٤۷ میلیون دلار بوده است. کمپانی‌های بریتانیایی، به طور سنتی حضور چشمگیری؛ به خصوص در بخش‌های داروسازی، نفت، کالاهای مصرفی و شیمیایی دارند.

سرمایه‌گذاری‌های جدید بر روی پروژه‌های زیربنایی و سرویس‌های مالی متمرکز گردیده است. گسترش کمک‌های بریتانیا به پاکستان، یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه روابط میان دو کشور است. مهم‌ترین پروژه‌هایی که توسط (DID)[1] در پاکستان دنبال می‌گردد مشتمل بر حوزه‌های علمی، بهداشت، تعلیم و تربیت، پروژه‌های اجتماعی، برنامه‌های توسعه روستایی، برنامه‌های تنظیم خانواده و مرمت زیرساخت‌ها است.

---

1. Department of International Development

مهم‌ترین دیدارهای مقامات انگلستان از پاکستان:

- **دیدار مسئولان بریتانیایی از پاکستان**

ـ ژانویه ۱۹۹۶، نخست‌وزیر «جان میجر».

ـ اکتبر ۱۹۹۷، ملکه «الیزابت دوم».

- **دیدار مسئولان پاکستانی از بریتانیا:**

ـ نوامبر ۱۹۹٤، نخست‌وزیر، «بی‌نظیر بوتو».

ـ می ۱۹۹۵، رئیس‌جمهور، سردار «فاروق احمدخان لغاری».

ـ سپتامبر ۱۹۹٦، نخست‌وزیر، «بی‌نظیر بوتو».

ـ فوریه ۱۹۹۸، نخست‌وزیر، «محمد نواز شریف».

ـ ژوئن ۱۹۹۸، نخست‌وزیر، «محمد نواز شریف».

بررسی سیاست‌ها در خصوص کانادا

پاکستانی‌های مقیم کانادا افزون بر ۱۳۰ هزار نفر هستند. تجارت دوجانبه میان این دو کشور، در سال ۱۹۹۸ در حدود ۳۳۰ میلیون دلار بوده است.

مهم‌ترین صادارت پاکستان به کانادا:

نخ‌های کتانی، کتان، الیاف مصنوعی و منسوجات تهیه شده از آن، چرم و مصنوعات چرمی، جوراب، فرش و برنج.

مهم‌ترین واردات پاکستان از کانادا:

کاغذ، گندم، خمیر کاغذ، محصولات الکترونیکی و مکانیکی، قیر و زغال‌سنگ.

روابط دوجانبه:

سیاست اصولی پاکستان در قبال کانادا، در طی سالیان مبتنی بر روابط دوستانه و نزدیک بوده است. کانادا کمک‌های درخور توجهی به توسعه اقتصادی در پاکستان نموده و یکی از

بزرگ‌ترین اهداکنندگان کمک‌های خارجی به پاکستان محسوب می‌شود. کانادا و پاکستان هر دو عضو بازار کشورهای مشترک‌المنافع (Common Wealth) هستند. در سال ۱۹۸۱، به منظور تسهیل در روابط تجاری و اقتصادی میان دو کشور، شورای اقتصادی و تجاری کانادا ـ پاکستان تأسیس گردید. از سال ۱۹۵۱، کانادا بیش از دو میلیارد دلار در برنامه‌های توسعه در پاکستان سرمایه‌گذاری کرده است. به دنبال آن در سال ۱۹۹٦ و ٤٥/۹٤ میلیون دلار به پاکستان کمک نمود. کانادا با پاکستان در ساخت اولین سد هیدروالکتریک همکاری داشته است. این سد «Warsak» نام دارد. در سال‌های اخیر، کانادا به همکاری‌های خود با پاکستان در توسعه بخش نفت و گاز افزوده است؛ همچنین بعضی از پروژه‌ها، به ویژه در حوزه‌های بهداشتی و زنان، میان دانشگاه‌های آقاخان و Mc. Master منعقد گردیده است. پروژه Lums-11، پروژه مربوط به برنامه‌های محیط‌زیست پاکستان و پروژه ارتباطات از مهم‌ترین پروژه‌هایی است که میان کانادا و پاکستان منعقد شده است.

مؤسسهٔ کانادایی توسعهٔ صادرات (EDC)،[1] اخیراً پروژه‌های بسیاری را در پاکستان به اجرا درآورده است. در طی چهار الی پنج سال گذشته این موسسه افزون بر ۳۰۰ میلیون دلار در پاکستان سرمایه‌گذاری کرده است.(٦۹)

مهم‌ترین دیدارهای مقامات دو کشور با یکدیگر:

- **دیدار مقامات کانادایی از پاکستان:**

ـ ژانویه ۱۹۹٦، نخست‌وزیر، «ژان کره‌تین».

ـ آوریل ۱۹۹۸، فرماندار کل، «رومئو لیبلانک».

ـ اوت ۱۹۹۸ رهبر حزب رقیب، «پرستون».

قابل ذکر است در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ مقامات ارشد پاکستان از کانادا دیدار نداشتند.

1. Canadian Export Development Corporation (EDC)

بررسی سیاست‌ها در خصوص فرانسه

در حدود ۳۰۰۰۰ پاکستانی در فرانسه ساکن هستند.

● **تجارت پاکستان و فرانسه (۱۹۹۹ـ۲۰۰۰):**

صادرات پاکستان به فرانسه: ۲۸۲/۶۷۹ میلیون دلار.

واردات پاکستان از فرانسه: ۲۲٤/۸۰۳ میلیون دلار.

مهم‌ترین صادرات این کشور به فرانسه عبارت‌اند از: منسوجات، نخ و الیاف مصنوعی، محصولات ورزشی، فرش و قالی، انواع کفش، محصولات چرمی و پوشاک و برخی از مواد خوراکی.

واردات این کشور از فرانسه، بیشتر در اقلام مربوط به ماشین‌آلات، دارو، وسایل الکتریکی، محصولات شیمیایی و مانند آن خلاصه می‌گردد.

طبق آمار سال ۱۹۹۹ـ۲۰۰۰ فرانسه در پاکستان در حدود ۱/۵ میلیون دلار سرمایه‌گذاری مستقیم نموده است.

● **روابط دوجانبه:**

روابط بین فرانسه و پاکستان، تقریباً در تمامی دوره‌ها بسیار نزدیک، دوستانه و صمیمی بوده و تبادل دیدارها میان مقامات سطح بالای این دو کشور به گونه‌ای منظم صورت گرفته است. هر دو کشور پاکستان و فرانسه در مسائل مهم و عمده نقطه نظرات مشترکی دارند. از سال ۱۹٦۷ بین پاکستان و فرانسه مذاکراتی در سطح وزارت امور خارجه صورت گرفته است. در آخرین دور مذاکره بین وزیر امور خارجه پاکستان و مدیر کل وزارت امور خارجه فرانسه ـ که ماه می سال ۲۰۰۰ در پاریس برگزار گردید ـ تصمیم گرفته شد که روابط دوستانه و همکاری‌های موجود میان دو کشور در تمامی سطوح افزایش یابد.

فرانسه یکی از شرکای تجاری اصلی پاکستان در اروپا است که تجارت دوجانبه سالانه میان آن‌ها بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار می‌شود.[۷۰] صادرات این کشور به فرانسه در سال ۹۹ ـ ۱۹۹۸، در حدود ۲٤۸ میلیون دلار و واردات این کشور از فرانسه در

حدود ۱۸۰ میلیون دلار تخمین زده شده که بدین طریق با ٦۸ میلیون دلار، این موازنه تجاری به سود پاکستان بوده است. در سال ۱۹۹۸ نسبت به سال قبل، واردات پاکستان از فرانسه ۱۵/۵٪ افزایش داشته است. روابط دوجانبه فرانسه ـ پاکستان در حوزه‌های فرهنگ، علوم و تکنولوژی بر طبق موافقت‌نامه همکاری امضا شده میان این دو کشور در سال ۱۹۷۰، شکل می‌گیرد. از سال ۱۹۹۳، بیش از ۵۰ دانشمند پاکستانی مطالعات فوق تخصصی خود را در مؤسسات فرانسوی به اتمام رساندند.

مهم‌ترین دیدار مقامات دو کشور از یکدیگر:

- **دیدار مسئولان فرانسوی از پاکستان:**

ـ فوریه ۱۹٦۵، نخست‌وزیر، «ژرژ پمپیدو».

ـ فوریه ۱۹۹۰، رئیس‌جمهور، «فرانسوا میتران».

- **دیدار مقامات پاکستانی از فرانسه:**

ـ فوریه ۱۹٦۷، رئیس‌جمهور، «ایوب‌خان».

ـ اکتبر ۱۹۷۵، نخست‌وزیر، «ذوالفقار علی بوتو».

ـ اکتبر ۱۹۸۹، نخست‌وزیر، «بی‌نظیر بوتو».

ـ اکتبر ۱۹۹۲، نخست‌وزیر، «نواز شریف».

ـ اکتبر ۱۹۹٤، نخست‌وزیر، «بی‌نظیر بوتو».

ـ اکتبر ۱۹۹۵، نخست‌وزیر، «بی‌نظیر بوتو».

کشور پاکستان بعد از تأسیس، درگیر دوران جنگ سرد و تقسیم جهان به دو قطب قدرت بوده است. اختلافات مرزی این کشور با هندوستان، همیشه دلیلی برای اتکای پاکستان به یکی از دو قطب موجود محسوب می‌گردید. در اکثر این دوران، پاکستان به غرب و به خصوص آمریکا متمایل بوده است. تا قبل از شکل‌گیری اتحادیه اروپا، فرانسه به‌عنوان یکی از متحدان آمریکا جهت تجهیز تسلیحات پاکستان،

توجه اسلام‌آباد را به خود جلب نموده بود. در حال حاضر پاکستان برای مجهز نمودن تسلیحات نظامی خود بیشتر به چین اتکا دارد.

بررسی سیاست‌ها در خصوص آلمان

روابط دیپلماتیک میان پاکستان و جمهوری فدرال آلمان در سال ۱۹۵۲ برقرار گردید؛ و در حال حاضر حدود ٤۰ هزار پاکستانی در آلمان ساکن هستند.

تجارت پاکستان با آلمان (۱۹۹۹ـ۲۰۰۰) بدین شرح است:

صادرات پاکستان به آلمان: افزون بر ٥۱۲/٦۱۲ میلیون دلار.

واردات پاکستان از آلمان: در حدود ٤٥۳/۲۲۲ میلیون دلار.

مهم‌ترین اقلام صادراتی پاکستان به آلمان عبارت‌اند از: الیاف و منسوجات کتانی، محصولات چرمی، کالاهای ورزشی و لوازم جراحی، فرش و قالیچه.

مهم‌ترین اقلام وارداتی پاکستان از آلمان عبارت‌اند از: ماشین‌آلات، محصولات دارویی، کاغذ، ترکیبات شیمیایی.

آلمان در پاکستان، در حدود ۱۰/٥ میلیون دلار سرمایه‌گذاری مستقیم نموده است.[۷۱]

روابط دوجانبه:

روابط میان پاکستان و آلمان تقریباً همواره صمیمانه و نزدیک بوده به‌گونه‌ای‌که حتی در منازعه کشمیر نیز موضع آلمان مبتنی بر حل اختلاف از طریق گفت‌وگوهای دوجانبه میان هند و پاکستان قرار داشته است. آلمان روابط اقتصادی بسیار خوبی با پاکستان داشته و در حال حاضر دومین شریک تجاری پاکستان در اروپا است و سومین منبع بزرگ سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور نیز محسوب می‌گردد. کمک‌ها و همیاری‌های تکنیکی و مالی آلمان به پاکستان، از بدو تأسیس جمهوری فدرال آلمان تاکنون، افزون بر ۷ میلیارد مارک بوده است. همکاری‌های اقتصادی دوجانبه میان دو کشور، بیشتر در حوزه‌های انرژی، بهداشت، آموزش و پرورش، حفظ منابع و محیط زیست و آموزش‌های تخصصی صورت گرفته است.

مهم‌ترین دیدارهای مقامات دو کشور از یکدیگر:

● دیدارهای مقامات آلمانی از پاکستان:

ـ ۱۹۶۲، رئیس‌جمهور، **«هاینریش اوبک»**.

ـ ۱۹۹۵، رئیس‌جمهور، **«رومان هرتسوگ»**.

● دیدار مقامات پاکستانی از آلمان:

ـ ۱۹۶۱، رئیس‌جمهور، **«ایوب‌خان»**.

ـ ۱۹۸۵، رئیس‌جمهور، **«ضیاءالحق»**.

ـ ۱۹۹۳، نخست‌وزیر، **«بی‌نظیر بوتو»**.

ـ ۱۹۹۴، نخست‌وزیر، **«بی‌نظیر بوتو»**.

بررسی سیاست‌ها در خصوص روسیه

در می ۱۹۴۸ روابط دیپلماتیک میان پاکستان و اتحاد جماهیر شوروی سابق برقرار گردید.

تجارت پاکستان با روسیه (۱۹۹۹) بدین شرح است:

صادرات پاکستان به روسیه: ۳/۴۱ میلیون دلار.

واردات پاکستان از روسیه: ۸۹/۹ میلیون دلار.

مهم‌ترین صادرات این کشور به روسیه عبارت‌اند از: محصولات و مصنوعات چرمی، لوازم ورزشی، برنج، حوله و وسایل جراحی[۷۲].

واردات این کشور از روسیه عبارت‌اند از: ماشین‌آلات و وسایل شیمیایی، کود و کاغذهای باطله، الیاف مصنوعی، لاستیک، پلاستیک، کائوچو و لوله.

سیاست پاکستان در قبال فدراسیون روسیه:

سیاست پاکستان در قبال روسیه، شبیه سیاست این کشور در قبال بسیاری از کشورهای جهان است. دولتمردان پاکستانی اعلام می‌کنند که سیاست آن‌ها در قبال روسیه، در سه اصل خلاصه می‌گردد که بدین شرح است:

۱. گسترش روابط خوب و دوستانه و توسعه همکاری در روابط علمی، فرهنگی و اقتصادی.

۲. افزایش تعامل میان دو کشور در خصوص مسائل مهم منطقه‌ای و جهانی.

۳. همکاری علیه خطر تروریسم و قاچاق مواد مخدر.

مبادلات فرهنگی:

در ژوئیه ۱۹۹۷، موافقت‌نامه همکاری در حوزه‌های فرهنگی ـ علوم و تحصیلات میان دو کشور منعقد گردید.

از سال ۱۹۹٦ ـ ۱۹۹۷، روسیه اعطای بورس‌های تحصیلی به دانشجویان خارجی، از جمله دانشجویان پاکستانی را تجدید کرد.

- **تحولات اخیر در روابط پاکستان و روسیه:**

ـ موافقت‌نامه لغو ویزا برای دارندگان گذرنامه‌های دیپلماتیک و رسمی، در ژوئیه ۱۹۹٤.

ـ پیمانی مبنی بر برگزاری تبادل‌نظر میان وزرای امور خارجه دو کشور به‌طور منظم در ژوئیه ۱۹۹٤.

ـ قراردادی در سال ۱۹۹۳، میان SUPARCO و آژانس فضایی روسیه برای پرتاب ماهواره BADR-B.

ـ توافق‌نامهٔ کنسولی منعقده در ژوئیه ۱۹۹۷.

ـ توافق برای همکاری در موضوعات فرهنگی، علمی و تحصیلی که در ژوئیه ۱۹۹۷.

ـ موافقت‌نامهٔ همکاری برای مبارزه با مواد مخدر، در ژوئیه ۱۹۹۷.

ـ موافقت‌نامهٔ همکاری میان FPCCI و اتاق بازرگانی و صنعتی فدراسیون روسیه، در آوریل ۱۹۹۹.

بررسی سیاست‌ها در خصوص تاجیکستان:

روابط دیپلماتیک میان دو کشور، در ششم ژوئن ۱۹۹۲ آغاز گردید. طبق آمار

رسمی، تنها ۲۲ پاکستانی در تاجیکستان زندگی می‌کنند.[۷۳]

تجارت پاکستان با تاجیکستان (۱۹۹۹) بدین شرح است:

- **صادرات پاکستان به تاجیکستان: ۱/۸۳۵ میلیون دلار.**
- **واردات پاکستان از تاجیکستان: ۰/۵۳۹ میلیون دلار.**

مهم‌ترین اقلام صادراتی پاکستان به این کشور عبارت‌اند از: منسوجات کتانی، ابریشم، منسوجات پشمی و مواد مربوط به منسوجات.

مهم‌ترین اقلام وارداتی پاکستان از تاجیکستان کتان خام است.

با توجه به این‌که هنوز یک دهه از تأسیس کشوری به نام تاجیکستان نگذشته، طبیعی است که این دو کشور روابط سیاسی گسترده‌ای با یکدیگر نداشته باشند؛ اما به‌رغم عدم این گستردگی، با نگاهی به سفرهای مقامات تاجیک به پاکستان، خواهیم دید که در عرض ۱۰ سال، ٦ سفر مقامات بلندپایه نمی‌تواند چیزی جز اهمیت پاکستان برای سیاست خارجی تاجیکستان تلقی گردد.

مهم‌ترین دیدار مقامات دو کشور:

- **دیدار مقامات پاکستانی از تاجیکستان:**

ـ در اکتبر سال ۱۹۹٦، نماینده ویژهٔ نخست‌وزیر، **«جلال حیدر زیدی»**.

- **دیدار مقامات تاجیکستان از پاکستان:**

ـ در ژوئن سال ۱۹۹۲، رئیس‌جمهور **«امام علی رحمانف»**.

ـ در مارس سال ۱۹۹٤، رئیس‌جمهور، **«امام علی رحمانف»**.

ـ در مارس سال ۱۹۹۵، رئیس‌جمهور **«امام علی رحمانف»**.

ـ در مارس سال ۱۹۹۷، رئیس‌جمهور **«امام علی رحمانف»**.

ـ در نوامبر سال ۱۹۹۸، وزیر امور خارجه، **«نظراف»**.

ـ در نوامبر سال ۲۰۰۰، معاون وزیر دفاع، **«ژنرال میرزاویچ»**.

بررسی سیاست‌ها در خصوص ترکمنستان:

روابط دیپلماتیک میان دو کشور، در ۱۰ ماه می سال ۱۹۹۲ آغاز گردید. طبق آخرین آمار، در مارس ۲۰۰۱ تنها ۳۸۵ پاکستانی در ترکمنستان زندگی می‌کردند.

تجارت این دو کشور طبق آمار سال ۲۰۰۰ بدین شرح است:

صادرات پاکستان به ترکمنستان: ۱/۸۹۱ میلیون دلار.

واردات پاکستان از ترکمنستان: ٤/٠٦٥ میلیون دلار.

مهم‌ترین اقلام صادراتی پاکستان به ترکمنستان عبارت‌اند از: برنج، الیاف کتانی، کفش و دیگر منسوجات.

و مهم‌ترین اقلام وارداتی پاکستان از ترکمنستان کتان خام است.

این دو کشور، بیشتر از آن‌چه که روابط اقتصادی داشته باشد، روابط فرهنگی و سیاسی خود را دنبال نموده‌اند.

مهم‌ترین دیدارهای مقامات دو کشور:

- **دیدارهای مقامات پاکستانی از ترکمنستان:**

ـ دسامبر ۱۹۹۱، وزیر امور خارجه، **«سردار آصف احمدعلی»**.

ـ می ۱۹۹۲، نخست‌وزیر، **«نوازشریف»**.

ـ ژوئن ۱۹۹۳، نماینده ویژه نخست‌وزیر، **«رجاء ظفرالحق»**.

ـ ژانویه ۱۹۹٤، وزیر امور خارجه، سردار **«آصف احمدعلی»**.

ـ اکتبر ۱۹۹٤، نخست‌وزیر، **«بی‌نظیر بوتو»**.

ـ ژانویه ۱۹۹۵، وزیر امور خارجه، سردار **«آصف احمدعلی»**.

ـ سپتامبر ۱۹۹۵، رئیس‌جمهور، **«فاروق احمدخان لغاری»**.

ـ مارس ۱۹۹٦، وزیر امور خارجه، سردار **«آصف احمدعلی»**.

ـ می ۱۹۹٦، رئیس‌جمهور، **«فاروق احمدخان لغاری»**.

ـ اکتبر ۱۹۹٦، نماینده ویژه نخست‌وزیر، **«سید جلال حیدر زیدی»**.

ـ می ۱۹۹۷، نخست‌وزیر **«نواز شریف»** (در چارچوب کنفرانس اکو در عشق‌آباد).

ـ ژوئیه ۱۹۹۷، وزیر امور خارجه، **«گوهر ایوب‌خان»**.

ـ اکتبر ۱۹۹۷، نخست‌وزیر، **«نواز شریف»**.

ـ می ۲۰۰۰، رئیس اجرایی، **«ژنرال پرویز مشرف»**.

ـ نوامبر ۲۰۰۰، رئیس اجرایی، **«ژنرال پرویز مشرف»** (وی در سفر به «آستانه»، پایتخت قزاقستان، در ترکمنستان نیز توقف نمود).

● **دیدار مقامات ترکمنستان از پاکستان:**

ـ اوت ۱۹۹٤، رئیس‌جمهور، **«نیازف»**.

ـ مارس ۱۹۹۵، رئیس‌جمهور، **«نیازف»** (در چارچوب سومین نشست اکو در اسلام‌آباد).

ـ اوت ۱۹۹۹، وزیر امور خارجه، **«بوریس شیخ مرادف»**.

ـ مارس ۱۹۹۷، رئیس‌جمهور، **«نیازف»**.

ـ ژوئن ۱۹۹۷، وزیر امور خارجه، **«بوریس شیخ مرادف»**.

ـ ژانویه ۱۹۹۹، وزیر امور خارجه، **«بوریس شیخ مرادف»**.

ـ مارس ۲۰۰۰، وزیر امور خارجه، **«بوریس شیخ مرادف»**.

ـ اوت ۲۰۰۰، نماینده ویژه رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه، **«بوریس شیخ مرادف»**.

بررسی سیاست‌ها در خصوص ازبکستان:

روابط سیاسی میان دو کشور در تاریخ دهم می ۱۹۹۹، برقرار گردید، و بر طبق آمار تا مارس ۲۰۰۱، در حدود ۱۵۰ پاکستانی در ازبکستان زندگی می‌کردند. پاکستان در حدود ۱۰/۰۲٦ میلیون دلار کالا به ازبکستان صادر می‌نماید و در مقابل ۲۵/۱۳۱ میلیون دلار کالا از ازبکستان وارد می‌کند. مهم‌ترین اقلام صادراتی پاکستان عبارت‌اند از: ابریشم، الیاف مصنوعی و منسوجات کتانی. و در مقابل مهم‌ترین واردات این کشور از ازبکستان: کتان خام و کودهای شیمیایی است.

مبادلات فرهنگی بسیار زیادی میان دو کشور صورت پذیرفته است. در ۲۲ می ۱۹۹۵ موافقت‌نامه همکاری در خصوص تروریسم، میان پاکستان و دولت ازبکستان منعقد گردید؛ همچنین یک گروه کاری مشترک نیز دربارهٔ تروریسم، در تاریخ ۲۳ الی ۲٦ سپتامبر ۱۹۹۷ تشکیل جلسه داد. همایش بین‌المللی «میراث فرهنگی و علمی بشریت در هزاره سوم» در سال ۱۹۹۷، در ازبکستان برگزار گردید، که در آن دکتر «احمد حسن دانی»، مورخ برجستهٔ پاکستانی و آقای «شهرزاد احمد»، دانشمند نامدار پاکستانی در آن شرکت داشتند. دومین نشست گروه کاری پاکستان ـ ازبکستان در اسلام‌آباد، در سال ۱۹۹۸ تشکیل جلسه داد.

مهم‌ترین دیدارهای مقامات دو کشور:

● **دیدار مقامات پاکستانی از ازبکستان:**

ـ ژوئن ۱۹۹۲، نخست‌وزیر، «**محمد نواز شریف**».

ـ ژوئن ۱۹۹۳، نمایندهٔ نخست‌وزیر، «**رجا ظفرالحق**».

ـ ژانویه ۱۹۹٤، وزیر امور خارجهٔ پاکستان، «**سردار آصف احمدعلی**».

ـ می ۱۹۹٤، وزیر امور خارجه پاکستان، «**سردار آصف احمدعلی**».

ـ می ۱۹۹۵، نخست‌وزیر، «**بی‌نظیر بوتو**».

ـ نوامبر ۱۹۹۵، نخست‌وزیر، «**بی‌نظیر بوتو**».

ـ مارس ۱۹۹٦، وزیر امور خارجه، «**سردار آصف احمدعلی**».

ـ اکتبر ۱۹۹٦، نماینده ویژه نخست‌وزیر، «**سید جلال حیدر زیدی**».

ـ اکتبر ۱۹۹٦، رئیس‌جمهور، «**فاروق‌خان لغاری**».

ـ ژوئن ۱۹۹۷، وزیر امور خارجه، «**گوهر ایوب‌خان**».

ـ اکتبر ۱۹۹۸، نمایندهٔ ویژهٔ امور خارجی و وزیر امور خارجه، «**محمد صدیق‌خان کانجو**».

● **دیدار مقامات ازبکستانی از پاکستان:**

ـ اوت ۱۹۹۲، رئیس‌جمهور، «**کریموف**».

ـ ژوئیه ۱۹۹٤، وزیر امور خارجه، «**سید مختار سید کاسیموف**».

ـ مارس ۱۹۹۷، وزیر امور خارجه، «**عبدالعزیز کامیلوف**».

ـ نوامبر ۱۹۹۸، وزیر امور خارجه، «**عبدالعزیز کامیلوف**».

ـ مارس ۱۹۹۹، معاون وزیر امور خارجه، «**عبدالصمد هایدوف**».

ـ می ۱۹۹۹، وزیر امور خارجه، «**عبدالعزیز کامیلوف**».

ـ ژانویه ۲۰۰۱، وزیر امور خارجه، «**عبدالعزیز کامیلوف**».

بررسی سیاست‌ها در قبال مصر:

برآورد می‌شود که ۱۲۰۰ پاکستانی، مقیم مصر هستند.

تجارت پاکستان با مصر (۱۹۹۹ ـ ۲۰۰۰):

صادرات پاکستان به مصر: در حدود ۳۵/۳۷ میلیون دلار است.

واردات پاکستان از مصر: افزون بر ۳٦/۹۵ میلیون دلار است.

مهم‌ترین محصولات صادراتی پاکستان به مصر، عبارت‌اند از: منسوجات، وسایل جراحی و کالاهای ورزشی.

مهم‌ترین اقلام وارداتی این کشور از مصر عبارت‌اند از: دارو، وسایل شیمیایی، ماشین‌آلات و قطعات.

از مهم‌ترین مصادیق همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور، تأسیس کمیسیون مشترک وزرای پاکستان و مصر است، که در آوریل ۱۹۸۹ تأسیس گردید. اولین نشست این کمیسیون در دسامبر ۱۹۹۵، در قاهره برگزار شد. مصر و پاکستان افزون بر همکاری‌های اقتصادی، در زمینهٔ فرهنگی و آموزشی نیز با یکدیگر همکاری دارند. طی مذاکراتی که در آن برنامه آموزشی و فرهنگی میان دو کشور پیش‌بینی شده بود، چارچوبی برای مبادلات بازیگران بین دو کشور، برگزاری نمایشگاه‌های نقاشی، شرکت در هفته‌های فیلم و انتشار کتب و مقالات فرهنگی

تعیین گردیده بود؛ همچنین مصر و پاکستان یک گروه کاری مشترک دربارهٔ جهانگردی تأسیس نمودند. این گروه کاری اولین جلسه کاری خویش را در اسلام‌آباد، در نوامبر ۱۹۹۷ برگزار کرد. در فوریه ۲۰۰۱ یک گروه فرهنگی از بازیگران مصری، از پاکستان دیدار کرده در کراچی، لاهور و اسلام‌آباد به اجرای نمایش پرداختند.

دیدار مقامات دو کشور از یکدیگر:

● **دیدار مقامات پاکستانی از مصر:**

ـ می ۱۹۹۰، نخست‌وزیر، «**بی‌نظیر بوتو**».

ـ ژانویه ۱۹۹۱، نخست‌وزیر «**محمد نواز شریف**».

ـ مارس ۱۹۹٤، وزیر امور خارجه، سردار «**آصف احمدعلی**».

ـ مارس ۱۹۹٦، وزیر کشور «**شجاعت حسین**».

ـ ژوئیه ۱۹۹۷، وزیر امور مذهبی، «**رجا ظفرالحق**».

ـ فوریه ۱۹۹۸، وزیر کشور، «**شجاعت حسین**».

ـ نوامبر ۱۹۹۸، وزیر رفاه اجتماعی و علوم تکنولوژی، «**سیده عبیده حسین**».

ـ آوریل ۲۰۰۰، رئیس اجرایی پاکستان، ژنرال «**پرویز مشرف**».

ـ ژوئن ۲۰۰۰، وزیر بهداشت، «**عبدالمالک کاسی**».

ـ ژوئن ۲۰۰۰، وزیر امور مذهبی، «**محمود احمد قاضی**».

ـ ژانویه ۲۰۰۱، وزیر تعذیه کشاورزی و دامپروری، «**خیر محمد جونجو**».

ـ فوریه ۲۰۰۱، رئیس اجرایی، ژنرال «**پرویز مشرف**».

● **دیدار مقامات مصری از پاکستان:**[۷٤]

ـ اکتبر ۱۹۹٦، «**مفتی اعظم‌الازهر**».

ـ مارس ۱۹۹۷، وزیر امور خارجه، «**عمر موسی**».

ـ آوریل ۱۹۹۹، معاون وزیر کشور، ژنرال «**ابوالعطا**».

بررسی سیاست‌ها در قبال عراق

روابط دیپلماتیک میان دو کشور، از سال ۱۹۵۷ برقرار گردید. تا قبل از جنگ خلیج‌فارس در سال ۱۹۹۱، تعداد درخور توجهی پاکستانی، در عراق حضور داشتند؛ اما بعد از آغاز تحریم‌های سازمان ملل بر این کشور، پاکستانی‌ها عراق را ترک کرده در حال حاضر به‌نظر نمی‌رسد که تعداد زیادی پاکستانی در عراق ساکن باشند؛ گرچه هنوز هر ساله پاکستانی‌های بسیاری برای زیارت عتبات عالیات به عراق سفر می‌نمایند.

تجارت میان عراق و پاکستان (۱۹۹۹ ـ ۲۰۰۰):

صادرات پاکستان به عراق: ۲/۲۹ میلیون دلار.

واردات پاکستان از عراق: ــــ

مهم‌ترین اقلام صادراتی پاکستان به عراق عبارت‌اند از: نخ‌های کتانی، منسوجات کتانی، الیاف مصنوعی و سنگ‌های معدنی.

یک کمیسیون مشترک وزرا برای همکاری اقتصادی میان دو کشور وجود دارد. هفتمین نشست این کمیسیون در بغداد، در فوریه ۲۰۰۰ تشکیل شد و قرار بر این بوده که هشتمین نشست این کمیسیون دهم تا دوازدهم آوریل ۲۰۰۱ در اسلام‌آباد برگزار شود.

مهم‌ترین دیدارهای سران دو کشور از یکدیگر:

- **دیدار مقامات پاکستانی از عراق:**

ـ فوریه ۱۹۹٤، نماینده ویژهٔ نخست‌وزیر، **«آصف علی سرداری».**

ـ فوریه ۲۰۰۰، وزیر بازرگانی و صنایع، **«عبدالرزاق داوود».**

ـ آوریل ۲۰۰۰، رئیس اداره توسعهٔ صادرات، **«طارق اکرام».**

ـ ژوئیه ۲۰۰۰، وزیر نفت و منابع طبیعی، **«عثمان امین‌الدین».**

ـ فوریه ۲۰۰۱، وزیر بهداشت، **«عبدالمالک کاسی».**

- **دیدارهای مقامات عراقی از پاکستان:**

ـ آوریل ۱۹۹٤، رئیس مجلس ملی عراق، **«سعدی مهدی صالح»**.

ـ اوت ۱۹۹٤، وزیر امور خارجه، **«محمد سعیدالصحاف»**.

ـ سپتامبر ۱۹۹٤، وزیر بهداشت عراق، **«امید مدحت مبارک»**.

ـ ژوئیه ۱۹۹۵، نماینده ویژهٔ رئیس‌جمهور عراق، **«احمد مرتضی احمدالزهیری»**.

ـ اوت ۱۹۹۵، معاون وزیر صنایع و معادن، **«عبدالغدیر احمد»**.

ـ اکتبر ۱۹۹٦، وزیر بهداشت و خدمات عمومی، **«امید مدحت مبارک»**.

ـ اوت ۱۹۹۹، رئیس مجلس، **«سعدون حمادی»**.

ـ نوامبر ۱۹۹۹، وزیر آموزش عالی و تحقیقات علمی، **«عبدالجبار توفیق»**.

یک برنامه تبادل فرهنگی میان دو کشور، در فوریه ۲۰۰۰ در بغداد برقرار گردید. بر پایه این همکاری، مبادلات در حوزه‌های آموزشی علوم، هنر و فرهنگ، جوانان، توریسم، ورزش، اطلاعات و توسعه رسانه‌ها صورت می‌گیرد.

وزیر نفت و منابع طبیعی پاکستان پیشنهاد نموده است که هشت مهندس نفت عراقی را تعلیم دهد.[۷۵]

بررسی سیاست‌ها در قبال عربستان سعودی

در حدود ۹۰۰ هزار پاکستانی در عربستان سعودی ساکن هستند. این دو کشور با توجه به این‌که از نظر مذهبی دیدگاه‌های بسیار مشابهی دارند؛ از روابط نزدیکی نیز (به‌خصوص در حوزه سیاسی) برخوردارند. بیشتر پاکستانی‌هایی که به عربستان سعودی مهاجرت نموده‌اند، در پی یافتن شغل و کار در این کشور بوده‌اند.

تجارت میان دو کشور (۱۹۹۹ ـ ۲۰۰۰):

صادرات پاکستان به عربستان: بالغ بر ۲۱٤/۷٦۷ میلیون دلار است.

واردات پاکستان از عربستان سعودی: بالغ بر ۹۲۲/۹۳٦ میلیون دلار می‌شود.

مهم‌ترین اقلام صادراتی پاکستان به عربستان شامل: برنج، منسوجات، پوشاک دوخته شده، الیاف مصنوعی، الیاف کتانی، ماهی، پوشاک بافتنی، سبزیجات و میوه‌جات و چادرهای خیمه است.

مهم‌ترین اقلام وارداتی پاکستان از عربستان عبارت‌اند از: نفت و محصولات نفتی.

کمیسیون مشترک اقتصادی پاکستان و عربستان، از سال ۱۹۷٤ تشکیل شد. ششمین نشست این کمیسیون در ژانویه ۲۰۰۱ در ریاض برگزار گردید. شورای مشترک تجاری میان دو کشور در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۰ میان اتاق‌های صنایع و بازرگانی عربستان و شورای FPCCI پاکستان منعقد گردید.

مهم‌ترین ملاقات‌های سران دو کشور:

● **دیدارهای مقامات سعودی از پاکستان:**

ـ مارس ۱۹۹۷، «**امیر عبداله بن عبدالعزیز**» (در چارچوب کنفرانس OIC).

ـ اکتبر ۱۹۹۸، «**امیر عبداله بن عبدالعزیز**».

ـ می ۱۹۹۹، وزیر دفاع «**سلطان بن عبدالعزیز**».

● **دیدارهای مقامات پاکستانی از عربستان:**

ـ آوریل ۱۹۹۰، نخست‌وزیر، «**بی‌نظیر بوتو**».

ـ سپتامبر ۱۹۹۰، نخست‌وزیر موقت، «**غلام مصطفی جاتویی**».

ـ ژانویه ۱۹۹۱، نخست‌وزیر، «**محمد نواز شریف**».

ـ اکتبر ۱۹۹۱، رئیس‌جمهور، «**غلام اسحاق‌خان**».

ـ اکتبر ۱۹۹۲، رئیس‌جمهور، «**غلام اسحاق‌خان**».

ـ سپتامبر ۱۹۹۲، نخست‌وزیر، «**نواز شریف**».

ـ فوریه ۱۹۹۳، نخست‌وزیر، «**محمد نواز شریف**».

ـ مارس ۱۹۹۳، نخست‌وزیر، «**محمد نواز شریف**».

ـ اکتبر ۱۹۹۳، نخست‌وزیر، «**بی‌نظیر بوتو**».

ـ ژانویه ۱۹۹٤، رئیس‌جمهور، **«فاروق احمدخان لغاری»**.

ـ فوریه ۱۹۹٤، نخست‌وزیر، **«بی‌نظیر بوتو»**.

ـ ژوئیه ۱۹۹۹، نخست‌وزیر، **«محمد نواز شریف»**.

ـ اکتبر ۱۹۹۹، رئیس اجرایی، **«ژنرال پرویز مشرف»**.

ـ ژوئن ۲۰۰۰، رئیس اجرایی، **«ژنرال مشرف»**.

ـ مارس ۲۰۰۱، رئیس اجرایی **«ژنرال پرویز مشرف»**[۷٦].

بررسی سیاست‌ها در قبال امارات متحده عربی

در ۱۸ ژوئن ۱۹۷۱، هم‌زمان با تأسیس امارات متحده عربی، روابط دیپلماتیک میان دو کشور به‌وجود آمد. بالغ بر ٤۰۰ هزار پاکستانی در امارات متحده عربی زندگی می‌کنند که نیمی از آنان در ابوظبی و العین ساکن هستند.

پاکستانی‌هایی که در امارات متحده عربی ساکن یا مشغول به کار هستند، در سال ۱۹۹۹ بیش از ۱۲۵/۰۸ میلیون دلار پول به پاکستان فرستادند.

تجارت پاکستان با امارات متحده عربی:

صادرات پاکستان به امارات متحده عربی: در حدود ٤۳۸/۷۰۲ میلیون دلار است.

واردات پاکستان از امارات متحده عربی: ٦٦۸/۹۲۱ میلیون دلار است.

مهم‌ترین اقلام صادرات پاکستان به امارات شامل: الیاف مصنوعی، نخ‌های کتانی، برنج، سبزیجات و میوه‌جات تازه، پارچه‌های بافتنی، پوشاک، حوله و جوراب است.

مهم‌ترین واردات پاکستان از امارات متحده عربی عبارت‌اند از: نفت و محصولات نفتی، مواد شیمیایی، وسایل نقلیه موتوری، کشتی و قایق.

همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور:

از سال ۱۹۷٤ یعنی از هنگام تأسیس کمیسیون مشترک وزرای امارات متحده عربی و

پاکستان، این کمیسیون به طور مستمر تشکیل جلسه داده است. در اکتبر ۱۹۹۷، هشتمین نشست کمیسیون مزبور که هدفش همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور است، برگزار گردید.

امارات و پاکستان افزون بر همکاری‌های اقتصادی، در مسائل دفاعی نیز با یکدیگر همکاری دارند. در ژوئن ۱۹۹۵ گروه مشورتی در خصوص مسائل دفاعی میان دو کشور شکل گرفت. هدف این گروه افزایش همکاری‌های دفاعی از طریق تولیدات نظامی مشترک، مانورهای نظامی و برنامه‌های مشترک آموزشی و اطلاعاتی است.[۷۷] این گروه دومین نشست خود را در سال ۱۹۹٦ برگزار کرد.

مهم‌ترین دیدارهای مقامات دو کشور از یکدیگر:

● **دیدار مقامات پاکستانی از امارات متحده عربی:**

ـ اوت ۱۹۹۰، وزیر امور خارجه، **«صاحب‌زاده یعقوب‌خان»**.

ـ سپتامبر ۱۹۹۰، نخست‌وزیر موقت، **«غلام مصطفی جاتویی»**.

ـ نوامبر ۱۹۹۰، نخست‌وزیر، **«محمد نواز شریف»**.

ـ اوت ۱۹۹۱، رئیس مجلس ملی، **«گوهر ایوب‌خان»**.

ـ سپتامبر ۱۹۹۱، نماینده ویژهٔ نخست‌وزیر، **«مالک نعیم‌خان»**.

ـ آوریل ۱۹۹۳، نخست‌وزیر، **«محمد نواز شریف»**.

ـ اکتبر ۱۹۹۳، نخست‌وزیر، **«بی‌نظیر بوتو»**.

ـ نوامبر ۱۹۹٦، وزیر امور خارجه، **«صاحب‌زاده یعقوب‌خان»**.

ـ مارس ۱۹۹۷، وزیر امور خارجه، **«گوهر ایوب‌خان»**.

ـ می ۱۹۹۷، رئیس‌جمهور، **«فاروق احمدخان لغاری»**.

ـ اکتبر ۱۹۹۹، رئیس اجرایی، **«ژنرال پرویز مشرف»**.

ـ فوریه ۲۰۰۰، وزیر نفت و منابع طبیعی، **«عثمان امین‌الدین»**.

ـ مارس ۲۰۰۰، وزیر دارایی و امور اقتصادی، **«شوکت عزیز»**.

ـ دسامبر ۲۰۰۰، رئیس اجرایی، **«ژنرال پرویز مشرف»**.

دیدار مقامات امارات از پاکستان:

- اکتبر ۱۹۹۲، ولیعهد ابوظبی، «**شیخ خلیفه بن زاید آل‌نهیان**».
- ژانویه ۱۹۹۳، رئیس امارات متحده عربی، «**شیخ زاید بن سلطان آل‌نهیان**».
- فوریه ۱۹۹۳، نخست‌وزیر، «**شیخ مکتوم‌الرشید آل‌مکتوم**».
- ژانویه ۱۹۹۵، رئیس امارات متحده عربی و حاکم ابوظبی، «**شیخ زاید بن سلطان آل‌نهیان**».
- ژانویه ۱۹۹۹، رئیس امارات متحده عربی و حاکم ابوظبی، «**شیخ زاید بن سلطان آل‌نهیان**».
- می ۱۹۹۹، وزیر اطلاعات، «**شیخ عبدالله بن زاید آل‌نهیان**».
- فوریه ۲۰۰۰، ولیعهد، ابوظبی معاون و فرمانده کل نیروهای مسلح، «**شیخ خلیفه بن زاید آل‌نهیان**».
- ژوئیه ۲۰۰۰، ولیعهد دبی، «**شیخ محمد بن رشید آل‌مکتوم**».

تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها

تمامی کشورهای بررسی شده به استثنای هند ـ که در برخورد با نظام سیاسی پاکستان در پی اصلاح سیاست‌های این کشور است ـ بقیه دولت‌های ذکرشده، هیچ‌گونه مخالفت، دشمنی و قصد براندازی در پاکستان را ندارند.

پاکستان با تمامی کشورهای بررسی شده، پروژه‌ها و برنامه‌های فرهنگی، (هر چند بسیار اندک) را دارا است. به استثنای تروریسم و سازمان‌های افراطی، رسانه‌های کشورهای یادشده تبلیغات منفی علیه پاکستان ندارند. طی چند سال اخیر که پاکستان از گروه تندروی طالبان در افغانستان حمایت می‌نمود، کشورهای آسیای مرکزی به شدت از گسترش روزافزون قدرت این گروه نگران بودند و مخالفت خود را با آن اعلام نمودند.

پاکستان در عرصه سازمان‌های منطقه‌ای، نقش چندان فعالی ایفا نمی‌نماید. پاکستان در اکو و سارک نیز به منزلهٔ عنصری نه چندان مؤثر شناخته شد. در سارک، پاکستان به‌رغم اختلافاتی که با هند دارد، هیچ‌گاه کشوری تک‌رو نبوده است. علی‌رغم آن‌که دولت پاکستان از توانایی

هماهنگ‌ساختن سیاست‌های خود با دیگر کشورها حتی آنانی که به‌نوعی در حالت تخاصم با پاکستان به سر می‌برند، برخوردار است اما مسئله عدم رعایت حقوق بشر در آن کشور و تسلیحات هسته‌ای باعث گردیده تا این کشور بیشترین مشکل را در همین دو حوزه در صحنه روابط بین‌الملل داشته باشد. در حال حاضر مهم‌ترین چالش پاکستان با هند و ایالات متحده و آن هم دربارهٔ تسلیحات هسته‌ای و حقوق بشر است.

ایالات متحده آمریکا بعد از آزمایش هسته‌ای پاکستان این کشور را تحریم اقتصادی نمود؛ اما در حال حاضر و بعد از حمایت اسلام‌آباد از سیاست‌های آمریکا در قبال افغانستان این تحریم‌ها به میزان زیادی برداشته شده است. پاکستان همیشه در صدد گسترش روابط تجاری ـ اقتصادی خود با دیگر کشورهای جهان به غیر از اسرائیل (پاکستان روابط تجاری رسمی با اسرائیل ندارد.) می‌باشد. چین و آمریکا جایگاه خاصی را در سیاست خارجی به خود اختصاص داده‌اند؛ به‌ویژه چین که در امر تأمین تجهیزات نظامی پاکستان نقش بسیار اساسی را ایفا می‌نماید. در حال حاضر بیشترین تجهیزات نظامی پاکستان ساخت چین یا آمریکا است.

با توجه به این‌که پاکستان تنها می‌تواند بر چند محصول تولیدی خود تکیه نماید، طبیعی است که در بیشتر موارد، موازنهٔ تجاری به نفع کشور مقابل باشد.

مهم‌ترین حوزه‌ای که پاکستان سعی در گسترش آن داشته، انرژی اتمی است. چین به‌گونه‌ای مشخص، طی چهل و هشت سال گذشته، رابطه‌ای دوستانه را با پاکستان پایه‌ریزی کرده و در سال ۱۹۹۱ جهت ساخت یک راکتور اتمی سیصد مگاواتی در «چشمه» قراردادی را با دولت پاکستان منعقد نمود. در همین راستا در سال ۱۹۹۱ ژنرال «چی‌هائوتیان» (Chi Haotian)، وزیر دفاع چین، از پاکستان دیدن کرد. مواد اولیه و توسعه تسلیحات هسته‌ای و موشکی مهم‌ترین عرصه‌های گسترش تجارت پاکستان با کشورهای جهان محسوب می‌شود. سه کشور هند، آمریکا و ایران مثلثی را تشکیل می‌دهند که پاکستان بیشترین اختلافات خود را با این مثلث داشته است. مسئلهٔ کشمیر و تروریسم فرامرزی اصلی‌ترین کشمکش هند و پاکستان است. حضور گروه‌های تروریستی مستقر در کشمیر پاکستان که به راحتی قادر به

صدمه رساندن به اهداف هند بوده و همچنین اختلاف مرزی هند و پاکستان بر سر کشمیر، مهم‌ترین مصداق منازعه این دو کشور است. البته نباید از نظر دور داشت که هیچ‌گاه به‌رغم عمق اختلاف دو کشور، این دو سیاست‌های جنگجویانه‌ای نسبت به یکدیگر اتخاذ نکرده‌اند و جالب‌تر این‌که با وجود وقوع سه جنگ میان هند و پاکستان، مدت زمان آن‌ها بسیار محدود و همیشه درهای مذاکره باز بوده است.

دومین مورد، اختلاف‌نظر میان ایران و پاکستان بر سر مسئلهٔ افغانستان و درگیری‌های میان سنی‌ها و شیعیان در پاکستان است. تا قبل از سرنگونی طالبان، حمایت پاکستان از این گروه افراطی و حمایت ایران از ائتلاف شمال، خود یکی از مصادیق اختلاف‌نظر میان این دو کشور به‌شمار می‌رفت. از سوی دیگر ترور بعضی از اتباع ایرانی در پاکستان به دست گروه‌های تندرو سنی، باعث گردید تا روابط ایران و پاکستان تحت تأثیر قرار بگیرد. است که به‌رغم ترور اتباع ایرانی در پاکستان و ترور دیپلمات‌های ایرانی در افغانستان ـ که با حمایت تلویحی پاکستان صورت پذیرفت ـ هر دو کشور به این مسئله که باید روابط مناسب و پایداری با یکدیگر داشته باشند تمایل دارند. به همین منظور، «ژنرال پرویز مشرف»، در سفر خود به ایران در دسامبر سال ۲۰۰۰، بر تعمیق روابط کشور خود با ایران تأکید نمود. قاچاق مواد مخدر از پاکستان به ایران و دارا بودن تسلیحات هسته‌ای این کشور، چالشی را پیشاروی دولت ایران قرار داده است. روابط ایالات متحده آمریکا و پاکستان نیز بر سر سه موضوع: حمایت پاکستان از رژیم طالبان در افغانستان، تسلیحات هسته‌ای در جنوب آسیا و مسئله حقوق بشر گره خورده است.

هر چند بعضی از سیاستمداران خواهان آن بودند که بمب هسته‌ای پاکستان را با عنوان «بمبی اسلامی» مطرح نموده و آن را به مسئله‌ای اختلاف‌برانگیز میان پاکستان و اسرائیل مبدل نمایند، این خواسته عملی نگردید؛ زیرا سیاستمداران پاکستانی به صراحت اعلام نمودند که چیزی به‌نام «بمب اسلامی»، وجود خارجی ندارد.

چنانچه بخواهیم در عرصهٔ سیاسی، تهدیدات کشورهای دیگر نسبت به پاکستان را در نظر

بگیریم، باید گفت در روابط پاکستان با یازده کشور صنعتی، هند و دیگر همسایگانش، باید قبول کرد که پاکستان به غیر از موارد حقوق بشر و آزمایش‌های هسته‌ای، هیچ اختلاف سیاسی خاصی با کشورهای غربی ندارد. در مورد هند نیز حمایت از گروه‌های تروریستی مخالف هند و مسابقهٔ تسلیحاتی که با این کشور دارد و نیز اختلافات سرزمینی تنها مورد اختلاف‌برانگیز میان دو کشور است. در مسئلهٔ حقوق بشر، پاکستان به‌ویژه دربارهٔ مسائل زنان تحت فشار قرار دارد. طبق گزارش‌های کمیسیون حقوق بشر به سازمان ملل، جامعهٔ پاکستان هنوز یک جامعه مردسالار باقی مانده است.

زنان به ندرت یا به سختی می‌توانند با نفوذ، مناصبی را اشغال نمایند. زنان در پاکستان صد و چهل میلیونی، تنها از نرخ باسوادی ۲۵٪ برخوردارند.[۷۸] طبق گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشر، به‌دلیل وجود قوانین موجود در پاکستان، زنان برای کسب حق خود با چالش‌های بسیاری روبه‌رو هستند. در سال‌های اخیر آزادی‌های بیشتری به زنان در پاکستان داده شده است؛ اما گروه‌های عمده تندروی افراطی پاکستان، بر این باورند که زنان نباید در خارج از خانه کار کنند و چنانچه اجازه کار در خارج از خانه به آنان داده شود نباید تحت هیچ شرایطی، ارتباط نزدیک با مردان در محیط کار داشته باشند.بر طبق گزارشات سال ۱۹۹۹ سازمان حقوق بشر در خصوص پاکستان، در چند سال اخیر به‌دنبال حرکت هدف‌دار و منظم دولت پاکستان مبنی بر دادن اختیارات بیشتر به زنان، به‌ویژه در سطوح اجتماعی و سیاسی، بیش از هزار زن قربانی «قتل‌های شرافتی» شده‌اند. وجود وضعیت خاص زنان، کودکان، حقوق کارگران، حقوق زندانیان و مانند آن از جمله مواردی است که کشورهای غربی و به‌خصوص سازمان‌های بین‌المللی از آن طریق پاکستان را محکوم می‌نمایند. بعد از واقعهٔ یازده سپتامبر و همکاری دولت پاکستان با ایالات متحده آمریکا، از فشارهای خارجی بر پاکستان مبنی بر حمایت این کشور از گروه‌های تروریستی کاسته شد؛ اما هنوز کشورهایی همچون هند، حمایت پاکستان را از تروریسم نوعی تهدید دانسته و سعی در فشار آوردن بر این کشور به‌منظور عدم حمایت از این گروه‌ها می‌نمایند.

سیاست خارجی، متشکل از جمعی از اصولی است که منافع و اهداف دولت مورد نظر را در ارتباط با دیگر دول مشخص می‌سازد. این فعالیت‌ها که از سوی دولت‌ها و برای تأثیرگذاری و تغییر در رفتار دیگر دول و برای پذیرش و اقدامات آنان در محیط بین‌المللی صورت می‌پذیرد، در صورت ناکارآمدی می‌تواند یکی از منابع آسیب‌پذیری هر کشور محسوب گردد.[۷۹]

سیاست‌گذاری خارجی، روند بسیار متحول و پیچیده‌ای است و همان‌گونه که تحت تأثیر محیط بین‌المللی قرار می‌گیرد، از مسائل داخلی نیز متأثر می‌گردد؛ بنابراین تجزیه و تحلیل سیاست خارجی هر کشوری، به‌خصوص کشورهای جهان سوم، با مشکل روبه‌رو خواهد شد. پاکستان نیز خارج از این چارچوب نبوده و روند سیاست‌گذاری در این کشور باعث می‌گردد تا افزون بر مواجهه این کشور با مشکل در عرصهٔ سیاست بین‌الملل، ابعاد مختلف سیاست داخلی نیز از آسیب‌پذیری در امان نماند. پس از فروپاشی شوروی، ظهور آمریکا با عنوان تنها ابرقدرت جهانی، باعث گردید تا پاکستان آسیب‌پذیری‌های جدیدی را در عرصهٔ داخلی و خارجی تجربه نماید.

همان‌گونه که بارستون (Barston) در کتاب خود می‌نویسد، یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشورهای جهان سوم در بعد سیاست داخلی، افزایش تنش دیپلماسی فردی به‌دست رئیس حکومت و دولت است. از سوی دیگر تصمیم‌گیری مرکزی در سیاست خارجی کشورهای جهان سوم ـ از جمله در پاکستان ـ در قبال دولت‌های متفاوت از سوی یک نفر یا گروهی مشخص، و نیز افزایش روزافزون طبیعت تکنیکی سیاست خارجی موجود در جهان، باعث می‌گردد تا پاکستان در قبال تصمیم‌گیری‌های سیاسی اتخاذ شده خود ـ چه از داخل و چه از خارج ـ با مشکل روبه‌رو گردد. ریشه منازعات در پاکستان ـ که مهم‌ترین آسیب‌پذیری این کشور در داخل محسوب می‌گردد ـ ناشی از سه دلیل است:

۱. مشروعیت سیاست‌های استعماری.

۲. توسعه هویت‌های ملی و تقویت نقش آن‌ها در شکل‌دهی امنیت پاکستان.

۳. وجود حقیقتی مبنی بر فقدان مکانیسم مناسب به‌منظور کنترل منازعه.[۸۰]

غیرمنطقی خواهد بود چنانچه بخواهیم آسیب‌پذیری پاکستان در عرصهٔ سیاسی را جدای از آسیب‌پذیری‌های نظامی این کشور مطرح نماییم. با توجه به این‌که هند و پاکستان دو کشور رقیب هستند که با هم اختلافات عمیقی بر سر مسائل سرزمینی دارند، آسیب‌پذیری‌های سیاسی دو کشور، استعداد بالقوه‌ای برای مبدل شدن به آسیب‌پذیری‌های نظامی را به همراه دارد.

پی‌نوشت‌ها:

1. http://www.mcmory.loc.gov/cgi-bin/qucry/r?frd/csdv:@field (docid+pko114)
2. http://www.JanG.com
3. George Thomas Kurian, Encyclopedia of the third world, Fourth Edition, Volume II. P. 1475
4. http://www.mcmory.loc.gov/cgi-bin/qucry/r?frd/cstdy:@field (Docid+PKO117)
5. George Thomas Kurian, Op.cit. p. 1473
6. http://www.pak.gov.PK/Public
7. http://www.forisb.org/pak
8. http://www.pat.com.pk/theforder/thefounder.shtml
9. http://www.pat.com.pk/thefounder/thefoundez-intel-accomp.shtml
10. Ibid
11. Ibid
12. Ibid
13. Ibid
14. Ibid
15. D.S. Lewis. Profiles of World Wide government Leaders (2001), (Washington: Keesings's World Wide, L.L.C) P.525
16. Ibid
17. Ibid
18. Ibid
19. http://www.Library.cqpress.com/cqreSearcher
20. Ibid
21. Barry Turner, the States Man's Year Book (2000), (London: MC Milan Press), P.1204

22. http://www.Fas.Org/Irp/World/Pakistan/ISI
23. http://www.IPCS.Org/ISSUES/articles/191-IP-Krishna.htm
24. http://www.Saag.Org/Papers3/Paper28/htm
25. Ibid
26. http://www.ipcs.org/issus/indo-pak-index.html
27. Ibid
28. http://www.terra.es/Personal2/monolith/pakistan.html
29. http://www.Countrywatch.Com/ Pakistan.html
30. Ibid
31. http://www.1upinfo.com/country-guide-study/pakistan/pakistan
32. http://www.memory.Loc.gov/cgi-bin/query/?frd/cstdy:@field(DOCID+PKO126)
33. Ibid
34. http://www.Pakistanawamitehreek.com
35. http://www.pat.com./pk/organization/organization-hierarchy.shtml
36. http://memory.Loc.gov/Cgi-bin/query/r?frd/cstd:@field (DOCIO+PKO123)
37. Ibid
38. Shahid Javeid Burki, HISTORICAL DICTIONARY OF PAKISTAN, (London: The Scarecrow Press, 1999). PP. 15-16
39. Ibid, P 26
40. Richard F. Nyrop, Pakistan: a Country Study, (Washington, D.C: American University, 1995) PP. 306-307
41. Mehtab Ali Shah, THE FOREIGN POLYCY OF PAKISTAN: Ethnic on Diplomacy 1971 - 1994, (London: I. B. Tauris, 1997) P. 220
42. Ibid
43. Ibid, p. 225
44. Ibid, p. 226
45. Ibid, p. 225
46. Ibid
47. http://www.forisb.org/policy.html
48. http://www.memory.Loc.gov/cgi-bin/query/r?frd/cstdy:@field (Docid+pk0157).
49. Ibid ·
50. http://www.forisb.org/policy.html

۵۱. واحد مرکزی خبر، ۸۰/۱۰/۲۲

۵۲. خبرگزاری فرانسه، واشنگتن، ۸۰/۱۰/۲۲

53. http://www.forisb.org/pak-us.html
54. http://www.state.gov/r/pa
55. http://www.ummah.org.uk/kashmir/

56. http://www.un.org/dpko/missions/unmogip/unmogipd.html
57. http://www.pakalert.net/articles/Kashmir-map.asp
58. http://www.meadev.nic/in-packtrade.htm
59. http://www.commin.nic.in/doc/annual/contents.htm
60. Musa Khan Jalalzal, THE FOREIGN POLICY OF PAKISTAN, (Lahore: DUA: Publications 2001), P.127
61. http://www.forisb.org/pak-chaina.html
62. Ibid
63. 2000/01 State Bank of Pakistan Annual Report. pp. 96-99
64. Ibid
65. http://www.forisb.org/pak-iran.html
66. http://www.netiran.com/frame-html/clippings/feconomy.index.html

۶۷. ریچارد کالگر، استراتژی نظامی و وضعیت نیرویی آمریکا در قرن بیست‌ویکم، ترجمه احمدرضا تقا، و داود علمایی، (تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۸۰)، صص ۱۵۱_۱۵۰

68. http://www.forisb.org/pak-italy.html
69. http://www.forisb.org/pak -canada.html
70. http://www.forisb-org/pak-france.html
71. http://www.forisb.org/pak-germany.html
72. http://www.forisb.org/pak-russia.html
73. http://www.forisb.org/pak-tajikistan.html
74. http://www.forisb.org/pak.Egypt.html
75. http://www.forisb.org/PAK - IRAQ.html
76. http://www.forisb.org/pak - Arabia.html
77. http://www.forisb.org/pak - UAE.html
78. http://www.CIA.Factbook.com
79. R. P. Barston, Modern Diplomacy, (London: Longman, 1988), p 3
80. Musa Khan Jalalzai, The foreign Policy of Pakistan, (Lahore: DUA publication, 2000), p 15

فهرست منابع

منابع انگلیسی:

1. Ahmad, Akbar. S, *Pakistan Society: Islam, Ethnicity and Leadership in south Asia*, New York: Oxford University Press, 1993
2. Akhtar, Rafique, *Pakistan Yearbook* (1995), Karachi
3. Ali Shah, Mehtab, *The Foreign Policy of Pakistan: Ethnic Impacts on Diplomacy 1971 – 1994*, London: I. B. Touris, 1997
4. Asaf, Hussain, *Elite Politics in an Idelogical State: the Case of Pakistan*, Folkestone: Dawson, 1979
5. Asghar khan, Mohammad, *Generals in Politics: Pakistan 1958 – 1982*, New Delhi: Vikas, 1983
6. Aziz, K.K., *The making of Pakistan: A study in Nationalism*, London: Chatto and windus, 1967
7. Barston, R. P, *Modern Diplomacy*, London: Longman 1988
8. Baxter, Graig, *Zia'S Pakistan: Politics and Stability in a Frontline State*, Pakistan: Vanguard Book LTD, 1985
9. Baxtes, Craig, *Pakistan and Bangladesh*, Maryland: University Press of America, 1984
10. Bhola, P. L., *Pakistan – China Relations*, India: R. B. S. Publishers, 1986
11. Blood, Peter R., *Pakistan a Country Study*, Washington DC: Federal Research Division, Library of Congress, 1995

12. Buke, S. M. and Ziring, Lawrence, *Pakistan's Foreign Policy*, Oxford: Oxford University Press, 1990
13. Burki, Shahed Javed, *Pakistan under the military: eleven Years of Zia ul – Haq*, Boulder: Westview Press, Pak Book corp, 1991
14. Burki, Shahid Javed, *Historical Dictionry Of Pakistan*, London: Scare Crow Press, 1999
15. D. Hayes, Louis, *Politics in Pakistan: The Struggle for Legitimacy*, London: Westview Press, 1984
16. Duncan, Emma, *Breaking the curfew: a Political journey through Pakistan*, London: M. Joseph, Viking Penguin, 1989
17. Dutt, Ashok k. and Geib, m. m., *Atlas of South Asia*, Colorado: West view Press, 1987
18. Economic survey 1994 - 95
19. Europe world yearbook, 2000
20. Gardezi, Hassan and Rashid, Jamil, *Pakistan: the Roots of Dictatorship*, London: Zed Press, 1983
21. Gilmartin, David, *Empire and Islam; Punjab and making of Pakistan*, Berkeley: University of California, 1988
22. Haq, Noorul, *Making of Pakistan, the Military Perspective*, Pakistan: National Institute of Historical and cultural Reserch, 1993
23. Holliday, Fred & Alavi, Hamga, *State and Ideology in the middle East and Pakistan*, New York: Monthly Review Press, 1988
24. Hussain, J., *A History of the peoples of Pakistan: Towards independence*, Karachi: oxford university Press, 1997
25. Hussain, Mushahid, *Pakistan's Politics: the Zia years*, Pakistan: Progressive Publishers, 1990
26. IMF International Financial. Statistic
27. Jahan, Rounaq, *Pakistan: Failure in National integration*, New York: Columbia university Press, 1972
28. Jalalzai, Musa Khan, *The Foreign Policy Of Pakistan*, Lahore: DUA Publications, 2000
29. Joshi, V. T., *Pakistan: Zia To Benazir*, Delhi: Konarak Publishers, 1995
30. Khurshid, Ahmad, *Proportional representation and The revival of Democratic Process in Pakistan*, Islamabad: Institute of Policy Studies, 1993
31. Krieger, Joel, *The Oxford Compantion To Polittics Of The world*, Oxford: Oxford University Press, 1993
32. Kureshy, K. U., *A Geography of Pakistan*, Karachi: Oxford University Press, 1978
33. Low, D.A., *The Political in heritance of Pakistan*, New York: St. Martins Press, 1991

34. Nagavi, Jamal & Ali, Shaukat & Ali Farz, *Inside Pakistan,* New Delhi: Patrist Publishers, 1986
35. Nyrop, Richard F. & Bederly, Beryl L., *Area Hand Book for Pakistan*, Washington, 1971
36. Nyrop, Richard F., *Pakistan: a Country Study*, Washington DC: American university, 1995
37. P.Singhal, Damodar, *Pakistan*, New Jersey: Englewood Ciffs, 1972
38. Quddas, Syed Abdul, *Bureaucracy & Management in Pakistan*, Pakistan: Royal Book Co, 1991
39. Robinson, Francis, *The Cambridge Encyclopedia of India, Pakistan, Bangladesh, Srilanka, Nepal, Bhutan and the Maldives*, New York: Cambridge university Press, 1989
40. Rounog, Jahan, *Pakistan: failure in National integration*, New York: Columbia university Press, 1972
41. Saeed, Javaid, *Islam and modernization: a comparative analysis of Pakistan, Egypt and Turkey,* conn: Praeger, 1994
42. SIPRI Yearbook 2000. oxford university Press, 2000
43. Sreedhar, *Pakistan After Zia*, New Delhi: ABC, Pub. House, 1989
44. *The Europa World Yearbook 2000*, Volume II, London: Europa publicatins
45. *The International Whos Who (2001)*, 64th Edition, London Europa Publciations
46. The Military Balance 1999 - 2000
47. Wheeler, Richards, *The politics of Pakistan: a constitutional quest,* New York: Cornell university Press, 1970
48. Yar Khan Baluch, Mir Ahman, *Inside Baluchistan*, Karachi: Royal Book Company, 1975

منابع فارسی:

۱. اسعدی، مرتضی، *جهان اسلام*، جلد دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹

۲. صافی، قاسم، *سفرنامه پاکستان*، تهران: کلمه، ۱۳۶۶

۳. فرزین‌نیا، زیبا، *کتاب سبز پاکستان*، تهران: وزارت امور خارجه

۴. فولر، گراهام، *قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران*، ترجمهٔ عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳

۵. کالگر، ریچارد، *استراتژی نظامی و وضعیت نیروی آمریکا در قرن ۲۱*، ترجمهٔ داوود علمایی، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۸۰

۶. کامران مقدم، شهین‌دخت، *نگاهی به پاکستان*، تهران: چاپ گلشن

۷. لانگ، روبرت، *سرزمین و مردم پاکستان*، ترجمه داود حاتمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲

۸. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، *بررسی مسایل کشورها «پاکستان»*، ۱۳۶۸

منابع اینترنتی:

1. http://www.news.bbc.co.uk
2. http://www.forisb.org
3. http://www.pakistanbiz.com
4. http://www.wunderground.com
5. http://www.pak.gov.pk
6. http://www.alephx.com
7. http://www.fas.org
8. http://www.geocities.com
9. http://www.odci.gov
10. http://www.pakistaninformation.com
11. http://www.emulateme.com
12. http://www.instecdigitan.com
13. http://www.rpi.edu
14. uscentcom 2000 Atlas Pakistan
15. http://www.Cia.worldfactbook
16. http://www.abcnews.go.com
17. http://www.infoplease.com
18. http://www.theodora.com
19. http://www.issi.org.pk
20. http://www.pat.com.pk
21. http://www.odci.gov
22. http://www.state.gov
23. http://www.usinfo.state.gov
24. http://www.memory.loc.gov
25. http://www.pakistawaniTehreek.com
26. http://www.globalwomenrights.net
27. http://www.csis.org
28. http://www.mnet.fr
29. http://www.un.org.PK
30. http://www.rri.org

31. http://www.rri.org
32. http://www.ppp.org.pk
33. http://www.parep-Tehran.org
34. http://www.mqm.org
35. http://www.yahoo.com/regional/countries/pakistan
36. http://www.web.nos.navy.mil
37. http://www.saag.org
38. http://www.refugees.org
39. http://www.sil.org
40. http://www.ethnologue.com
41. http://www.Pakistan.informarion.com
42. http://www.CIA:wordfactbook 2000

فهرست منابع

نمایه اشخاص

نمایه احزاب، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، مؤسسات و غیره

نمایه اماکن جغرافیایی